



دَفْعُ وَرَفْعُ

پاسخ به سوالات و شبهات پیرامون

مهدویت

مرکز مطالعات و پاسخ‌گویی به شبهات

(خوزه‌های علمیه)

پاسخ

ضمیمه فصلنامه پاسخ
pasokhmag.ir



فهرست

مقدمه

موعودگرایی

مهدی باوری

مهدویت در قرآن

مهدویت در صحیحین

وجود و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

علائم و زمینه های ظهور

مباحث عصر ظهور

آسیب شناسی مهدویت

مقدمه

اعتقاد به منجی موعود بر دو پایه عقلی و نقلی استوار است: نخست، نیاز فطری انسان به راهبر الهی که ضرورت وجود منجی و ظهور او را ایجاب می‌کند؛ دوم، تأکید آموزه‌های دینی بر اندیشه نیک‌فرجامی و انتظار آمدن منجی موعود در پایان تاریخ. این اعتقاد، از مبانی مشترک ادیان الهی است.

در این ضمیمه فصلنامه پاسخ، ضمن تحلیل جایگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تعالیم دینی و روایات اسلامی، شبهات حول موضوع مهدویت بررسی و با ارائه ادله مستند، پاسخ داده شده است.

«دفع و رفع»، تاملی در شبهات جاری است که تلاش می‌کند ضمن ارائه پاسخ تفصیلی، موضعی تهاجمی و پیش‌گیرانه به مسائل و موضوعاتی داشته باشد که زمینه‌ساز بروز شبهه یا شبهه افکنی در فضای فکری جامعه است.

بر خود لازم می دانیم که از زحمات گروه‌های تاریخ و کلام
این مرکز تشکر نماییم.

موعودگرایی

مبنای موعودگرایی چیست؟

مبنای معرفتی اعتقاد به منجی موعود و ضرورت ظهور وی در آخرالزمان، به طور کلی بر دو پایه عقلی و نقلی استوار است:

۱. مبنای عقلانی اعتقاد به منجی موعود، مبتنی بر نیاز فطری انسان به راهبر الهی است؛ زیرا فطرت کمال طلب و ترقی خواه انسان ضرورت وجود منجی الهی و ظهور او را ایجاب می کند. جوامع بشری تنها در پرتو هدایت و مدیریت رهبر معصوم و الهی می توانند به همه خواسته ها و تمنیات متعالی که خداوند در وجود انسان به ودیعت گذاشته است نائل شوند، در غیر این صورت استعداد های نهفته در وجود انسان هرگز شکوفا نخواهد شد و انتظارات فطری او به ثمر نخواهد نشست و در نتیجه، سلسله متکامل تاریخ بشر، ابتر و بی پاسخ خواهد ماند.

۲. دومین مبنای اساسی موعودگرایی، تأکید آموزه های

دینی و تعلیمات آسمانی ادیان الهی بر اندیشه نیک فرجامی و انتظار آمدن منجی موعود الهی در پایان تاریخ است و این اعتقاد، از آموزه‌های مشترک همه پیروان ادیان الهی شمرده می‌شود؛ زیرا همگان منتظر آمدن موعود نجات‌بخشی هستند که تمامی آرمان‌های تاریخی و دیرپای بشریت را برای زندگی در یک مدینه فاضله و سرشار از معنویت و اخلاق، تحقق خواهد بخشید. از این رو، اندیشه موعودباوری در حقیقت ره‌آورد گفتمان دینی و کتب آسمانی بوده و منادیان اصلی آن پیامبران الهی می‌باشند که از گذشته دور، نگاه بشریت را به سوی آینده روشن و بهجت‌آوری معطوف نموده و فرارسیدن چنین دوران ایده‌آلی را برای فردای تاریخ، بشارت داده‌اند.^۱

تأکید بر عنصر اخلاق و حاکمیت فضائل انسانی و بسط عدالت همگانی و مساوات، از مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه آرمانی مورد نظر ادیان الهی به شمار می‌رود. به همین جهت، پیروان ادیان الهی با الهام از تعالیم پیامبران خویش، همواره چشم به راه آن روز بوده‌اند؛ اگرچه این انتظار به طول انجامیده و چنین آرمانی تاکنون محقق نشده است، اما این ایده جزو آرمان‌های تغییر نیافته و پایدار جوامع انسانی در طول قرن‌ها بوده و از مسلّمات اعتقادی پیروان ادیان آسمانی به‌ویژه ادیان سه‌گانه ابراهیمی شمرده می‌شود. از این رو، اگرچه

۱. صمدی، قنبرعلی، آخرین منجی/شناخت‌نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک، ص ۱۵.

پیروان هر مکتب و آئینی، بر اساس تعالیم دینی خویش، هر کدام در این زمینه، تفسیر خاص خود را دارند، اما فراگیر بودن اصل این اعتقاد، بیان گراصلت اندیشه موعودگرایی و جهانی بودن آن است و در کتب مقدس یهودیان، مسیحیت و اسلام بدان بشارت داده شده است.

الف) موعودگرایی یهودیت: در متون دینی یهود مانند عهد عتیق و سفرهای تورات و دیگر کتاب‌های انبیای آنان مانند کتاب دانیال نبی^۱، کتاب اِشْعِیای نبی^۲، کتاب زبور داود^۳ و دیگر متون مقدس آنان، از ظهور منجی موعود و غلبه صالحان بر شروران در پایان تاریخ، خبر داده است.

ب) موعودگرایی مسیحیت: در آموزه‌های دینی مسیحیت که از لحاظ معرفتی ادامه دین یهود است و کتاب مقدس یهودیان؛ یعنی عهد عتیق، منبع دینی و فرهنگی آنان نیز محسوب می‌شود.

علاوه بر بشارت‌های کتاب مقدس عهد عتیق، در هر کدام از اناجیل چهارگانه آنان مانند انجیل متی^۴، انجیل لوقا^۵، انجیل مرقس^۶ و مکاشفات یوحنا^۷، بشارت‌های درباره ظهور

۱. ر.ک: کتاب مقدس، کتاب دانیال، ف ۱۲، ب ۳۱.

۲. همان، کتاب اشعیا نبی، ب ۱۰۱.

۳. همان، مزامیر داود، ب ۳۷.۹.

۴. ر.ک: انجیل متی، ب ۲۳: ۳۱-۳۳.

۵. ر.ک: انجیل لوقا، ب ۱۲: ۳۵-۳۷.

۶. ر.ک: انجیل مرقس، ب ۱۱: ۳۲-۳۷.

۷. ر.ک: انجیل یوحنا، ب ۵: ۲۶-۲۸.

پسر انسان و موعود آخرالزمان، نقل شده است.^۱ هم‌چنین در کتاب‌های مقدس سایر آیین‌ها، نظیر زردشتیان، هندوها، بوداییان و ... که رهبران آنها خود را پیامبر آسمانی معرفی می‌کرده‌اند نیز مباحث زیادی در زمینه منجی موعود جهانی بیان شده است. مجموعه این گونه مطالب به وضوح، اصیل و جهانی بودن اعتقاد به ظهور يك موعود بزرگ را به اثبات می‌رساند.^۲

ج) موعودگرایی اسلامی: در متون دینی اسلام، مسأله موعود و منجی آخرالزمان، بیش از دیگر ادیان مورد توجه قرار گرفته و اعتقاد به ظهور منجی موعود و پایان خوش تاریخ، در آیات و روایات تبیین شده است. قرآن کریم از وعده تخلف‌ناپذیر الهی درباره حاکمیت صالحان بر زمین و غلبه دین اسلام بر همه ادیان باطل سخن گفته و تحقق حکومت عدل جهانی اسلام در پایان تاریخ را بشارت داده است.^۳

۱. نکته قابل تأمل در این رابطه آن است که موعودگرایی موجود در میان پیروان دین یهودیت و مسیحیت، یا دچار تحریف گردیده و یا بسیار مبهم و ناکارآمد است.

۲. تونه‌ای، مجتبی، موعودنامه، ص ۴۰۱.

۳. وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيَبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَغْدٍ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا! خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن‌چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند. (سوره نور، آیه ۵۵).

در منابع روایی نیز احادیث فراوانی، بر لزوم وابستگی نظام هستی به وجود امام عَلَيْهِ السَّلَام و ضرورت وجود همیشگی حجت الهی و واسطه فیض در میان مخلوقات^۱ و خالی نبودن زمین از امام عَلَيْهِ السَّلَام تا زمان برپایی قیامت^۲ تأکید گردیده و از حتمی بودن ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان آخرین منجی موعود الهی، خبر داده است.^۳ نتیجه آن‌که: اندیشه موعودگرایی و آرمانخواهی دینی، یک اعتقاد فراگیر و انتظار همگانی است که در میان امت‌های پیشین نیز ریشه داشته و کتب آسمانی پیشین مردم را به آیندهای روشن نوید داده است،^۴ اما در اسلام اندیشه

۱. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره ضرورت وجود مستمر حجت و واسطه فیض الهی فرمود: «وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا»؛ اگر چنین نباشد، زمین اهلش را در خود فرو می‌برد (نظام هستی از هم می‌پاشد). (کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۱).

۲. امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، ثُمَّ قَالَ: وَلَمْ تَخُلْ الْأَرْضُ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ بَلَّهَ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ، وَلَا تَخْلُو إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ اللَّهِ وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يَغْبَدْ اللَّهُ»؛ اگر امام در زمین نباشد زمین اهل خود را فروبرد، سپس فرمود: از روزی که خدا آدم را آفریده، زمین خالی از حجت نیست که یا ظاهر و مشهور بوده است و یا غایب و مستور و تا قیامت هم خالی نمی‌ماند، او حجت خداست و اگر چنین نباشد خدا را نپرستند. (امالی صدوق، ص ۱۸۶؛ طبرسی، الإحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۱۷).

۳. رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مَتًى»؛ اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی کند تا مردی از خاندان ما ظهور نماید. (کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۷). «لَا تَذْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّى يَلِيَ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُقَالُ لَهُ الْمَهْدِيُّ»؛ دنیا هرگز به پایان نرسد مگر آن‌که مردی از اهل بیت من که مهدی نام دارد ظهور کند. (طوسی، الغيبة، ص ۱۸۲؛ احمد حنبل، المسند، ج ۱، ص ۳۷۷).

۴. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» [در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم که بندگان شایسته‌ام وارث زمین خواهند شد]؛ (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵).

موعودگرایی بیش از همه برجسته و مورد اهتمام بوده است و اسلام تنها دینی است که بنا به رسالت جهانی و ماندگار خویش، برای بارور ساختن این آرمان دینی و تاریخی، برنامه‌های جامع و طرحی نظام‌مند در قالب نظریه حکومت عدل جهانی مهدوی به بشریت ارائه نموده و تحقق آرمان‌های متعالی انسانی را مهم‌ترین رسالت خود اعلام کرده است.^۱ از این رو، خاستگاه اصلی این گرایش فطری و تاریخی را در موعودگرایی اسلامی باید جستجو کرد؛^۲ زیرا ادیان دیگر، همانند اسلام طرح روشنی درباره آینده تاریخ ارائه نکرده است.

۱. آخرین منجی/شناخت‌نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیک، ص ۲۰.

۲. طرح و پیش‌گویی قرآن از حتمی بودن پیروزی صالحان و حاکمیت مطلق اسلام در آینده، در آیات متعددی مطرح شده است و مجموع آیاتی که به نحوی به موضوع مهدویت و پایان تاریخ اشاره دارند، بیش از ۱۲۰ آیه است. مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب «المحجة فیما نزل فی القائم الحجة» این آیات را گردآوری کرده است.

مفهوم موعودگرایی چیست؟

پاسخ: واژه «موعود» به معنای وعده داده شده از ریشه «وَعَدَ» یعنی وعده، قرار، پیمان است،^۱ به روز قیامت از آن رو که وعده بازگشت برای پاداش و کیفر است «یوم الموعود» گفته می‌شود.^۲ به حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ نیز امام موعود گفته می‌شود؛ زیرا ظهورش توسط انبیای الهی و کتب آسمانی^۳ به ویژه قرآن کریم نوید داده شده است.^۴

مراد از «موعودگرایی»، «موعودباوری»، «منجی‌گرایی» و مانند آن، اعتقاد به ظهور منجی موعود الهی در پایان تاریخ است؛ اعتقاد الهام‌بخشی که امید به تحقق آرزوهای دیرین بشری برای دگرگونی فراگیر در زندگی مادی و معنوی را در اذهان زنده نگهداشته است.

اصل عقیده به ظهور منجی موعود الهی در آخرالزمان، يك اعتقاد همگانی است؛ به گونه‌ای که امروزه هیچ آیین و مذهبی را نمی‌توان یافت که معتقد به ظهور منجی بزرگ جهانی از جمله آموزه‌های اعتقادی آن نباشد؛ موعود نجات‌بخشی که هم کتب مقدس ادیان پیشین آمدنش را

۱. فرهنگ ابجدی، ج ۱، ص ۸۸۲.

۲. ر.ک: مفردات راغب، ص ۸۷۶؛ مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۶۲.

۳. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرُثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!». سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴. مانند: سوره نور، آیه ۵۵؛ سوره انبیاء، آیه ۱۰۵؛ سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۸؛ سوره فتح، آیه ۲۸؛ سوره انفال، آیه ۳۹.

نوید داده است؛^۱ هم آیات قرآن کریم وعده قطعی ظهورش را بشارت داده است^۲ و هم در احادیث از حتمی بودن ظهورش خبر داده است.^۳

۱. ر.ک: کتاب مقدس عهد قدیم، مزامیر داود، مزبور سی و هفتم، بندهای ۹. ۳۷؛ عهد جدید، انجیل یوحنا، باب پنجم، بندهای ۲۶. ۲۸.
۲. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ خداوند به کسانی که شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترس شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت، و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان اند. (سوره نور، آیه ۵۵).
۳. چنان که رسول خدا ﷺ فرمود: «الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ جُورًا وَ ظُلْمًا، وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بِشِيرٍ أَوْ لَمْ يَنْقُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يُخْرَجَ فِيهِ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ»؛ فرزندم مهدی است که خداوند به وسیله او دنیا را پر از عدل و داد می‌کند پس از این که از ظلم و ستم پر شده باشد. به خداوندی که مرا به راستی برانگیخت اگر از عمر دنیا فقط یک روز مانده باشد، خداوند آن روز را چنان بلند گرداند تا فرزندم مهدی در آن روز خروج کند. (إعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۹۱).

اعتقاد به موعودگرایی چه ضرورتی دارد؟

اعتقاد به منجی موعود آخرالزمان، می‌تواند پاسخ‌گوی پرسش‌های اساسی بشر نسبت به چگونگی آینده باشد؛ زیرا این اندیشه، اندیشه فردای ماست و قرار است ما را از امروز به فردا ببرد و نحوه عبور از وضع موجود به وضع مطلوب و چشم‌انداز آینده موعود را به روشنی ترسیم می‌کند.

اعتقاد به منجی موعود، افق‌های روشنی را پیش روی ما قرار می‌دهد و جامعه منتظر را از گرفتار شدن در آفت‌های مهلکی هم‌چون بی‌هدفی، تنبلی، سر‌درگمی، پوچی، بی‌برنامگی، بی‌نظمی، عقب‌ماندگی، بی‌سوادی، کم‌سوادی، کم‌قدرتی، ضعف، عجز، بی‌تدبیری، بی‌عملی، دوری از مقتضیات زمان و مکان، انفعال در برابر سیاست، اقتصاد و فرهنگ جهانی و... رهایی می‌بخشد.

اندیشه موعودگرایی و اعتقاد به ظهور منجی آخرالزمان، علاوه بر آن‌که ریشه در فطرت آرمان‌خواه انسان‌ها دارد، يك آموزه دینی است که در کتب آسمانی بدان بشارت داده شده است به همین جهت پیروان ادیان الهی همواره منتظر ظهور منجی موعود بوده‌اند. از این نظر اندیشه موعودگرایی و آینده‌نگری را می‌توان وجهه مشترک همه امت‌ها و ملل جهان به شمار آورد و از انبیاء الهی به عنوان مبشران و طراحان اصلی این ایده یاد نمود.

رویکرد به موعودگرایی که در میان پیروان ادیان توحیدی نمود بیشتری دارد، به موازات حرکت تاریخ، در حال رشد و شکوفا شدن است. هم‌زمان با پیدایش هسته‌های اولیه تمدنی در عرصه زندگی اجتماعی، تفکر موعودگرایی و اندیشه پیروزی صالحان و صعود به مدینه فاضله، ذهن انسان‌های نیک‌اندیش و توده‌های تحت ستم را به خود معطوف نموده و در حال شدن به یک آرمان همگانی در میان پیروان ادیان الهی است.

در این خصوص اگرچه پیروان هر دین و آئینی بر اساس تعالیم‌شان، نسبت به این مسأله تفسیر خاص خود را داده‌اند، اما نکته مهم و قابل توجه این است که هیچ‌گاه حافظه تاریخ امت‌ها و ملت‌ها در این مورد، طرح مشخص و دورنمای روشنی نسبت به آینده تاریخ، از خود نشان نداده است. این‌جا است که معجزه تفکر اسلامی و عظمت ابتکارات آن در طرح نظام‌مند اندیشه مهدویت به خوبی نمایان می‌گردد؛ زیرا اسلام تنها دینی است که برای بارور ساختن این ایده فطری و تاریخی، حساب ویژه‌ای باز نموده و با طرح و برنامه روشن، تحقق آرمان‌های مورد انتظار بشر را مهمترین رسالت خود اعلام نموده است.

موعودگرایی اسلامی که در شکل نظام مهدویت ارائه شده است، در حقیقت يك اندیشه جامع و فراگیری است که در پرتو آن، هدایت، رشد و بلوغ عقلانی جامعه متعالی انسانی

تحقق می‌یابد و هیچ‌کدام از حصارهای زبانی، منطقه‌ای، نژادی، گروهی و غیره در آن راه ندارد و مهم‌ترین هدف آن، تحقق جامعه‌ای پیراسته از رذایل و آراسته به فضایل و کمالات انسانی است.

در این رابطه قرآن کریم به عنون سند حیاتی، برای اولین بار نظریه حکومت عدل جهانی را فراروی بشریت قرار داده و وعده تحقق آن را در آینده نزدیک بشارت داده است.^۱ در این طرح نوین قرآنی، دورنمای نظام آینده و عناصر اصلی حکومت واحد جهانی به صورت روشن تبیین گردیده است. از این رو، اندیشه حکومت عدل جهانی و تحقق مدینه فاضله موعود بشر را می‌باید یک ابتکار اسلامی و نشأت گرفته از گزاره‌های وحیانی قرآن کریم برشمرد؛ اندیشه الهام‌بخشی که امروزه مرزها را درنوردیده و افکار عمومی جهانیان را به خود جلب نموده است.

عطف توجه جوامع اسلامی به منجی آینده و گرایش روزافزون بسیاری از آزاداندیشان و پیروان سایر ادیان به این موضوع و نیز نگرانی و عکس‌العمل‌های انفعالی و خصمانه قدرت‌های استعماری و مراکز وابسته به صهیونیسم برای مقابله و جلوگیری از نفوذ این تفکر

۱ . وعده الهی بر حتمی بودن پیروزی صالحان و حاکمیت مطلق اسلام، در آیات متعددی مطرح شده است نظیر: سوره نور، آیه ۱۰۵؛ سوره انبیاء، آیه ۳۳؛ سوره توبه، آیه ۸؛ سوره صف، آیه ۲۸؛ سوره فتح، آیه ۳۹ و...

الهام بخش و... همه و همه گویای اهمیت تأثیرگذاری این بحث در فضای افکار عمومی است که آثار و پیامدهای امیدبخش آن، هر روز پر رنگتر از گذشته، نمایان میگردد. با توجه به اهمیت موضوع از یک سو و شرایط مساعد جهانی برای عرضه و تکثیر اندیشه‌ها و رقابت تئوری‌ها و دکترین‌ها از سوی دیگر، ضرورت دارد که اندیشه‌ی اصیل مهدویت به عنوان دکترین سیاسی، عقیدتی اسلام به جهانیان عرضه شود و ابعاد گوناگون این اندیشه نجات‌بخش الهی در قالب طرح جهانی نظریه‌ی مهدویت و نجات‌گرایی، تبیین گردد و جنبه‌های الگویی، سیاسی حکومتی این بحث در رابطه با حرکت رو به آینده انسان معاصر، آن‌چنان که شایسته است، مورد عنایت قرار گیرد. در این راستا، یکی از بایسته‌های مهم این بحث برای بسترسازی این تحول بزرگ و مبارک که هم‌اینک ضرورت پرداختن به آن بیش از گذشته احساس میشود، تبیین ابعاد سیاسی حکومتی آن به منظور نقش‌آفرینی در شکل‌دهی نگرش‌ها و جهت‌گیری‌های عمومی در سطح کلان جهانی است.

از این رو، آنچه در این خصوص به عنوان اولویت و نیاز مبرم این عصر و زمان است، دو چیزاند: اول تبیین صحیح، مبانی دینی و علمی این بحث، متناسب با نیازها و اقتضائات زمان؛ دوم طرح اندیشه مهدویت و منجی‌گرایی دینی به عنوان نظریه نجات‌بخش اسلام، در عرصه جهانی و بین

المللی و تبیین امتیازات و قابلیت‌های کاربردی آن، تا بدین وسیله زمینه‌های عملیاتی شدن این تفکر رهایی‌بخش در جهان هموار گردد و چشم‌انداز نگاه خلق مستضعف و انسان‌های پاک‌اندیش به سوی یگانه‌منجی انسان و موعود قرآن حضرت بقیه‌الله‌الأعظم. ارواحناه فداه. معطوف گردد.

آثار موعودگرایی چیست؟

اعتقاد به ظهور منجی موعود الهی، آثار سازنده بسیاری را در زندگی فردی و اجتماعی به همراه دارد. این آثار دارای ابعاد مختلف اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و... است که در این جا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد:

۱. بُعد اعتقادی، یکی از پیامدهای رسوخ این اعتقاد در وجود افراد، دمیدن روح امید نسبت به آینده است؛ زیرا جامعه‌ای که اعتقاد به منجی موعود دارد، هیچ‌گاه دچار یأس، رخوت، سردرگمی و انحطاط نخواهد شد؛ بلکه این امید و انتظار، سبب افزایش انگیزه‌های شور و نشاط و برانگیختن روحیه تلاش و سرزندگی در وجود افراد برای رسیدن به هدفی مقدس و دست‌یافتنی، می‌گردد و همگان را به تلاش بیشتر برای سعادت و پیشرفت و تحقق هدف بلند و متعالی سوق می‌دهد.

۲. بُعد سیاسی، باور به آمدن موعود آخرالزمان، جامعه موعودگرا را در برابر کانون‌های ظلم و ستم، به مقاومت و عکس‌العمل وا می‌دارد؛ زیرا جامعه‌ای که معتقد به ظهور منجی رهایی‌بخش و عدالت‌پیشه است، نمی‌تواند در برابر نهادینه شدن ستم‌سوزی، نیرنگ و استبداد و استعمار، بی‌تفاوت باشد بلکه ناسازگاری، مبارزه و ستیز با ظالمان و ستمکاران و گام نهادن در مسیر هدف مورد انتظار خویش را، مهم‌ترین تکلیف دینی و سیاسی خود می‌داند. از این رو

می‌توان گفت وقوع قیام‌های ضد استبدادی و پیدایش انقلاب‌ها در جوامع اسلامی تحت ستم به ویژه جوامع شیعی، نشأت گرفته از همین اعتقاد الهام‌بخش است.

۳. بُعد اجتماعی، اعتقاد به ظهور منجی موعود می‌تواند در عرصه زندگی اجتماعی، موجب هم‌گرایی پیروان ادیان آسمانی بشود و تلاش مشترك همه پیروان ادیان الهی موعودباور را به سوی يك هدف واحد؛ یعنی فراهم‌سازی زمینه‌های تحقق مدینه فاضله، معطوف نماید. از این نظر، اندیشه موعودباوری، می‌تواند عامل پیوند جامعه بشری حول این محور مشترك باشد؛ زیرا وجوه مشترك نگرش‌های آینده‌نگر در مکاتب بشری و آموزه‌های مشترك آینده‌نگرانه ادیان آسمانی و نیز آموزه‌های مشترك موعودگرایانه مذاهب اسلامی را می‌توان مورد توجه قرار گیرد و با تکیه بر هم‌گونی و اشتراك دیدگاه‌ها در رویکرد به آینده، به ایجاد هم‌زیستی و هم‌فکری میان مکاتب آینده‌نگر و پیروان ادیان و مذاهب درباره چگونگی زندگی امروز برای رسیدن به هدف مشترك و مطلوب در آینده پرداخت.

۴. بُعد اخلاق و تربیت، اعتقاد به وجود موعود نجات‌بخش، سبب تقویت خصلت‌های متعالی انسانی در جوامع موعود گرا می‌گردد؛ زیرا از آن جایی که جامعه آرمانی آینده بر پایه ایمان، اخلاق و عدالت شکل می‌گیرد، رعایت این اصول اخلاقی و تعالی‌بخش، از مهم‌ترین بایستگی‌های

اعتقاد به منجی موعود و زندگی امروزی جامعه آینده‌نگر و رو به تعالی شمرده می‌شود؛ چرا که وضعیت حال و آینده از هم گسیخته نیست؛ بلکه ارتباط وثیقی بین آن دو وجود دارد؛ به گونه‌ای که آینده، برآیند سیر تکاملی وضعیت زندگی امروزی است که با گذر از فرایند ناقص گذشته و حال به کمال و بلوغ نهایی خود می‌رسد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. آثار اعتقاد به امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الْكَرِيمَ، هادی قندهاری

۲. انتظار و انسان معاصر، عزیزالله حیدری

۳. انتظار پویا، مهدی آصفی

۴. آفتاب ولایت، محمدتقی مصباح یزدی

۵. تشیع و انتظار، محمدتقی خلجی

۶. مجله موعود، شماره ۶

چرا در قرآن صحبت و اشاره‌ای در خصوص ظهور آقا امام زمان، عجل الله تعالی، نیست؟

به طور قطع جامع‌ترین تصویر از حقایق هستی ترسیمی است که از سوی خدای متعال ارائه شده باشد. در این میان، موضوع آینده جهان و بشریت که مسافران کاروان این عالم است و همواره با دنیایی از «امید» و «آرزو» به آن نگریسته‌اند، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که اساساً دست عقل و توانایی‌های انسان از ترسیم آن کوتاه است. به همین دلیل در طول زمان ما، بزرگانی دست به جمع‌آوری آیاتی از قرآن که به ترسیم آینده جهان و چهره دل‌گشای بزرگ نقش‌آفرین آن یعنی قائم آل محمد ﷺ مربوط می‌شود، پرداخته‌اند.

هم‌اکنون در پاسخ سؤال فوق باید گفت: هر چند نیاز نیست هر موضوع صحیحی با تمام جزئیات و خصوصیاتش در قرآن کریم آمده باشد؛ زیرا بسیاری از امور مانند نماز، زکات و حج در قرآن کریم آمده است، ولی وحی الهی به جزئیات آنها متعزّض نگشته است، و در عین حال آیات بسیاری در قرآن کریم پیرامون حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه، التَّوَكُّف که مبتنی بر ظهور آن حضرت است، وجود دارد که ذیلاً به برخی از آنها همراه با بیانی از معصومین علیهم‌السلام که به تعبیر قرآن کریم راسخان در علم و آگاهان به تأویل هستند، اشاره می‌شود:

۱. بگو حق آمد و باطل نابود شد، یقیناً باطل نابود شدنی

است.^۱ از امام باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه نقل شده است که فرمود: «هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند (ظهور کند) دولت باطل از میان خواهد رفت.»^۲

۲. خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد.^۳

امام سجاد علیه السلام فرمود: قسم به خدا آنها شیعیان ما اهل بیت هستند که خدا این وعده را در مورد آنها به دست مردی از ما محقق می‌سازد و او مهدی این امت است و اوست آن که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر فقط یک روز از دنیا باقی مانده باشد، خدا آن روز را تا آن جا طولانی می‌کند که مردی از عترتم که نامش هم‌نام من است به ولایت رسیده و زمین را آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و قسط پر سازد.^۴

۳. هر کجا باشید خداوند همه شما را حاضر می‌کند.^۵ راوی می‌گوید از ابی الحسن علیه السلام از معنای آیه سؤال کردم فرمود: به خدا قسم! وقتی قائم ما قیام کند (ظهور کند) خداوند شیعیان ما را از تمامی نقاط در کنار او گرد می‌آورد.^۶

۱. سوره اسراء، آیه ۸۱.

۲. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۲۱۳، انتشارات الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.

۳. سوره نور، آیه ۵۵.

۴. فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۴۴۵، پیشین.

۵. سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۶. العیاشی محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۶۶، المكتبة العلمیه

۴. می‌خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم.^۱

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: آنها (مستضعفان) در آیه، آل محمد علیهم السلام هستند که خدا مهدی آنها را بعد از تلاش‌شان برانگیخته و آنها را عزیز و دشمنان‌شان را ذلیل می‌نماید.^۲

۵. زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود.^۳
امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می‌گردد مردم از نور خورشید بی‌نیاز می‌گردند و تاریکی یک‌سره از میان می‌رود.^۴
۶. بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند.^۵ امام باقر علیه السلام فرمود: منظور از مرگ زمین، کفر اهل زمین است؛ چرا که کافر مرده است. پس خدا زمین را با قائم زنده می‌کند، او عدالت را در زمین می‌گستراند و زمین را زنده نموده و اهل زمین را پس از مرگ‌شان احیا می‌نماید.

در روایت دیگر از موسی بن جعفر علیه السلام آمده است: زنده نمودن زمین با نزول باران نیست، بلکه خدای عزّ و جلّ

الإسلامیه، تهران.

۱. سوره قصص، آیه ۵.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۱۸، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.

۳. سوره زمر، آیه ۶۹.

۴. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الإرشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۵۲۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۸.

۵. سوره حدید، آیه ۱۷.

مردانی را برمی‌انگیزد که عدالت را احیاء نمایند و با احیای عدالت و اقامه حدود زمین را زنده می‌سازند؛ چرا که اقامه حدود در روی زمین از چهل روز باریدن باران پرسودتر است.^۱

۷. همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان همه کارها از آن خداست.^۲

امام باقر ع فرمود: این آیه مربوط به آل محمد مهدی ع و یاران اوست که خدا آنها را بر شرق و غرب زمین مالک می‌سازد و دین را ظاهر نموده و به واسطه او، و یارانش بدعت‌ها و باطل را می‌میرانند... تا آن‌جا که هیچ اثری از ظلم باقی نمی‌ماند، آنها به نیکی امر و از ناپسند نهی می‌نمایند و نهایت و عاقبت کارها برای خداست.^۳

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی، ج ۵۲ و ۵۳

۲. الغیبة، شیخ طوسی

۳. مهدی در قرآن، سید محمد عابدین زاده

۱. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۸۸، بنیاد بعثت، تهران، ۱۴۱۶ ق.

۲. سوره حج، آیه ۴۱.

۳. بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۸۹۳، پیشین.

مهدی باوری

مهدویت یعنی چه؟

لغت مهدویت برگرفته از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ یعنی اندیشه‌ای که بر محور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مباحث مربوط به آن است.

«خلاصه و حقیقت مهدویت، منتهی شدن سیر جوامع جهان به سوی جامعه واحد و سعادت عمومی، امنیت و رفاه، تعاون و همکاری، همبستگی همگانی حکومت حق و عدل جهانی، غلبه حق بر باطل، غلبه جنود الله بر جنود شیطان، نجات مستضعفان و نابودی مستکبران، و خلافت مؤمنان و شایستگان به رهبری يك ابرمرد الهی است که موعود انبیاء و ادیان و دوازدهمین اوصیاء و خلفای پیغمبر آخرالزمان است.»^۱

۱ . صافی گلپایگانی، لطف الله، اصالت مهدویت، قم، انتشارات حضرت معصومه...، ج ۲، ص ۱۹، بخش ۴.

عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَهُ الشَّرِيف

و از آن جاکه نام آن منجی در میان مسلمانان مهدی
است، این اندیشه را «اندیشه مهدویت» نامیده‌اند؛ هر چند
سایر ادیان به آن اندیشه موعودگرایی و... می‌گویند.

به هر حال، مهدویت، يك اندیشه و تفکر برگرفته از
کتاب‌های آسمانی است که با فطرت و سنن عالم خلقت
موافق است و در میان شیعیان در این اندیشه مباحث مهم
ذیل بررسی می‌شود.

۱. موعودگرایی و منجی‌گرایی در ادیان ابراهیمی و
غیرابراهیمی.

۲. مسأله مهدی‌باوری و موعودگرایی در اهل سنت.

۳. اعتقاد به مهدویت از منظر شیعه که خود، مباحث
ذیل را در بر دارد.

الف: مسأله ولادت و نسب و کودکی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَهُ الشَّرِيف.

ب: ویژگی‌های امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَهُ الشَّرِيف.

ج: مسأله انحراف در مهدویت و فرقه‌های انحرافی.

د: مسأله غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَهُ الشَّرِيف.

ذ: مسأله علائم و زمینه‌های ظهور حضرت حجت عَلَيْهِ السَّلَام
فَرَجَهُ الشَّرِيف.

ر: مسأله وقایع ظهور و حکومت جهانی آن حضرت.

بنابر این، مهدویت، تعریف خاصی ندارد، بلکه شامل

اعتقاد به وجود مهدی موعود عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ می‌شود که مباحثی را دربردارد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. تاریخ عصر ظهور، و مابعد الظهور (عصر غیبت)، محمد

صدر

۲. اصالت مهدویت، آیت الله صافی، جلد اول تا سوم،

انتشارات حضرت معصومه...

۳. او خواهد آمد، مهدی پور، نشر برقی

در مناظره با وهابیان اعلام شده است هیچ حدیثی از اهل تسنن در مورد بحث مهدویت وجود ندارد، آیا این ادعا درست است؟

موضوع امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام و انقلاب جهانی او یک امر مسلم و غیر قابل خدشه در بین مسلمانان است و لذا علما و دانشمندان اهل سنت به وجود و ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از دودمان پاك پیامبر و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا... است معتقدند. این اتفاق نظر به حدی است که حتی تندروترین گروه‌های اسلامی. یعنی وهابیان. نیز این موضوع را نه تنها پذیرفته‌اند، بلکه به طور جدی از آن دفاع می‌کنند و از عقاید قطعی و مسلم اسلامی می‌دانند.^۱ اکثر محدثان اهل سنت احادیث مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در کتاب‌های خود آورده‌اند.

بعضی از دانشمندان اهل سنت در گذشته و حال، کتاب‌هایی مستقل در موضوع امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته‌اند مثل ابو نعیم اصفهانی در مجموعه الأربعین (چهل حدیث) و سیوطی در کتاب «العرف الوردی فی اخبار المهدی. عجل الله تعالی فرجه الشریف».

بعضی از علمای اهل سنت در مقام دفاع از عقیده مهدویت و ردّ منکران این عقیده، کتاب و مقاله نوشته‌اند

۱. شخصی به نام ابو محمد از کنیا سؤالی درباره ظهور مهدی منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف از رابطه العالم الإسلامي که زیر نظر وهابیان عربستان اداره می‌شود پرسید. آنها ضمن پذیرفتن احادیث حضرت مهدی توسط پنج تن از علمای معروف حجاز رساله‌ای تهیه و برای او فرستاده‌اند. پس از ذکر نام حضرت مهدی و محل ظهور او؛ یعنی مکه را نوشته‌اند و توضیحات مضطر داده‌اند اقتباس از: الهامی، داود، آخرین امید، ص ۲۲۷، انتشارات مجلة مکتب اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۲.

مانند «محمد صدیق مغربی» که در رد گفتار «ابن خلدون» کتابی نگاشته و به سختی از او انتقاد کرده است.

این‌ها نمونه‌هایی از موضع اهل سنت در برابر مسئله مهدویت است. این مسئله هیچ اختصاصی به شیعه امامیه ندارد. این‌که برخی وهابی‌ها در مناظرات خود ادعا کرده‌اند که هیچ حدیثی در مورد مهدویت وجود ندارد ناشی از جهل و یا از عناد شدید او نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام و اسلام می‌باشد. ما برای بطلان ادعای این وهابی احادیثی را درباره حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف و قیام او در آخرالزمان از برخی کتاب‌های حدیثی و تفسیری اهل سنت نقل می‌کنیم:

مهدویت در کتاب‌های حدیثی اهل سنت:

الف. در «المستدرک» حاکم نیشابوری چندین حدیث در این رابطه نقل شده و آنها را بر شرط بخاری و مسلم صحیح دانسته است و ما فقط متن این احادیث را بدون ترجمه نقل می‌کنیم:

۱. عن أبي سعيد رضي الله عنه قال قال رسول الله ﷺ:
المهدي منا أهل البيت أشم الأنف أقنى أجلى يملأ الأرض
قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً يعيش هكذا و بسط
يساره و إصبعين من يمينه المسبحة و الإبهام و عقد ثلاثة
هذا حديث صحيح على شرط مسلم و لم يخرجاه.

۲. و حدثنا أبو أحمد بكر بن محمد الصيرفي بمرو ثنا أبو

الأحوص محمد بن الهيثم القاضي ثنا عمرو بن خالد الحراني
ثنا أبو المليح عن زياد بن بيان عن علي بن نفيل عن سعيد
بن المسيب عن أم سلمة رضى الله عنها قالت: ذكر رسول
الله ﷺ المهدي فقال هو من ولد فاطمة.

۳. عن أبي سعيد الخدري رضى الله عنه أن رسول الله ﷺ
قال: يخرج في آخر أمتي المهدي يسقيه الله الغيث و تخرج
الأرض نباتها و يعطى المال صحاحا و تكثر الماشية و تعظم
الأمّة يعيش سبعا أو ثمانيا يعنى حججا هذا حديث صحيح
الإسناد ولم يخرجاه.

۴. عن أبي سعيد الخدري رضى الله عنه أن رسول الله ﷺ
قال: تملأ الأرض جورا و ظلما فيخرج رجل من عترتي الحديث
هذا حديث صحيح على شرط مسلم و لم يخرجاه.

۵. عن أبي سعيد الخدري رضى الله عنه عن النبي ﷺ قال:
يكون في أمتي المهدي إن قصر فسبع و إلا فتسع تنعم أمتي
فيه نعمة لم ينعموا مثلها قط تؤتى الأرض أكلها لا تدخر عنهم
شيئا و المال يومئذ كدوس يقوم الرجل فيقول يا مهدي
أعطني فيقول خذ آخر كتاب الفتن^۱.

ب. در «صحيح ابن حبان» احاديثی درباره مهدویت این
گونه نقل شده است:

۱ . محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، المستدرک علی
الصحيحين، ج ۴ ص ۶۰۰ و ۶۰۱، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۰م،
الطبعة الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا.

۱. أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْمُثَنَّى قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو حَيْثَمَةَ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَوْفٌ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الصَّدِيقِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى تَمْتَلِئَ الْأَرْضُ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا ثُمَّ يُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَوْ عِثْرَتِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عُذْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ عُذْوَانًا.

در ذیل این حدیث می‌گوید که اخباری که از وصف و اسم مهدی نقل شده است. بر ضد سخن کسی است که گمان کرده مهدی همان عیسی بن مریم است.

۲. عَنْ سُفْيَانَ عَنْ عَاصِمٍ عَنْ زُرِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَمْلِكَ النَّاسَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي فَيَمْلُؤُهَا قِسْطًا وَ عُذْلًا.^۱

ج. در کتاب حدیثی «موارد الظمان» چندین حدیث تحت عنوان «باب ما جاء فی المهدی» به این ترتیب نقل شده است:

۱. عن أبي صالح عن أبي هريرة قال قال رسول الله ﷺ: لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة لملك فيها رجل من أهل بيت النبي ﷺ.

۱. محمد بن حبان بن أحمد أبو حاتم التميمي البستي صحيح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۲۳۶، مؤسسة الرسالة، بيروت، ۱۴۱۴ق/ ۱۹۹۳م، الطبعة الثانية، تحقيق: شعيب الأرنؤوط.

٢. عن زر عن ابن مسعود قال قال رسول الله ﷺ: لو لم يبق من الدنيا إلا ليلة لملك رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي.

٣. عن عاصم عن زر عن عبد الله قال قال رسول الله ﷺ: لا تقوم الساعة حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي واسم أبيه اسم أبي فيملأها قسطاً وعدلاً.

٤. عن عاصم بن أبي النجود عن زر عن عبد الله قال قال رسول الله ﷺ: يخرج رجل من أهل بيتي يواطىء اسمه اسمي وخلفه خلفي فيملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً.

٥. حدثنا أبو الصديق عن أبي سعيد الخدري عن النبي ﷺ قال: لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً وعدواناً ثم يخرج رجل من أهل بيتي أو عترتي فيملأها قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وعدواناً.

٦. عن قتادة عن صالح أبي الخليل عن مجاهد عن أم سلمة قالت قال رسول الله ﷺ: يكون اختلاف عند موت خليفة يخرج رجل من قريش من أهل المدينة إلى مكة فيأتيه ناس من أهل مكة فيخرجونه وهو كاره فيبايعونه بين الركن والمقام فيبتعثون إليه جيشاً من أهل الشام فإذا كانوا بالبيداء خسف بهم فإذا بلغ الناس ذلك أتاه أهل الشام وعصائب من أهل العراق فيبايعونه وينشأ رجل من قريش أخواله من كلب فيبتعثون إليهم جيشاً فيهزمونهم ويظهرون عليهم فيقسم

بين الناس فيؤهم و يعمل فيهم بسنة نبهم ﷺ و يلقى
الإسلام بجرانه إلى الأرض يمكت سبع سنين.^١

د. در «سنن ابى داود» تحت عنوان «كتاب المهدى»
احاديث زير آمده است:

١. عن جابر بن سمرّة قال سمعت رسول الله ﷺ يقول:
لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ قَائِمًا حَتَّى يَكُونَ عَلَيْكُمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً
كُلُّهُمْ تَجْتَمِعُ عَلَيْهِ الْأُمَّةُ فَسَمِعْتُ كَلَامًا مِنَ النَّبِيِّ ﷺ لَمْ
أَفْهَمْهُ قُلْتُ لِأَبِي مَا يَقُولُ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

٢. عن جابر بن سمرّة قال سمعت رسول الله ﷺ يقول:
لَا يَزَالُ هَذَا الدِّينُ عَزِيزًا إِلَى اثْنَيْ عَشَرَ خَلِيفَةً قَالَ فَكَبَّرَ النَّاسُ
وَ صَجُّوا، ثُمَّ قَالَ: كَلِمَةً خَفِيَّةً قُلْتُ لِأَبِي يَا أَبَتِ مَا قَالَ؟ قَالَ:
كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

٣. عن عاصم عن زبّ عن عبد الله عن النبي ﷺ قال: لو لم
يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ قَالَ زَائِدَةٌ فِي حَدِيثِهِ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ
الْيَوْمَ ثُمَّ اتَّفَقُوا حَتَّى يَبْعَثَ فِيهِ رَجُلًا مِّنِّي أَوْ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي
يُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ أَبِي زَادَ فِي حَدِيثٍ فِظَرٍ
يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا، وَ قَالَ فِي
حَدِيثٍ سُفْيَانٍ: لَا تَذْهَبْ أَوْ لَا تَنْقُضِ الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبُ
رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِئُ اسْمُهُ.

١ . على بن أبى بكر الهيثمى أبو الحسن، موارد الظمآن، ج١، ص ٤٦٣، دار الكتب
العلمية، بيروت، تحقيق: محمد عبد الرزاق حمزة.

٤. عن أبي الطُّفَيْلِ عن عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عن النبي ﷺ قال: لو لم يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبَعَثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمْلَأُهَا عَذْلًا ضَ كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا.

٥. عن سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ قَالَتْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: الْمَهْدِيُّ مِنْ عِثْرَتِي مِنْ وَلَدِ فَاطِمَةَ، قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ: وَ سَمِعْتُ أَبَا الْمَلِيحِ يَثْنِي عَلَى عَلِيٍّ بْنِ نُفَيْلٍ وَيَذْكُرُ مِنْهُ صَلَاحًا.

٦. عن أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَهْدِيُّ مِئِي أَجَلِي الْجَبْهَةِ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَذْلًا كَمَا مُلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا يَمْلِكُ سَبْعَ سِنِينَ.

٧. عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ زَوْجِ النَّبِيِّ ﷺ عَنْ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: يَكُونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ حَلِيفَةٍ فَيُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ هَارِبًا إِلَى مَكَّةَ فَيَأْتِيهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ فَيُخْرِجُونَهُ وَ هُوَ كَارِهِ فَيَبَايَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ يَبْعَثُ إِلَيْهِ بَعْثٌ مِنَ الشَّامِ فَيُخَسِّفُ بِهِمْ بِالْبَيْدَاءِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ فَإِذَا رَأَى النَّاسَ ذَلِكَ أَتَاهُ أَبْدَالُ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيَبَايَعُونَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثُمَّ يَنْشَأُ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ أَحْوَالُهُ كَلْبٌ فَيَبْعَثُ إِلَيْهِمْ بَعْثًا فَيُظْهِرُونَ عَلَيْهِمْ وَ ذَلِكَ بَعْثٌ كَلْبٍ وَ الْحَيَبَةُ لِمَنْ لَمْ يَشْهَدْ غَنِيمَةَ كَلْبٍ فَيُقْسِمُ الْمَالُ وَ يَعْمَلُ فِي النَّاسِ بِسُنَّةِ نَبِيِّهِمْ ﷺ وَ يُلْقِي الْإِسْلَامَ بِجِرَانِهِ إِلَى الْأَرْضِ فَيَلْبَثُ سَبْعَ سِنِينَ ثُمَّ يَتَوَفَّى وَ يَصَلِّي عَلَيْهِ الْمُسْلِمُونَ، قَالَ

أبو داود قال: بَغَضَهُمْ عَنْ هِشَامٍ تِسْعَ سِنِينَ وقال بَغَضَهُمْ سَبْعَ سِنِينَ^١.

هـ. «سنن ابن ماجه» احاديث مهدويت را تحت عنوان «باب خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ» اين گونه نقل کرده است:

١. عن عبد الله قال بَيْنَمَا نَحْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ إِذْ أَقْبَلَ فِتْيَةٌ مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَلَمَّا رَأَهُمُ النَّبِيُّ ﷺ اغْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ وَتَغَيَّرَ لَوْنُهُ قَالَ فَقُلْتُ مَا نَزَأَ نَرَى فِي وَجْهِكَ شَيْئًا نَكْرَهُهُ، فَقَالَ: إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَإِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ بَعْدِي بَلَاءً وَتَشْرِيدًا وَتَطْرِيدًا حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قَبْلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ زَايَاتٌ سُودٌ فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ فَلَا يَعْطُونَهُ فَيَقَاتِلُونَ فَيَنْصُرُونَ فَيَعْطُونَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَذْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلُوهَا قِسْطًا كَمَا مَلَوْهَا جَوْرًا فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَلْيَأْتِهِمْ وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ.

٢. عن أَبِي صَدِيقٍ النَّاجِي عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ إِنْ قَصَرَ فَسَبْعٌ وَإِلَّا فَتِسْعٌ فَتَنْعَمَ فِيهِ أُمَّتِي نِعْمَةً لَمْ يَنْعَمُوا مِثْلَهَا قَطُّ تُؤْتَى أَكْلُهَا وَلا تَدْخِرُ مِنْهُمْ شَيْئًا وَالْمَالُ يَوْمِئِذٍ كُدُوسٌ فَيَقُومُ الرَّجُلُ فيقول يا مَهْدِي أَعْطِنِي فيقول خُذْ.

٣. عن ثَوْبَانَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَفْتَتِلُ عِنْدَ كَنْزِكُمْ

١ . سليمان بن الأشعث أبو داود السجستاني الأزدي، سنن أبي داود، ج ٤، ص ١٠٦ و ١٠٧، دار الفكر، تحقيق: محمد محيي الدين عبد الحميد.

ثَلَاثَةً كُلُّهُمْ بَن حَلِيفَةٍ ثُمَّ لَا يَصِيرُ إِلَى وَاحِدٍ مِنْهُمْ ثُمَّ تَطْلُعُ
الرَّيَاثُ السُّودُ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ فَيَقْتُلُونَكُمْ قَتْلًا لَمْ يَقْتُلْهُ
قَوْمٌ ثُمَّ ذَكَرَ شَيْئًا لَا أَحْفَظُهُ فَقَالَ فَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَبَايَعُوهُ وَ لَوْ
حَبَوْا عَلَى التَّلَجِ فَإِنَّهُ حَلِيفَةُ اللَّهِ الْمَهْدِي.

۴. عن علي قال قال رسول الله ﷺ المَهْدِي مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ
يُصْلِحُهُ اللَّهُ فِي لَيْلَةٍ.^۱

و. در سنن ترمذی «باب ما جاء في المَهْدِي» برای احادیث
مهدویت اختصاص داده شده است:

۱. عن زَرٍّ عن عبد الله قال قال رسول الله ﷺ لَا تَذْهَبِ
الدُّنْيَا حَتَّى يَمْلِكَ الْعَرَبَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَوَاطِي اسْمُهُ
اسْمِي قَالَ أَبُو عَيْسَى وَ فِي الْبَابِ عَنْ عَلِيٍّ وَ أَبِي سَعِيدٍ وَ أُمِّ
سَلَمَةَ وَ أَبِي هُرَيْرَةَ وَ هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.

۲. عن عاصِمٍ عن زَرٍّ عن عبد الله عن النبي ﷺ قَالَ يَلِي رَجُلٌ
مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَوَاطِي اسْمُهُ اسْمِي قَالَ عَاصِمٌ وَ أَنَا أَبُو صَالِحٍ
عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ لَوْ لَمْ يَنْقُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ
الْيَوْمَ حَتَّى يَلِي قَالَ أَبُو عَيْسَى هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ.^۲

در کتاب حدیثی «الجامع فی الحدیث» در ذیل عنوان «باب
المهدی» روایات متعددی آمده است:

۱ . محمد بن یزید أبو عبد الله القزويني، سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۶ و ۱۳۶۷،
دار الفکر، بیروت، تحقیق: محمد فؤاد عبد الباقي.

۲ . محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذی السلمي، سنن ترمذی، ج ۴، ص ۵۰۵،
دار احیاء التراث العربی، بیروت، تحقیق: أحمد محمد شاکر و آخرون.

١. أخبرنا عبد الرزاق عن معمر عن قتادة يرفعه إلى النبي ﷺ قال يكون اختلاف عند موت خليف فيخرج رجل المدينة فيأتى مكة فيستخرجه الناس من بيته و هو كاره فيبايعونه بين الركن و المقام فيبعث إليه جيش من الشام حتى إذا كانوا بالبيداء خسف بهم فيأتيه عصاب العراق و أبدال الشام فيبايعونه فيستخرج الكنوز و يقسم المال و يلقي الإسلام بجرانه إلى الأرض يعيش فى ذلك سبع سنين أو قال تسع سنين.

٢. عن أبى سعيد الخدرى قال ذكر رسول الله ﷺ بلاء يصيب هذه الأمة حتى لا يجد الرجل ملجأ إليه من الظلم فيبعث الله رجلا من عثرتى من أهل بيتى فيملا به الأرض قسطا كما ملئت ظلما و جورا يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض لا تدع السماء من قطرها شيئا إلا صبته مدرارا و لا تدع الأرض من مائها شيئا إلا أخرجته حتى تتمنى الأحياء الأموات يعيش فى ذلك سبع سنين أو ثمان أو تسع سنين.

٣. أخبرنا عبد الرزاق عن معمر عن مطر قال كعب إنما سمى المهدي لأنه لا يهدى لأمر قد خفى قال و يستخرج التوراة و الإنجيل من أرض يقال لها أنطاكية.

٤. أخبرنا عبد الرزاق عن معمر عن مطر عن رجل عن أبى سعيد الخدرى قال إن المهدي أقنى أجلى.

٥. أخبرنا عبد الرزاق عن معمر عن ابن طاووس عن على

ابن عبد الله بن عباس قال لا يخرج المهدى حتى تطلع مع الشمس آية.

٦.. عن علي قال لتملأ الأرض ظلما و جورا حتى لا يقول أحد الله الله يستعلق به ثم لتملأ بعد ذلك قسطا وعدلا كما ملئت ظلما وجورا.^١

سایر کتاب‌های اهل سنت به طور گسترده روایاتی مربوط به مهدویت را منعکس کرده و به ذکر همه آنها نیازی نیست و فقط به چند مورد از تفاسیر اهل سنت اشاره می‌کنیم:

فخر رازی در تفسیرش در ذیل آیه >لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ< در یکی از پاسخ‌های این شبهه که اسلام هنوز بر همه ادیان غلبه نکرده است از قول سدی می‌گوید که این غلبه در زمان خروج مهدی تحقق پیدا می‌کند و در آن زمان کسی باقی نمی‌ماند مگر این که داخل در اسلام شده باشد.^٢

سیوطی در الدر المنثور در تفسیر آیه که خزی و خواری کفار را وعده داده است می‌گوید که این خزی برای آنان زمانی تحقق پیدا می‌کند که مهدی قیام کند.^٣ و نیز می‌گوید از ابن

١ . عبد الله بن وهب بن مسلم القرشي أبو محمد المصري، الجامع في الحديث، ج ١١، ص ٣٧١ . ٣٧٣، دار ابن الجوزي، السعودية، ١٩٩٦م، الطبعة الأولى، تحقيق: د. مصطفى حسن حسين أبو الخير.

٢ . فخر الدين محمد بن عمر التميمي الرازي الشافعي، التفسير الكبير أو مفاتيح الغيب، ج ١٦، ص ٣٣، دار الكتب العلمية، بيروت، ١٤٢١ق/٢٠٠٠م، الطبعة الأولى.

٣ . عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، الدر المنثور، ج ١، ص ٢٦٤، دار الفكر، بيروت، ١٩٩٣م.

عباس نقل شده که پیامبر ﷺ فرمود: اصحاب کهف از اعوان مهدی هستند.^۱ و در موارد متعدد دیگر روایاتی را از کتاب‌های حدیثی اهل سنت در این تفسیر خود انعکاس داده است.^۲

در تفسیر ابن ابی حاتم و تفسیر ابن کثیر نیز تحقق خزی کفار در دنیا بر ظهور و خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف متوقف شده است.^۳

قرطبی در تفسیر آیه **﴿لَيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾** می‌گوید: بنا بر قول سدی این غلبه در زمان خروج مهدی حاصل می‌شود و کسی که گفته مهدی همان عیسی است این سخن درست نیست؛ زیرا اخبار صحیح متواتر آمده که مهدی از عترت رسول خدا ﷺ است. پس حمل آن بر عیسی جایز نمی‌باشد. و حدیثی که گفته است «لا مهدی إلا عیسی» صحیح نیست و راوی آن مجهول است. بلکه صحیح‌ترین احادیث به صورت نص بر خروج مهدی دلالت دارند که از عترت رسول خدا ﷺ می‌باشد.^۴

آلوسی درباره مهدویت مطالبی زیادی را در تفسیر روح

۱. الدر المنثور، ج ۵، ص ۳۷۰.

۲. ر.ک: الدر المنثور، ج ۷، ص ۴۸۳، ۴۸۵.

۳. عبد الرحمن بن محمد بن إدريس الرازی، تفسیر ابن ابی حاتم، ج ۱، ص ۲۱۱، المكتبة العصرية، صیدا، تحقیق: أسعد محمد الطیب؛ إسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی أبو الفداء، تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم)، ج ۱، ص ۱۵۸، دار الفکر، بیروت، ۱۴۰۱ق.

۴. أبو عبد الله محمد بن أحمد الأنصاری القرطبی تفسیر قرطبی (الجامع لأحكام القرآن)، ج ۸، ص ۱۲۱، دار الشعب، القاهرة.

المعانی بیان داشته است که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می شود:

او در ذیل آیه «قُلْ إِنِّي أَخَافُ أَنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» بعد از ذکر مطالبی می گوید: در بعضی اخبار آمده است که هنگامی که باد شدید می وزید پیامبر خدا صورتش زرد می شد و می فرمود که من می ترسم از این که روز قیامت بر پا شود. این روایات و سخنانی که به رسول خدا ﷺ نسبت داده صحیح نیست؛ زیرا قیامت بعد از ظهور مهدی و عیسی و خروج دجال و طلوع شمس از مغرب و سایر امارات و نشانه های که هنوز محقق نشده است بر پا می شود.^۱

شاید برای کسانی که ادعا می کنند در کتاب ها و متون اهل سنت سخنی از مهدویت به میان نیامده و این مطالب را شیعیان از نزد خودشان ساخته همین مقدار کافی باشد.

نقش اعتقاد به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زندگی چیست؟ آیا عدم اعتقاد به منجی موجب خروج از دین می شود؟ هدف و منظور از انتظار چیست؟

اعتقادات خاص شیعه شامل موارد مختلفی می شود که جای بحث از هر کدام به صورت جداگانه نیست، چون بسیار مفصل و طولانی خواهد شد لذا به همان قسمتی که

۱ . العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ج ۷، ص ۱۱۱ و ج ۱۳، ص ۱۷۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

در سؤال اشاره شده؛ یعنی (نقش اعتقاد به ظهور حضرت در زندگی چیست) می پردازیم.

از جمله تأثیراتی که این اعتقاد در زندگی یک مسلمان شیعه می تواند داشته باشد این است که:

۱. باعث شناخت امام و صفات و ویژگی های او می شود. این اعتقاد باعث می شود شخص در پی شناخت سیره عملی آن حضرت بگردد.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «...کسی که شب را به گونه ای بگذراند که در آن امام زمانش را شناسد به مرگ جاهلیت مرده است.»^۱

۲. باعث تبلور عشق و محبت به آن حضرت می شود که همین محبت، زندگی ما را متحول می کند و این علاقه، همان اجرای دستور الهی است که می فرماید: «ذَلِكَ الَّذِي يَبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَ مَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»^۲. که عشق و محبت به آن حضرت شرط قبولی ایمان است.^۳ البته وقتی این عشق تشدید می شود که باور داشته باشیم این محبت دو جانبه است؛ زیرا باور به دادورزی عاشقانه آن

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲۳، ص ۸۹.

۲. سوره شوری، آیه ۲۳.

۳. مکیال المکارم، ج ۲، ص ۲۱۷.

حضرت و دل سوختگی و محبت ایشان به خلق و هم چنین عشق ایشان به ستاندن حق مظلومان از ظالمان و... سبب می شود مؤمنین نیز در قبال نگرانی ها و دغدغه ها پیوند معنویت خود را با آن حضرت محکم تر کنند و عاشقانه برای ظهور حضرت تلاش کنند.

۳. باعث امید به آینده می شود؛ زیرا نور امید بوده که همواره در دل و جان بشر روشنی ایجاد کرده و او را در برابر حوادث ناگوار پایدار ساخته است و اگر امید نبود بشر هیچ گامی بر نمی داشت و هیچ رنجی را تحمل نمی کرد. امید به ظهور آن حضرت که ضامن اجرای وعده های الهی بوده است و پناهگاه مژمنین خواهد بود بزرگ ترین هدیه ای است که جامعه بشری در این دوران دریافت کرده اند. گوستا و لوبون می گوید: بزرگ ترین خدمت گزاران عالم همان اشخاصی هستند که توانسته اند بشر را امیدوار نگه دارند.^۱

۴. باعث آمادگی می شود؛ زیرا لازمه این اعتقاد برقراری عدل الهی در سراسر جامعه است و این عدالت جهان گستر نیازمند نیروهای کارآمد و مهدی باورانی است که بتوانند در عرصه های مختلف خدمت گزار باشند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که قائم ما قیام کند و

۱. در انتظار ققنوس، ص ۲۷۳.

مهدی ما ظهور کند یک مرد از شیعیان ما پر جرأت تر از شیر و نافذتر از نیزه خواهد بود.^۱ لذا وظیفه ماست که خود را آماده سازیم.

۵. پایداری در برابر مصائب دشمنان. این باور در مردم که روزی این مصائب و وضعیت نامطلوب به پایان می‌رسد و حق‌شان ستانده می‌شود و... باعث توان روحی می‌شود و صبر بر مصائب آسان می‌شود.

۶. این اعتقاد باعث تقوای الهی می‌شود؛ چون یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های تقوای الهی باور و ایمان به امور غیبی الهی است که باور به حکومت عدلی که توسط مهدی آخر الزمان تشکیل می‌شود از نمونه‌های بارز آن است.

۷. باعث تهذیب نفس می‌شود، اگر خودسازی در همه حال برای یک مؤمن وارسته سزاوار است. برای کسی که اعتقاد دارد روزی نزد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مؤمن واقعی از غیر واقعی نمایان می‌شود ضرورت آن را بیشتر می‌گردد.

این موارد نمونه‌ای از تأثیرات فردی و اجتماعی است که می‌تواند در زندگی شخص تحول ایجاد کند، البته اعتقاد به ظهور آن حضرت و این که زمانی جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد و شرایط ترقی و کمال انسان‌ها را فراهم خواهد کرد همان وعده الهی و هدف از خلقت انسان خواهد بود که

۱. سلیمان ابن ابراهیم، ینابیع المودة، ج ۲، ص ۴۹۹.

در بخش‌های بعدی سؤال به طور مفصل‌تری به آن خواهیم پرداخت.

هر کسی در هر سلک و مذهب و دینی که هست نسبت به اعتقادات خودش دلیل و براهین کافی دارد و یا باید داشته باشد. ما هم نسبت به اعتقادات مان و این‌که مذهب شیعه را انتخاب کرده‌ایم دلایل قانع‌کننده‌ای داریم؛ چه نسبت به اصول و چه فروع دین مان، البته گاهی به خاطر عدم دسترسی به بزرگان و یا سهل‌انگاری خودمان مسائلی برای مان ابهام‌آور می‌شود و دلیل قانع‌کننده‌ای برای آن نداریم.

ما معتقدیم برای تمام اعتقادات مان دلائل قانع‌کننده‌ای داریم و اگر کسی بعد از تفحص و بررسی قطع و یقین برایش حاصل نشد نزد خداوند معذور است؛ هر چند اگر دلیل عقلی مطرح شود همه عاقلان آن را پذیرا خواهند بود. عدم اعتقاد به ظهور حضرت اگر بعد از تفحص و بررسی‌های لازم باز تغییر نکند چون منجر به نفی اصل اعتقادی شیعه مثل امامت می‌گردد موجب خروج از زمره شیعیان می‌شود؛ زیرا شیعه یک سری اعتقادات خاص دارد که اگر به هر کدام از آنها معتقد نباشد شیعه خوانده نمی‌شود.

البته با توجه به این‌که پرسش‌گر محترم مسلمان و به خصوص شیعه بوده و کلام خداوند و معصومین علیهم‌السلام را

مطیع می باشد هیچ مشکلی نداشته و با بیان کلام نورانی آن بزرگواران در مورد ظهور آن حضرت اعتقاد او به این امر راسخ خواهد شد. احادیثی که از معصومین علیهم السلام در مورد آن حضرت و ظهور ایشان در دست ما است فراتر از حد تواتر می باشد، و احادیثی در مورد نوع حکومت حضرت و... در کتب معتبر شیعیان و حتی اهل سنت بسیار وجود دارد؛ مثلاً در احادیث مختلف داریم که حتی اگر یک روز هم از دنیا باقی مانده باشد آن حضرت ظهور خواهد کرد و دنیا را پر از عدل و داد می کند. در حدیثی (در باب شهادت عمار در بحار الأنوار ج ۳۳، ص ۱۸) آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد قیام آن حضرت بیانات گهرباری را فرموده اند و آن حضرت را معرفی کرده است با توجه به شیعه بودن پرسش گر محترم، انکار و عدم قبول این احادیث که قطع به صحت و درستی سند بسیاری از آنها داریم معنایی نخواهد داشت که در غیر این صورت خدای نکرده باید در اعتقادات خود تحولی دیگر ایجاد کرد. در روایت آمده است که: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»؛ هر کس بمیرد و امام زمان خویش را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است. این روایت به خوبی اهمیت شناخت امام زمان را می رساند.

افزون بر آنچه توضیح داده شد، دلیل عقلی نیز بر ظهور آن حضرت وجود دارد. با توجه به این که در بخش پایانی سؤال که به بحث هدف از آفرینش هم اشاره شده، می توان گفت

هدف از خلقت انسان کمال است. خداوند انسان را خلیفه خود بر روی زمین معرفی کرده: ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَبْلُوكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ﴾^۱ که این جانشینی؛ یعنی به فعلیت رساندن استعدادهایی که خداوند در درون انسان‌ها به ودیعه نهاده است که با فعلیت آنها به کمال دست خواهند یافت (که خود بحثی طولانی است)، اما می‌بینیم این انسان بر اثر شرایط نامطلوب جهان نتوانسته‌اند این هدف الهی را محقق کنند و همیشه انسان‌ها بر اثر تسلط زورگویان و ظلم ظالمان و عدم دسترسی به رهبری جهانی و... از حق دور شده‌اند، لذا خداوند اراده کرده که زمانی فرا رسد که این هدفش محقق شود و آن زمان ظهور حضرت و برقراری قسط و عدل است و حتی یهودیان و مسیحیان و ادیان دیگر هم به ظهور منجی معتقدند. پس باید با دقت در آیات و روایات این اعتقاد را در جان خود رسوخ داده و از صمیم قلب بپذیریم و الا.... انتظار در لغت یعنی چشم به راه داشتن^۲ و در اصطلاح دیده دوختن به راه تحقق امری است که منتظر را به حالت انتظار او داشته است که هر چه آن امر در نظر او مهم‌تر باشد برای تحقق آن تلاش و کوشش بیشتری می‌کند. ما دو نوع انتظار داریم:

۱. سوره انعام، آیه ۱۶۵.

۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۲۹۶۳.

۱. انتظار منفی و مخرب که باز دارنده است و جامعه را به طرف انحطاط و سقوط می‌کشانند و هستند افرادی که خیال می‌کنند انتظار؛ یعنی دست روی دست گذاشتن و منتظر ظهور مصلح ماندن، در نظر ایشان هر اصلاحی محکوم به شکست است و گناه و ظلم و بی‌عدالتی و... این گونه انتظار عاملی است برای توجیه ستم‌ها و فسادها که باعث پشت کردن به انسانیت می‌شود.

۲. انتظار مثبت، که انتظاری است تعهدآور و تحرک‌بخش و لازمه انتظار به کار گرفتن تمام نیروها و کوشش بی‌دریغ به سوی امر مورد انتظار است. و اما این که چرا باید منتظر ماند و ضرر و سودش چیست، و اگر به سرانجام برسد یا نرسد چه می‌شود که به طور کلی در یک جمله می‌توان این گونه گفت که فواید انتظار چیست؟

در جواب از اولین بخش سؤال آثار و فواید انتظار را برشمردیم و می‌گوییم چون انتظار این فواید را دارد پس شخص مسلمان باید منتظر باشد و اگر این انتظار نباشد آن فواید از بین رفته و انسان متضرر می‌شود؛ و اگر این انتظار به سرانجام برسد جهان پر از عدل و داد می‌شود و حق مظلومان از ظالمان گرفته می‌شود و عدالت‌گستری مهدوی حاصل می‌شود و... و اگر به سرانجام نرسد به این صورت که در سؤال مطرح شده که «اگر دروغ باشد» باز جواب از رجوع به بخش دوم سؤال معلوم و پاسخ داده می‌شود که دروغ

نیست، بلکه حقیقتی است از روز روشن تر و با ادله عقلیه و نقلیه ثابت شده است. (که اجمالاً بیان کردیم).

اگر به سرانجام نرسد؛ یعنی مرگ قبل از ظهور آقا، شخص رابی نصیب کند، باید گفت که حضرت تعدادی اصحاب خاص دارد، اگر شخصی که از دنیا رفته از افراد خاص و مقرب باشد، زمان ظهور حضرت زنده می شود و به اصحاب آن حضرت ملحق می شود. در احادیث آمده است در آن روز بهترین و پست ترین انسان ها زنده می شوند؛ و اگر شخصی معمولی بوده، باید گفت توفیق یاری حضرت را از دست داده است که البته از ثواب انتظاری که کشید بهره مند می شود که «أفضل الأعمال انتظار الفرج».

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری

۲. مهدی موجود موعود، آیه الله جوادی آملی

مهدویت در قرآن

آیا بحث مهدویت در قرآن و در منابع اهل سنت مخصوصاً صحیحین مطرح شده است؟

قرآن کریم در زمینه ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مانند بسیاری از زمینه‌های دیگر، بدون این‌که وارد جزئیات شود، به صورت کلی و اصولی بحث کرده است؛ یعنی از تشکیل حکومت عدل جهانی و پیروزی کامل و نهای صالحن در روی زمین سخن گفته است. این گونه آیات را مفسران اسلامی، به استناد مدارک حدیثی و تفسیری، مربوط به حضرت مهدی و ظهور و قیام او دانسته‌اند.^۱ اکنون به چند آیه در این مورد اشاره می‌کنیم:

۱. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا

۱. پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، موسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق علیه السلام، ص ۷۱۲، ۱۳۷۶ ش.

فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛^۱ در تورات و زبور نوشته ایم که صالحان، وارث زمین خواهند بود.

در تفسیر این آیه از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که فرمود: این بندگان صالح همان یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در آخرالزمان اند.^۲ و در آیه دیگری نظیر این مضمون، از حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است.^۳ و بی شک این وعده، روزی تحقق خواهد یافت.

۲. در جای دیگر بعد از اشاره به داستان فرعون که مردم را به استضعاف کشانده بود، می فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛^۴ ما می خواهیم بر مستضعفان زمین ممت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم! این آیه هر چند در مورد بنی اسرائیل و به قدرت رسیدن آنان بعد از رهایی از چنگال فرعون است، ولی تعبیر «و نريد...» اشاره به یک اراده مستمر الهی دارد و از این روی در بسیاری از روایات، بر ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تطبیق شده است.^۵

۳. در جای دیگری خطاب به مسلمانان می فرماید: کسانی

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. پیشوایی، مهدی، همان، ص ۷۱۴.

۳. رک: سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۴. سوره قصص، آیه ۵.

۵. رک: مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، چاپ المكتبة الإسلامية، ج ۵۱، ص ۵۴، ۱۳۹۳ ق.

از شما که ایمان واقعی و اعمال شایسته داشته باشند به خلافت خواهند رسید و با امنیت کامل، به پرستش خدای متعال خواهند پرداخت: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسقان‌اند.

و در روایات آمده است که مصداق کامل این وعده، در زمان ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت. روایات دیگری در تطبیق چندین آیه دیگر وجود دارد که به جهت رعایت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود.^۲

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. مصباح یزدی، محمد تقی، آموزش عقاید (دوره سه جلدی)، چاپ و نشر بین‌الملل، ص ۳۳۱، ۱۳۸۰ ش.

مهدویت در صحیحین

قبل از پرداختن به صحیحین، اجمالی از نظرات و دیدگاه‌های محدثان و علمای اهل سنت را بیان می‌کنیم. محدثان اهل سنت نیز احادیث مربوط به آن حضرت را از طریق گروه بسیاری از صحابه و تابعین در کتاب‌های خویش نقل کرده‌اند، به طوری که گذشته از کتب شیعه، کتب و آثار دیگر مذاهب اسلامی (حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی) نیز از روایات نبوی که درباره مهدی و ظهور اورسیده، سرشار است. براساس پژوهش برخی از محققان بزرگ، محدثان اهل سنت احادیث مربوط به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را از ۳۳ نفر از صحابه پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در کتب خود نقل کرده‌اند؛ تعداد ۱۰۶ نفر از مشاهیر علمای بزرگ اهل سنت، اخبار ظهور امام غایب را در کتاب‌های خود آورده‌اند؛ و ۳۲ نفر از آنان مستقلاً درباره حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام کتاب نوشته‌اند. به علت کثرت احادیث نبوی در مورد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و صفات و علایم ایشان در منابع قدیم اهل سنت، دانشمندان علم حدیث

و حافظان بزرگ سنی، این احادیث را «متواتر»^۱ دانسته‌اند. بر اساس یک بررسی اجمالی، تعداد ۱۷ نفر از دانشمندان بزرگ اهل سنت، به «متواتر» بودن احادیث مهدی در کتاب‌های خود تصریح کرده‌اند. علامه «شوکانی» در خصوص اثبات تواتر این روایات، کتابی به نام «التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدّجال و المسیح» تألیف کرده است.^۲

از جمله اشکالاتی که برخی بر قضیه مهدویت از سوی اهل سنت گرفته‌اند، آن است که بخاری و مسلم اشاره‌ای به احادیث مهدویت نکرده و آنها را در صحیح خود نقل نکرده‌اند و این به نوبه خود می‌تواند سبب وهن این احادیث باشد. احمد امین مصری می‌گوید: «از افتخارات صحیح بخاری و مسلم آن است که این گونه احادیث در آن دو وارد نشده است». همین اشکال از ناحیه اشخاص دیگر از متفکرین غرب‌زده اهل سنت از قبیل شیخ محمد زهره، سعد محمد حسن، حسین سائح لیبیایی مغربی، سید محمد رشید رضا و شیخ بن محمود وارد شده است.

پاسخ را در دو جهت بیان می‌کنیم؛ «دکتر شبوی» می‌گوید: «اینان گمان می‌کنند که بخاری و مسلم احادیث مهدویت را به جهت ضعف در اسنادشان نقل نکرده‌اند.

۱. حدیثی که راویان بسیار داشته و ثبوت و صدور آن از پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام قطعی است.

۲. پیشوایی، همان، ص ۶۹۶-۶۹۸.

این گمان باطلی است؛ زیرا این دو به تمام احادیث صحیح احاطه نداشته و هرگز چنین ادعایی نکرده‌اند». بخاری می‌گوید: «آنچه را که در کتاب خود «الجامع الصحیح» آورده‌ام صحیح است، ولی چه بسیار احادیث صحیح السندی که به جهت طولانی شدن کتابم نقل نکرده‌ام». مسلم بن حجاج قشیری می‌گوید: «من تمام احادیث صحیح نزد خود را در این کتاب «صحیح» نیاورده‌ام، بلکه در صد آن بوده‌ام که تنها احادیثی را ذکر کنم که اجماعی است». حاکم نیشابوری می‌گوید: «بخاری و مسلم حکم به عدم صحت احادیثی که در دو کتاب‌شان نیاورده نکرده‌اند»^۱.

گفته‌های دیگری از علمای بزرگ اهل سنت در این مورد آمده که به جهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌شود. جهت دیگر پاسخ آن‌که، بخاری و مسلم به احادیث مهدویت به طور عموم اشاره کرده‌اند که مختصراً به آنها اشاره می‌کنیم:

(الف) احادیث خروج دجال: بخاری و خصوصاً مسلم، احادیث زیادی از طرق مختلف در این مورد نقل کرده‌اند.^۲ ابن حجر عسقلانی با نقل کلامی از آبری در تواتر احادیث مهدی عَلَيْهِ السَّلَام قصه دجال را به خروج حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

ربط می‌دهد.

۱ . رضوانی، علی اصغر، موعودشناسی و پاسخ به شبهات، قم، انتشارات مسجد مقدس جمکران، ص ۱۳۱، ۱۳۸۴ ش.

۲ . بخاری، صحیح بخاری، بیروت، دار القلم، ۱۴۰۷ ق، ج ۴، ص ۶۳۳، کتاب الانبیاء، باب ۹۴۶، ۱۹۸۷ م.

ب) احادیث نزول عیسی بن مریم: بخاری به سند خود از ابوهریره نقل کرده که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «کیف انتم إذ نزل ابن مریم فیکم و امامکم منکم»^۱. مسلم نیز همین مضمون را نقل کرده است.^۲ در این روایات آمده که وقتی عیسی نزول می‌کند، امام شما از خودتان است. مقصود از امام در این روایات کسی جز مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نخواهد بود، و لذا شارحین صحیح بخاری همگی متفق القول «الامام» در این روایات را حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام معرفی کرده‌اند.

ج) احادیث بخشش مال، مسلم به سند خود از جابر بن عبدالله انصاری نقل کرده که رسول خدا ﷺ فرمود: در پایان اتمم خلیفه‌ای خواهد بود که مال فراوان می‌دهد بدون آن که شمارش کند». با رجوع به روایات دیگر پی خواهیم برد که مقصود از این خلیفه همان مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است.

ابن ابی شیبہ به سندش از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «یخرج رجل من اهل بیتی عند انقطاع من الزمان و ظهور من الفتن یکون عطاؤه حیثا»؛ مردی از اهل بیتم بعد از وقفه‌ای از زمان و ظهور فتنه‌ها خروج خواهد کرد که عطای او ریزان است.

د) احادیث خسف بیداء: مسلم در «صحیح» به سند خود

۱. همان، باب ۹۴۵.

۲. مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دار الفکر، ج ۱، ص ۸۹۲، ۱۴۱۷ق/ ۱۹۹۶م.

از رسول خدا ﷺ نقل کرده که فرمود: «یعوذ عائذ بالبيت فیبعث الله بعث فاذا كانوا ببیداء من الأرض خسف بهم»؛ شخص به خانه پناه می‌برد، لشکری به سوی او فرستاده می‌شود. آن لشکر به سرزمین بیداء که می‌رسد در آنجا به زمین فرو می‌رود. با مراجعه به سایر روایات پی می‌بریم که فرو رفتن زمین بیداء از علائم ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الْكَرِيمُ است.^۱

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. سیری در صحیحین، محمد صادق نجمی

۱. رضوانی، علی-اصغر، همان، ص ۱۳۲ و ۱۳۳.

دلیل این که اکثریت ادیان و مذاهب بزرگ دنیا فرهنگ انتظار دارند و معتقد به ظهور فردی در آخرالزمان و از بین بردن ظلم و برقراری عدل هستند چیست؟

قبل از بیان دلیل انتظار بهتر است در مورد کلمه انتظار از لحاظ معنی و مفهوم توضیحاتی را بدهیم.

انتظار در لغت به معنی چشم داشتن، چشم به راه بودن، چشم داشتگی می باشد^۱ و به عبارت دیگر نوعی امید به آینده داشتن است.

انتظار در اصطلاح

به معنی چشم به راه بودن و درنگ کردن به امید پیشامد خاصی^۲ انتظار امیدی است به آینده‌ای نویدبخش و سعادت‌آفرین که در آن به رهبری قاندى عظیم، جهان از مفسد و بدبختی‌ها رهایی یافته و راه خیر و صلاح، آسایش و امنیت را در پیش می‌گیرد، انتظار آرزومندی به رسیدن آینده‌ای است که در آن ستم و تبعیض تعدی و اجحاف نیست. می‌توان گفت علت اصلی منتظر بودن همه آیین‌ها و گروه‌ها این است که بشر فطرتاً خواستار جامعه‌ای ایده‌آل که در آن عدالت و آزادی و امنیت هست، می‌باشد. بنابر این از خواست‌های سرشت انسانی می‌باشد و لذا با تعریفی که از انتظار شد و به خاطر عدم دسترسی به یک حکومت و

۱. فرهنگ معین، ج ۱، چاپ هشتم، ۷۱.

۲. دایرة المعارف تشیع، نشر شهید سعید محبی، ج ۲، ص ۵۳۹.

جامعه‌ای که تمام شرایط را داشته باشد، انسان همواره در انتظار آن به سر می‌برد پس انتظار در همه انسان‌ها وجود دارد و امری عمومی و همگانی می‌باشد و همه مردم از غربی و شرقی از سیاه و سفید بدان وابسته‌اند و زمینه آن در همه جوامع؛ چه متمدن و غیر متمدن و در همه مذاهب اولیه و پیشرفته و در بین مردم غیر مذهبی که تنها تکیه‌گاه‌شان واقعیت (ماتریالیستی) است به چشم می‌خورد، بنابر این تمامی ادیان آسمانی و غیر آسمانی معتقد و منتظر آمدن یک مصلح در آخر الزمان هستند.

از این رو بخشی از آیات کتاب‌های مقدس در ادیان متفاوت به این مورد اختصاص داده شده به همین سبب به عنوان مثال مسیحیان بر این باورند که سرانجام روزی خواهد آمد که عیسی علیه السلام بار دیگر به سوی آنها باز خواهد گشت و جهان را پر از عدل خواهد کرد.^۱ و یا یهودیان که در انتظار مصلح به سر می‌برند و معتقدند که روزی ماسیح (= منجی یهود) خواهد آمد و سرزمین موعود را به آبادانی خواهد کشید.^۲ و زرتشتیان نیز مانند ادیان دیگر به آمدن مصلح جهانی معتقد هستند که او را با لفظ سوشیانت به معنای نجات‌بخش تعبیر می‌کنند.^۳ و هم چنین تمامی

۱. رضوی، رسول، امام مهدی عجله الله تعالی فرجه، انتشارات مرکز مدیریت، چاپ اول، ص ۱۳.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. همان، ص ۷.

فرقه‌ها و مذاهب اسلامی نیز از آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن می‌گویند.^۱ بنابر این می‌توان دلیل انتظار را چنین بیان کرد: ۱. خودسازی؛ ۲. امید به آینده روشن؛ ۳. امید به نجات از ذلت؛ ۴. اعتراض به نظامات موجود؛ ۵. عامل زندگی، شادابی و کوشش فراوان؛ ۶. امید به گسترش عدالت در سراسر گیتی. چنین انتظاری قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتواند چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشند و این در درجه اول محتاج به بالاترین سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری می‌باشد و لذا منتظران واقعی هرگز نمی‌توانند برای این چنین برنامه‌ای مهم نقش تماشچی را داشته باشند و باید به خودسازی بپردازند، لذا شخصی که فاسد است چگونه می‌تواند در انتظار نظامی باشد که افراد فاسد و نادرست در آن هیچ گونه نقشی ندارند، بلکه مطرود و منفور خواهند بود. و هم چنین منتظران علاوه بر اصلاح خویش باید به دیگران نیز در این راستا کمک کنند؛ چرا که این یک برنامه فردی نمی‌باشد و همین انتظار باعث امید به آینده‌ای روشن و نجات از ذلت خواهد بود و این اعتراض موجب اعتراض به نظامات موجود می‌شود و همه این کارها عامل زندگی و شادابی و کوشش فراوان می‌شود.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. مهدی منتظر، محمد جواد خراسانی

۲. امید فردا، عباس رحیمی

۳. یکصد پرسش و پاسخ، رجالی تهرانی

۴. سیمای امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، سید محمد رضا

طباطبایی نسب

مهدویت نوعیه و شخصیه چیست و مهدویت نوعیه چه اشکالی دارد؟

گاهی در تعبیرات، از مهدویت شخصی و نوعی استفاده می‌شود، اهل سنت مهدویت نوعی و شیعه امامی مهدویت شخصی را قبول دارند، مقصود شیعه از مهدویت شخصی این است؛ مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف شخصی است معین که متولد شده و تاکنون زنده است و در آینده ظهور خواهد کرد، و او کسی جز فرزند امام حسن عسکری علیه السلام نیست.

مقصود اهل سنت از مهدویت نوعی این است که در آخرالزمان شخصی از ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نام مهدی متولد شده، و ظهور خواهد کرد و اوست کسی که زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود همان گونه که پر از ظلم و جور شده است، گرچه فعلاً وجود خارجی ندارد.

تعبیر مهدی نوعی و شخصی، کاربرد دیگری نیز دارد که نزد عرفا متداول است. برخی از عرفای اهل سنت هم چون مولوی معتقدند به این که در هر زمانی باید یک مهدی موجود باشد خواه از نسل علی و خواه از نسل عمر. مقصود آنان از مهدی، همان قطب عالم امکان است، ولی شیعه قائل است که در هر زمان باید امام معصوم موجود باشد؛ زیرا بدون آن زمین مضطرب خواهد شد. و این نظر مبتنی بر روایات بسیار زیاد از اهل بیت علیهم السلام است.

آنچه توجه به آن لازم و ضروری است و بر اساس اعتقاد

کلامی شیعه که پشتوانه ادله عقلی و نقلی دارد، این نکته مهم است که جهان هیچ‌گاه از وجود امام حئی معصوم و منصوب از طرف خداوند خالی نخواهد بود؛ زیرا یکی از اصول اساسی مکتب تشیع، این است که جهان هستی و زمین هرگز بی‌امام نخواهد بود؛ چه آن‌که بدون وجود امام و خلیفه الهی و واسطه فیض، جریان فیض الهی در قلمرو تکوین و تشریع امکان ندارد. و حیات و بقای آن در این عالم وجود ظلّی دارد و فقط در سایه وجود مقدس امام در هر عصر امکان‌پذیر خواهد بود. این مسأله به قدری حائز اهمیت است که امام صادق علیه السلام فرمود: اگر تنها دو نفر انسان داشته باشیم، یکی از آن دو امام خواهد بود و آخرین کسی که می‌میرد امام است.^۱

مبنای این اصل امور ذیل‌اند:

الف) امام واسطه فیض تکوین است. اگر امام نباشد، فیض هستی قطع شده، جهان هستی فرو می‌پاشد. محمد بن فضیل می‌گوید: از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم آیا روزی روی زمین بی‌امام خواهد بود؟ فرمود: نه، گفتم از امام صادق علیه السلام روایت شده که اگر روی زمین بی‌امام باشد، زمین یا بندگان مورد خشم خداوند قرار می‌گیرد. فرمود: نه اصلاً زمینی و

۱. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ترجمه حاج سید جواد مصطفوی، ج ۱، ح ۴۵۷، دارالکتب الاسلامیه.

بشری نمی‌ماند، همه از بین می‌رفتند.^۱ از این رو بی‌وجود امام عَلَيْهِ السَّلَام و حجت الهی، کائنات بی‌امداد فیض الهی خواهند بود و بدون این امداد همه چیز عدم محض است.

ب) امام مخاطب و حامل قرآن و الهام است. چون قرآن کتاب همیشگی و زنده انسان‌ها است، پس مخاطب حقیقی آن نیز باید همیشه وجود داشته باشد و این مخاطب حقیقی که قلب و روحش بستر و جایگاه وحی است، بعد از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جزائمه عَلَيْهِ السَّلَام و امام عَلَيْهِ السَّلَام نمی‌تواند باشد.

جریان زنده و مستمر و بقای استمرار قرآن و شب با برکت قدر جز با پذیرش وجود کسی که حامل و مهبط و مخاطب آنها باشد، قابل تصور نیست و چنین شخصی همان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است. بر این اساس وجود امام در هر زمانی لازم است، اما از آن‌جا که بنا بر دلایل موثق و شواهد قطعی تاریخی یازده امام از این جهان رخت بر بسته‌اند، و بنا بر دلایل معتبر و مستند تاریخی امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام پا به عرصه وجود نهاده است، حضور و وجود آن بزرگوار و استمرارش لازم و ضروری است؛ اگرچه در پرده غیبت باشد.

پس آفرینش انسان مکلف و بقاء نظام هستی در روی زمین بدون وجود انسان کامل که مظهر و واسطه فیض الهی است معنا ندارد و این است معنای کلام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام

که فرمود: زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نمی‌ماند، حجت خدا یا ظاهر و آشکار است و یا خائف و پنهان، تا حجت‌ها و برهان‌های خدا باطل نگردد.^۱ از این رو همواره باید انسان کامل در زمین وجود داشته باشد و از آن‌جا که شرایط جهان به جایی رسید که حاکمان و مردمان، حضور امام معصوم در جامعه را بر نتافتند، تنها راه وجود انسان کامل و استمرار فیض و کشته نشدن ولی، و نیز علل دیگری که بر ما پوشیده است، غیبت او بود تا زمانی که زمینه ظهور آن بزرگوار فراهم گردد. علامه طباطبایی رحمته الله علیه در همین باره می‌گوید: برای هر انسانی يك حجت باید باشد؛ زیرا خلقت او بدون غایت نمی‌شود و اگر حجت نباشد، یعنی غایت ندارد، و صدور چنین فعلی از خداوند متعال محال است؛ بنابراین، بازگشت این مسأله به این است که فعل خداوند متعال غایت می‌خواهد.

به عبارت دیگر: عالم انسانی که خلقت انسان است دارای کمال خاصی است که باید به آن کمال هدایت شود، و هدایت حجت (هادی) می‌خواهد. و اگر حجت (امام) از بین برود (و یا نباشد) باید غایت از بین برود، و اگر غایت از بین برود. فعل خدا (خلقت) بی‌غایت می‌شود و لغویت در خلقت لازم می‌آید و صدور چنین امری از خدای (حکیم) محال است.^۲ خداوند

۱. همان، ج۱، باب ان الأرض لا تخلو من حجة.

۲. در محضر علامه طباطبایی، ص ۸۸، محمد حسین رخشاد، انتشارات نهاوندی، قم.

متعال می‌فرماید: ما آسمان و زمین و موجودات میان آن دو را جزیه حق و هدف دار نیا فریدیم.^۱

بنابر این گذشته از ادله نقلی و روایات معتبر و فراوانی که از رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام دلالت صریح بر وجود امام زمان و استمرار وجود مقدس آن بزرگوار در تمام اعصار دارد، ادله عقلی و وجدانی که به گوشه‌ای از آن اشاره شد ضرورت وجود و استمرار وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف را به اثبات می‌رسانند. و از همین رو هم نظریه اهل سنت مردود است که می‌گویند امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در آخر الزمان متولد می‌شود؛^۲ چون مخالف با ادله مسلم کلامی و تاریخی است، و هم نظریه صوفیانه برخی عرفا، چه آن که در مهدویت عصمت و نص و انتصاب شرط است.

۱ .سوره حجر، آیه ۸۵.

۲ . البته برخی از علمای اهل سنت معتقدند که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف متولد شده‌اند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، استاد حسن زاده

آملی

۲. راهنماشناسی، استاد مصباح یزدی

وجود و امامت حضرت

مهدی
عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ

چگونه آمدن و ظهور مهدی موعود را که یک امر موهوم است باور کنیم؟ به چه دلیلی؟

در پاسخ به سؤال مورد نظر توجه به نکاتی لازم است:

الف: خیلی از شبهات و اشکالات بدوی نسبت به مسائل ناشی از توهم و پندارهای سطحی و ابتدایی می باشد به گونه ای که باعث خلط مسائل گردیده و خیلی از مسائل مسلم که بر اساس عقل و نقل به اثبات رسیده است، از امور موهوم پنداشته می شود و اولین ضربه را به شخص متوهم و صاحب پندار وارد می سازد و او را از حقایق و واقعیات دور کرده و گرفتار یک جبهه گیری کور و ناخواسته جدلی و محاجّه و مخاصمه عملی می سازد. بنابر این لازم است شبهات علمی با توجه به دلائل و منابع موثق و تحقیق و بررسی دلائل و منابع در هر مسأله مطرح گردد تا بازار توهم پروری و توسعه پندارهای غلط که در بسیاری از موارد منجر به سردرگمی و احياناً گمراهی عده ای می گردد، کساد و بی رونق

گردد. چنانچه بسیاری و بلکه اکثر شبهات و اشکالات برادران اهل سنت ناشی از عدم توجه و دقت و تحقیق در منابع شیعی بوده و بر اساس شنیده‌ها و پندارها و توهمات واهی که عاری از تحقیق و تدقیق علمی می‌باشد، صورت می‌گیرد.

ب: مسأله مهدویت و انتظار که در سؤال به عنوان امر موهوم به آن اشاره گردیده، از مسایل و پدیده‌هایی است که در میان مسائل اسلامی و بلکه آسمانی، کمتر مسأله‌ای از نظر اتقان و شهرت و اتفاق به آن می‌رسد. و خدشه در آن خود یک پنداری بیش نخواهد بود؛ زیرا امر مهدویت و منجی‌گرایی و امید به اصلاح عالم با ظهور یک مصلح جهانی، مسأله‌ای است که ادیان آسمانی در کتب و صحف‌شان به آن تصریح نموده‌اند و دلائل عقلی و نقلی از قرآن و سنت در کتاب‌های شیعه و سنی بر آن اقامه گردیده است:

تجلی مهدویت در کتب زرتشتیان

۱. در کتاب معروف «زند» پس از ذکر مبارزه همیشگی «ایزدان» و «اهریمنان» می‌خوانیم: ...آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند...، پس از پیروزی ایزدان، و بر انداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک‌بختی خواهد نشست؛ ۲. «جاماسب» در کتاب «جاماسب‌نامه» از زرتشت نقل می‌کند که می‌گوید:

مردی بیرون آید از زمین تازیان...، مردی بزرگ سر، بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار، و روی به ایران نهد، و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند.»^۱

تجلی مسأله مهدویت در کتب هندیان و برهمنائیان

۱. در کتاب «وشن جوک» از کتب هندوها چنین آمده است: سرانجام دنیا به کسی برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته می باشد.

۲. در کتاب دیگری به نام «دیده» آمده است: پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا می شود که پیشوای خلاق باشد، و نام او «منصور» باشد و تمام عالم را بگیرد و به آیین خود آورد.

۳. در کتاب «دداتک» از کتب مقدس برهمنائیان آمده است: دست حق در آید و جانشین آخر «ممتاتا» ظهور کند و همه جای مشرق و مغرب عالم را بگیرد و خلاق راهدایت کند.

۴. در «پاتیکل» از کتب هندوان آمده است: چون مدت روز تمام شد، و دنیای کهنه نو شود، و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای جهان؛ یکی ناموس آخر زمان و دیگری و حتی بزرگ وی که «پشن» نام دارد و نام صاحب آن ملک تازه «راهنما» باشد به حق پادشاه شود، و خلیفه رام باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد.

۱. آیت الله مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، ص ۵۳.

۵. در کتاب «باسک» از کتب هندوها آمده است: دور دنیا تمام شود به پادشاهی عادل در آخرالزمان که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد، و راستی حق با او باشد، و آنچه در دریا و زمین‌ها و کوه‌ها پنهان باشد، همه را به دست آورد، و از آسمان و زمین آن چه باشد خبر می‌دهد و از او بزرگ‌تر کسی به دنیا نیاید.^۱

تجلی مسأله مهدویت در کتب عهد قدیم «تورات»

۱. در کتاب «مزامیر داود» مزمور ۳۷ چنین می‌خوانیم: ... زیرا که شریران منقطع خواهند شد، و اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد، هان، بعد از اندک مدتی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود، اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد.

۲. و نیز در همان مزمور ۳۷ در جمله ۲۲ می‌خوانیم: ... زیرا متبرکان خداوند وارث زمین خواهند شد.

۳. در کتاب «حقوق» نبی، فصل ۷ می‌خوانیم: ... و اگر چه تأخیر کند. برایش منتظر باش! زیرا که البته خواهد آمد و درنگ خواهد نمود، بلکه جمیع امت‌ها را نزد خود جمع می‌کند و تمامی را برای خویشتن فراهم می‌کند.

تجلی و نشانه‌های مهدویت و ظهور در کتب عهد جدید (اناجیل)

۱. همان، ص ۵۴.

در انجیل «لوقا» فصل دوازدهم آمده است: کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته دارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می‌کشند، تا هر وقت بیاید و در را بکوبد. بی‌درنگ برای او باز کنید»^۱.

تجلی و نشانه‌های مهدویت و انتظار در منابع اسلامی

۱. قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم در آیاتی متعدد وعده تشکیل یک حکومت واحد جهانی اسلامی، بسط دین اسلام، غلبه آن بر کلیه ادیان، زمامداری صلحا و ارباب لیاقت، پیروزی حزب الله، بر جنود شیطان را داده است، این وعده تاکنون عملی نشده و در روایات اهل بیت علیهم‌السلام نیز در تفسیر این آیات، گفته شده که این موضوع در زمان ظهور حضرت مهدی. عجل الله تعالی فرجه. واقع خواهد شد. اینک به ترجمه بعضی از آیات وارده در این مسأله اشاره می‌گردد و برای آگاهی از روایات که در تفسیر این آیات وارد شده به کتاب‌های تفسیری و خصوصاً به کتاب: «المحجة فیما نزل فی القائم الحجة» تالیف سید هاشم بحرانی که بیش از صد آیه را در این کتاب جمع‌آوری نموده است مراجعه نمایید.

۱. «با کافران جهاد کنید تا در زمین فتنه و فساد نماند و

آئین همه دین خدا شود.»^۲

۱. همان، ص ۵۵.

۲. سوره انفال، آیه ۳۹.

۲. «اوست خدایی که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد.»^۱
۳. «ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.»^۲
۴. «خداوند وعده فرموده به کسانی از شما که ایمان آورده و نیکوکار گردند در زمین خلافت دهد.»^۳
۵. «ما البته رسولان خود و کسانی که ایمان آورده اند را در حیات دنیا یاری و پیروزی می دهیم.»^۴
۶. «اراده کردیم بر مستضعفان زمین منت نهاده، آنان را امام مردم و وارث ملک و جاه قرار دهیم.»^۵
- اینها و آیاتی دیگر که در تأویل و تفسیر آنها روایتی وارد شده، مربوط به حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام است که همگی دلالت دارند بر این که خدا وعده پیروزی به انبیاء و مؤمنین و حزب الله داده است و از آن جا که وعده خداوند تخلف ندارد و هنوز این وعده عملی نشده، پس باید به انتظار روزی بنشینیم که دین خدا غالب آید و حزب الله پیروز شوند و دین خدا در زمین مستقر گردد. و بدیهی است که خداوند حکیم بندگان را وعده به یک امر موهوم نمی دهد.

۱. سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره فتح، آیه ۲۸.

۲. سوره نساء، آیه ۱۰۵.

۳. سوره نور، آیه ۵۵.

۴. سوره غافر، آیه ۵۱.

۵. سوره قصص، آیه ۵.

۲. روایات

الف. روایات اهل سنت:

اهل سنت در این که مهدی موعود از نسل پیامبر و از فرزندان زهرای اطهر... است و زمین را پر از عدل و داد می‌کند، پس از آن که پر از جور و ستم شده باشد و این که عیسی مسیح علیه السلام از آسمان نازل شده و در پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند و مردم در عصر آن بزرگوار در رفاه زندگی می‌کنند، اتفاق نظر دارند و با توجه به روایات زیادی که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدویت وارد شده ابداً نسبت به وجود آن حضرت به خود تردید راه نمی‌دهند.

به عنوان مثال، حافظ ابو عبد الله گنجی شافعی متوفای سال ۶۵۸ هـ.ق در کتاب «البیان» خود می‌گوید: «احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل راویان بسیاری که دارد به حد تواتر (که احتمال کذب در آن نمی‌رود) رسیده است.»^۱ و ابن حجر عسقلانی شافعی متوفای سال ۸۵۲ هـ.ق در کتاب «فتح الباری» که شرح صحیح بخاری است می‌گوید: اخبار متواتر (از رسول خدا صلی الله علیه و آله) رسیده است که مهدی از این امت است و عیسی علیه السلام از آسمان فرود خواهد آمد و پشت سر مهدی نماز خواهد خواند.^۲ و به دلیل همین عقیده است که قاضی محمد شوکانی یمنی، رساله خود را «التوضیح

۱. آیت الله صافی، منتخب الاثر، ص ۴.

۲. همان منبع.

فی تواتر ما جاء فی المنتظر و الدجال و المسيح» نامیده است و در این باره می‌گوید: «همه احادیث مذکور را که آورده‌ایم به حد تواتر می‌رسد. بنابر این، با توجه به همه احادیث مذکور مسلم گشت که احادیث رسیده درباره مهدی منتظر متواتر است.»^۱ و ده‌ها عالم و دانشمند سنی دیگر که مجال ذکر آنها نیست و احادیث در مورد مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را بسیاری از بزرگان اهل سنت در کتاب‌های‌شان آورده‌اند مانند احمد حنبل، ابی داود، ابن ماجه، ترمذی، مسلم، نسائی، بیهقی و غیر آنها.

ب. مهدویت از دیدگاه شیعه و روایات آن

در مورد عقیده شیعه نیازی به سخن گفتن و اقامه برهان نیست. اصولاً شیعه بر خلاف سایر فرق اسلامی معتقد است که زمین هیچ‌گاه خالی از حجت و واسطه فیض نخواهد بود؛ زیرا اگر زمین بدون امام و حجت الهی بماند، اهل خود را فرو خواهد برد.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «لو بقيت الأرض بغير حجة لساخت بأهلها».^۲ بنابر این، اعتقاد شیعه به مهدویت نیاز به استدلال ندارد؛ چرا که یکی از اصول و امتیازاتش از سایر فرق، اعتقاد به مهدی موعود با نام و نشان و مشخصات کامل است، و علاوه بر این و احادیث متواتری که از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ درباره مهدویت وارد شده و چنان‌چه در کتب اهل

۱. همان منبع.

۲. اصول کافی، ج ۱، کتاب الحجه، ح ۱۰.

سنت هم به تفصیل آمده است، روایات فراوانی از ائمه اطهار علیهم السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت آن بزرگوار و فضیلت انتظار ظهورش، نقل شده که در کتب معتبر روایی موجود است به گونه ای که جای هیچ گونه تردید و ابهام برای انسان آگاه باقی نمی گذارد.

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «مهدی از اولاد من است، نامش نام من و کنیه اش کنیه من می باشد. صورت و سیرتش از همه کس به من شبیه تر است. غیبتی کند که مردم دچار حیرت گردند و بسیاری از فرقه ها گمراه شوند، آن گاه مانند ستاره تابانی از پرده غیبت ظاهر شده، به درآید و زمین را پر از عدل و داد کند آن چنان که پر از ظلم و ستم شده باشد.^۱

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمود: «قائم ما غیبتی طولانی خواهد داشت، شیعیان را چنان می بینم که برای پیدا کردن او دشت و دمن را زیر پا گذارند و او را پیدا نکنند. بدانید آنها که در غیبت وی در دین خود ثابت بمانند و از طول مدت غیبت اش منکرش نشوند، روز قیامت با من خواهند بود.»^۲

از امام رضا علیه السلام نقل شده که امیرالمؤمنین علیه السلام به فرزندشان امام حسین علیه السلام فرمود: «نهمین فرزند تو قیام به حق می کند و دین را پایدار ساخته و عدل را گسترش

۱. همان، ص ۱۱۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

می‌دهد. امام حسین علیه السلام گفت: آنچه فرمودی تحقق خواهد یافت؟ فرمود: آری به خداوندی که محمد صلی الله علیه و آله را به مقام پیغمبری برانگیخت و او را بر همه مخلوقاتش برتری داد، لکن پس از غیبت او وضعی پیش می‌آید که جز دوستان مخلص ما و مؤمنین پاک سرشت که نور ایمان و محبت ما در لوح دل‌شان نقش بسته، کسی در عقیده دینی خود ثابت نمی‌ماند.^۱ و ده‌ها و بلکه صدها حدیث معتبر دیگر که در کتب روایی معتبره موجود است.

و نکته آخر این‌که: همان گونه که توحید حقیقی و یکتاپرستی از اندیشه و تأمل در آیات و روایات قرآن به اثبات می‌رسد. اعتقاد به موعود واصل انتظار هم از آیات قرآن بر اساس روایات و تفاسیر اهل بیت علیهم السلام به دست می‌آید. و سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا نادیده گرفتن این همه دلایل و شواهد که در مقاله به آن اشاره گردید و ادیان و مذاهب مختلف به آن اعتقاد مستدل دارند، توهم و پندار است، یا ادله متقن عقلی و نقلی که عقلا در اثبات هر امری به آن تمسک کرده‌اند؟!

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۲، ص ۱۰۹.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱ و ۵۲
۲. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق
۳. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری
۴. در انتظار ققنوس، ترجمه: مهدی علی زاده
۵. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی
۶. منتخب الأثر، آیت الله صافی گلپایگانی

حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه رابطه عالم غیب و طبیعت هستند و چگونه فیض الهی را از خداوند دریافت و به تمام موجودات می‌رسانند؟

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به دو صورت واسطه بین عالم غیب و عالم طبیعت است:

۱. فیض تکوینی

حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان یکی از چهارده معصوم علت غایی آفرینش انسان و هستی است، و حدیث معروف «لولاك لما خلقت الأفلاك»^۱؛ اگر تو نبودی افلاک را نمی‌آفریدم، بر این مطلب دلالت می‌کند. و غایب بودن امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف هم نمی‌تواند مانع از این فیض تکوینی شود؛ زیرا وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف واسطه و شرط در فیض‌رسانی است نه ظهور او. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: ستارگان برای اهل آسمان امان هستند و اگر ستارگان از بین بروند، اهل آسمان هم از بین می‌روند و خاندان من هم امان اهل زمین‌اند، پس اگر اهل بیت از بین بروند اهل زمین نیز از بین می‌روند.^۲ امیرالمؤمنین علی عیاله می‌فرماید: زمین هیچ گاه از حجت الهی خالی نیست که برای خدا با برهان روشن قیام کند یا آشکار و شناخته شده و یا ترسان و پنهان تا حجت‌های

۱. علم‌الیقین، فی صفات الإمام، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۸۱، به نقل از تذکرة الخواص، نیز کمال الدین، ج ۲، ص ۲۰۵.

خدا باطل نشود.^۱ امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: اگر زمین بدون حجت بماند حتما فرو خواهد ریخت.^۲ و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند: امامان از خداوند درخواست می‌کنند و او به خاطر تعظیم حق ایشان می‌آفریند و روزی می‌دهد.^۳

۲. فیض‌های تشریعی

الف. «احکام ولایی»؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گاهی به واسطه افراد خاص در مسائل مهم، حکم نهایی را بیان فرموده‌اند و گاه بی‌واسطه حکم و اختلافی را برطرف کرده‌اند و این گونه احکام، در عصر غیبت صغری نمونه‌های زیادی دارد؛ به عنوان مثال، مرحوم صدوق نقل می‌کند که: «امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر جعفر کذاب، هنگامی که به ناحق، ادعای میراث امام حسن عسکری؟ عج عسکری علیه السلام کرد، از مکان مجهولی ظاهر شد و فرمود: «ای جعفر! چرا می‌خواهی حق مرا ببری؟! جعفر متحیر و مبهوت ماند. آن گاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف غایب شد. جعفر پس از آن، هر چه در میان مردم گشت، آن حضرت را نیافت تا آن که مادر امام عجل الله تعالی فرجه الشریف از دنیا رفت و وصیت کرده بود در خانه امام حسن علیه السلام دفن شود. جعفر، مانع شد و گفت: «نباید در این خانه دفن شود». این جانیز حضرت بر او ظاهر شد و فرمود: «ای جعفر! آیا این خانه، خانه توست؟ پس غایب شد و دیگر دیده نشد».^۴

۱. نهج البلاغه، ترجمه مرحوم دشتی، ح ۱۴۷.

۲. النعمانی، غیبت، ترجمه محمد جواد غفاری، نشر صدوق، ص ۱۹۳، ح ۷.

۳. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۰، به نقل از الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴.

۴. انتظار، ش ۵، ص ۳۶، به نقل اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۲.

ب. حضرت به صالحان و پیروانش نظر لطف دارند و می‌فرمایند: ما نظر خود را از شما بر نمی‌گیریم (که به حال خود رها شوید)، و فراموش‌تان نمی‌کنیم»^۱.

ج. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت صغری و کبری، مهدی‌باوران را از هدایت‌های عمومی و خصوصی خود بی‌بهره نکرده است.^۲

در تأکید و تأیید مطالب فوق می‌توان روایات ذیل را بیان نمود.

۱. امام باقر علیه السلام فرمودند: «به خدا قسم! خداوند از زمانی که آدم را قبض روح فرموده، زمین خود را تاکنون رها نکرده است مگر این که در روی آن امامی بوده که به وسیله او هدایت به سوی خدا انجام می‌گرفته است، و او حجت خدا بر بندگانش بوده، و پس از این هم زمین بدون امامی که حجت خدا برای بندگان اوست باقی نمی‌ماند».^۳

۲. امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدا ما را به نیکوترین خلقت آفرید و در آسمان و زمین خزانه‌دار علوم خویش قرار داد... و اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی‌شد».^۴

۱. موسوی، سید محمد تقی، مکال المکارم، ج ۱، در صفحه‌های نخستین.

۲. رضا اصفهانی، محمد رضا، عنایات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، به علما و طلاب و کتاب کمال الدین صدوق، ج ۲ مراجعه شود.

۳. النعمانی، غیبت، ترجمه محمد جواد غفاری، نشر صدوق، ص ۱۹۳، ح ۷.

۴. دادگستر جهان، به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.

۳. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرمایند: «امامان از خدا درخواست می‌کنند، و او می‌آفریند و روزی می‌دهد و این اجابت درخواست به خاطر تعظیم حق و شأن امامان است.»^۱

در روایات وجود مقدس صاحب الامر تشبیه به خورشید پشت ابر شده است. وجه تشبیه این است که: در علوم طبیعی و فلکیات ثابت شده است که خورشید مرکز منظومه شمسی است، جاذبه‌اش حافظ زمین و آن را از سقوط نگه می‌دارد، زمین را به دور خود چرخانده، شب و روز و فصول مختلف را ایجاد می‌کند، حرارتش سبب حیات و زندگی حیوانات و گیاهان و انسان است و نورش روشنی‌بخش زمین است. در ترتیب این آثار بین این که ظاهر باشد یا پشت ابر، تفاوتی وجود ندارد گرچه کم و بیش دارد.

وجود مقدس امام هم خورشید و قلب انسانیت و مربی و هادی تکوینی است و در ترتیب این آثار، بین حضور و غیبت او تفاوتی نیست.^۲

گفتنی است از این روایات و احادیث دیگر استفاده می‌شود که وجود مقدس امام، غایت نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه میان عالم مادی و عالم ربوبی است و اگر امام نباشد، رابطه بین عالم مادی و دستگاه آفرینش منقطع

۱. مکال المکارم، ج ۱، ص ۹۰، به نقل از الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۴.

۲. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ناشر: انتشارات شفق، چاپ قدس، ص ۱۳۸۱، ۱۵۵.

می‌گردد. قلب مقدس امام به منزله ترانسفورماتوری است که برق کارخانه را به هزاران لامپ می‌رساند. اشراقات و افاضات غیبی، بر آینه پاک قلب امام و به وسیله او بر دل‌های سایر افراد نازل می‌گردد. امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است و معلوم است که حضور و غیبت او، در تحقق این آثار تفاوتی ندارد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. مکیال المکارم، ج ۱، مناظرات

۲. دادگستر جهان، آیت الله امینی

چه دلیل داریم که منجی عالم مهدی باشد؟ آیا در میان مسلمان‌ها اختلاف وجود دارد؟

این مطلب جزء مسلّمات تمامی شرایع آسمانی است و هر دینی به نوبه خود به آمدن منجی و مصلح آخرالزمان نوید داده است؛ اگر چه در مصداق آن اختلاف نظر دارند و هر کدام مصداق خاصی را به عنوان منجی معرفی کرده‌اند، ولی در اصل آمدن منجی همه اتفاق نظر دارند. اسلام نیز به عنوان دین بر حق و کامل، در این زمینه نظراتی دارد. اگر ما دین اسلام و نبوت پیامبر اکرم ﷺ را حق دانستیم، قهراً منجی باید طبق تعریف و اسناد این آیین باشد. آنچه مورد اتفاق جمیع فرق اسلامی است و در قرآن کریم چندین آیه را به خود اختصاص داده، نوید آمدن منجی و مصلح آخرالزمان است؛ اگرچه قرآن مصداق آن را تعیین نکرده است.

از جمله آیاتی که بر مطلب دلالت دارد:

۱. آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره مبارکه انبیاء: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ ما در زبور بعد از ذکر نوشتیم (مقدر ساختیم) که بندگان صالح من زمین را به ارث خواهند برد.

۲. آیه ۵۵ سوره مبارکه نور: «خداوند به کسانی که ایمان آورده‌اند و عمل صالح انجام داده‌اند از میان شما وعده داده که آنها را به یقین خلیفه روی زمین خواهد کرد».

این دو آیه به صراحت به مؤمنان بشارت می‌دهند که سرانجام حکومت روی زمین از آن آنان خواهد بود، اما نکته قابل توجه این است که روایات بسیار زیادی از وجود نازنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وارد شده که این منجی و مصلح آخرالزمان را معرفی کرده و ایشان را از اولاد خود و «مهدی» نامیده است که این روایات مورد اتفاق جمیع فرق اسلامی است به صورتی که کتاب‌های فراوانی توسط دانشمندان اهل سنت و شیعه در این زمینه نگاشته شده و همگی بر متواتر بودن این روایات تأکید کرده‌اند. تنها در میان همه دانشمندان «ابن خلدون» و «احمد امین مصری» که آن هم به دلیل اغراض دیگری، در تواتر آنها تشکیک کرده‌اند.

این در حالی است که متعصب‌ترین فرقه اسلامی؛ یعنی «وهابی‌ها» نیز آن را پذیرفته و به متواتر بودن احادیث آن اعتراف کرده‌اند. شاهد این مدعا این است که چند سال پیش بیانیه‌ای از طرف «رابطة العالم الإسلامی» صادر گردید که شدیداً زیر نفوذ وهابیون و دولت سعودی است. در پاسخ سؤالاتی که از آنها درباره ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده شده بود در آن بیانیه آمده است: «ابن تیمیه» مؤسس مذهب وهابیت احادیث مربوط به «مهدی» را پذیرفته است. در پایان این بیانیه چنین آمده است: «بنابر این اعتقاد به «مهدی» بر هر مسلمانی واجب است و این جزء عقاید اهل سنت و جماعت است و هیچ کس

جز افراد نادان و بی‌خرد یا بدعت‌گزار آن را انکار نمی‌کند». از جمله آن روایات این است که ترمذی به سند صحیح از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده «اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد، خداوند سبحان آن را چنان طولانی می‌کند که مردی از من یا از اهل بیت من (تردید از راوی بوده) را برانگیزاند که اسم او اسم من و اسم پدرش نام پسر من است. (منظور امام حسن عسکری علیه السلام است که هم نام امام حسن مجتبی علیه السلام فرزند رسول خداست) که زمین را از عدل و داد پر خواهد کرد، آن گونه که از ظلم و ستم پر شده بود». و نیز ابی داود از ام سلمه نقل می‌کند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «المهدی من عترتی من ولد الفاطمة»؛ مهدی از خاندان من و از فرزندان فاطمه است.

احادیث مربوط به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بسیاری از صحابه مثل: علی بن ابی طالب، عثمان بن عفان، طلحة بن عبیدالله، عبدالرحمن بن عوف، عبدالله بن عباس، عمار بن یاسر، عبدالله بن مسعود و... نقل کرده‌اند که مورد پذیرش همه فرق اسلامی واقع شده‌اند.

شیخ منصور علی ناصف در کتاب «التاج الجامع الأصول» (کتابی که اصول پنج‌گانه معروف اهل سنت را جمع کرده) می‌نویسد: «در میان همه دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که در آخر الزمان به طور یقین مردی از اهل بیت ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد

و همه مسلمانان از او پیروی می‌کنند و در میان آنها عدالت را اجرا می‌نماید و دین را تقویت می‌کند». سپس می‌افزاید: «احادیث مهدی را گروهی از اصحاب خوب پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند و بزرگان اهل سنت مانند ابو داود، ترمذی، ابن ماجه و طبرانی و... آنها را در کتب خود نقل کرده‌اند»^۱.

در نتیجه: بر خلاف آنچه بعضی از ناآگاهان می‌پندارند اعتقاد به قیام «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» و حکومت جهانی او و این که از سلاله زهرا... است مخصوص شیعه نیستف بلکه تمام فرق اسلامی بدون استثنا ظهور مردی از دودمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در آخر الزمان به نام «مهدی» که دنیا را پر از عدل و داد می‌کند پذیرفته‌اند و روایات آن را در کتب خود نقل کرده‌اند. البته به باور همه شیعیان و تعدادی از عالمان اهل سنت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اکنون متولد شده و در غیبت به سر می‌برند، اما اکثر اهل سنت بر این عقیده‌اند که آن حضرت در آخر الزمان متولد می‌شود.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، آیت الله مکارم شیرازی

۲. دادگستر جهان، آیت الله امینی

۳. کتب تفسیری ذیل آیات ذکر شده (نمونه، المیزان،

مجمع البیان)

۱. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن (تفسیر موضوعی). امامت و ولایت در قرآن (قم، انتشارات مطبوعاتی هدف، ج ۹، ص ۴۲۰-۴۴۰).

راه شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان چیست؟

برای شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌توان از چهار منبع استفاده کرد:

الف. قرآن کریم

قرآن کریم تجلی ذات باری تعالی بر نبی مکرم ﷺ است. برخی از آیات قرآن ظهور در مسأله مهدویت داشته و مباحث پایان و آینده جهان را بررسی می‌کنند و برخی دیگر از آیات با عنایت به روایات به تأویل برده شده است.

به عنوان نمونه دو آیه را ذکر می‌کنیم:

۱. ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾؛ ما در زبور بعد از ذکر تورات نوشتیم، سرانجام، بندگان شایسته من، وارث و حاکم زمین خواهد شد.^۱ امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف در تأویل و تفسیر این آیه شریفه فرموده است: «این بندگان شایسته، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اصحاب او در آخر الزمان هستند.»^۲

۲. «خداوند برای آنهایی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده است، وعده داده‌اند که آنان را خلیفه روی زمین نموده، همان گونه که پیشینیان آنها را خلیفه ساخته بود...»^۳.

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. طبرسی، ابو علی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۶۶، بیروت، دار احیاء التراث.

۳. سوره نور، آیه ۵۶.

امام سجاد علیه السلام بعد از تلاوت این آیه شریفه فرموده است: «اینان از شیعیان ما هستند. خداوند این کار را در حق آنان به دست مردی از ما خاندان خواهد کرد. آن مرد مهدی این امت است»^۱.

ب. سنت

روایات گسترده‌ای از منابع حدیثی امامیه همانند کمال الدین و تاج النعمة (شیخ صدوق)، الغیبة (طوسی)، الغیبة (نعمانی)، اصول کافی (کلینی) و... به مسأله مهدویت پرداخته و مباحث آن را شناسانده‌اند، و در کتاب‌های حدیثی اهل سنت نیز روایات نبوی متعددی در مورد مسأله مهدویت ذکر شده است که در ذیل به عنوان نمونه چند روایت ذکر می‌شود:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صحیفه فاطمه زهرا...، جابر می‌گوید: روزی بر فاطمه... وارد شدم، صحیفه‌ای را در دست مبارك او دیدم که اسم پیامبر صلی الله علیه و آله و اسامی تمام ائمه دوازده گانه علیهم السلام در آن ثبت شده بود. و جابر همه آن اسامی را ذکر کرده که از جمله اسم مبارك حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این روایت این چنین آمده است: «ابا القاسم، (م ح م د) بن الحسن و هو حجة الله تعالی علی خلقه و ائمه جاریه و اسمها (نرجس)»^۲.

۱. طبرسی، مجمع البیان، همان، ص ۱۵۲.

۲. صدوق، ابی جعفر محمد بن بابویه قمی، کمال الدین تمام النعمة، ترجمه

۲. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «مردی از اهل بیت من قیام خواهد کرد که او هم نام من است و اخلاق او همانند اخلاق من است و زمین را پر از قسط و عدل می کند همان طور که پر از جور و ظلم شده است.»^۱

۳. امام رضا عجل الله تعالی فرمود: «...حضرت قائم کسی است که وقتی ظهور می کند در سن پیران است ولی به نظر جوان می آید، اندامی قوی و تنومند دارد به طوری که اگر دست را به سوی بزرگترین درخت دراز کند آن را از ریشه بیرون می آورد و اگر میان کوه ها فریاد برآورد صخره ها می شکنند و از جا کنده می شوند، عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست»^۲

۴. امام رضا عجل الله تعالی فرمود: «مهدی داناترین، بردبارترین، پرهیزگارترین مردمان است، او از همه انسان ها بخشنده تر، شجاع تر و عابد تر است.»^۳

۵. از رسول اکرم ﷺ: به مهدی بشارت می دهم، مردی از قریش و از عترت من می باشد.»^۴ و هم چنین روایات زیادی از فریقین در این مورد رسیده است که زمینه بیان آن نمی باشد.

کمره ای، ج ۱، ص ۴۲، نشر دار الحدیث، قم، ۱۳۷۰ ش.

۱. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الإمام الثانی عشر، ص ۲۳۲، موسسه حضرت معصومه...، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۲. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۸۲، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.

۳. همان، ص ۸۲.

۴. ابن حجر هیثمی، شهاب الدین احمد شافعی، صواعق المحرقة، ص ۹۹، مکتبه القاهره، ۱۳۸۵ ق.

ج. عرفان

عرفان راه دیگری برای شناخت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. عرفای اسلامی که اصحاب کشف و شهوند مسأله مهدی موعود را مطرح کرده و بر عظمت مقام آن تأکید نموده‌اند. آنان این مطلب را در قالب‌های شعر و نثر به دیگران رسانده‌اند و در عرفان این موضوع را از حقایق مسلم دین و وقایع حتمی جهان می‌دانند. از آن حضرت به قطب زمان، ولی دوران و خاتم اولیاء یاد کرده‌اند. و به چند نمونه از دیدگاه عرفانی اشاره می‌شود:

۱. شیخ عطار نیشابوری، عطار که مطالب عرفانی فراوانی در بعد شخصیتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گفته است، به نمونه‌ای از اشعار او درباره آن حضرت اشاره می‌گردد:

اوست باب اولیاء عین الیقین

اوست اسرار معانی را معین

اوست دانا در همه روی زمین

اوست بنیاد و همه اسرار دین

اوست عالم بر علوم اولین

اوست ظاهر بر ظهور آخرین...

نام او، نام محمد صلی الله علیه و آله آمده

خلق او، خلق احمد آمده...

صد هزاران اولیا روی زمین

از خدا خواهند مهدی را یقین

یا الهی! مهدی را از غیب آر

تا جهان عدل گردد آشکار...^۱

۲. محمود شبستری، ایشان تحت عنوان «قاعده ختم ولایت» می‌گوید: «غرض از ختم ولایت وجود مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که سلسله ولایت به او ختم می‌گردد. حقیقت کمال به نقطه دایره اخیر به ظهور می‌رسد که خاتم اولیاء باشد. یعنی دایره وجود ولایت مطلقه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که نقطه ختم ولایت است، در حقیقت مظهر همه ولایت‌هاست که در وجود انبیاء و اولیاء گذشته فرد فرد وجود داشته‌اند، و در این نشئه به وجود خاتم اولیا حضرت مهدی ظهور یافته است.^۲

ح. حکمت

حکما و فلاسفه اسلامی نیز به مسأله ولی کامل و خلیفه خدا در زمین توجه داشته و بر مبنای اندیشه خود از آن سخن گفته و آن را شناسانده‌اند که به چند نمونه از نظریه بزرگان اهل حکمت اشاره می‌شود:

۱. نیشابوری، عطار، فریدالدین، مظهر العجائب، ص ۴۴، چاپ سنگی.

۲. لاهیجی، محمد، مفتاح الإعجاز شرح گلشن راز، ص ۳۱۳، مرکز نشر، انتشارات سعدی، ۱۳۷۱ ش.

۱. معلم ثانی ابو نصر فارابی، حکیم فارابی، در تحلیلی که دارد، زندگی صحیح اجتماعی را در مدیریت کامل و آگاه به زمان و مکان می‌داند و آن مدیر کامل را به زمان حضور و غیبت پیش‌بینی کرده می‌گوید: هر کسی نمی‌تواند رئیس مدینه فاضله باشد و کسی می‌تواند که دارای ملکه کامل باشد، چنین انسانی، انسان کامل است که بالفعل هم عقل است و هم معقول، هم مدیر است و هم مدبر، هم معلم است و هم مرشد، او اشراف کامل بر همه دارد؛ زیرا بقای مدینه فاضله، به امام و رهبر است و این گونه رهبر متصل به عقل الهی است و از برکت علم تأویل برخوردار می‌باشد و به همه معارف حسی و غیرحسی آشنایی کامل دارد. چنین انسانی شایسته خلافت الهی در زمین است و ارتباط با عالم غیب داشته، در بیان معارف اشتباه نمی‌کند... و بعد می‌گوید: اگر زمانی چنین انسانی در جامعه حضور نداشت و از منظرها پنهان و در حال غیبت به سر می‌برد، باید شرائع و احکامی را که این رئیس و یا امثال آن در حال حضور وضع کرده‌اند، بگیرند و همانها را قوانین قطعی جامعه قرار دهند و جامعه را به آن اداره کنند.^۱

۲. شیخ اشراق، شهاب الدین سهروردی می‌گوید: هیچ گاه عالم از حکمت و از وجود کسی که قائم به حکمت است و حجت‌های روشن خدا در نزد او می‌باشد، خالی نخواهد بود و این کس همان خلیفه خدا در زمین است. پس، در هر زمانی

۱. ابو نصر فارابی، آراء اهل المدینه الفاضله، ص ۸۹، چاپ مصر، ۱۳۶۸ ق.

چنین شخصی به هم رسد که نمونه کامل علم و عمل بوده و رهبری امت به او بوده و خلافت الهی در زمین نیز به عهده او می‌باشد و زمین هرگز از چنین انسانی تهی نخواهد ماند. اما این چنین رهبر و پیشوای جامعه، گاهی در ظاهر بوده و حکومت تشکیل می‌دهد و گاهی در نهایت پنهانی بوده و در غیبت به سر می‌برد و آن که در غیبت به سر می‌برد مردم او را «قطب زمان» می‌نامند. او در جای بی‌نشانی زندگی کرده و از او نشانی در دست نمی‌باشد. هرگاه این امام و رهبر ظاهر گردد و در رأس حکومت قرار گیرد، زمان، زمانی نورانی خواهد شد.^۱

۱. اشراق، شهاب الدین سهروردی، حکمة الإِشراق، ج ۲، ص ۱۱، قم، انتشارات بیدار.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. امامت و مهدویت، آیه الله صافی گلپایگانی

۲. چشم اندازی به حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نجم الدین

طبسی

۳. میرمهر، پور سید آقایی

۴. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی

با توجه به ظهور مدعیان دروغین، چگونه می‌توان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را هنگام ظهور شناخت؟

خصوصیات ظاهری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «نشانه و علامت قائم این است که سنّ حضرت زیاد است، ولی از نظر چهره جوان می‌نماید؛ به گونه‌ای که اگر کسی به او نظر کند، می‌پندارد که او در سن چهل سالگی یا کمتر است. نشانه دیگرش این که گذشت روزگار او را پیر نمی‌کند تا زمانی که اجلش فرارسد».^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «او از فرزندان من است، اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستبر است، به هنگام سختی و گرفتاری امت من قیام می‌کند، رنگ چهره‌اش به عرب‌ها شباهت دارد، قیافه‌اش چون مرد چهل ساله می‌نماید و...».^۲

بنابر این امام از نظر سنّی به جوانی ۴۰-۳۰ ساله می‌نماید؛ اگرچه عمر او بسیار طولانی است، اما در مورد مشخصات بدنی آن حضرت به دوروایت اشاره می‌شود.

ابوبصیر می‌گوید: «به امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف عرض کردم: از پدر شما شنیده‌ام که امام زمان سینه‌ای گشاده و کتف‌هایی باز و عریض دارد. امام فرمود: ابا محمد! پدرم زره پیامبر را پوشید،

۱. غیبت، نعمانی، ص ۱۸۸، و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

۲. ابن طاووس، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، مؤسسة اعلمی، بیروت.

ولی برایش بلند بود، به طوری که بر زمین می رسید، من نیز آن را پوشیدم ولی بر قامت بلند بود، ولی آن زره بر قامت حضرت قائم چنان مناسب و اندازه است که بر بدن رسول خدا اندازه بود و قسمت پایین آن زره کوتاه است به طوری که هر بیننده گمان می کند اطراف آن را گره زده اند»^۱.

اما در مورد سایر خصوصیات این امام بزرگوار همانند کمالات اخلاقی، زهد و... روایات متعددی است که به کتاب های مربوطه در این زمینه باید مراجعه کرد.

شناختن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در هنگام ظهور

در پاسخ قبل به خصوصیات فردی حضرت اشاره شد. اما جهت تکمیل پاسخ مباحث ذیل ضروری می نماید. روشن است که ظهور منجی مصلح آخر الزمان همراه با علائم و نشانه هایی است که جهت رعایت اختصار به يك روایت اکتفا می کنیم.

عمر بن حنظله گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج نشانه خواهد بود که همگی از علامات حتمی ظهور است: یمانی (خروج یمانی)، سفیانی (خروج سفیانی)، صیحه (ندای آسمانی)، کشتن نفس زکیه و فرو رفتن زمین در بیداء^۲.

۱. اثبات الهداة، حرّ عاملی، ج ۳، ص ۴۴۰ و ۵۲۰، چاپ علمیه، قم.

۲. ابی جعفر محمد بن الحسین شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۲ش، ج ۲، ص ۸۱.

با توجه به چنین روایاتی که علائم ظهور را بیان می‌دارند در زمان ظهور مشخص می‌شود که فردی که ظهور کرده حضرت حجة بن الحسن العسكري است نه شخص دیگر.

اما علاوه بر روایات ذکر شده درباره خصوصیات ظاهری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در ادامه به برخی از روایات اشاره می‌شود که حضرت و خصوصیات ظاهری وی را بهتر می‌شناساند و وی را از مدعیان دروغین مهدویت تمییز می‌دهد.

۱. امام رضا عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «... قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی است که چون خارج شود، در سنّ پیر مردان و در سیمای نونهالان باشد. آن قدر بدنش نیرومند است که اگر دست مبارکش را به طرف بزرگ‌ترین درخت روی زمین دراز کند آن را از ریشه بکند، اگر در میان کوه‌ها بانگ برآورد، صخره‌های آن فرو ریزد. عصای موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انگشتر سلیمان السلام با او خواهد بود»^۱.

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «آن که عیسی بن مریم عجل الله تعالی فرجه الشریف پشت سرش نماز می‌خواند، از ماست»^۲.

و هم‌چنین فرموده‌اند: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر می‌شود، در بالای سر او ابری خواهد بود که فرشته‌ای از میان آن بانگ بر

۱. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی امین الإسلام، إعلام الوری، بیروت، ۱۳۹۹ق، ص ۴۰۷.

۲. مقدسی شافعی، یوسف بن یحیی، قاهره، ۱۳۹۹ق، ص ۲۵.

می‌آورد: این خلیفه خدا «مهدی» است، از او پیروی کنید»^۱.

۳. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شود، پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله، انگشتر حضرت سلیمان علیه السلام، سنگ و عصای حضرت موسی علیه السلام را همراه خود می‌آورد»^۲.

۴. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «آن گاه که خبر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سید حسنی و اصحابش می‌رسد، اصحاب می‌گویند: ای فرزند پیغمبر! این کیست که در قلمرو ما فرود آمده؟ سید حسنی می‌گوید: برویم ببینیم او کیست؟ به خدا قسم! در صورتی که سید حسنی می‌داند او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. و بدین جهت این سخن را می‌گوید که به یارانش آن حضرت را بشناساند، پس سید حسنی بیرون می‌آید تا این‌که به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌رسد، آن گاه می‌گوید: اگر تو مهدی آل محمد هستی پس عصای جدّت پیامبر صلی الله علیه و آله و انگشتر و جامه و زره آن حضرت کجا است؟ عمامه (سحاب)، اسب، شتر، قاطر، الاغ و اسب اصیل رسول خدا صلی الله علیه و آله و مصحف امیر مؤمنان علیه السلام کجاست؟ پس آن حضرت تمام اینها را به او نشان می‌دهد، آن گاه عصای پیامبر را می‌گیرد و در سنگ سختی می‌کارد، فوراً برگ می‌دهد، منظورش از این کار آن است که بزرگواری و فضیلت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به اصحاب خود بنمایاند تا با آن حضرت بیعت کنند، پس سید حسنی عرضه می‌دارد: الله اکبر، ای فرزند پیغمبر! دستت را بده تا با شما بیعت

۱. إلزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری، بیروت، ۱۳۹۷ق، ج ۱، ص ۶۳.

۲. حرّ عاملی، اثبات الهداة، قم، ۱۳۹۹ق، ص ۱۷۱.

کنیم، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستش را دراز می‌کند، سید حسنی و اصحابش بیعت می‌کنند»^۱.

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی مطالب:

اولاً: با توجه به وجود علامات و نشانه‌های ظهور که ذکر شد، می‌توان به خوبی فهمید که یقیناً شخصی که ظهور کرده مهدی موعود است یا نه.

ثانیاً: وقتی دانسته شد حضرت ظهور کرده، با استفاده از روایاتی که نشانه‌های همراه حضرت را بیان می‌کنند اعمّ از: عصای حضرت موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف، انگشتر سلیمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، اقتدای حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن حضرت، وجود ابری بر بالای سر حضرت، اعلام فرشته، پرچم رسول اکرم صلی الله علیه و آله، دو انگشتری امام حسن و امام حسین عجل الله تعالی فرجه الشریف، عصای پیامبر صلی الله علیه و آله، انگشتر و جامه و زره حضرت، عمامه و... رسول خدا صلی الله علیه و آله، مصحف امیر مؤمنان عجل الله تعالی فرجه الشریف و هم‌چنین از مشخصات ظاهری که در احادیث گذشته به آنها اشاره شد، حضرت شناخته می‌شود. لذا ما به وجود يك مهدی بی‌نام و نشان و مجهول الهویه‌ای عقیده نداریم تا در تطبیق‌اش به فردی در اشتباه واقع شویم؛ بلکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار عجل الله تعالی فرجه الشریف، که اصل وجود مهدی را خبر داده‌اند، آن وجود مقدس را کاملاً تعریف و توصیف نموده و هر گونه ابهام و اجمالی را برطرف ساخته‌اند.^۲

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۴ق، ج ۵۳، ص ۱۵.

۲. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، قم، شفق، ۱۳۷۶ش، ص ۳۲۹.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. چشم اندازی بر حکومت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ، نجم الدین طبسی
۲. فصل نامه انتظار، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، مقاله آقای آیتی، ص ۳۶۰، مقاله «اهل کتاب در دولت مهدی»
۳. یاد مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحِمَهُ الشَّرِيفُ، محمد خادمی شیرازی
۴. فرهنگ نامه مهدویت، خدامراد سلیمیان
۵. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

از شواهد تاریخی برمی آید که امام عسگری عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزندی نداشته، پس بحث از امام زمان بیهوده است؟

اتفاق علمای شیعه و بسیاری از علمای اهل سنت درباره تولد امام زمان و وجود حضرت قطعی و بسیاری از بزرگان شیعه در غیبت کبری به محضرش مشرف شده‌اند.^۱ حتی از علمای اهل سنت فردی چون ابن عربی عارف بزرگ و نویسنده فتوحات مکیه درباره حضرت مهدی سخن گفته است؛ امامت و غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اخبار و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده، صدها روایت در این مورد از ائمه معصومین علیهم السلام نقل گردیده است، درباره امام مهدی روایات به حدی زیاد است که درباره هیچ موضوعی، این میزان روایات نقل نشده است.

علاوه بر روایات متعدد و فراوان بسیاری از بزرگان شیعه و دیگران آن امام را در غیبت صغری و کبری زیارت کرده و به حضورش رسیده و کرامات فراوانی از آن حضرت به آنها رسیده است. در این جا به برخی از اخبار و احادیث پیرامون حضرت مهدی اشاره می‌شود.

الف. اخبار اهل سنت:

۱. ابن اثیر در نقل حوادث سال ۲۶۰ هجری قمری می‌نویسد: در این سال ابو محمد علوی عسگری (امام

۱. ر.ک: شیخ علی اکبر نهانوندی، العبقری الحسان.

عسگری) وفات یافت. او یکی از امامان دوازده‌گانه بر طبق مذهب شیعه است و پدر مهدی است که شیعیان عقیده دارند او موعود منتظر است.^۱

۲. ابن خلکان چنین می‌نویسد: ابوالقاسم محمد بن حسن عسگری بن علی هادی بن محمد جواد دوازدهمین امام از ائمه دوازده‌گانه شیعه است که لقب معروف او حجت است. ولادت وی در روز جمعه نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری واقع شده است.^۲

۳. یکی دیگر از علمای اهل سنت که اهل سفر و سیاحت بوده ابن ازرق نارقی در این باره گفته است: او متولد شده و فرزند حضرت حسن عسگری است.

۴. ذهبی از علمای بزرگ اهل سنت در کتاب العبر و کتاب تاریخ دولت‌های اسلامی و کتاب سیر اعلام النبلاء به ولادت امام دوازدهم تصریح کرده و در این باب به اخبار پیامبر ﷺ اشاره کرده است.^۳

۵. ابن جوزی در تذکره الخواص علاوه بر تصریح بر ولادت آن حضرت درباره اخبار پیامبر اکرم ﷺ درباره آن حضرت سخن گفته است.^۴

۱. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۷، ص ۲۷۴.

۲. ابن خلکان، وفيات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۶.

۳. هاشم العمیدی، در انتظار قنوس، ص ۱۶۴.

۴. ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۵.

ب. وجود احادیث فراوان در خصوص آن حضرت از پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام نقل شده است:

۱. درباره این که امام زمان از فرزندان امام حسین علیه السلام است ۱۸۴ حدیث از پیامبر و ائمه^۱ نقل شده است.

۲. درباره این که نه امام از فرزندان امام حسین علیه السلام هستند و دوازدهمین آنها مهدی است ۱۶۰ حدیث^۲ نقل شده است.

۳. درباره این که امام زمان نهمین فرزند امام حسین علیه السلام است ۱۴۸ حدیث^۳ نقل شده است.

کتاب‌هایی که اهل سنت درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته‌اند فراوان است که در این جا به برخی اشاره می‌شود:

۱. علامات المهدی، جلال الدین سیوطی.

۲. علامات المهدی، صدر الدین قونوی.

۳. الكشف المخفی فی مناقب المهدی، گنجی شافعی.

۴. العرف الوردی فی اخبار المهدی، جلال الدین سیوطی.

۵. عقد الدرر فی اخبار المهدی المنتظر، مقدسی شافعی.

۶. رساله فی المهدی، ابن حجر مکی.

۷. مناقب مهدی ابو نعیم اصفهانی.

۱. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۱۹۸.

۲. همان، ص ۲۰۳.

۳. همان، ص ۲۰۴.

علمای شیعه علاوه بر این که در کتاب‌های عمومی که در شرح حال ائمه علیهم‌السلام نوشته‌اند درباره حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته‌اند مانند شیخ مفید و شیخ طوسی و کلینی؛ کتاب‌های ویژه‌ای نیز درباره امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف نوشته‌اند که در این جا برای آگاهی چند کتاب معرفی می‌شود:

۱. کتاب غیبت، نعمانی.
 ۲. کتاب الإرشاد، شیخ مفید.
 ۳. کتاب الغیبه، شیخ طوسی.
 ۴. تحفه قدسی در علائم ظهور مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف، شیخ طوسی.
 ۵. کتاب منتجب الأثر، لطف اله صافی.
 ۶. اکمال الدین، شیخ صدوق. این کتاب به اشاره خود حضرت نوشته شده است.
- شیخ مفید که کتابش از اعتبار خاصی برخوردار است مینویسد: «امام بعد از امام حسن عسکری علیه‌السلام فرزندش بود که هم‌نام و هم‌کنیه رسول خدا صلی‌الله علیه و آله و سلم بود و امام حسن علیه‌السلام به جز او فرزندی نداشت نه ظاهراً و نه باطناً، مادر این فرزند کنیزی به نام نرجس بوده است.^۱

کلینی در کافی می‌نویسد: فرزندی برای امام حسن عسکری علیه‌السلام به دنیا آمد و او را محمد نام نهادند.^۲

۱. شیخ مفید، پیشین، ص ۳۳۹.

۲. کلینی، کافی، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۲۶۴.

طبرسی در اعلام الوری همین قول را ذکر کرده و می نویسد: فردی از امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال کرد: آقای من! آیا برای شما فرزندی هست؟ حضرت فرمود: بله. سؤال کرد، اگر امری اتفاق بیفتد در کجا از او می توانم سؤال کنم؟ حضرت فرمود: در مدینه.^۱

هم چنین کلینی درباره وضع سیاسی و علت مخفی بودن ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می نویسد: معتمد عباسی چون شنیده بود که از حضرت عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزندی باقی مانده هدف در صدد یافتن او برآمد و دستور داد عده ای از قابله ها زنان و کنیزان آن حضرت را معاینه نمایند و اگر آثار حمل در آنها مشاهده شد گزارش کنند. گفته شده است که یکی از قابله ها به کنیزی شک کرد، از طرف خلیفه دستور داده شد که آن کنیز را در محلی تحت نظر قرار بدهند. سرانجام چون اثری از حمل ظاهر نشد آن کنیز آزاد گردید.^۲

معتمد برای آن که وانمود کند که از امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزندی باقی نمانده و شیعیان از وجود امام بعدی ناامید گردند، دستور داد، میراث آن حضرت میان مادر و برادر امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف (جعفر کذاب) تقسیم شود. این تقسیم ارث در ظاهر دلالت بر این دارد که امام حسن عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف فرزند دیگری نداشته اند و با توجه به این که

۱. طبرسی، پیشین، ص ۲۵۱.

۲. کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۵۰۵.

خلیفه نتوانسته بود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پیدا کند دستور داد که ارث امام تقسیم شود. عباسیان با توجه به اخباری که از پیامبر شنیده بودند و تعداد و نام امامان شیعه را می‌دانستند به این جهت که گمان می‌کردند حضرت مهدی حکومت آنان را از بین خواهد برد ائمه شیعه را؛ به‌ویژه امام عسکری را تحت نظر داشتند تا قبل از ولادت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر یافته و او را در کودکی بکشند. به همین روی منزل امام عسکری علیه السلام در محاصره و تحت نظر آنان بود. بنابر این آنچه سبب شده که ولادت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در نظر برخی موهوم و غیر واقعی جلوه کند همین مسائل است.

برای مطالعه کامل می‌توانید به این کتاب‌ها که به زبان فارسی نوشته یا ترجمه شده مراجعه کنید.

۱. عصر زندگی، علی کورانی

۲. روزگار رهایی (ترجمه یوم الخلاص، کامل سلیمان) علی اکبر مهدی پور

۳. در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم حبیب العمیدی، ترجمه مهدی علی‌زاده

۴. قیام و انقلاب مهدی، شهید مطهری

۵. خط امان، آیه الله امامی کاشانی

۶. عبقری الحسان، نهاوندی

۷. نجم الثاقب، محدث نوری

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «اگر مردم در محبت علی عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ یک دل بودند، خداوند آتش جهنم را خلق نمی‌کرد».^۱

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۶۷.

وجود امامی که غایب است چگونه موجب دل‌گرمی مؤمنین می‌شود؟

غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به معنای انقطاع مطلق آن حضرت از مردم و جهان نیست، بلکه غیبت به معنای پنهان بودن حضرت از انظار عمومی است؛ یعنی حضرت در شرایط غیبت ضمن اشتغال به امور شخصی به طور ناشناس در جامعه حضور دارد و حوادث و رخداد‌های اجتماعی و مشکلات مردم را به طور کامل زیر نظر دارد و خصوصاً نسبت به شیعیان و دوستانش عنایت خاصی دارد و از وضع آنان باخبر است و مراقبت می‌نماید. چنان‌که خود حضرت در یکی از توقیعاتش به شیخ مفید رحمته الله علیه می‌نویسد: «ما شما را رها نکرده و در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم، پس تقوی پیشه کنید و ما را یاری نمایید تا از فتنه‌هایی که به شما روی می‌آورد، شما را نجات بخشیم....»^۱

بنابر این مخفی بودن از انظار عمومی به این معنا نیست که مردم نیز از آن حضرت پنهان باشند، بلکه حضرت در شرایط غیبت نیز همانند شرایط حضور از حوادث جامعه آگاه است و نسبت به کلیه امور جاری اشراف کامل دارد از شادی و پیروزی مسلمانان شاد می‌شود و از مشکلات و گرفتاری آنان غمگین می‌گردد و تا جایی که با فلسفه غیبت منافات نداشته باشد به اذن الهی به رتق و فتق امور می‌پردازد.

۱. طبرسی، ابو منصور، الإحتجاج، مشهد، انتشارات سعید، نشر مرتضی، ج ۲، ص ۴۹۷.

به همین جهت وقتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد آثار و فوائد امام مهدی در عصر غیبت سؤال گردید، در پاسخ فرمود: «والذی بعثنی بالنبوۃ انهم ینتفعون به و یتستضیئون بولایتہ فی غیبتہ کانتفاع الناس بالشمس و ان جلالہا السحاب»؛^۱ قسم به آن خدای که مرا به پیامبری مبعوث فرمود، مردم در آن زمان همانند آفتاب در پس پرده ابر از وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بهره می‌برند و از نور ولایت او نورانی می‌گردند.

خود حضرت نیز می‌فرماید: مردم از وجود من همانند آفتاب پس ابر سود می‌جویند و من سبب آرامش و امنیت مردم روی زمین هستم همان گونه که ستارگان امان اهل آسمان اند.»^۲

این روایات گویای اشراف و حمایت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از مؤمنین و دوستداران اهل بیت علیهم السلام است و طبیعی است که اشراف و حمایت غائبانه آن حضرت مایه آرامش و تقویت روحی شیعیان و مسلمانان خواهند بود. بنابر این خود این باور و ایمان به چنین امام حی و حاضری که ملجأ و پناهگاه مظلومین و حافظ دین و شریعت است موجب دل‌گرمی و قوت قلب طرفداران آن حضرت و مانع از یأس و ناامیدی آنان می‌باشد. این اعتقاد باعث مقاومت

۱. قندوزی، ینابیع الموده، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ج ۳، ص ۱۷۰.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۴۸۵.

شیعیان در برابر ظلم و جور و تقویت روحیه عدالت خواهی و دشمن ستیزی آنان می‌گردد.

این اعتقاد موجب می‌شود که جامعه شیعی و پیروان آن حضرت، خود را همواره متکی به يك پایگاه قوی و نیرومندی بدانند که سرانجام و آینده جهان بشریت را رقم خواهند زد و شاداب و پرنشاط خود را برای هر گونه ایثار و فداکاری آماده نموده و برای رسیدن به وضع مطلوب جهانی بر تلاش بی‌وقفه و پایدار خود بیافزایند.

از این نظر وجود امام غائب عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف قطع نظر از فوائد بی‌شمار دیگری که دارد، مهم‌ترین عامل استحکام روحی و دل‌گرمی شیعیان و منتظران حضرت به شمار می‌آید و انگیزه مبارزه برای استقرار عدل و قسط و رسیدن به عصر شکوهمند ظهور را در جان آنان بارور می‌سازد. دقیقاً همین روحیه و اعتقاد زنده، تفکر پویای شیعی را از دیگران متمایز نموده است و باعث بقاء رشد و بالندگی روزافزون جامعه شیعی گردیده است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. امامت و مهدویت، تألیف آیت الله صافی گلپایگانی، ج ۳.

۲. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف،
نوشته علی رضا رجالی تهرانی.

اگر اهداف ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون ظهور حاصل شوند آیا نیازی به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هست یا خیر؟

یکی از ادله ضرورت وجود امام، «لطف» است و لطف چیزی جز هر آنچه موجب تقرب عبد به سوی خدا و دوری او از معصیت الهی نمی‌باشد و این امر در «امامت» حاصل می‌شود. خداوند انسان را از روی فیض و رحمت خود آفرید و اراده او بر این تعلق گرفت که انسان به مدارج سعادت و کمالات نهایی خود برسد و این ممکن نیست مگر به واسطه وجود يك هادی و قائدی که خود به سر حد کمال رسیده باشد و با توجه به این که دین محمدی خاتم ادیان است و پیامبر اکرم ﷺ خاتم النبیین است لذا پس از او نوبت به امامت ائمه هدی می‌رسد.^۱ حال سؤال این جاست که جامعه‌ای را فرض کنیم که همگی معصوم هستند و هیچ خطا و گناهی از افراد جامعه سر نمی‌زند آیا باز هم ضرورت وجود امام الزامی است؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت: ضرورت وجود امام در گرو خطاپذیری نوع بشر است و اگر این چنین جامعه‌ای را فرض کنیم دیگر نیازی به امام نیست و لکن نوع بشر به گونه‌ای خلق شده که این چنین جامعه‌ای ابداً محقق نمی‌شود. انسان‌ها به واسطه داشتن غرائز سرکش و

۱. حلی، کشف المراد، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ نهم، ۱۴۲۲ق، ص ۴۹۲-۴۹۰ و بحرانی، میثم، قواعد المرام، مطبعة الصدر، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق، ص ۱۷۷.

مرزنشناس همیشه در صدد ارضاء امیال و مشتتهیات درونی خود هستند و برای این که به امیال درونی خود برسند غالباً از حد خود گذشته و به حقوق دیگران تجاوز می کنند و این خود باعث می شود تا باب ظلم و تجاوز در جامعه بشری همیشه باز شود، لذا انسان اجتماعی همیشه نیازمند رهبری آسمانی است تا او را به سمت حق و حقیقت راهنمایی کند. از طرف دیگر انسان در زندگی فردی خود نیز نیازمند رهبری امام معصوم می باشد؛ چرا که هدف خلقت در این است که استعدادهای انسان به فعلیت برسد و بشر کمالات انسانی را دارا شود و این در سایه هدایت های معصومین امکان پذیر است.^۱

حال اگر همین پرسش مطرح شده را به مسئله غیبت و ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اختصاص بدهیم جواب چنین خواهد بود:

این چنین فرضی که مطرح شده است فرضی دست نایافتنی است و هیچ وقت محقق نمی شود؛ چرا که با وجود غرائز و امیال درونی از يك طرف و شیاطین جن و انس از طرف دیگر، هیچ وقت انسان ها به طور عموم نمی توانند بدون وجود امام به يك صلاح و رستگاری برسند؛ چون نوع آدم همیشه گرفتار این وضعیت درون و وسوسه های شیطانی

۱ . مصباح یزدی، محمدتقی، آموزش عقاید، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۳.

بوده است. به علاوه این که پیرامون وضعیت جوامع بشری در زمان غیبت روایات به خصوص داریم که به حدّ تواتر هم رسیده و همگی این معنی را افاده می کنند که اجتماعات بشری گرفتار فساد می شوند به گونه ای که قسمت عمده از نشانه های ظهور امام زمان مربوط به فساد بیش از حد جوامع بشری است که البته این خود معلول محرومیت بشریت از وجود امام ظاهر است.

پس معلوم می شود وضعیت اجتماعات انسانی در آخرالزمان به گونه ای خاص به سمت فساد و گمراهی پیش می رود، به گونه ای که هیچ راهی برای متوقف کردن کامل آن و اصلاح کلی آن وجود ندارد الا ظهور انسان کاملی که مژده آن را تمام انبیاء و اولیاء به بشر داده اند.

پس نتیجه بحث این می شود که طبق قاعده لطف وجود امام ضروری است و هیچ وقت بشری نیاز از امام نخواهد بود و تا موقعی که در سرشت انسان ها غرائز و امیال درونی وجود دارد و آنها دارای قوه اختیار هستند بشر نیازمند به امامی معصوم که او را در مسیر حقیقت راهنمایی کند، خواهد بود. بنابر این با وضع موجود هیچ گاه جامعه ای که به صلاح کامل برسد محقق نمی شود الا به ظهور آن منجی یگانه؛ و اوست که با قدرت الهی تمام بشریت را با ظهور خود و انقلاب جهانی خود به فلاح و رستگاری سوق می دهد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. انیس الموحدين، ملا محمد مهدی نراقی

۲. انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، آیت الله حسن زاده

آملی

۳. ادب فنای مقربان، ج ۱، آیت الله جوادی آملی

چه مانعی داشت که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزمان متولد می شد تا دیگر نیازی به غیبت آن حضرت نباشد؟

یکی از شبهات و به ظاهر اشکالاتی که از ناحیه مخالفان شیعه درباره وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مطرح شده و به آن دامن زده می شود این است که ما قبول می کنیم که: اصل وجود مهدی را، باید از موضوعات مسلم اسلام دانست که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ظهورش را بشارت داده است؛ ولی چه مانعی دارد بگوییم مهدی موعود هنوز به دنیا نیامده و هر وقت اوضاع عمومی عالم مساعد گشت، خدای متعال یکی از اولاد پیغمبر را که بر اساس روایات نبوی قریشی و فاطمی هم هست به وجود می آورد تا برای اجرای عدالت عمومی و بسط خداپرستی و برانداختن ریشه ستم، قیام و سیطره جهانی برای اسلام به ارمغان آورد.^۱

در پاسخ به این شبهه که سؤال مورد نظر نیز به آن اشاره دارد توجه به این نکته ضروری است که یکی از مبانی و معتقدات مکتب اصیل شیعه که دلایل عقلی و روایات که ادله نقلیه می باشد آن را تأیید می کند، این است که زمین هیچ گاه از وجود حجت و امام مفترض الطاعه خالی نیست و چنانچه امام که مظهر انسان کامل و خلیفه الهی و واسطه فیض بین آسمان و زمین است، لحظه ای از میان مردم برداشته شود، نظام زندگی همه موجودات از هم گسیخته و

۱. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۸۰.

حیات در روی زمین متلاشی می‌گردد. بنابراین وجود امام در تمام اعصار و لو در پرده غیبت هم چون آب حیاتی است که زمینیان در هر آن به آن نیاز مبرم دارند.

برای تبیین و تثبیت این مطلب به یک دلیل عقلی و چند روایت اشاره می‌کنیم:

الف. همان برهان مسلم عقلی که ضرورت بعثت انبیاء را به مقتضای لطف بی‌کران الهی اثبات می‌کند، اقتضاء دارد هر گاه پیغمبری در بین مردم موجود نبود، باید کسی و یکی از افراد انسان، جانشین و خزانه دار احکام الهی باشد و در تحمل و نگهداری و تبلیغ آنها سعی و کوشش کند؛ زیرا منظور حق تعالی از بعثت پیامبران و فرستادن احکام، در صورتی تحقق می‌پذیرد و الطافش به حد کمال می‌رسد که همه قوانین، بدون کم و زیاد در بین بشر محفوظ بماند. پس در مورد فقدان پیامبران، لطف خدا چنین اقتضاء دارد که یکی از افراد انسان را مسئول حفظ و تحمل احکام کند.^۱ و به عبارت دیگر: عالم انسان که خلقت انسان است دارای کمال خاصی است که باید (در هر حال) به آن کمال هدایت شود؛ و هدایت، حجت می‌خواهد و اگر حجت از بین برود، باید غایت (که همان کمال نهایی انسان است) از بین برود، و اگر غایت از بین برود فعل خدا بی‌غایت می‌شود و لغویت در خلقت لازم می‌آید و صدور چنین امری از خدا محال است. خداوند

متعال می فرماید: «ما آسمان و زمین و موجودات میان آن دو را جز به حق (و هدف دار) نیافریدیم».^۲

ب. روایات زیادی از خاندان رسالت و ائمه اطهار علیهم السلام در کتب معتبره روایی نقل شده که نه تنها انسان بلکه همه موجودات در ادامه حیات شان در روی زمین و بقاء نظام زندگی در آن، نیاز به وجود امام و خلیفه الهی دارند که برای نمونه به چند حدیث اشاره می کنیم:

۱. ابو حمزه می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم: آیا زمین، بدون وجود امام باقی می ماند؟ فرمود: اگر زمین بی امام گردد، فرو خواهد ریخت.^۳

۲. و شاء می گوید: خدمت حضرت ابوالحسن امام رضا علیه السلام عرض کردم: آیا زمین، بی امام می ماند؟ فرمود: نه. گفتم: برای ما روایت شده که زمین بی امام نمی گردد، مگر آن که خدا، بر بندگان غلبه کند. پس آن جناب فرمود: زمین بی امام نمی گردد و گرنه فرو خواهد رفت.^۴

۳. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: اگر در زمین بیش از دو نفر موجود نباشد، یکی از آنان حتماً حجت (امام) خواهد بود.^۵

۱. رخشاد، محمد حسین، در محضر علامه طباطبائی، ص ۸۹.

۲. سوره حجر، آیه ۸۵.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.

۴. همان، باب انه لولم یبق فی الأرض...، ج ۱.

۵. همان، باب ان الأرض لا تخلو من حجة، ج ۸.

۴. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «به خدا سوگند! از آن وقتی که خدا آدم را قبض روح کرده، تاکنون، هرگز زمین را بی امامی که مردم به واسطه او هدایت یابند، رها نکرده است و اوست حجت خدا بر بندگان. زمین هرگز بی امام باقی نمی ماند، تا خدا بر بندگان حجتی داشته باشد.»^۱

پس اولاً با برهان عقلی و نقلی به اثبات رسیده است که: هیچ عصر و زمانی از وجود امام خالی نبوده، و فقدان امام، با انقراض نوع انسان و بلکه حیات در روی زمین همراه خواهد بود، بنابراین عصر ما و هیچ عصری از وجود امام خالی نیست. و ثانیاً وجود مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از راه اخبار و احادیث پیغمبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت اش ثابت شده است. پس ما باید برای تعریف و توصیف او از اخبار استفاده کنیم. خوشبختانه، تمام نشانه ها و مشخصات آن وجود مقدس و زمان ولادت اش، بدون هیچ ابهام و اجمالی در احادیث معتبره موجود است و جایی برای این شبهه که در سؤال به آن اشاره شد باقی نمی ماند.

۱. همان، باب ان الأئمة ولاة امر الله، ص ۱۹۳.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، ترجمه

مهدی علی زاده

۲. دادگستر جهان، آیت الله امینی

۳. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری

۴. موعود ادیان، آیت الله حسین علی منتظری

بنابر روایت «لو لا الحجة لساخت الأرض بأهلها»، چگونه زمین بیش از هزار سال از حجت خداوند خالی مانده است؟

اولاً روایت فوق روایت صحیحی است و در کتب شیعه و سنی با مضامین مختلفی وارد گردیده است به عنوان نمونه:

۱. سبط بن جوری از علمای اهل سنت در تذکرة الخواص نقل می‌کند: پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «ستارگان امان اهل آسمان اند، اگر نابود شوند اهل آسمان نیز نابود می‌گردند. اهل بیت من امان ساکنین زمین می‌باشند، پس اگر اهل بیت من وجود نداشته باشند اهل زمین نیز هلاک می‌گردند.»^۱

۲. ابو حمزه می‌گوید: خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: آیا زمین بدون وجود امام باقی می‌ماند؟ فرمود: «اگر زمین بی‌امام گردد فرو خواهد رفت.»^۲

حال این امام یا ظاهر و یا غایب و پنهان است. همان طور که امام الحرمین جوینی در فرائد السمطین و علامه قندوزی حنفی در ینابیع المودة در ضمن نقل حدیث مفصلی از امام سجاد علیه السلام به این مطلب اشاره نموده‌اند، آن جا که فرمود: «و لو لا ما علی الأرض منا لساخت بأهلها، ثم قال: و لم تخل منذ خلق الله آدم من حجة الله فیها؛ اما ظاهر مشهور او غائب

۱. سبط بن جوری، تذکرة الخواص الأمة، چاپ سوم، ۱۲۸۵ق، ص ۱۸۲.

۲. کلینی، اصول کافی، چاپ المکتبة الإسلامية، ۱۳۸۱ق، ج ۱، ص ۳۳۴.

مستور و لا تخلوا الى ان تقوم الساعة من حجة و لو لا ذلك لم يعبد الله...»؛ اگر ما روی زمین نبودیم اهلش را فرو می برد و آن گاه فرمود: از روزی که خدا آدم را آفریده تا حال هیچ گاه زمین از حجتی خالی نبوده است، ولی آن حجت گاهی ظاهر و مشهور و گاهی غایب و مستور بوده است و تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد و اگر امام نباشد خدا پرستش نمی شود.

بنابر این معنای روایت مورد سؤال این است که اگر حجت وجود نداشته باشد زمین اهلش را فرو خواهد برد نه این که اگر حجت ظهور نداشته باشد. روشن است که این اثر تکوینی وجود امام است و بین غیبت و حضور او فرقی نیست.

۱ . جویی، فرائد السمطين، بیروت، مؤسسة المحمود، ۱۴۰۰ق، ج ۱، ص ۴۵ و قندوزی حنفی، ینابیع المودة، ج ۲، ص ۲۱۷.

فایده امام غایب چیست؟ آیا وجود و عدم او برابر نیست؟

این سؤال تازگی نداشته و تنها در عصر ما مطرح نشده است، بلکه از روایات اسلامی برمی آید که حتی پیش از تولد حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز این سؤال مطرح بوده و هنگامی که پیامبر و ائمه پیشین، از مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و غیبت طولانی آن حضرت سخن به میان می آوردند با چنین سوالی روبرو می شدند و به آن پاسخ می گفتند. به عنوان نمونه، پیامبر ﷺ در پاسخ این پرسش که آیا شیعه در زمان غیبت، از وجود قائم فایده می برد؟ فرمود: بلی. سوگند به پروردگارم که مرا به پیامبری برانگیخت در دوران غیبتش از او نفع می برند و از نور ولایتش بهره می گیرند همان گونه که از خورشید به هنگام قرار گرفتن در پشت ابرها بهره می گیرند.^۱

اشعه معنوی وجود امام، هنگامی هم که در پشت ابرهای غیبت پنهان است دارای آثار گوناگونی است که با وجود متوقف شدن کلاس تعلیم و تربیت و رهبری مستقیم، فلسفه وجودی او را آشکار می سازد. اینک برخی از این فوائد و آثار را به اختصار بررسی می کنیم.

۱. جان جهان: طبق براهینی که در کتب دانشمندان اقامه شده است و احادیثی که در موضوع امامت وارد شده، وجود مقدس امام، غایت نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه میان

۱. فاضل قندوزی، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۳۰۸. و نیز روایتی به این مضمون در فرائد السمطين جوبنی، ج ۱، ص ۴۵، ح ۱۱ آمده است.

عالم مادی و عالم ربوبی است. اگر امام روی زمین نباشد نوع انسان منقرض خواهد شد. اگر امام نباشد خدا به حد کمال شناخته و عبادت نخواهد شد. اگر امام نباشد رابطه بین عالم مادی و دستگاه آفرینش منقطع می‌گردد. اشراقات و افاضات عوالم غیبی اول بر آینه پاك قلب امام و سپس به وسیله او بر دل‌های سایر افراد نازل می‌گردد. امام، قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است و معلوم است که حضور و غیبت او در تحقق این آثار تفاوتی ندارد.^۱

امام سجاد (علیه السلام) فرمودند: ما پیشوای مسلمین و حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنین و رهبر نیکان و صاحب اختیار مسلمین هستیم. ما امان اهل زمین هستیم، چنان که ستارگان امان اهل آسمان‌اند، به واسطه ما است که آسمان بر زمین فرود نمی‌آید مگر وقتی که خدا بخواهد، به واسطه ما باران رحمت حق نازل و برکات زمین خارج می‌شود. اگر ما روی زمین نبودیم اهلش را فرو می‌برد و آن گاه فرمود: از روزی که خدا آدم را آفریده تا حال هیچ گاه زمین از حجت خالی نبوده است، ولی آن حجت گاهی ظاهر و مشهور و گاهی غایب و مستور می‌باشد، تا قیامت نیز از حجت خالی نخواهد شد و اگر امام نباشد خدا پرستش نمی‌شود.

۱. دادگستر جهان، همان، ص ۱۵۴.

۲. امیدبخشی: فایده دیگر وجود امام غایب این است که خود این موضوع که امام حی و زنده داریم و ملجأ و پناهگاه و حافظ شریعت است، مایه امیدواری و آرامش بخش دل های مسلمین و منتظران آن حضرت است، و این امیدواری یکی از بزرگ ترین اسباب موفقیت و پیشرفت در هدف می باشد. هر گروهی که یأس و ناامیدی خانه دل شان را تارک نموده باشد و چراغ امید و آرزو در آن نتابد، هرگز روی موفقیت را نخواهد دید.

آری، اوضاع آشفته و اسف بار جهان و سیل بنیان کن مادیت و کسادی بازار علوم و معارف دینی و محرومیت طبقه ضعیف و توسعه فنون استعمار و جنگ های سرد و گرم و مسابقات تسلیحاتی، روشن فکران و خیرخواهان بشر را مضطرب کرده است، به طوری که ممکن است گاهی در اصل قابلیت اصلاح بشر تردید نمایند. تنها روزنه امیدی که برای بشر مفتوح است همان انتظار فرج و فرا رسیدن عصر درخشان حکومت توحید و نفوذ قوانین الهی است. انتظار فرج است که قلب های مأیوس و لرزان را آرامش بخشیده، مرهم دل های زخم دار طبقه محروم می گردد. نویدهای مسرت بخش حکومت توحید است که عقاید مؤمنین را نگهداری نموده و در دین پایدارشان می کند. ایمان به غلبه حق است که خیرخواهان بشر را به فعالیت و کوشش وادار می کند از این جهت در روایات اهل

بیت عليه السلام انتظار فرج، از بهترین عبادات و در ردیف شهادت در راه حق شمرده شده است.^۱

۳. پاسداری از آئین خدا: یکی دیگر از آثار وجود امام عصر این است که آن حضرت با بصیرت و بینایی کامل در حل و فصل امور ضروری مردم و دفاع از حوزه مقدسه اسلام کوشش می‌نماید، از مشکلات مسلمین گره‌گشایی می‌کند، از گرفتاران دادرسی می‌کند، اجتماعاتی که به منظور برهم زدن اساس اسلام تأسیس شود متفرق می‌سازد. حاصل آن که: فایده وجود امام منحصر به ظهور و قیام او در آخرالزمان و این‌که ظاهراً در کارها تصرف و دخالت داشته باشد نیست، بلکه اشعه معنوی وجود امام هنگامی هم که در پشت ابرهای غیبت پنهان است دارای آثار گوناگونی است. از جمله: ۱. حفظ نظام عالم و جلوگیری از انقراض نوع بشر؛ ۲. امیدبخشی به منتظران ظهور؛ ۳. پاسداری از آئین خدا و حل مسائل و مشکلات ضروری مردم.

۱ . دادگستر جهان همان، ص ۱۵۷ و صافی، لطف الله، امامت و مهدویت، انتشارات حضرت معصومه...، چاپ سوم، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵۵.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

۲. امامت و مهدویت، لطف الله صافی

طبق روایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند سال حکومت می‌کند؟ وقتی از دنیا می‌رود چه کسی بر بدن امام عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می‌خواند؟

مدت زمان حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دقیقاً مشخص نمی‌باشد. روایات مربوط به این موضوع، مدت‌های متفاوتی برای حکومت حضرت ذکر نموده است:

۱. ۷۰ سال^۱

۲. ۸۰، ۹۰، ۱۰۰ سال^۲

۳. ۱۹۰ سال^۳

۴. ۲۰۰ سال^۴

۵. ۴۰۰ سال^۵

۶. ۳۰۹ سال^۶ (مقدار توقف اصحاب کهف در غار) ذکر شده است.

عدد ۷ سال هم در منابع روایی اهل سنت بیشتر ذکر

۱ . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مطبعة الإسلامية، ۱۳۸۴ ش، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

۲ . طبسی، محمدرضا، الشيعة و الرجعة، مطبعة الآداب، النجف الاشرف، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۲۲۴.

۳ . الغيبة نعمانی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، مطبعة الصدوق، بی‌تا، ص ۳۳۲.

۴ . العمدہ، ابن الطریق، قم، تحقیق و نشر مؤسسة النشر الإسلامي، طبع اول، ۱۴۰۷ ق، ص ۴۳۹.

۵ . عقد الدرر، ص ۲۴۰، به نقل از جهان بعد از ظهور، محمد خادمی شیرازی، مؤسسة الغدير، ص ۱۷۴.

۶ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

شده است^۱ و هم در منابع شیعی بیشترین روایات را دارد،
منتهی در اکثر موارد هر سال آن را مساوی با ۱۰ سال ذکر
نموده است که می شود هفتاد سال (۷۰=۷).

برای توجیه و جمع میان این اختلاف اعداد، نظرات
مختلفی ارائه شده است:

صاحب کتاب «الشیعة و الرجعة» روایات هفت سال
مساوی با ۷۰ سال را به خاطر کثرت روایات آن ترجیح داده
است.^۲ و بعضی مثل سید صدر الدین صدر زمان حکومت
حضرت را در هفت سال منحصر نموده است و این را از
ویژگی های حکومتی حضرت دانسته که در مدت اندک جهان
را پر از عدل و داد می کند که از کس دیگری ساخته نمی باشد.^۳

مرحوم علامه مجلسی، این روایات را برخی ناظر به آغاز
شکل گیری قیام، برخی را مربوط به پیاده شدن اوائل حکومت
حضرت دانسته است و برخی از روایات مثل ۳۹ سال را مربوط
به دوران نهایی حاکمیت و استقرار نظام حضرت حمل نموده
است.^۴ از جمله کسانی که این نظر را پذیرفته اند آیت الله مکارم
در کتاب «مهدی انقلابی بزرگ» است.^۵

۱ . سنن ابن ابی داوود، بیروت، دار ابن حزم، چاپ اول، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۳۰۷.

۲ . الشیعة و الرجعة، ج ۱، ص ۲۲۵.

۳ . صدر، سید صدر الدین، المهدی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،
چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۲۳۹.

۴ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

۵ . مهدی انقلابی بزرگ، ص ۳۱۴.

به نظر می‌رسد توجیه دوم که ما روایات را ناظر به مراحل آغاز و استقرار و ثبات نظام حکومتی حضرت بدانیم. نسبت به توجیه اول که مدت حکومت حضرت را حصر در ۷ سال می‌کند و آن را به عنوان ویژگی حضرت می‌شمارد، ترجیح دارد؛ زیرا سنت الهی بر این است که حتی الامکان جریان کار از راه‌های عادی به پیش رود نه از راه اعمال قدرت اعجاز؛ و روایات مربوط به انقلاب عدل‌گستر حضرت نیز بیان‌گر این واقعیت است که پیروزی حضرت بر دشمنان و فتح جهان، با زحمات و دشواری‌های سختی همراه است و نیاز به افراد جان برکف دارد و خون‌های فراوانی در راه حضرت ریخته می‌شود.

بنابر این، طبیعت کار حضرت بقیة الله عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در پروژه استقرار عدالت جهانی به جای نظام‌های ظالمانه، اقتضای کند که حضرت به عنوان مجری این طرح عظیم و بی‌مانند، مدت طولانی حضور داشته باشد تا بتواند باروند طبیعی (مگر در موارد خاص) تحول همه‌جانبه و فراگیر را در جهان پراز ظلم، پدید آورد.

بر اساس تصریح قرآن، مأموریت و رسالت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ تحقق ارزش‌های الهی و قرآنی و تأسیس جامعه توحیدی به معنای کامل آن است به گونه‌ای که هیچ گونه اثری از شرک در آن دوره مشاهده نشود ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾^۱.

آنچه مسلم است این است که تأسیس چنین بنای عظیم، آن هم با آن عمق و گستردگی غیر قابل توصیف کاری است کارستان و حیرت‌آور، که می‌باید آن ذخیره الهی، این کار بزرگ و بی‌سابقه را به اجرا در آورد. بدیهی است که اجرای این برنامه عظیم، با توجه به روند طبیعی امور و عدم استفاده از قدرت اعجاز. (مگر در موارد ضرورت) نیاز به گذشت زمان دارد.

بنابر این، گرچه رشد افکار عمومی و فرهنگ‌ها در عصر انقلاب جهانی حضرت تا حد زیادی زمینه را برای پذیرش برنامه‌های حضرت مساعد خواهد نمود، ولی با همه این احوال، اجرای احکام الهی و تحقق عینی معارف قرآنی و ارزش‌های اسلامی در چنین فرایندی نیاز به زمان طولانی دارد و حضور امام را در مدت لازم می‌طلبد، اما این‌که دقیقاً چه مقدار حضرت حکومت می‌کند مشخص نمی‌باشد؛ زیرا روایات این موضوع را دقیقاً معین ننموده است. شاید به خاطر بعضی از حکمت‌ها و اسراری است که در این مسأله وجود دارد و فقط بعد از ظهور مشخص می‌شود. و اما پاسخ قسمت اخیر سؤال:

یکی از اعتقادات شیعه این است که امام معصوم را جز امام معصوم دیگر غسل نداده و بر او نماز نمی‌خواند و در روایات خاصه به این موضوع تصریح شده است از جمله امام

صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «ان الإمام لا يغسله إلا الإمام»^۱

در خصوص انجام غسل و نماز بر بدن مطهر امام زمان . ارواحناه فداه . طبق روایات، امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام اولین کسی است که در حال حیات حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ رجعت می کند و بعد از رحلت حضرت و یا شهادت او، مراسم غسل و نماز بر بدن حضرت را بر عهده می گیرد.^۲ در مورد رحلت و یا شهادت حضرت، روایات مختلف است ولی در هر دو نوع روایات، موضوع بازگشت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام و انجام مراسم غسل و کفن و نماز بر حضرت، ذکر شده است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. البیعة لله، فریده گل محمدی آرمان

۲. چشم اندازی به حکومت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، نجم الدین

طیبری

۱ . محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۹، ص ۱۰۳.

۲ . بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۳ و ج ۵۱، ص ۵۶.

حضرت قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف، مگر پسر دارد که کنیه اش ابوالقاسم است؟

در این باره که آیا امام مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف همسر و فرزندی در عصر غیبت دارند نمی توان ابراز نظر قطعی کرد، لذا در هیچ منبع معتبری از اسم فرزندان امام زمان سخن به میان نیامده، فقط در ضمن داستانی که احمد بن محمد بن یحیی انباری از شخص مجهولی که او را نمی شناسد و او خود را مسیحی معرفی نموده، نقل کرده از جزیره های آباد و خرمی که فرزندان امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف زیر نظر ایشان بر آن حکومت می کنند و از فرزندان امام زمان و اسامی شان سخن به میان آمده است که اسم یکی از فرزندان حضرت «قاسم» است، ولی این داستان همان طوری که ضمن سؤال و جواب و مناظره ای در کتاب «دادگستر جهان» گفته شده شبیه به افسانه و بلکه به یقین افسانه است تا حقیقت.^۱

بنابر این امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيف فرزندی به اسم قاسم ندارد و هیچ دلیلی بر آن نداریم، اما این که کنیه حضرت همان کنیه پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ یعنی ابوالقاسم است، این مستلزم آن نیست که حضرت حجة بن الحسن فرزند دارد؛ زیرا: در میان اعراب رائج است که معمولاً هر فردی دارای اسم، کنیه و لقب است. اسم، معرف هر فرد و لقب، بیان گر خصوصیت

۱. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، شفق، ۱۳۷۳ش، ص ۲۰۵ و جزیره خضرا، ص ۵۰ و الذریعه، ج ۵، ص ۱۰۶.

و ویژگی و صفت ممدوح یا مذموم در فرد می باشد مثل صادق، کاذب، امین، خائن؛ و کنیه در زبان عربی برای احترام و تکریم به کار می رود و اغلب با کلمه «اُمّ» یا «اب» و گاهی با کلمه «ابن» و «بنت» شروع می شود مثل ابوالحسن، اُمّ لیل، اُمّ کلثوم، ابن حاجب و بنت الهدی و....

لذا در مورد ائمه علیهم السلام هر سه مورد وجود دارد. بنابر این اگر کسی کنیه اش ابوالفضل است معنایش این نیست که حتما فرزندی به نام فضل دارد؛ هر چند معمولاً چنین است، بلکه گاهی برای تفأل زدن و فال خیر، کنیه ای برای کسی گذاشته می شود؛ مثلاً فردی که کنیه اش ابوالفضل می باشد از همان کودکی این عنوان را انتخاب می کنند و فال خیری می زنند که خدا فرزندی به نام فضل به او عطا کند و یا به این امید چنین عنوانی را انتخاب می کنند که صاحب فضل و احسان گردد. پس کنیه داشتن دلیل بر فرزند داشتن نیست، چنان که یکی از دختران امیر مؤمنان علیه السلام کنیه اش اُمّ کلثوم است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. موسوی اصفهانی، محمد تقی، ایران نگین، ۱۳۸۱ش، مکیال المکارم، ج ۲.
۲. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، شفق، ۱۳۷۳ش.
۳. شیخ الرئيس کرمانی، عباس، موعود امم، مؤسسه انتشارات عصر ظهور، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۴. ناجی النجار، الجزيرة الخضراء، ترجمه علی اکبر مهدی پور، تهران، انتشارات نصر، ۱۴۱۱ق.

آیا این نقل قول تاریخی صحیح بوده که مادر بزرگوار حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، دختر قیصر روم نبوده و کنیز امام حسن عسکری علیه السلام بوده‌اند؟

در کتاب «الغیبة» شیخ طوسی از بشر بن سلیمان برده فروش که از فرزندان ابو ایوب انصاری و یکی از شیعیان مخلص حضرت امام علی النقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام است و در سامره همسایه حضرت بود، روایت کرده که گفت: روزی «کافور»، غلام امام علی النقی علیه السلام نزد من آمد و مرا احضار کرد. چون خدمت حضرت رسیدم فرمود: ای بشر! تو از اولاد انصار هستی، دوستی شما نسبت به ما اهل بیت پیوسته میان شما برقرار است، به طوری که فرزندان شما آن را به ارث می‌برند و شما مورد وثوق ما می‌باشید. می‌خواهم تو را در مقام دوستی با ما فضیلتی دهم و این رازی که با تو در میان می‌گذارم بر سایر شیعیان پیشی می‌گیری.

سپس نامه پاکیزه‌ای به خط و زبان رومی مرقوم فرمود و سر آن را با خاتم مبارک مهر نمود و کیسه زردی که دویست و بیست اشرفی در آن بود بیرون آورد و فرمود: این را گرفته به بغداد می‌روی و صبح فلان روز در سر پل فرات حضور می‌یابی. چون کشتی حامل اسیران نزدیک شد، و اسیران را دیدی، می‌بینی بیشتر مشتریان، فرستادگان اشراف بنی عباس و قلیلی از جوانان عرب می‌باشند. در این موقع مواظب شخصی به نام «عمر بن زید» برده فروش باش که

کنیزی را به اوصافی مخصوص که از جمله دو لباس حریر پوشیده و خود را از معرض فروش و دسترس مشتریان حفظ می‌کند، به مشتریان عرضه می‌دارد.

در این وقت صدای ناله او را به زبان رومی از پس پرده رقیقی می‌شنوی که بر اسارت و هتک احترام خود می‌نالد، یکی از مشتریان به عمر بن زید خواهد گفت عفت این کنیز رغبت مرا به وی جلب نموده، او را به سیصد دینار به من بفروش! کنیزک به زبان عربی می‌گوید: اگر تو حضرت سلیمان و دارای حشمت او باشی من به تو رغبت ندارم بیهوده مال خود را تلف مکن! فروشنده می‌گوید: پس چاره چیست؟ من ناگزیرم تو را بفروشم. کنیزک می‌گوید: چرا شتاب می‌کنی؟ بگذار خریداری پیدا شود که قلب من به او و وفا و امانت وی آرام گیرد.

در این هنگام نزد فروشنده برو و بگو من حامل نامه لطیفی هستم که یکی از اشراف به خط و زبان رومی نوشته و کرم و وفا و شرافت و امانت خود را در آن شرح داده است. نامه را به کنیزک نشان بده تا درباره نویسنده آن بیاندیشد. اگر به وی مایل گردید و تو نیز راضی شدی من به وکالت او، کنیزک را می‌خرم.

بشر بن سلیمان می‌گوید: آنچه امام علی النقی ع فرموده بود امتثال نمودم. چون نگاه کنیزک به نامه حضرت

افتاد، سخت گریست، سپس رو به عمر بن زید کرد و گفت: مرا به صاحب این نامه بفروش و سوگند یاد نمود که اگر از فروش او به صاحب وی امتناع کند، خود را هلاک خواهد کرد. من در تعیین قیمت او با فروشنده گفت و گوی بسیار کردم تا به همان مبلغ که امام به من داده بود راضی شد.

من هم پول را به وی تسلیم نمودم و با کنیزک که خندان و شادان بود به محلی که در بغداد اجاره کرده بودم آمدم. در آن حال با بی قراری زیاد نامه امام را از جیب بیرون آورده و می بوسید و روی دیدگان و مژگان خود می نهاد و بر بدن و صورت می کشید. من گفتم: عجب! نامه ای را می بوسی که نویسنده آن را نمی شناسی! گفتم: من «ملیکه» دختر یسوعا پسر قیصر روم هستم، مادرم از فرزندان حواریین است و نسبم به شمعون وصی حضرت عیسی علیه السلام می رسد، بگذار داستان عجیب خود را برایت نقل کنم.

جد من قیصر می خواست مرا که سیزده سال بیشتر نداشتم برای پسر برادرش تزویج کند، سیصد نفر از رهبانان و قسیسین نصاری از دودمان حواریین عیسی بن مریم علیها السلام و هفتصد نفر از اعیان و اشراف و چهار هزار نفر از امرا و فرماندهان و سران لشکر و بزرگان مملکت را جمع نمود. آن گاه تختی آراسته به انواع جواهرات را روی چهل پایه نصب کرد. چون پسر برادرش را روی آن نشانید و صلیب ها را بیرون آورد و اسقف ها پیش روی او قرار گرفتند و سفرهای انجیل ها

را گشودند، ناگهان صلیب‌ها از بلندی به روی زمین فرو ریخت و پایه‌های تخت در هم شکست. پسر عمویم با حالت بی‌هوشی از بالای تخت بر روی زمین افتاده و رنگ صورت اسقف‌ها دگرگون گشت و سخت لرزیدند.

بزرگ اسقف‌ها چون این را دید رو به جدم کرد و گفت: پادشاه! ما را از مشاهده این اوضاع منحوس که نشانه زوال دین مسیح و مذهب پادشاهی است، معاف بدار! جدم نیز اوضاع را به فال بد گرفت، با این حال به اسقف‌ها دستور داد تا پایه‌های تخت را استوار کنند و صلیب‌ها را دوباره برافرازند و گفت: پسر بدبخت برادرم را بیاورید تا هر طور هست این دختر را به وی تزویج نمایم، باشد که با این وصلت میمون نحوست آن برطرف گردد. چون دستور او را عملی کردند، آنچه بار نخست روی داده بود تجدید شد. مردم پراکنده گشتند و جدم با حالت اندوه به حرم سرارفت و پرده‌ها بیفتاد.

شب هنگام در خواب دیدم مثل این که حضرت عیسی و شمعون وصی او و گروهی از حواریین در قصر جدم قیصر اجتماع کرده‌اند و در جای تخت منبری که نور از آن می‌درخشید قرار دارد. چیزی نگذشت که «محمد ﷺ» پیامبر خاتم و داماد و جانشین او و جمعی از فرزندان وی وارد قصر شدند، حضرت عیسی عليه السلام به استقبال شتافت و با محمد ﷺ معانقه کرد و محمد ﷺ فرمود: یا روح الله! من به خواستگاری دختر وصی شما شمعون، برای فرزندم آمده‌ام، و

در این هنگام اشاره به امام حسن عسکری علیه السلام نمود. حضرت عیسی نگاهی به شمعون کرده و گفت: شرافت به سوی تو روی آورده با این وصلت با میمنت موافقت کن. او هم گفت: موافقم. پس محمد صلی الله علیه و آله بالای منبر رفت و خطبه‌ای انشاء فرمود و مرا برای فرزندش تزویج کرد، و حضرت عیسی و فرزندان خود و حواریون را گواه گرفت.

چون از خواب برخاستم از بیم جان خواب خود را برای پدر و جدم نقل نکردم، و همواره آن را پوشیده می‌داشتم. بعد از آن شب چنان قلبم از محبت امام حسن عسکری علیه السلام موج می‌زد که از خوردن و آشامیدن بازماندم و کم‌کم لاغر و رنجور گشتم و سخت بیمار شدم. جدم تمام پزشکان را احضار نمود و از مداوای من استفسار کرد، و چون مأیوس گردید گفت: نور دیده! هر خواهشی داری بگو تا در انجام آن بکوشم؟ گفتم: پدر جان! اگر در به روی اسیران مسلمین بگشایی و آنها را از قید و بند و زندان آزاد گردانی، امید است که عیسی و مادرش مرا شفا دهند. پدرم تقاضای مرا پذیرفت و من نیز به ظاهر اظهار بهبودی کردم و کمی غذا خوردم. پدرم از این واقعه خشنود گردید و سعی در رعایت حال اسیران مسلمین و احترام آنان نمود.

چهارده شب بعد از این ماجرا باز در خواب دیدم که حضرت فاطمه... با مریم و حوریان بهشتی به عیادت من آمده‌اند. حضرت مریم روی به من نمود و فرمود: این بانوی بانوان

جهان و مادر شوهر تو است. من دامن مبارک او را گرفتم و گریه نمودم و از نیامدن امام حسن عسکری علیه السلام به دیدنم شکایت کردم. فرمود: او به عیادت تو نخواهد آمد؛ زیرا تو مشرک به خدا و پیرو مذهب نصاری هستی. این خواهر من مریم است که از دین تو به خداوند پناه می برد. اگر می خواهی خدا و عیسی و مریم از تو خشنود باشند و میل داری فرزندم به دیدن بیاید، به یگانگی خداوند و این که محمد صلی الله علیه و آله پدر من خاتم پیغمبران است گواهی بده. چون این کلمات را ادا نمودم، فاطمه... مرادر آغوش گرفت و بدین گونه حالم بهبود یافت. سپس فرمود: اکنون منتظر فرزندم حسن عسکری باش که او را نزد تو خواهم فرستاد.

چون از خواب برخاستم، شوق زیادی برای ملاقات حضرت در خود حس کردم. شب بعد امام را در خواب دیدم و در حالی که از گذشته شکوه می نمودم گفتم: ای محبوب من! من که خود را در راه محبت تو تلف کردم! فرمود: نیامدن من علتی جز مذهب سابق تو نداشت و اکنون که اسلام آورده ای هر شب به دیدن می آیم تا موقعی که فراق ما مبدل به وصال گردد. از آن شب تا کنون شبی نیست که وجود نازنینش را بخواب نبینم.

بشر بن سلیمان می گوید: پرسیدم چطور شد که به میان اسیران افتادی؟ گفت: در یکی از شب ها در عالم خواب امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: فلان روز جدت قیصر لشکری

به جنگ مسلمانان می‌فرستد تو هم به طور ناشناس در لباس خدمت‌کاران همراه عده‌ای از کنیزان از فلان راه به آنها ملحق شو. سپس پیش قراولان اسلام مطلع شدند و ما را اسیر گرفتند و کار من بدین‌گونه که دیدی انجام پذیرفت. ولی تا کنون به کسی نگفته‌ام نوه پادشاه روم هستم. حتی پیرمردی که من در تقسیم غنائم جنگ سهم او شده بودم نامم را پرسید، ولی من اظهاری نکردم و گفتم: نرجس! گفت: نام کنیزان؟ بشر می‌گوید: گفتم: عجب است که تو رومی هستی و زبانت عربی است؟! گفت جدم در تربیت من جهدی بلیغ داشت. او زنی را که چندین زبان می‌دانست معین کرده بود که صبح و شام نزد من آمده و زبان عربی به من بیاموزد و به همین جهت عربی را به خوبی آموختم.

بشر می‌گوید: چون او را به سامره خدمت امام علی النقی علیه السلام آوردم حضرت از وی پرسید: عزت اسلام و ذلت نصاری و شرف خاندان پیغمبر را چگونه دیدی؟ گفت: درباره چیزی که شما از من دانایتر می‌باشید چه عرض کنم؟ فرمود: می‌خواهم ده هزار دینار یا مژده مسرت‌انگیز فرزندی را به تو بدهم، کدام یک را انتخاب می‌کنی؟ عرض کرد: مژده فرزندی به من دهید! فرمود: تو را مژده به فرزندی می‌دهم که شرق و غرب عالم را مالک شود، و جهان را از عدل و داد پرگرداند، از آن پس که پر از ظلم و جور شده باشد. عرض کرد: این فرزند از چه شوهری خواهد بود؟ فرمود: از آن کس که پیغمبر

اسلام در فلان شب و فلان ماه و فلان سال رومی تو را برای او خواستگاری نمود. در آن شب عیسی بن مریم و وصی او تو را به کی تزویج کردند؟ گفت: به فرزند دلبد شما! فرمود او را می شناسی؟ عرض کرد: از شبی که به دست حضرت فاطمه زهرا... اسلام آوردم شبی نیست که او به دیدن من نیامده باشد. در این وقت امام دهم به «کافور» فرمود: بگو خواهرم حکیمه نزد من بیاید. چون آن بانوی محترم آمد فرمود: خواهر! این زن همان است که گفته بودم. حکیمه خاتون آن بانو را مدتی در آغوش گرفت و از دیدارش شادمان گردید. آن گاه امام علی النقی علیه السلام فرمود: عمه جان! او را به خانه خود ببر و فرایض دینی و اعمال مستحبه را به او بیاموز که او همسر فرزندم حسن و مادر قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است.^۱

۱ . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ترجمه: دوانی، علی، (مهدی موعود)، ج ۵۱، ص ۱۰۶ و ج ۱۳، ص ۱۸۲، ۱۹۸، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۸ش و فتال نیشابوری، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ج ۱، ص ۲۵۲، ۲۵۵، قم، انتشارات رضی و شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۴۱۷، ۴۲۳، تهران، اسلامیه، ۱۳۹۵ق.

نتیجه‌گیری

پدرِ مادرِ امام زمانِ یسوعا (پسرِ قیصرِ روم) بود و مادرِ مادرِ آن حضرت از فرزندانِ حواریین است و نسب‌اش به شمعون، وصی حضرت عیسی علیه السلام می‌رسد. شرایطی پیش آمد که وی از طرف امام هادی علیه السلام خریداری شد و به سامرا منتقل گردید و سپس با امام عسکری عجل الله تعالی فرجه الشریف ازدواج نمود و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دنیا آورد.

امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر زمین بدون وجود امام بماند، ساکنان خود را در کام خود فرو می‌برد»^۱.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام رسول جعفریان

۲. سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی

۳. پژوهشی نو درباره مادر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناهید طیبی

۱. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۷۹.



سیره حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

روش حکومت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ چگونه خواهد بود؟

در پاسخ لازم است به نکاتی اشاره نماییم:

الف) از مجموع آنچه در متون دینی در باب دولت و حکومت آمده است چنین بر می آید که اسلام بر شکل خاصی از ساختار نظام سیاسی با جزئیات مشخص اصرار ندارد، بلکه اسلام فراتر از معرفی شکل خاصی از حکومت و مناسب با احکام ثابت و تغییر ناپذیر خود، چارچوب کلی را معرفی نموده که آن چارچوب در درون خود تغییرات و اشکال متعدد و متنوع را پذیرا می شود البته اشکال حکومت نباید از چارچوب فراتر برود.

اسلام نه به طور کلی مردم را به حال خود رها کرده که هر چه خواستند انجام دهند و نه شکل و فرم محدودی را برای حکومت معرفی می کند که فقط در شرایط زمانی و مکانی خاصی قابل اجرا باشد. از چارچوب کلی به «حکومت و نظام

اسلامی» تعبیر می‌شود این چارچوب کلی در زمانی با شکلی و در زمان دیگر با ساختار و شکل دیگر ظهور می‌کند و در عین حال هیچ یک از آن اشکال با ماهیت اسلامی بودن حکومت تضاد ندارد. این امر نتیجه این مطلب دقیق علمی و عقلایی است که اسلام احکام ثابتی دارد که برای همه جوامع تا روز قیامت وضع شده و در مقابل آنها احکام جزئی و متغیر با شرایط خاص زمانی و مکانی وضع می‌گردد که آن نیز لازم‌الاجتناب است. اصول حاکم بر ساختار نظام سیاسی و چارچوب کلی که بدان اشاره شد عبارت‌اند از:

۱. ضرورت الهی بودن حکومت.

۲. اسلامی بودن قوانین.

۳. ضرورت مشروعیت الهی مجریان یعنی مجریان قانون باید افراد صالح و لایق باشند.

۴. توجه به جایگاه مهم مردم به عنوان مبدأ شکل‌گیری و کارآمدی همه نهادهای حکومتی.

۵. نظارت دقیق بر اعمال حکومت به خاطر خطاپذیری آنان.

ب) تشکیل حکومت در هر جامعه عقلاً مستلزم وجود ساختارها و نهادهایی جهت اداره هر چه کارآمدتر است، منتهی ساختارها به مقتضای گستردگی و عدم گستردگی

جامعه و نیز مقتضیات زمان و مکان فرق می‌کند.^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مقتضای شرایط زمان و مکان اقداماتی را برای حاکمیت اسلامی به عمل آوردند که عبارت‌اند از: ۱. تشکیل کادر سیاسی و شورای اداری مدینه، که این کار بعد از پایان پیمان دوم صورت گرفت و حضرت یک گروه ۱۲ نفری از نمایندگان خود را در رأس قبایل به عنوان نخباء انتخاب کرد و هر یک را برای اداره امور قبیله خود قرار داد و هر یک از این نمایندگان سه نائب‌رئیس داشت و پیامبر صلی الله علیه و آله برای اداره کل نمایندگان، رئیسی تعیین نمودند. بدین ترتیب مجموعه شورای سیاسی مدینه از ۴۹ نفر تشکیل می‌یافت که به امور اقتصادی، اجتماعی و... رسیدگی می‌کردند و شخص پیامبر صلی الله علیه و آله در رأس قدرت قرار داشت و تمامی مسائل در نهایت با تصمیم‌گیری شخص ایشان حل می‌شد.^۲

۲. سیاست پیامبر در اداره امور جامعه بر اساس مشورت می‌چرخید و خدا او را مأمور به مشورت نموده بود.^۳

۳. تنظیم ساختار قضائی و تعیین قضات و اعزام آنها به شهرهای مختلف.

۱. دیلمی، احمد، نشر معارف، ۱۳۸۱ش و مقدمه بر مبانی حقوقی کلامی نظام سیاسی در اسلام، ص ۱۴۹ و علامه طباطبایی، سید محمد حسین، جمع آوری و تنظیم از سید مهدی آیت اللهی، جهان‌آرا، بی‌تا و فراهانی از اسلام، ص ۹۹.

۲. ابن هشام، سیره النبویه، مطبعة المصطفی، الحلبی، قاهره، ۱۹۶۰م، ج ۲، ص ۸۶.

۳. سوره شوری، آیه ۳۸، و سوره آل عمران، آیه ۱۵۹.

۴. نصب فرمانداران و صدور و ابلاغ بخش‌نامه‌های حکومتی.

۵. تنظیم و اجرای عهدنامه‌ها و معاهدات بین گروه‌های مختلف در مدینه و برقراری مؤاخات بین مسلمانان.

۶. براندازی قدرت جمعی مشرکان و اعلان برائت از آنان.

اینها نمونه‌ای از سیره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله راجع به برقراری حکومت اسلامی است و از روایات^۱ بسیاری استفاده می‌شود که روش حکومت امام زمان همان روش پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و ایشان برای پیاده کردن دستورات اسلام قرآن را که قانون اساسی حکومتش می‌باشد محور قرار داده و می‌خواهد آرمانی‌ترین نظام عادلانه را در جهان ایجاد کند، نظامی که قانون آن قرآن و مجریان آن ۳۱۳ نفر به تعداد مجاهدین جنگ بدر و بودجه آن همان ثروت‌ها و برکاتی است که از آسمان به موقع می‌بارد و زمین خزائن خود را بیرون می‌دهد.

همان‌گونه که ذکر شد اصحاب خاص حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الکیف ۳۱۳ نفرند، لکن در عین حالی که همه آنها از اولیاء الله هستند دارای یک مقام نیستند، بلکه یک نفر از آنها (حضرت مسیح روح الله) سمت وزیری حضرت را دارد و ۱۲ نفر دیگر که به آنها «نقباء» گفته می‌شود در مرکز حکومت

۱. علامه مجلسی، محمد باقر، بیروت، لبنان، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱ به بعد.

خدمت حضرت هستند و طبیعی است که بر اساس دستور قرآن خیلی از امور را حضرت با مشورت انجام می‌دهد که در این‌جا نمونه‌ای از مشورت حضرت را با یاران‌ش می‌آوریم:

یکی از یاران حضرت، سفیانی را دستگیر می‌کند و هنگام نماز عشاء او را به نزد حضرت صاحب الامر می‌آورد حضرت با اصحاب خاص خود مشورت می‌کند و آنان به قتل او رأی می‌دهند و او را می‌کشند.^۱ از این‌جا معلوم می‌شود که در حکومت حضرت به مسأله مشورت اهمیت داده می‌شود.

دسته دیگری از اصحاب به «گواهان و ناظران اعمال» خوانده می‌شوند و مأموریت آنها نظارت بر عملکرد عمال حکومت امام زمان و دیگر انسان‌هاست و بدین وسیله و نیز با استفاده از وسائل و ابزار پیشرفته زندگی در عصر حکومت امام زمان، به گونه‌ای که عالم مانند کف دست دیده می‌شود، از تجاوز و انحرافات جلوگیری می‌شود و این ابزار پیشرفته در خدمت انسان، تقویت ایمان و تربیت بشریت قرار می‌گیرد. دسته دیگر از اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف سمت فرماندهی ارتش، قضاوت، امامت و حکومت بر شهرها را بر عهده دارند.^۲

ما اعتقاد نداریم که حضرت همه کارهای حکومت خویش

۱. کورانی، علی، سازمان تبلیغات، چاپ دوم، ۱۳۷۱ش، عصر ظهور، ص ۳۳۷.
۲. شیخ الرئیس، شیخ عباس، قم، عصر ظهور، چاپ دوم، ۱۳۸۴ش و موعود امم، ص ۱۶۵، و مهدی موعود، ص ۹۸۳.

را با معجزه انجام دهد، بلکه با گماردن عمّالی توانمند، مَهْدَب و لایق، کارهایش را به پیش می‌برد. عمالی که امام صادق علیه السلام در توصیف آنان می‌فرماید: «نشان سجده بر پیشانی آنها نقش بسته است، آنها شیران روز و زاهدان شب‌اند...»^۱ چنین کارگزاران و مهره‌های لایق را جذب می‌کند و آنها را به شهرها می‌فرستد و به آنها دستور می‌دهد که به عدل و احسان عمل نموده و شهرها را آباد کنند.

با چنین یارانی دستگاه قضائی بیدار و آگاهی را به وجود می‌آورد که نسبت به مجرمان مراقبت شدید و دقیق دارند و مجرمان نمی‌توانند از چنگ‌شان فرار کنند و از عدالت سر باز زنند در چنین عصری برخی^۲ از روایات راجع به خود حضرت می‌گویند: ایشان هم طبق قانون دادرسی محمد صلی الله علیه و آله داور می‌کند؛ یعنی هم به موازین ظاهری دادرسی می‌شود که آنها عبارت‌اند از اقرار، گواهی گواهان و امثال آن و هم از طرق روانی و علمی برای کشف مجرمان و جنایت‌کاران استفاده می‌کند، همان امری که از روایات در مورد داود رضی الله عنه نقل شده است که ایشان بر حسب باطن، قضاوت می‌کرده است و شاهد و گواه نمی‌خواسته است.

بنابر این حضرت برای تحقق بخشیدن به اهداف انبیاء و اجرای عدالت جهانی هم از توانمندترین نیروها استفاده

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱.

می‌کند و هم خود حضرت بر عمّال و کارگزاران خویش مراقبت شدید دارد.

آری، مطابق برخی روایات یکی از علامات و روش‌های حضرت، دقت حساب‌رسی نسبت به کارگزاران حکومتش است.^۱ روش آن حضرت نسبت به مستکبران و کافران لجوج که قابل هدایت نیستند کشتن و نابود کردن است؛ زیرا بعد از آمدن و رفتن ۱۲۴ هزار پیامبر و اوصیای هریک، دیگر حجت بر اولین و آخرین نسل بشر تمام شده و دیگر آن روزگار که اولیاء و انبیاء از دم تیغ دشمنان‌شان بگذرد گذشته است و روزگار موعظه به پایان رسیده است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، علامه مجلسی

۲. المحجة فیما نزل فی القائم الحجة، سید هاشم بحرانی

۳. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی

۱. مشرقین، چهارم، ۱۳۷۹ش و نهج البلاغه خطبه ۱۳۸ و المهدی الموعود.

آیا بعد از قیام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی جانشین ایشان هست یا نه؟

در این که چه کسی جانشین امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود دودسته روایات داریم:

۱. روایاتی که مسأله رجعت امام حسین علیه السلام و امامان دیگر را بیان نموده اند از جمله روایت امام صادق علیه السلام که در ذیل آیه شریفه «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»^۱ می فرماید: «مقصود زنده شدن دوباره امام حسین علیه السلام و هفتاد نفر از اصحابش در عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است.... پس امام حسین علیه السلام متولی غسل و کفن و حنوط و دفن امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود و هرگز امام را جز امام غسل نمی دهد.^۲ و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «اول کسی که رجعت می کند امام حسین علیه السلام است و آن مقدار حکومت و رهبری خواهد کرد که از پیری موهای ابروهای او بر روی دیده اش آویخته شود». و بعد از امام حسین علیه السلام از حکومت کردن امیر مؤمنان علی علیه السلام و دیگر اولیاء الهی سخن به میان آمده است.^۳

۲. روایاتی که می گویند چون قائم آل محمد صلی الله علیه و آله از دنیا

۱. سوره اسراء، آیه ۶.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تهران، دار الکتب الإسلامية، ۱۱۰ جلدی، ج ۵۲، ص ۳۶۲ و حکیمی، محمد رضا و عصر زندگی، قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات، چاپ پنجم، ص ۴۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۴۶.

برود و یا شهید شود، چهل روز پس از آن قیامت بر پا می‌گردد و مردگان از گورها به درآیند و برای حساب و جزای محشر آماده گردند و...»^۱

گفتنی است شیخ حر عاملی رحمۃ اللہ علیہ می‌نویسد: شاید چهل روز، ایام رجعت باشد و این عدد اشاره به کمی دوران حضرتش باشد، چون مقدار زیاد را با (عدد) هفتاد و مقدار کم را با عدد کمتر معرفی می‌کنند، و یا این که هر روزی برابر هزار سال باشد چنان که می‌فرماید: «یک روز نزد پروردگارت، مثل هزار سالی است که شما می‌شمارید» و شاید مراد از قیامت در روایات دسته دوم، قیامت صغری؛ یعنی رجعت باشد و اطلاق قیامت بر رجعت مانعی ندارد؛ زیرا ممکن است قیامت بر هر دو اطلاق شود.^۲

خلاصه سخن در این رابطه دو دسته روایات داریم: برخی از روایات سخن از برگشت امام حسین علیه السلام به دنیا و دیگر اولیاء الهی و حکومت کردن تعدادی از آنها می‌گویند و دسته دوم سخن از متصل بودن حکومت آن حضرت بعد از مرگ یا شهادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به قیامت می‌گویند، ولی با توجه به این که می‌توان روایاتی را که از قیامت سخن می‌گفتند حمل بر رجعت اولیاء الهی و سران کفر کرد که خود قیامتی

۱ . شیخ مفید، الإرشاد، ترجمه ساعدی، خراسانی، کتاب فروشی اسلامیه، ص ۷۰۸.

۲ . حرّ عاملی، الايقاظ من الهجمة، ص ۴۰۰.

صغری است و از طرفی این همه انتظار و... با طولانی بودن حکومت می‌سازد چه بسا روایتی که از حکومت دیگر ائمه می‌گویند به واقع نزدیک‌تر باشند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. عدالت‌گستر جهان، ابراهیم امینی

۲. مهدی موعود، ناصر مکارم شیرازی

در زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عقل مردم کامل می شود؟ آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با مردم کار می کند یا به خاطر موقعیت آن زمان است؟

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمان قطعی خداوند بزرگ است و روزی فرا می رسد که سلطه شوم ناپاکان بر زمین و زمینیان خاتمه می یابد و صالحان و خوبان زمام امور را به دست می گیرند^۱ و هستی به لطف و کرم هستی آفرین طعم عدالت را می چشد.

به یقین حاکم شدن بر جهان و دادگستری به گستره جهان و مطیع کردن میلیاردها بشر، آن هم از قاره های مختلف و با نژادهایی متفاوت و... کار آسانی نیست از این رو می گویند امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی ظهور می کند که زمینه ها و آمادگی های لازم همانند آمادگی فرهنگی، نظامی، تکنولوژی و... وجود داشته باشد.^۲ و با وجود چنین آمادگی هایی می توان امید پُررنگ به ظهور قریب الوقوع بودن آن حضرت داشت و گر نه اگر جامعه بشری در کویر کوتاه فکری، نژادپرستی و... قرار داشته باشد ظهور حضرت به تأخیر می افتد.

بنابر این یکی از چیزهای بسیار مهمی که در اتحاد مردم و روی آوردن به خوبی ها و دوری از انحرافات نقش اساسی دارد کامل شدن عقل مردم است، و در پرتو عقل های کامل

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی (عج)، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم، ص ۷۹، ۸۲.

بسیاری از نابسامانی‌ها، سامان می‌یابد و آمادگی‌های دیگر معنی و مفهوم پیدا می‌کنند.

اما این که رشد عقلانی توده مردم نتیجه کار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است یا به خاطر موقعیت آن زمان؟

از برخی روایات استفاده می‌شود که نیروهای عقلانی توده مردم به واسطه شخص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ زیرا در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «اذا قام قائمنا وضع يده على رؤوس العباد فجمع به عقولهم و اكمل به احلامهم»؛^۱ چون قائم ما قیام کند دستش را بر سرهای مردم می‌گذارد و نیروهای عقلانی آنها را تمرکز داده و خردها و دریافت‌های خلق را به کمال رساند.» و هم به خاطر آمادگی بشریت و شکوفایی و بالندگی عقل و استعدادها و قدرت تفکر و توسعه علم ایشان.

به هر حال غالب احادیث صراحت در این مطلب دارند که شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عقل‌ها را به کمال می‌رساند. مرحوم مجلسی رحمته الله علیه نیز جمع‌آوری عقل‌ها را توسط امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف پذیرفته است و به همین جهت در ذیل روایت می‌نویسد: منظور از جمع‌آوری عقل‌ها توسط حضرت یکی از این دو احتمال است:

۱. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ج ۱، ص ۱۴۴ و کافی، ج ۱، ص ۲۵.

احتمال اول: این که آن حضرت، عقل توده مردم را بر اقرار به حق، جمع می‌کند، که دیگر هیچ اختلافی نخواهند داشت. احتمال دوم: این که عقل هر کدام از آنها جمع می‌شود؛ یعنی قوای نفسانی و نیروهای حیوانی تسلیم عقل گردند و با آن همراهی کنند که دیگر به خاطر پراکندگی قوای نفسانی عقل پراکنده نمی‌شود. ولی وجه اول صحیح‌تر به نظر می‌رسد.^۱

خلاصه سخن: مردم از حیث استعداد و افکار در ترقی و تکامل هستند و برای پذیرفتن حق آماده‌تر می‌گردند و در عصر ظهور به آخرین درجه کمال خردها می‌رسند و این از ویژگی‌های زمان ظهور و حکومت امام زمان است چنانچه سخن و روایت امام باقر علیه السلام صریح در این است که این کمال خردها به واسطه آخرین ذخیره الهی است. بنابر این همان طور که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شود کمال عقلانی نیز شیوع پیدا می‌کند و این رشد عقلانی به برکت حضرت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. عصر ظهور، علی کورانی

۲. مکیال المکارم، جلد اول

۳. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

۱. همان، به نقل از مرآة العقول، ج ۱، ص ۸۰.

عدالت مهدوی که در روایات آمده و از اهداف حکومت حضرت بیان شده است به چه صورت خواهد بود؟

عدالت یعنی قرار گرفتن هر چیزی در جای خود و رسیدن هر کس به حق خود و ضایع نشدن حقوق همه موجودات ذی حقوق. حکومت عدل و برپایی قسط و داد آرزوی دیرینه انسان‌های جهان است. تحقق عدالت مأموریت عام همه انبیاء و انسان‌های صالح است.

قرآن کریم عدالت را در رأس مأموریت پیامبران و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار داده و می‌فرماید: «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ»؛^۱ بگو من مأمور به اجرای عدالت هستم؛ و به همه مؤمنین می‌فرماید: همگی برای استقرار عدالت قیام کنید.

اهمیت عدالت بدین جهت است که تمامی امور وابسته به این اصل مهم و حیاتی است و لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «بالعدل قامت السماوات و الأرض»^۲، یعنی پایه‌های نظام عالم؛ اعم از نظام تکوین و نظام تشریع و زندگی اجتماعی انسان‌ها بر مبنای عدالت استقرار می‌یابد. امام باقر علیه السلام در تأویل آیه «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»^۳ می‌فرماید: «یحييها بالقائم فيعدل فيها فيحيي الأرض

۱ .سوره اعراف، آیه ۲۹.

۲ . مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار ع، قم، انتشارات صدرا، ص ۲۵۹.

۳ .سوره مائده، آیه ۸.

بالعدل بعد موتها بالظلم»؛^۱ خداوند زمین مرده از حاکمیت ظلم و جور را، به وسیله ظهور قائم ما و حاکمیت عدالت بر جهان، احیا خواهد نمود. بنابر این صلاح و فساد نظام تکوین با نظام تشریع، پیوند دارد و عدالت اساس حیات و بقا و پویایی نظام عالم است؛ به خصوص در عرصه زندگی اجتماعی و انسانی.

شهید مطهری می نویسد: «عدالت عبارت است از این که استحقاق و حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیتش به دست آورده است، به او داده شود و نقطه مقابل آن ظلم است که آنچه را که فرد استحقاق دارد به او ندهد و یا از او بگیرد».^۲ در کلامی از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز آمده است که «العدل يضع الأمور مواضعها»؛^۳ عدالت، هر کاری را در جایگاه مناسب آن قرار می دهد. بر اساس روایات متعدد، عدالت از مهم ترین اهداف حکومت امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و وَجْهَ الْكَرِيمِ است.

رابطه عدالت و امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و وَجْهَ الْكَرِيمِ

حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام و وَجْهَ الْكَرِيمِ و شهرت بارز حکومت حضرت مهدوی و ویژگی مهم آن به برپایی عدالت در روی زمین

۱. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق، ج ۵، ص ۱۰۶.

۲. سوره حدید، آیه ۱۷.

۳. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر عَلَيْهِ السَّلَام و وَجْهَ الْكَرِيمِ، قم، نشر زائر، ص ۴۷۸، ج ۱.

است، به نحوی که حضرت به این نام شناخته می‌شود و در روایات و ادعیه نیز از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان «العدل المشتهر» و یا «العدل المنتظر» یاد شده است. نظیر آنچه در زیارت حضرت صاحب عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «السلام علی القائم المنتظر والعدل المشتهر»^۱ و نیز در جای دیگر آمده است که «... و اتقرب الیک بالإمام العدل المنتظر المهدی»^۲ و مشابه آن. این توضیحات به خاطر این است که میان تحقق عدالت و ظهور حکومت عدل جهانی مهدوی، یک تلازم حتمی وجود دارد که در هیچ مقطعی از تاریخ این امر با این گستردگی و عمق، وجود نداشته است و لذا بشریت در طول تاریخ به انتظار چنین روزی نشسته‌اند و انبیاء گذشته همگی مردم را بدان بشارت داده‌اند.

امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «مهدی کسی است که هنگام ظهورش زمین و زمان در پرتو حکومت عدل او نورانی می‌گردد و هیچ کس بر دیگری ظلم روا نمی‌دارد».^۳

گستره عدالت در حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

چنانچه در آیات قرآن و روایات آمده است حکومت مهدوی فراگیر و جهانی است که همه قلمروهای جغرافیای

۱ . قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه موسوی دامغانی، تهران، انتشارات فیض کاشانی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶ش، ص ۸۷۱.

۲ . مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۹۲، ص ۲۷۳۷-۱۹۸۳.

۳ . همان، ج ۵۲، ص ۲۲۴.

را شامل می‌شود. خداوند در سوره نور می‌فرماید: [...] لَيْسَتْ خُلَفَتُهُمْ فِي الْأَرْضِ؛^۱ یعنی دین اسلام در عصر ظهور فراگیر خواهد شد. در روایات نیز به طور متواتر نقل شده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف جهان را پر از عدل و داد خواهد نمود: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلُمًا وَ جَوْرًا».^۲ در برخی روایات آمده است: «يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ نُورًا»؛^۳ یعنی او کسی است که در سایه دولت کریمه او نه تنها زمین از عدل و داد پر خواهد شد، بلکه این عدالت فراگیر جهان را با معنویت و نور الهی روشن خواهد کرد. از نظر افراد و اشخاص نیز، عدالت مهدی همه‌گیر و همگانی است. حضرت همه افراد جامعه اعم از افراد صالح و نیکوکار و افراد ناصالح، را از عدالت بهره‌مند خواهد نمود و هیچ قشری در هیچ سطحی، از چتر حمایت عدالت مهدوی، خارج نخواهند بود. «يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ»؛^۴ یعنی چون حضرت مهدی مظهر رحمانیت خداوند است، همه افراد جامعه افراد فاجر و فاسق نیز از سفره عدالت مهدوی بهره‌مند می‌باشند. در روایت دیگر آمده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ الْعَدْلُ، وَسِعَ عَدْلُهُ...»؛^۵ وقتی که برپا کننده عدالت قیام کند وسعت عدالت و رحمت او همه افراد نیکوکار و بدکار را شامل می‌شود.

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

۳. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۰.

۴. مجلسی، پیشین، ج ۵۱، ص ۲۹.

۵. مجلسی، همان، ج ۲۷، ص ۹۰.

پیامدهای عدالت مهدوی گرچه دریافت عمومی از کلمه عدالت، بیشتر اقتصادی و قضائی، و امثال آنها است که بیشتر به داوری قضاوت و کارهای اجرایی حاکمان، نسبت به امور مردم مربوط است، اما گستره مفهوم عدالت در حکومت مهدوی وسیع‌تر از این مسائل است. در جامعه مهدوی، عدالت در همه عرصه‌های حیات فردی و اجتماعی، بروز و ظهور دارد و آثار و پیامدهای مبارك آن در حوزه‌های امنیتی، رفاهی، قضائی، فرهنگی، علمی و غیره آشکار می‌باشد. روایات زیادی در این زمینه وارد شده است که در این جا به چند نمونه اشاره می‌گردد:

۱. امنیت عمومی در پرتو حکومت عدل امام مهدی. عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامعه از امنیتی برخوردار می‌گردد که حتی زن جوان بدون هیچ هراسی مسافرت می‌کند بدون این‌که خطری او را تهدید کند: «لا یهیجها سبع و لا تخافه»؛ یعنی از درندگان (خطرات درندگان وحش و یا انسان‌های درنده و دزد) و هجوم آنان نمی‌ترسند و نگران نیز نمی‌باشند. در قرآن نیز آمده است: ﴿لَيَبْدِلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾.^۲

۲. رفاه و آسایش عمومی در عصر حاکمیت دولت مهدوی، عموم افراد جامعه از نظر رفاهی تأمین می‌شوند به گونه‌ای که

۱. صدوق، محمد بن علی، الخصال، تحقیق غفاری، علی اکبر، قم، موسسه نشر اسلامی، ص ۶۲۶.

۲. سوره نور، آیه ۵۵.

فقر به کلی برچیده شود. چنان که پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «یتنعم امتی فی زمانه نعیماً لا یتنعموا مثله قط البر والفاجر»؛^۱ امت من در زمان ظهور مهدی چنان از نعمت های الهی بهره مند می شوند که مانند آن را ندیده اند. امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «و یسوی بین الناس حتی لا تری محتاجاً الی الزکاة»؛^۲ مهدی چنان میان مردم عدالت و مساوات را حاکم می گرداند که محتاج و فقیری برای اخذ زکات یافت نمی شود. مردم همه از الطاف حضرت سیراب می شوند: «فیعطی شیئاً لم یعطه احد قبله»؛^۳ در زمان استقرار حکومت مهدی هیچ نقطه ای از زمین باقی نمی ماند مگر این که آباد می شود و گنج های نهفته خود را در اختیار بشر قرار می دهد. در جای دیگر می فرماید: «تجمع الیه اموال الدنیا من بطن الأرض و ظهره»؛^۴ همه اموال و ثروت های زیرزمینی و روی زمینی در اختیار حضرت قرار می گیرد. هم چنین پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «یظهر الله له كنوز الأرض و ما فیها»؛^۵ خداوند همه ذخیره های زیرزمینی و معادن را ظاهر می نماید. همه هستی به استقبال حکومت عدالت محور مهدی می رود.

۱. مجلسی، پیشین، ج ۵۱، ص ۸۸.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۳. صدوق، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق غفاری، علی اکبر، قم، موسسه انتشارات اسلامی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۳۱.

۴. صدوق، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، مکتبه الحیدریه، ۱۳۸۶ق، ج ۱، ص ۱۶۱.

۵. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۹۴.

۳. رشد علم و فرهنگ در پرتو نظام عدل گستر مهدوی، مردم از نظر آگاهی، تربیت و فرهنگ به رشد فوق العاده‌ای دست می‌یابند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «اذا قام قائمنا وضع یدہ علی رؤوس العباد فجمع به عقولہم و اکمل به احلامہم»؛^۱ وقتی قائم ما ظهور کند در سایه عنایت او افکار و اندیشه‌ها به حدی از رشد و کمال می‌رسد که منزلت امام را دریابند.

۱. مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

حکمرانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر کل جهان با توجه به گستردگی این عالم و ادیان متفاوت چگونه است؟

مهم‌ترین عامل در پیروزی و حاکمیت یک نهضت و انقلاب برنامه دقیق و جهان شمول آن است که بر اساس آیات و روایات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه حکومت دارای اهداف بلند و متعالی است و انقلاب آن حضرت در ابعاد مختلف انسانی واقع خواهد شد که به چند جهت عمده و اساسی آن اشاره می‌کنیم:

الف: وحدت ادیان: همه ادیان الهی بشارت به آمدن منجی و مصلح جهانی را به پیروان خود داده به گونه‌ای که یک انتظار عمومی برای یک مصلح بزرگ در همه پیروان ادیان آسمانی وجود دارد و تعبیر مختلف و بلندی در اکثر کتاب‌های ملل مختلف راجع به آمدن مصلح وجود دارد. خصوصاً در رابطه با حضرت مسیح علیه السلام که بر اساس روایات زیادی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌پیوندند و پیروان او که قسمت عمده‌ای از مردم جهان را تشکیل می‌دهند به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق خواهند شد و با پیوستن حضرت مسیح و پیروانش به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زمینه گسترش و جهانی شدن حکومت مهدوی بیش از پیش فراهم خواهد شد.

بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام که فرمود: «به خدا سوگند!... اختلاف از میان برداشته می‌شود و همه به صورت

یک آئین در می‌آیند...»^۱ و نیز روایت دیگر از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: «مهدی از نسل من است وقتی خروج می‌کند، عیسی بن مریم برای یاریش فرود می‌آید، او را پیش رو قرار می‌دهد و پشت سرش اقتدا می‌کند و هیچ یک از یهودیان و مسیحیان باقی نمی‌مانند مگر این‌که قبل از مرگش به او ایمان می‌آورند و پشت سر مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ نماز می‌خوانند، چنان‌چه خداوند فرمود: ﴿وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ﴾^۲، اختلاف از میان رفته و یک وحدت جهانی در سایه اسلام به وجود خواهد آمد.

ب: تسخیر جهان که ممکن است به گونه اعجاز و با اسباب غیر عادی تحقق یابد و نیز امکان دارد که بر اساس فراهم شدن اسباب و عوامل عادی و ظاهری در اثر تحولات که جوامع بشری با آن روبرو می‌گردند انجام گیرد، همان گونه که ممکن است به هر دو نوع به وجود بیاید، به هر حال انقلاب و قیام امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ هنگامی واقع می‌شود که بشریت و انسانیت از همه حکومت‌ها و رهبرانی که ادعای رهبری جوامع بشری را دارند خسته گردیده و از تمام ابزارهای موجود ناامید می‌گردند و به شدت در انتظار وقوع یک انقلاب و تحولی هستند تا آنها را با برنامه‌های الهی که دارد از منجلاب و فتنه‌هایی که گرفتار آن گردیده‌اند نجات بخشد. و لذا در

۱. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۲۰۳.

۲. سوره نساء، آیه ۱۵۹ و مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۱۴، ص ۳۴۹.

چنین موقعیتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهد کرد و با یک برنامه جهانی و فراگیر در ابعاد مختلف دینی و دنیایی، مادی و معنوی مورد توجه جهانیان قرار می‌گیرد.

ج: اختلاف زبان، نژاد، و منطقه جغرافیایی و مانند آن دلیل بر این نیست که مردم جهان نتوانند یک زندگی سالم و مسالمت‌آمیز داشته باشند، چنان‌چه از برخی روایات که شکل زندگی مردم جهان را در عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ترسیم می‌کند استفاده می‌شود که پیشرفت علم و صنعت مخصوصاً صنایع ارتباطی در آن عصر به گونه‌ای خواهد بود که خیلی از مشکلات در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی حل و قسمت عمده‌ای از مشکلات جهانیان در اثر برنامه‌های فوق العاده و کارساز و آسمانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حل خواهد شد، چنان‌چه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «بشارت می‌دهم شما را (که فرزندان مهدی) زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است، ساکنان آسمان‌ها و زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را به طور صحیح و عادلانه تقسیم می‌کند.»^۱ بنابر این امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با برنامه‌های اصلاحی خودش در بخش‌های قضائی، نظارتی، اقتصادی، ارتباطی، عمرانی، همه اختلافات و تبعیض‌ها را برداشته و با این کار باعث رضایت مردم می‌گردد.

د: نابودی قدرت‌ها و حکومت‌های خودکامه جهان: برای
استقرار یک حکومت جهانی و بین‌المللی باید حکومت‌های
جور و بیداد از صحنه جهان خارج گردند و برای خارج کردن
آنها لااقل در شرایط کنونی نیاز به یک برنامه دقیق با امکانات
و ابزارهای پیشرفته و برتر معنوی و مادی لازم است، در منابع
روایی ما تعبیراتی قابل توجه مشاهده می‌گردد که به برخی از
آنها اشاره می‌شود:

۱. وسائل سریع السیری که با وسایل فعلی قابل مقایسه
نیست حتی برای مسافرت‌های فضائی و دور دست در اختیار
حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف قرار می‌گیرد البته با پیشرفت
علوم در آن زمان.

از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمود: «برای صاحب
شما (امام مهدی . عجل الله تعالی فرجه شریف) . آن وسیله
سرکش ذخیره شده است (راوی حدیث می‌پرسد که وسیله
سرکش چیست؟) امام فرمود: ابری است که در آن غرّش و
رعد و برق و شدّت صاعقه است، او بر این ابر و وسیله سرکش
سوار می‌شود، آگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌گردد و
به آسمان‌ها و زمین‌های هفت‌گانه صعود می‌کند»^۱.

۲. مسأله نور و انرژی آن‌چنان حل می‌شود که روز و شب
از پر قدرت‌ترین نورها که می‌توانند جانشین نور آفتاب گردد

۱ . بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۴.

بهره گیری می کنند. از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که فرمود: «هنگامی که قائم ما قیام کند زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان خدا از نور آفتاب بی نیاز شوند».^۱

۳. وسائل ارتباطی و اطلاعاتی آن قدر پیشرفت خواهد کرد که دنیا را هم چون کف دست آشکار می سازد و به حکومت مرکزی تسلط کامل بر اوضاع جهان می بخشد تا به موقع و بدون فوت وقت برای حل مشکلات جهانی بکوشد؛ چنان چه در حدیثی از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل شده که فرمود: «هنگامی که کارها به صاحب اصلی ولایت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد خداوند هر نقطه فرو رفته از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پست می گرداند آن چنان که دنیا و (تمام نقاط عالم) نزد او به منزله کف دست خواهد بود، کدام یک از شما اگر در کف دستش مویی باشد آن را نمی بیند؟»^۲ بنابراین با از بین رفتن اختلافات و عوامل آن در سایه برنامه جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وحدت جهانی به وجود آمده و اختلافات ادیان و مذاهب برداشته خواهد شد.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۳، ص ۱۸۵.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. حکومت جهانی، آیت الله مکارم شیرازی

۲. ظهور نور، آیت الله سعادت پرور

۳. قیام مهدی، دکتر قائمی

۴. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۱۳

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز شمشیر خواهند کشید؟ اگر جواب مثبت است ضربه این شمشیر چه کسانی را و به چه علت شامل خواهد شد؟

پس از قرن‌ها انتظار و تحمل رنج، سرانجام روزگار ستم و تاریکی‌ها به سر آمده، پرتو خورشید سعادت نمایان می‌گردد و شخصیت بزرگی که با یاری الهی بنای زدودن آثار ستم و جور را دارد، ظهور می‌کند. آن حضرت دست به اصلاحات گسترده و دگرگونی‌های بنیادی در دو بعد معنوی و مادی می‌زند و جامعه بشری را چنان سامان می‌بخشد که خشنودی خداوند را در پی داشته باشد.

هدف اصلی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بنیان‌گذاری صلح جهانی و ستاندن حق مظلومان و فراهم آوردن آرامش جهانی است که آن حضرت با تمام وجود و یاری خداوند خواهد کوشید تا جامعه‌ای صالح و آرام که هر کس بتواند با امنیت خاطر در آن زندگی کند به وجود بیاورد. در این میان افراد اخلاص‌گرای خواهد بود که مانع‌تراشی در محقق شدن عدالت جهانی و حکومت عدل و قسط خواهند کرد که امام با این افراد به طور قاطع و مقتدرانه به ستیز و مبارزه خواهند پرداخت. وقتی ما در متون دینی و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام در خصوص قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مطالعه می‌کنیم احادیث مختلفی را خواهیم دید که هر کدام اشاره به مخالفت و دشمنی دسته‌ای از افراد دارند که برخی از آنها قوم و نژاد

خاصی و برخی از آنها عقیده و دین و مذهبی دارند و در پی کارشکنی در فرایند حکومت آن حضرت برمی آیند:

الف) قوم عرب

امام صادق علیه السلام می فرماید: آن گاه که قائم ما قیام کند بین او و عرب و قریش راهی جزء شمشیر و جنگ نظامی نخواهد بود. مراد امام از جنگ و ستیز و تنها راه بودن آن شاید این باشد که قریش (عرب) از حضرت فرمان برداری نمی کند و در اخلاال گری و ایجاد مشکلات می کوشند و به طور مستقیم و غیر مستقیم سبب پیکار و جنگ با حضرت می شوند و حضرت نیز جز اسلحه روش دیگری را مناسب نمی بیند.

البته باید تذکر داده شود که هر کسی و قومی در برابر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پا خیزد و دعوت الهی آن بزرگوار را نپذیرد برخورد و مقابله آن حضرت با آنها چنین خواهد بود و این حکم فراگیر و همگانی می باشد.

ب) فرقه های باطل و منحرف

امام باقر علیه السلام می فرماید: وای به حال مرجئه (گروه منحرفی بودند)، فردا هنگامی که قائم ما قیام کند به چه کسی پناه خواهند برد؟ هر يك از آنان توبه کند خدا از او می گذرد و اگر در درون نفاق و دورویی داشته باشد خداوند جز او کسی را تبعید و آواره نمی کند و اگر چیزی از نفاق را آشکار سازد خداوند خونش را خواهد ریخت. سپس فرمود: سوگند به آن

که جانم در دست اوست، هم چنان که قصاب گوسفندش را سر می برد آنان را خواهد کشت.^۱

مبارزه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با تمامی فرق و جریان های باطل و انحرافی است که در روایات گروه مرجئه به عنوان مثال و در جواب سائل آمده است.

(ج) ناصبی ها^۲

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند بر یک يك ناصبیاں ایمان را عرضه می کند، اگر پذیرفتند آنان را رها می سازد و گرنه گردن شان را می زند یا از آنان جزیه می گیرد چنان چه که امروز از اهل ذمه جزیه می گیرند و آنان را از شهر به روستاها و کشتزارها تبعید می کنند. (منظور از امروز در روایت زمان حیات حضرت باقر علیه السلام می باشد)^۳

(د) منافقان

امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند نیازی ندارد که از شما درخواست یاری کند و نسبت به بسیاری از شما منافقان، حدّ خدا را جاری می کند^۴

۱ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۷، محمد باقر مجلسی، انتشارات موسسه الوفاء، بیروت.

۲ . ناصبی ها گروه منحرفی هستند که با ائمه معصومین علیهم السلام دشمنی می ورزند که اکثر فقها به کفر و نجس بودن آنها فتوا داده اند.

۳ . محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۸، ص ۲۲۷، دار الکتب الإسلامیه، اثبات الصلاة، ج ۳، ص ۴۵۰.

۴ . محمد بن الحسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۸۲، انتشارات التراث العربی، بیروت.

امام حسین علیه السلام به فرزندش امام سجاد علیه السلام می فرماید: سوگند به خدا که خون من از جوشش باز نمی ایستد تا این که خداوند مهدی عجل الله تعالی فرجه الموعود را برانگیزد آن حضرت به انتقام خون من از منافقان فاسق و کافر، هفتاد هزار نفر را می کشد.^۱

ه) شیطان

وهب بن جمیع می گوید: از حضرت صادق علیه السلام پرسیدم این که خداوند به شیطان فرمود: ﴿فَأَنْتَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾؛^۲ تا به وقت معین و روز معلوم به تو مهلت داده خواهد شد. این وقت معلوم چه زمانی خواهد بود؟ فرمود: آیا پنداشته ای این روز، روز قیامت است؟ خداوند تا روز قیام قائم ما، به شیطان مهلت داده است. وقتی خداوند او را مبعوث می کند (اجازه قیام می دهد) حضرت به مسجد کوفه می رود در آن هنگام شیطان در حالی که با زانوان خود راه می رود به آن جا می آید و می گوید ای وای بر من از امروز. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الموعود پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند و آن هنگام، روز وقت معلوم است که مهلت شیطان به پایان می رسد.^۳

۱. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب ع، ج ۴، ص ۸۵، انتشارات علامه، قم.

۲. سوره حجر، آیات ۳۷ و ۳۸.

۳. اثبات الهداه، محمد بن الحسن حرّ عاملی، ج ۳، چاپ خانه حوزه قم و فیض کاشانی، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۹۰۶، مؤسسه الأعلمی، بیروت.

و) مستکبران و مفسدان

دشمنان اصلی امام زمان عجّه الله تعالی فرجه الشریف همین مستکبران و مفسدان هستند که در برابر امام صف آرای می کنند و مانع اجرای منویات آن حضرت می شوند که سپاه سلحشور امام، با آنان به شدت برخورد می کند و زمین را از لوٹ و جودشان پاک خواهد ساخت و این زمان است که وعده الهی بر به قدرت رسیدن و پیروزی مستضعفان برستمگران محقق خواهد شد.

این تقسیم بندی ها حاصل عده ای از روایاتی است که از ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده و به ما رسیده است که هر قسم می تواند در برگیرنده تقسیمات و گروه های مختلفی باشد. به هر حال امام با این دسته ها به مبارزه پرداخته و صلح و آرامش و پاکی را به زمین به ارمغان خواهد آورد.^۱

تذکر یک نکته: خروج با شمشیر کنایه از جنگ امام است و مقصود قدرت و عنایت الهی است که به همراه حضرت است و امکان دارد که آن حضرت با سلاح های جدید و پیشرفته ای که وجود دارد و حتی در زمان ایشان ابداع می شود استفاده کند و جنگ و مبارزه با بیدادگران جزء برنامه اصلی آن حضرت است، بر خلاف سیره و رویه جدّ و پدران بزرگوارش که بیشتر به پند و اندرز اکتفا کرده و به آن مأمور بودند البته در برخی از موارد.^۲

۱ . چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه، فصل مخالفان و موافقان مهدی.

۲ . اقتباس از تفسیر قمی، علی بن ابراهیم قمی، ج ۱، ص ۱۴۴، ذیل آیه ۷۱ سوره نساء.

نتیجه‌گیری

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور با این دسته‌ها به طور اجمالی به مبارزه خواهد پرداخت:

۱. قوم عرب (قریش) به خاطر عدم موافقت با امام و مخالفت و کارشکنی‌هایی که در قیام و حکومت ایجاد می‌کنند.

۲. فرقه‌های باطل و منحرف به خاطر کفر و عقاید باطل‌شان در صورتی که اصرار به عقایدشان داشته باشند.

۳. ناصبی‌ها: به خاطر عدم قبول دین حق و معاند بودن با اهل بیت علیهم السلام بعد از ارائه دین حق توسط امام به آنان.

۴. منافقان: به علت نفاق و کارشکنی‌هایی که در حکومت جهانی موعود می‌کنند.

۵. شیطان: به علت رسیدن وقت و پایان مهلت زندگی‌اش طبق آیات ۳۷ و ۳۸ سوره حجر و روایت امام

۶. مستکبران و مفسدان: دشمنان اصلی امام هستند؛ چون که اصلی‌ترین ظالمان و عامل فساد در زمین بوده و باعث مظلومیت و رنج مستضعفان شده‌اند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. دادگستر جهان، ابراهیم امینی نجف آبادی

. چشم اندازی بر حکومت مهدی، نجم الدین طوسی

. مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی

. بحار الأنوار، محمد باقر مجلسی، ج ۵۳

با توجه به این که در حکومت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف اسلام و مذهب شیعه به اوج خود خواهد رسید و حقانیت آن ثابت خواهد شد، چگونه در بعضی از کتب به برخورد حضرت با اهل کتاب به وسیله کتاب مقدس آنها اشاره شده است؟

در این که اهل کتاب بعد از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و پس از تشکیل و استقرار حکومت جهانی مهدوی باقی می ماند ولی از عقاید انحرافی دست برداشته و موحد و خداپرست می شوند و بر اساس کتب آسمانی شان که عاری از تحریف است و توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بر اساس برخی روایات از غاری در انطاکیه بیرون آورده می شود، عمل نموده و در حمایت حکومت اسلامی، به زندگی خویش ادامه می دهند یا این که پس از تشکیل و تحکیم حکومت اسلامی توسط ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی جز مسلمان روی زمین باقی نمی ماند و آن حضرت دین اسلام را بر یهود و نصارا عرضه می دارد، هر کس پذیرفت نجات می یابد و هر کس امتناع ورزید کشته خواهند شد؟ اختلاف نظر وجود دارد.

روایاتی که بیان گروضعیت آنان است به دو دسته مختلف تقسیم می شوند: يك دسته از روایات بیان گر این است که اهل کتاب در زمان حکومت اسلامی در آخرالزمان باقی می مانند ولی استقلال و حاکمیتی ندارند، بلکه تحت الحمايه حکومت اسلامی به زندگی شان ادامه می دهند.

ابوبصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: صاحب

الأمر با اهل ذمه (یهود و نصارا) چه می‌کند؟ فرمود: مانند پیغمبر اکرم ﷺ با آنان مصالحه می‌کند، آنها نیز با کمال ذلت، جزیه می‌دهند.^۱

و نیز از امام باقر علیهما السلام نقل شده که فرمود: صاحب الأمر مهدی نامیده شده برای این‌که تورات و سایر کتاب‌های آسمانی را از غاری که در انطاکیه واقع شده، استخراج می‌کند، بین اهل تورات با تورات و بین اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن، داوری خواهد کرد.^۲

دسته دیگر از روایات بیان‌گر این است که در عصر دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی جز مسلمان روی زمین باقی نمی‌مانند. آن حضرت دین اسلام را بر یهود و نصارا عرضه می‌دارد، هر کس مسلمان شد زنده می‌ماند و هر کس امتناع ورزید کشته خواهد شد. برای نمونه:

ابن بکیر می‌گوید: تفسیر آیه «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» را از حضرت ابوالحسن علیهما السلام پرسیدم. فرمود: این آیه در شأن قائم نازل شده است. وقتی آن جناب ظاهر شد، دین اسلام را بر یهود و نصارا و صابئین و کفار شرق و غرب عرضه می‌دارد، پس هر کس با میل و اختیار، اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می‌کند و هر کس از قبول اسلام خودداری ورزد، گردنش را می‌زند،

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

۲. الغيبة، نعمانی، ص ۲۳۷، ح ۲۶.

تا این که در شرق و غرب زمین کسی جز خداپرست باقی نماند. ابن بکیر می گوید: به آن حضرت عرض کردم: فدایت شوم، مردم جهان زیادت‌ر از آن اند، که کشته شوند؟ فرمود: هر گاه خدا کاری را اراده کند، زیاد را کم و کم را زیاد می گرداند.^۱ و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب الامر مفتوح می سازد آن قدر می جنگد تا غیر از دین محمد صلی الله علیه و آله دینی باقی نماند.^۲

به نظر می رسد نکته تعیین کننده در انتخاب و گزینش این دو دسته از روایات، دقت و تأمل در ظواهر برخی آیات قرآن کریم می باشد که دلالت می کنند کیش یهود و نصارا، تا قیامت باقی خواهد ماند. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند، پیمان گرفتیم، پس قسمتی از پندهای ما را فراموش کردند، ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بین شان انداختیم.»^۳ و «یهودان گفتند: دست خدا بسته است، دست خودشان بسته باد و به سزای این ناروا که به خدا نسبت دادند، ملعون شوند، بلکه دست رحمت او گشوده است و هر چه بخواهد انفاق می کند. قرآنی که بر تو نازل شده، سرکشی و کفر بسیاری از آنها را افزون می کند و تا قیامت در میان شان دشمنی و کینه انداختیم.»^۴

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

۳. سوره مائده، آیه ۱۴.

۴. سوره مائده، آیه ۶۴.

همان گونه که ملاحظه شد، دسته اول روایات، موافق قرآن و دسته دوم مخالف آن است و بر اهل فن و تحقیق پوشیده نیست که روایات موافق قرآن، بر روایات مخالف آن مقدم اند و آنها را از اعتبار ساقط می‌کنند. بنابراین یهود و نصارا در عصر دولت مهدوی باقی خواهند ماند، ولی از عقیده تثلیث و شرك دست برداشته، خداپرست می‌شوند و در حمایت دولت اسلامی به زندگی خویش ادامه می‌دهند. در عین حال دولت‌های باطل سقوط می‌کنند و قدرت جهان در دست مسلمانان و مؤمنین شایسته قرار می‌گیرد.^۱

بقاء اهل کتاب در سایه حکومت جهانی مهدوی، هیچ گونه منافات و تضادی با سیطره و حاکمیت و جهانی بودن حکومت اسلامی به رهبری ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام ندارد؛ زیرا مراد از يك پارچگی و تحقق حقانیت شیعه در آخرالزمان، می‌تواند يك پارچگی قدرت و حاکمیت اسلام و سیطره تام آن بر عالم باشد ولو این که برخی از ادیان و اقشار پیرو آن به عنوان محکوم و رعیت و تابع وجود داشته باشند، اما هیچ گونه دخالت و سهمی در قدرت و حاکمیت ندارند. البته حقیقت امر در نزد خداست. ظاهر روایات نشان می‌دهند که در زمان ظهور و قبل از استقرار حکومت مهدوی امام عَلَيْهِ السَّلَام فرصتی برای تسویه حساب با اهل ادیان ندارد و آنچه در روایات آمده

۱. دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۲۹۵؛ در محضر علامه طباطبائی، محمد حسین رخشاد، ص ۱۸۸.

که حضرت با اهل کتاب به شریعت خودشان رفتار می‌کند، به نظر می‌رسد که مربوط به دوران استقرار حکومت جهانی آن حضرت باشد به این معنا که آن حضرت به تدریج از آغاز حرکت خودش اقدام به ریشه‌کنی کفر و ارتداد می‌کند و این امر سال‌ها طول می‌کشد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. دادگستر جهان، آیت الله امینی

۲. در محضر علامه طباطبائی، محمد حسین رخشاد

آیا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف برای اصلاح جامعه جهانی می‌آیند یا انتقام و قتل و کشتار؟! به عبارت دیگر ایشان سیاست حسنی خواهند داشت یا سیاست حسینی؟

دو نکته جهت رفع اشکال محتوایی پرسش فوق، لازم به تذکر است:

اولاً؛ بین اصلاح جامعه جهانی و در عین حال انتقام و قتل و کشتار منافاتی وجود ندارد. یعنی تنبیه و مجازات مغرضین و معاندین توسط حضرت، خود نوعی اصلاح جامعه بشری است.

ثانیاً؛ تلقی سیاست حسنی و سیاست حسینی باید صحیح باشد. یعنی این طور نیست که امام حسن علیه السلام موافق صلح و امام حسین علیه السلام موافق جنگ بوده است. به عبارت دیگر این طور نیست که امام حسن علیه السلام برای اصلاح امامت کرد و امام حسین علیه السلام برای انتقام و قتل و کشتار! بلکه هر دو موافق صلح و دوستی عزیزانه و مخالف جنگ و خونریزی می‌باشند؛ زیرا اساساً امام معصوم و به طور کلی انبیاء و اولیاء الهی نه برای خونریزی و قتل که برای تبلیغ و ارشاد و هدایت آمده‌اند. از این روی امام حسین علیه السلام برای جنگ به کربلا نرفت، حتی ایشان شروع کننده آن نیز نبوده است. جنگ را بر او تحمیل نموده و او نیز از خود دفاع نموده است. این در حالی است که خطبه‌های او گویای صلح طلبی عزیزانه بوده است. بنابر این سیاست حسنی با سیاست حسینی تفاوتی ندارد؛ چه این که هر دو طالب صلح و اساساً مأمور به آن هستند مگر آن که محور

عزّت به ذلّت بیانجامد. در این هنگام صلح و جنگ عزیزانه برتر از بیعت ذلیلانه است و تفاوت بین هیچ کدام از ائمه نمی باشد و هر کدام بر اساس وظیفه الهی خود عمل خواهند نمود.

واما رویکرد صلح و جنگ در نهضت مهدوی

اساساً و بر طبق نظریه حسن و قبح عقلی، صلح زیبا و حَسَن و جنگ نازیبا و قبیح است؛ یعنی فطرت انسان صلح طلب است و نه جنگ طلب. به عبارت دیگر در شرایط عادی و غیر ضروری، طبع بشر به صلح و آرامش و امنیت گرایش داشته و از جنگ گریزان است از این روی اصل با صلح است و جنگ امری است طفیلی و رضایت به جنگ در شرایط ضروری برای برکناری باطل در منطق عقل و شرع به عنوان امر دوم فطری پسندیده می باشد. بنابر این اولاً و بالذات انسان صلح طلب و ثانیاً و بالعرض با جنگ ضروری موافق است.

با این مقدمه، حکومت پرنور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان جهان گشای عادل، با هدف عدل و قسط جهانی تحت ولایت و رهبری خود و استقبال عمومی حق طلبان با وجود یاران و افراد مؤمن، با توانایی جسمی و روحی بالا و والا، همراه با رشد عقلانیت حاکم بر جهان و نیز تکامل صنعت بشری، شروع و با زبان تبلیغ و جهاد علمی، قبل از زبانه تیغ و جهاد نظامی، با رویکرد کاملاً صلح طلبانه، به سان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جهت ترویج دین ناب اسلام و دعوت به آن، ادامه می یابد. در این

بین وجود افراد و گروه‌های حق‌ستیز و جنگ‌طلب و آشوب‌گر، با طینت‌های ظالمانه به جهت مطامع فردی و دنیوی خود تظاهر به عناد و فسق و فساد کرده و دست به ستیز مسلحانه و ایجاد ناامنی می‌زنند. در این هنگام مهدی موعود در مقابل این عناد و دشمنی، با سلاح روز و به روش کاملاً طبیعی به معیت یاران و سربازان و افسران ارشد خود، با آنها برخورد نظامی کرده و بر آنان غالب می‌شود. از این روی اولین گزینه در حکومت مهدی موعود قیام به صلاح و صلح و تبلیغ و تشویق بوده و آخرین گزینه او قیام مسلحانه خواهد بود؛ زیرا همواره مهر امام معصوم بر قهر او غلبه دارد. وانگهی این جنگ نیز کاملاً ناخواسته و تحمیلی است؛ زیرا ستیز و شورش و عناد آشوب‌گران و ظالمان که دعوت حق امام را نپذیرفته و دست بر قبضه شمشیر جنگ و ناامنی می‌زنند، امام را وادار به دفاع و مقابله به مثل و سرکوب خواهد نمود.

در بیانی نورانی از امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام آمده است: «خدایا! تو می‌دانی که جنگ و درگیری ما برای به دست آوردن قدرت و حکومت و دنیا و ثروت نبود، بلکه می‌خواستیم نشانه‌های حق و دین تو را در جایگاه خویش باز گردانیم و در سرزمین تو اصلاح را ظاهر کنیم تا بندگان ستمدیده‌ات در امن و امان زندگی کنند و قوانین و مقررات فراموش شده تو بار دیگر اجرا گردد.»^۱

۱. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۱.

اساساً اصل در امامت امام، هدایت با زبان تبلیغ است. قرآن می‌فرماید: «أَرْسَلَ رَسُولُهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ»^۱ و در جای دیگر می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»^۲. امیرالمؤمنین امام علی علیه السلام، مهدی موعود را صلح طلب معرفی کرده و می‌فرماید: «قد لبس للحكمة جتتها و اخذها بجميع ادبها»^۳ زره دانش بر تن داشته و حکمت گمشده اوست که همواره در جستجوی آن می‌باشد.

آری، آن میرمهر اگر بیاید فقیران را دستگیری، بی‌خانمان‌ها را سامان، بی‌کسان را هم‌دم، غافلان را تذکر، گم‌گشتگان را راه، دردمندان را درمان و در يك كلام خاك نشینان را تارك نشین خواهد کرد و قهر او نیز جلوه‌ای از محبت و صلح‌طلبی اوست؛ چه این که قهر او بر جماعتی اندك و ناچیز از معاندان و نژادپرستانی خواهد بود که علی‌رغم، رشد فکری انسان‌ها در آن عصر، و هدایت‌ها و کرامات آن حضرت باز هم به او کفر می‌ورزند و حکومت عدلش را گردن نمی‌گذارند، و در زمین فساد می‌کنند.

۱. سوره صف، آیه ۹.

۲. سوره نحل، آیه ۱۲۵.

۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۸۲.

غیبت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ

مفهوم غیبت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ را بیان کنید.

غیبت ممکن است به دو صورت باشد:

۱. غیبت معرفتی:

غیبت معرفتی، همان غیبت شخصیتی و حقوقی است. در این فرض امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ از دید معرفتی ما مخفی است، یعنی آن حضرت به طور عادی زندگی می‌کند و مردم کوچه و بازار او را ملاقات کرده و با او نشست و برخاست و معاشرت می‌کنند و حضرت با مردم هم‌دم و هم‌صحبت می‌شود، ولی مردم او را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که او امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفَ است. حکمت الهی چنین اقتضا کرده که حضرت به وسیله ناشناس ماندن از خطرات احتمالی ستمگران و ظالمان در امان بماند. روایاتی بر این نظریه دلالت می‌کند امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرموده: «در صاحب این امر (حضرت مهدی) سنت‌هایی از پیامبران است ... و سنتی که از یوسف دارد،

مستور بودن است. خداوند بین او و مردم حجابی قرار می‌دهد، به طوری که او را می‌بینند، ولی نمی‌شناسند.^۱

۲. غیبت جسمانی، که به دو صورت محتمل است:

الف. نامرئی بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف: به این معنی که امام روی همین زمین است و این جا زندگی می‌کند و به جاهای مختلف می‌رود و از احوال و رفتار شیعیان مطلع می‌شود و آنها را مورد عنایت و لطف خود قرار می‌دهد، ولی هیچ کس وجود حضرت را با چشمان ظاهری نمی‌بیند، حضرت خضر چنین است. امام رضا علیه السلام فرمود: «خضر علیه السلام آب حیات نوشیده و تا نفخ صور زنده است، او به نزد ما می‌آید و سلام می‌دهد و ما صدای او را می‌شنویم... و در هر سال در مراسم حج حاضر است... ولی ما او را نمی‌بینیم».^۲

این نوع اختفاء که همان ناپیدایی است، با اختفا به صورت ناشناس بودن، فرق دارد؛ زیرا اختفا به صورت ناشناسی به طور عادی صورت می‌گیرد و هیچ گونه اتفاق خارق العاده‌ای رخ نمی‌دهد و اما استتار به شکل نامرئی بودن نیاز به اعجاز دارد، تا حضرت در حین حضور، ظهور نداشته باشد.

ب. غیبت جسمانی با تصرف در چشمان مردم: در این

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۲، باب ۳۳، حدیث ۴۶.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، تهران، کتاب فروشی اسلامی، چاپ سوم، ج ۵۱، ص ۲۲۱.

فرض ناپیدایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خاطر دخل و تصرف ایشان در چشمان مردم است. در این مورد نیز نیاز به اعجاز و قدرت الهی است تا در حین حضور و ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم و حضور و ظهورشان در اجتماعات و تجمعات دیده نشود. در قرآن کریم و روایات به مواردی اشاره شده که با معجزه الهی، افرادی نمی‌توانستند يك موجود قابل دیدن را مشاهده نمایند مثل این آیه شریفه که می‌فرماید: «پیش روی آنان سدی قرار دادیم، و در پشت سرشان سدی و چشمان‌شان را پوشانده‌ایم، لذا نمی‌بینند.»^۱ از عبد الله بن مسعود نقل شده که: قریش کنار در خانه رسول اکرم صلی الله علیه و آله جمع شدند، آن حضرت از منزل بیرون آمد و بر سر آنان خاک پاشید و حال آن‌که حضرت را نمی‌دیدند.^۲ و در آیه دیگر می‌فرماید: «وقتی قرآن می‌خوانی، بین تو و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم.»^۳

معجزه به دو صورت متصور است یا در بیننده اثر می‌گذارد، یا در دیده شده. تصرف در بیننده به این صورت است که او را از دیدن چیزی که در جلو اوست ناتوان کند و مکان را تهی از امام ببیند. و تصرف در دیده شده چیزی که قابل دیدار است، واضح‌ترین راهش این است که معجزه

۱. سوره یس، آیه ۹.

۲. مجمع البیان، تهران، کتاب فروشی اسلامی، ج ۸، ص ۴۱۶.

۳. مجمع البیان، ذیل آیه ۴۵، سوره اسراء.

میان رسیدن صورت نوری (تصویر) صادر شده از جسم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا ابداع صورتی او و غیر اینها از آنچه که حواس پنج‌گانه دریافت می‌کند حایل شود و نگذارد که به بیننده یا شنونده برسد. بدین ترتیب این شخص از ادراک واقعیتی که پیش روی او نهاده شده است عاجز می‌شود. از آنچه علماء فرموده‌اند استفاده می‌شود از انواع غیبتی که برای امام زمان متصور است نوع اول آن است؛ یعنی غیبت معرفتی. اگر چه آیت الله صافی می‌فرمایند: هر دو صورت در رابطه با امام متصور است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. ماه‌نامه مبلغان شماره ۲۴ از معاونت تبلیغ و آموزش‌های کاربردی حوزه علمیه تهران ۱۴۲۲، چگونگی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۳۶

۲. امامت و مهدویت، آیه الله صافی گلپایگانی، جلد ۳

۳. منتخب الأثر، آیه الله صافی گلپایگانی، مؤسسه سیده

معصومه...

امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ در چه زمانی غایب شد؟

امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفُ دو غیبت دارند:

۱. **غیبت صغری:** امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفُ در سن پنج سالگی به منظور ایمنی از کشته شدن توسط حکام جور و هم‌چنین سایر مصلحت‌های الهی، از دیدگان پنهان گشتند که آغاز غیبت صغری بود و تا مدت ۶۹ سال به وسیله نایبان خاص خود با مردم در ارتباط بودند که این غیبت از سال ۲۶۰ هجری قمری شروع و با رحلت آخرین نایب خاص خود علی بن محمد سمري در سال ۳۲۹ هجری قمری پایان یافت.

۲. **غیبت کبری:** پس از رحلت آخرین نایب خاص امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفُ در سال ۳۲۹ هجری قمری غیبت کبری آن حضرت آغاز گردید که تا حال ادامه یافته است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. امامت و مهدویت، آیت‌الله صافی گلپایگانی

۲. دادگستر جهان، آیت‌الله ابراهیم امینی

برای اثبات غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دلایل عقلی وجود دارد؟

امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، وجود و غیبت حضرت از مباحث امامت خاصه است. در امامت خاصه مستقیماً نمی‌توان از دلیل عقلی بهره گرفت؛ [چون برهان و دلیل عقلی نمی‌تواند معرف فرد یا احوالات شخصی او باشد و معنای این جمله که: «جزیی نه کاسب است نه مکتسب» همین است]، بلکه دلیل عقلی امامت عامه و ضرورت وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در تمام زمان‌ها را اثبات می‌کند؛ وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وقتی ضروری شد و از نظر تاریخی هم تولد ایشان ثابت شد، خبرروشنی نیز نسبت به مرگ گزارش نشد و حضورش هم موانع داشت، پس حتماً باید غائب باشد چون جهان و جهانیان نمی‌توانند بدون امام به نظام و زندگی ادامه دهند.

به عبارت دیگر اقامه دلیل عقلی بر یک امر جزئی مانند وجود خارجی یک شخص و احوالات او؛ چه امام باشد و یا غیر امام، ممکن نیست و از حیطة عقل بیرون می‌باشد، اما اقامه ادله عقلی بر عنوان کلی مانند (وجود امام حقیقی و ضرورت آن در هر زمان) که مصداق خارجی آن با ادله قطعی نقلی و تاریخی ثابت می‌شود، امر معقول و ممکن است. با توجه به آنچه در مقدمه توضیح داده شد باید گفت: یکی از اصول اساسی مکتب تشیع، این است که جهان هستی و زمین هرگز بی‌امام نخواهد بود؛ چه آن که بدون وجود امام و خلیفه الهی و واسطه فیض، جریان فیض الهی در قلمرو

تکوین و تشریع امکان ندارد. این مسأله به قدری حائز اهمیت است که امام صادق علیه السلام فرمود: اگر تنها دو نفر انسان داشته باشیم، یکی از آن دو امام خواهد بود و آخرین کسی که می‌میرد امام است.^۱

مبنای این اصل امور ذیل‌اند:

الف) همان طور که وجود پیامبران برای رشد و تکامل بشر لازم و ضروری است، وجود امام هم برای حفظ دین و ادامه برنامه پیامبر ضرورت دارد.

ضرورت وجود انسان معصوم و حجت الهی در همه زمان‌ها با استناد به دلایل متعدد عقلی در امامت عامه است. یکی از دلایل، این است که نبوت و امامت یک فیض معنوی از جانب خداوند و لطف است و بر اساس قاعده لطف چنین لطفی بر خدا لازم است، پس نصب امام بر خدا لازم است.

الطاف وجود امام غایب را می‌توان در موارد زیر برشمرد:
۱. حراست از دین خداوند در سطح کلی؛^۲ ۲. تربیت نفوس مستعد؛^۳ ۳. بقای مذهب؛^۴ ۴. وجود الگویی زنده که بتواند مقتدای مردم قرار بگیرد.

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه: حاج سید جواد مصطفوی، ج ۴۵۷.

۲. شریف العلماء، کشف القناع، نشر العلمیه، قم، بی‌تا، ص ۱۴۸.

ب) امام واسطه فیض تکوین است. اگر امام نباشد، فیض هستی قطع شده و جهان هستی فرو می‌پاشد. محمد بن فضیل می‌گوید از حضرت رضا علیه السلام پرسیدم آیا روزی روی زمین بی‌امام خواهد بود؟ فرمود: نه، گفتم از امام صادق علیه السلام روایت شده که اگر روی زمین بی‌امام باشد، زمین یا بندگان مورد خشم خداوند قرار می‌گیرد. فرمود: نه اصلاً زمینی و بشری نمی‌ماند، همه از بین می‌رفتند.^۱

از این رو بی‌وجود امام عجل الله تعالی فرجه الشریف و حجت الهی، کائنات بی‌امداد فیض الهی خواهند بود و بدون این امداد همه چیز عدم محض خواهند بود. به بیان فلاسفه فیض الهی باید از طریق صادر اول یا کامل‌ترین موجود و با سیر تنزلی تدریجی و عقلی باشد.

ج) امام مخاطب و حامل قرآن و الهام است. چون قرآن کتاب همیشگی و زنده انسان‌ها است، پس مخاطب حقیقی آن نیز باید همیشه وجود داشته باشد و این مخاطب حقیقی که قلب و روحش بستر و جایگاه وحی است، بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جز ائمه و امام نمی‌تواند باشد.

جریان زنده و مستمر و بقای استمرار قرآن و شب قدر جز با پذیرش وجود کسی که حامل و مهبط و مخاطب آنها باشد، قابل تصور نیست و چنین شخصی همان امام زمان خویش است.

د) امام واسطه دائمی و عامل دوام فیض معرفت است. چنان‌که خداوند متعال که فیاض مطلق است، هرگز فیض هستی را دریغ نمی‌دارد، فیض معرفت را هم دریغ نخواهد داشت، بنابر این استمرار و دوام فیض معرفت، مستلزم آن است که در هر عصری، کسی که از بالاترین درجه کمالات بهره‌مند است، گیرنده و واسطه این امر باشد و این واسطه همان وجود مقدس امام عَلَيْهِ السَّلَام در هر عصری است.^۱

بر این اساس وجود امام در هر زمانی لازم است، اما از آن‌جا که بنا بر دلایل موثق و شواهد قطعی تاریخی یازده امام از این جهان رخت بر بسته‌اند، و بنا بر دلائل معتبر و مستند تاریخی امام دوازدهم عَلَيْهِ السَّلَام پا به عرصه وجود نهاده است، حضور و وجود آن بزرگوار و استمرارش لازم و ضروری است و او در پرده غیبت.

پس آفرینش انسان مکلف و بقاء نظام هستی در روی زمین بدون وجود انسان کامل که مظهر و واسطه فیض الهی است معنا ندارد و این است معنای کلام امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام که فرمود: زمین هیچ گاه از حجت خالی نمی‌ماند، حجت خدا یا ظاهر و آشکار است و یا خائف و پنهان، تا حجت‌ها و برهان‌های خدا باطل نگردد.^۲

۱. یثربی، سیدیحیی، فلسفه امامت، ص ۱۱۲-۱۲۷.

۲. اصول کافی، ج ۱، باب ان الأرض لا تخلو من حجه.

از این رو همواره باید انسان کامل در زمین وجود داشته باشد و از آن جا که شرایط جهان به جایی رسید که حاکمان و مردمان، حضور امام معصوم در جامعه را بر نتافتند، تنها راه حفظ انسان کامل و استمرار فیض و کشته نشدن ولیّ و نیز علل دیگری که بر ما پوشیده است. غیبت او بود تا زمانی که زمینه ظهور آن بزرگوار فراهم گردد.

در مورد طولانی بودن عمر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه به منابع متقن توضیح دهید؟

طولانی بودن عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول تاریخ مورد سؤال بوده است، اما عمری که قرن‌ها فراتر رود از دیدگاه‌های گوناگون امری شدنی و ممکن است:

۱. امکان عقلی

مقصود از این امکان، محال نبودن عمر طولانی از نظر عقل است و مانعی برای تحقق آن وجود ندارد؛ زیرا در مفهوم زندگی، مرگ زودرس نهفته نیست. امکان عقلی همانند این جمله که هوا گرم است یا در باز است که از فرض تحقق آنها تناقضی لازم نمی‌آید. بر این اساس، در مورد طولانی شدن عمر انسان، ممکن است برای انسان شرایط و محیطی پدید آید که سلول‌های بدن پیوسته بازسازی شود و اندام‌های پیشین که دچار پیری و فرسودگی شده‌اند به تدریج در جریان خون حل و دفع شوند. لذا از نظر عقل، سال‌ها زنده ماندن موجب تناقض نمی‌شود.^۱

۲. امکان علمی

امکان علمی بدین معناست که از نظر علم، سفر انسان به سیارات منظومه شمسی و دیگر منظومه‌ها مردود نیست و نظریه‌های علمی امکان زیست دراز مدت را برای انسان

۱. سید صدر، محمدباقر، جستجو پیرامون مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ترجمه کتاب‌خانه اسلامی، مؤسسه بناء، ۱۳۷۹ ش، ص ۱۷ و ۱۸.

نیز محال نمی‌داند. در کیهان‌شناسی، روان‌شناسی و سایر رشته‌های علمی هر روز نظریه استوارتری پدید می‌آید که با دلیل‌ها و شواهد بیشتر و قانع‌کننده همراه می‌باشد. از این رو به لحاظ علمی در امکان زیست طولانی نیز تردید نمی‌شود که ذیلاً اشاره می‌گردد:

الف. برخی از محققان می‌گویند، ژن‌هایی را کشف کرده‌اند که عامل جاودانگی سلول‌هاست. این ژن‌ها می‌توانند سلول‌های آسیب دیده را ترمیم کنند. آزمایش‌ها بر حشرات که این ژن‌ها در آنها فعال شده بود نشان داد که این جانداران بر اثر مرگ سلولی نمی‌میرند، بلکه تحلیل فیزیکی اندام‌ها به مرگ آنها می‌انجامد. امید است با شناخت مکانیسم پیری، کیفیت زندگی سالمندان بهبود یافته و روند پیری کاهش پیدا کند.^۱

ب. پژوهش‌گران با آزمایش‌ها به روشی از ژن‌درمانی دست یافته‌اند که از تحلیل رفتن ماهیچه‌های بدن در اثر پیری پیش‌گیری می‌کند. و با این روش می‌توان حجم و قدرت ماهیچه‌ها را در زمان پیری و یا در بیماری‌های خاص، دوباره به دست آورد.^۲

ج. تاکنون تصور می‌شد که نقص در سیستم اعصاب برگشت‌ناپذیر است و بافت‌های عصبی را نمی‌توان ترمیم

۱. ماهنامه پیام‌زن، شماره ۹۲، ص ۹۴.

۲. ماهنامه دانشمند، شماره ۴۳۲، ص ۲۱.

کرد. لیکن محققان دریافته‌اند که سلول‌های مغز بیشتر نیز می‌توانند خود را بازسازی کنند و این کار پیوسته در طول زندگی يك فرد انجام گیرد.^۱

د. تحقیق نشان داده است که مرگ‌های در سن ۹۰ و ۱۰۰ سالگی بیشتر به خاطر کهولت نیست، به دلایل مشخص و عوارضی همانند سکتة مغزی، عفونت ریه، پوکی استخوان و... رخ می‌دهد. هم‌چنین، ناامیدی در سالمندان احتمال مرگ زودرس را در آنها افزایش می‌دهد. تحقیق روی ۷۹۵ مرد و زن ۶۴ تا ۷۵ ساله نشان داد که ۲۹ درصد آنهایی که حالت یأس داشته نسبت به دیگران مرگ زودرس داشته‌اند.^۲

۳. روایات و احادیث

الف. منابع امامیه؛ امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: سنت‌هایی از انبیای گذشته در قائم به یادگار مانده است. از آدم و نوح علیه السلام طول عمر، از ابراهیم علیه السلام تولد پنهانی، از عیسی علیه السلام غیبت...^۳ و امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی عمر بنده صالح خویش، خضر را طولانی نکرد جز برای این که دلیلی بر طول عمر قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. و از این رهگذر بهانه دشمنان را خنثی و حجت ایشان را قطع کند.^۴

۱. ماه‌نامه دانشمند، شماره ۴۴۴، ص ۲۵، مهر ۱۳۷۹.

۲. همان، شماره ۴۵۹، ص ۲۴.

۳. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۴. همان.

ب. اهل سنت؛ ۱. ابن جوزی که از علما معروف اهل سنت و حنفی مذهب است، پس از بحث در حالات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف و نقل روایات رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره آن حضرت می‌گوید: این اعتقاد امامیه صحیح است که حضرت مهدی موجود زنده است و برای افرادی استدلال می‌کند که از عمر طولانی برخوردار بوده‌اند. مانند: خضر، الیاس و هم‌چنین «ذوالقرنین» که در تورات آمده است ۳۰۰ سال عمر کرد. هم‌چنین معمرینی در شمار عمرهای ۹۰۰، ۸۰۰، ۷۰۰ سال نیز در تاریخ آمده است.^۱

۲. عبدالوهاب شعرانی پس از آن که از تولد آن حضرت در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هجری صحبت دارد، می‌گوید: او باقی است تا آن که حضرت عیسی علیه السلام از آسمان نزول کند دیدار نماید و عمر او تا زمان ما که ۹۵۸ هجری باشد ۷۰۶ سال است.^۲

۴. کتب آسمانی

الف. قرآن کریم؛ در قرآن کریم نیز مواردی از عمرهای طولانی آمده که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌گردد: حضرت نوح علیه السلام: «نوح را به سوی قومش فرستادیم، ۹۵۰ سال در میان آنان درنگ کرد.»^۳ و هم‌چنین حضرت یونس علیه السلام:

۱. ابن جوزی، سبط حنفی، تذکرة الخواص الأئمة، بیروت، اعلمی، ص ۳۶۵، ۳۶۵.

۲. شعرانی، عبدالوهاب، الیواقیت و الجواهر، تهران، دار الکتب الإسلامی، ص ۶۵.

۳. سوره عنکبوت، آیه ۱۴.

«اگر او از اهل تسبیح نبودی تا قیامت در شکم ماهی نگه می‌داشتم.»^۱ پس اگر زندگی در شکم ماهی تا قیامت امکان داشته باشد، در خشکی طبیعی است که امکان خواهد داشت.

ب. کتب آسمانی اهل کتاب؛ در میان خداپرستان و پیروان ادیان آسمانی، از این‌که طول عمر ممکن است اختلافی نیست. و در تمام کتب مؤسسه از عمر طولانی بسیار سخن به میان آمده است. از جمله در تورات که کتاب مقدس یهودیان است از نظر مسیحیان نیز مورد اعتماد می‌باشد و در آن شرح زندگی زیادی را این‌گونه آورده است که جزء کسانی که عمرشان طولانی است، اما در ادیان گذشته سخن از طول عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست، بلکه سخن در مطلق و درازی عمر و کسانی است که عمر فوق طبیعی و معمولی داشته‌اند. می‌گوید: «آدم» ۹۰۰ سال، «نوش» ۹۰۵ سال، «قینان» ۹۱۰، «منشوشال» ۹۶۹، «المک» ۷۷۷ سال داشته و بعد از آن مرده‌اند.^۲ و همچنین در انجیل که بعد از تورات بوده و از آن به عهد جدید یاد می‌کند می‌گوید: ... انسان‌های مادی بوده‌اند که ۲۰۰۰ سال داشته حداقل آن ۹۰۰ سال است که موارد متعددی را نشان می‌دهد.^۳

۱. سوره قلم، آیه ۴۸.

۲. تورات، ترجمه فاضل خالقی، سفر پیدایش، باب ۵، آیات ۳۲-۵.

۳. انجیل، کتاب اعمال رسولان، باب اول، آیات ۱۲-۱.

۵. تاریخ

بنا بر آنچه در تاریخ آمده کهن‌سال‌ترین انسان‌ها زیاد بوده‌اند که بالای ۵۰۰ سال داشته‌اند.^۱ و نمونه‌های دیگر این‌که «فیروزای» یکی از پادشاهان ۵۳۷، ابوهبل، قس، اسقم، هر کدام ۶۷۰ سال، مصرایم نوه نوح، ملك نوه ادریس هر کدام ۷۰۰ سال و... داشته‌اند.^۲ هم‌چنین ضحاک ۱۲۰۰، مهرکان ۲۵۰۰، عاد و لقمان هر کدام ۳۵۰۰ سال عمر کرده‌اند و...^۳

نتیجه: آنچه که به عنوان نمونه و اختصار اشاره گردید، عمر طولانی نه از نظر عقل محال بود و نه از نظر علمی آن را نفی می‌کند، تاریخ، سنت و ادیان آسمانی نیز بر آن است که انسان‌هایی بوده‌اند که فوق عادت و عمر طبیعی همگان، عمر داشته و زندگی کرده‌اند، لذا طولانی بودن عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه مسلمین، از جهات مختلف ممکن بوده و محال نمی‌باشد.

۱. دخیل، علی محمد، الإمام المهدی، ص ۱۴۶-۱۸۶، دار المرتضی، بیروت، ۱۴۰۳ق.

۲. دایانا، اس، ودرف، چگونه می‌توان ۱۰۰ سال زندگی کرد؟، ترجمه لیلا مهردادبی، ص ۴۸، انتشارات حسام، ۱۳۷۱ش.

۳. همان، ص ۴۹.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. مهدی موعود عَجَلِ اللّٰهُ تَعَالٰی، محمد باقر مجلسی، ترجمه علی

دوانی، باب «معمّرين» ج ۲

۲. نجم الثاقب، طبرسی نوری

۳. زنده روزگاران، دکتر حسین فریدونی

۴. راز طول عمر، علی اکبر مهدی پور

چرا در زمانی که مردم قدر معصومین علیهم السلام را نمی دانستند، بعد از هر امامی، امام دیگری می آمد، ولی الآن که مردم این قدر مشتاق صاحب امر عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند آن حضرت ظهور نمی کند؟

به تأخیر افتادن ظهور و به درازا کشیده شدن غیبت
دلایل متعددی دارد از جمله:

۱. آمادگی نداشتن نوع بشر^۱

تا نوع بشر به حد کمال و رشد نرسد و برای پذیرفتن حکومت حق آماده نگردد، مهدی موعود ظاهر نخواهد شد. البته رشد فکری يك حادثه آنی نیست، بلکه در طول ایام و به واسطه پیش آمدهای روزگار پیدا می شود و رو به کمال می رود. بشر هنوز حاضر نیست در مقابل برنامه های خدا تسلیم شود. گمان می کند که به وسیله علوم و اختراعات می تواند اسباب سعادت انسان ها را فراهم سازد، لذا برنامه های الهی و معنویات را کنار گذاشته و دوا سبه به دنبال مادیات می دود.

هشام بن سالم از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: تا همه اصناف مردم به حکومت نرسند صاحب الامر قیام نمی کند، برای این که وقتی حکومتش را تشکیل داد کسی نگوید، اگر ما هم به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم.^۲

۱. ر.ک: امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، چاپ ۱۴، ص ۲۴۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۴.

امام باقر علیه السلام فرمود: دولت ما آخرین دولت است، هر خاندانی که لیاقت حکومت داشته باشد، قبل از ما به حکومت می‌رسد تا وقتی حکومت ما تأسیس شد و رفتار آن را دیدند نگویند: ما هم اگر به حکومت رسیده بودیم مانند آل محمد عمل می‌کردیم و این است معنای آیه **وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ** ۱/۲

۲. عدم زمینه برای حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف

انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف از نظر اجرا همانند همه انقلاب‌ها به زمینه‌های عینی و خارجی بستگی دارد و بایستی فضای مناسب موجود باشد.^۳ برای اجرای چنین تحوّل بزرگی، تنها وجود رهبر صالح کافی نیست و گرنه در همان زمان پیامبر، این شرط وجود داشت؛ پس این تحوّل بزرگ فضای مناسب جهانی را می‌طلبد که همه زمینه‌های خارجی لازم برای انقلاب عمومی در آن وجود داشته باشد. سنت تغییر ناپذیر الهی بر این است که اجرا و ایجاد تغییرات اصلاحی بستگی به عوامل خارجی، فضای مناسب و جو عمومی داشته باشد، پس با این‌که خدای بزرگ توانایی دارد همه مشکلات و سختی‌ها را برای پیام‌رسان‌های آسمانی، هموار و به وسیله اعجاز فضای مناسب ایجاد کند، این روش را انتخاب نکرده

۱. سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۲. همان، ص ۳۳۲.

۳. ر.ک: صدر، محمد باقر، رهبری بر فراز قرون، ص ۱۰۸.

است؛ زیرا امتحان و ابتلاء و رنجی که مایه تکامل انسان می‌شود در صورتی تحقق می‌یابد که تحولات طبیعی و مطابق با شرایط خارجی باشند.

۳. فقدان یاران کارآمد

عنصر سومی که برای ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیاز است فراهم شدن یاران توانمند و کارآمد است. نیروهایی که از نظر روحی و فکری به اندازه کافی رشد کرده باشند و بتوانند پا به پای حضرت حرکت کنند و خود را با اهداف بلند آن امام مهربان هماهنگ کنند و از سوی دیگر توانایی انجام مسئولیت‌های سنگین که لازمه يك حکومت عادلانه جهانی است را داشته باشند و بتوانند مرارت‌های این مسیر را به جان بخرند.

علاوه بر این اولاً آنچه زمینه ظهور است اشتیاق و میل واقعی به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ یعنی این‌که انسان‌ها واقعاً حضرت را برای خودش بخواهند. در حالی که به نظر می‌رسد بسیاری از مردم اگر به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توجه یا توسلی دارند، آن حضرت را وسیله‌ای برای رسیدن به آرمان و آرزوهای خود قرار می‌دهند. و ثانیاً از آن‌جا که حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جهانی است باید میل و اشتیاق به ظهور موعود، در همه جهان به وجود بیاید و تحقق این میل و اشتیاق در میان شیعیان تنها، کافی نیست.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. عصر ظهور، محمد رضا حکیمی

۲. امامت و مهدویت، لطف الله صافی گلپایگانی

یکی از دلایل غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خوف از کشته شدن ایشان است. سؤال این جاست که امام زمانی که خداوند او را برگزیده، چطور از مرگ هراس دارد؟

هر چیزی در این عالم از جمله غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بی علت و بدون فلسفه نیست؛ چرا که خدای حکیم کار عبث و بیهوده انجام نمی دهد، لکن آن علت برای ما به تفصیل روشن نیست. چنان که عبد الله بن فضل هاشمی می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت صاحب الامر ناگزیر غیبتی خواهد داشت به طوری که گمراهان در شک واقع می شوند، عرض کردم چرا؟ فرمود: مأذون نیستم علتش را بیان کنم، گفتم: حکمت اش چیست؟ فرمود: همان حکمتی که در غیبت حجت های گذشته وجود داشت در غیبت آن جناب هم وجود دارد، اما حکمت اش ظاهر نمی شود مگر بعد از ظهور او، چنان که حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن جوان و اصلاح دیوار به دست خضر علیه السلام برای موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف آشکار نشد، جز هنگامی که می خواستند از هم جدا شوند. ای پسر فضل! موضوع غیبت سرّی است از اسرار خدا و غیبی است از غیب های الهی، چون خدا را حکیم می دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی حکمت صادر می شود، گرچه تفصیلش برای ما مجهول است.^۱

از این حدیث شریف به خوبی استفاده می شود که علت

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۱.

اصلی غیبت جزء اسرار الهی است و جز ائمه اطهار علیهم السلام که خزانه داران علم و اسرار الهی هستند کسی آن را نمی داند، آنها هم مأذون به بازگو نمودن آن نبودند، و لذا این که می بینیم در برخی روایات بعضی از حکمت های آن، مثل آزمایش و امتحان، بیعت نکردن با ستمکاران، نجات از قتل و فراهم شدن یاران بیان شده است، به خاطر پاسخ به سؤالات مکرری بوده که از امامان معصوم علیهم السلام می شده است، اما این هرگز به معنای انحصار علت و حکمت غیبت در این امور نیست تا گفته بشود که در صورت رفع و برداشته شدن این موانع حضور و یا ظهور محقق می شود.

امام غایب نیز مانند پدرانش، از کشته شدن و شهادت در راه دین باکی نداشته و ندارد، بلکه شهادت و کشته شدن در راه خدا درسی است که انسان های آزاده از آن بزرگواران آموخته اند، ولی در عین حال کشته شدن و شهادت اش، به صلاح جامعه و دین نیست؛ زیرا هر یک از ائمه پس از رحلت و شهادت جانشینی داشتند، ولی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اگر کشته و شهید بشود، جانشینی ندارد و زمین از حجت خدا خالی می گردد، در صورتی که مقدر شده است، سرانجام حق، بر باطل غالب و پیروز شود و به واسطه وجود مقدس آن بزرگوار، دنیا به کام حق پرستان گردد.^۱

۱. دادگستر جهان، امینی، ص ۱۴۹.

به تعبیر دیگر گر چه شهادت، سعادت است، اما هدف نیست و از این رو اگر با شهادت امام معصوم هدفی والاتر زمین بماند خود را در معرض شهادت قرار دادن چیزی جز نفله شدن و هدر رفتن نخواهد بود و از آن جا که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رسالت احیاء دین الهی و برپایی حکومت جهانی صالحان در آخرالزمان را به عهده دارد روشن است که شهادت ایشان مانع تحقق این اهداف عالی خواهد شد، بنابراین باید بماند و رسالت بزرگ خود را به انجام برساند؛ و به سخن دیگر این ترس (ترس از کشته شدن)، مربوط به شخص امام نیست که مذموم و ناپسند باشد، بلکه این ترس و واهمه، از بر زمین ماندن اهداف بلندتر است که خوف عقلانی و پسندیده دارد؛ چرا که هر عاقلی با شنیدن آن، آن را تأیید می‌کند.

اگر آن گونه که در سؤال مطرح شده گفته شود که: مگر خدا قدرت ندارد وجود امام زمان و حجت خودش را از شرّ دشمنان حفظ کند؟ پاسخ اش این است که قدرت خدای تعالی هیچ محدودیتی ندارد، با این که قدرت خدا محدود نیست، اما کارها را طبق اسباب و از مجرای عادی انجام می‌دهد. بنا نیست برای حفظ وجود مقدس انبیاء و ائمه علیهم السلام و ترویج دین، از روش‌های عمومی اسباب و علل دست بردارد و بر خلاف جریان عادی عمل کند و گرنه دنیا، سرای تکلیف که مبتنی بر اختیار و امتحان است نمی‌شود. و

بر همین اساس بوده است که می‌بینیم در طول تاریخ انبیاء و اولیاء الهی آمده‌اند و مردم را دعوت به حق و خداپرستی کرده و به جز در موارد خاص و استثنائی اقدام به اظهار معجزه و کارهای خارق العاده نکرده‌اند، و همه آن بزرگواران مظلومانه زندگی نموده و اکثرشان در این راه مورد ستم و آزار قرار گرفته و به شهادت رسیده‌اند، و این نیست مگر به خاطر این که مردم باید با اختیار و فکر و اندیشه آزادانه راه سعادت را از شقاوت تشخیص داده و انتخاب نمایند و آنان که هلاک می‌شوند نیز بعد از امتحان و آزمایش‌های آزادانه باشد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری

۲. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی

با توجه به توقیع امام زمان و تأکید بر مشاهده نشدن ایشان در زمان غیبت کبری تا روز فرج ایشان چرا برخی از سعی دارند مسأله دیده شدن آن حضرت را اثبات کنند؟

در رابطه با توقیع وارده از طرف صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف که فرموده اند: «... فمن ادعى المشاهدة قبل خروج السفیانی و الصیحه فهو كذاب مُفْتَرٍ»؛^۱ پس هر کس پیش از خروج سفیانی و صحیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ گو است.

البته با قطع نظر از این که برخی در سند توقیع تردید کرده و آن را ضعیف دانسته اند،^۲ علما و بزرگان دین مطالب فراوانی گفته اند که در این میان علامه بزرگوار مجلسی ذیل همین توقیع می فرمایند: منظور از «من ادعى المشاهده...» کسی است که ادعای مشاهده کند، در حالی که مدعی است که نائب آن حضرت بوده و اخبار را از جانب آن حضرت به شیعیان می رساند مانند سفرای آن حضرت که حلقه وصل امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با شیعیان بودند و الا اگر معنای روایت و توقیع را عام بگیریم با اخبار بسیاری که در رابطه با رؤیت آن حضرت می باشد منافات دارد.^۳ پس ادعای رویت همراه با ادعای نیابت از طرف حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مد نظر توقیع بوده نه معنای

۱ . علامه مجلسی، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۱۵۱.

۲ . محدث نوری، میرزا حسین، نجم الثاقب، انتشارات مسجد مقدس جمکران، چاپ اول، ۱۴۱۶ق، ص ۷۱۸.

۳ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۵۱.

عام؛ چنانچه عالم بزرگوار سید محمد تقی موسوی اصفهانی در کتاب ارزشمند «مکیال المکارم»^۱ و محدث نوری در «نجم الثاقب» به تفصیل در این باب سخن گفته‌اند.^۲

در رابطه با مسئله دوم و امکان رؤیت آن حضرت در عصر غیبت کبری باید گفت بزرگان بسیاری بر این عقیده‌اند که تشرف یافتن به محضر حضرتش ممتنع نیست و برای تعدادی از صلحا و مؤمنین این توفیق حاصل شده است از باب نمونه به برخی از منابع اشاره می‌کنیم:

۱. شیخ الطائفه ابو جعفر محمد بن حسن طوسی در کتاب «الغیبه» در ضمن فصلی با عنوان «الأخبار المتضمنه لمن رأى صاحب الزمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَجَّهَ الشَّيْخُ»^۳.

۲. علامه مجلسی در بحار الأنوار تحت عنوان: «فی ذکر من فاز بقاء الحجه فی الغیبه الکبری»^۴.

۳. محدث نوری در کتاب «نجم الثاقب» در بابی با عنوان «ذکر احوال کسانی که در دوران غیبت کبری خدمت آن جناب رسیده‌اند» که در آن جا ۱۰۰ حکایت از مشرف شدگان به محضر حضرتش را بیان می‌کند.^۵

۱. موسوی اصفهانی، سید محمد تقی، مکیال المکارم، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ سوم، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۵۲۶.

۲. نجم الثاقب، ص ۷۱۷.

۳. شیخ طوسی، کتاب الغیبه، مؤسسه المعارف الإسلامیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱ق، ص ۲۵۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۲۰۰.

۵. نجم الثاقب، ص ۳۷۵.

۴. برخی از علمای اهل سنت نیز به این گونه وقایع اشاره کرده‌اند از جمله حافظ سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی در کتاب «ینابیع الموده»، باب ۳۳ تحت عنوان «فی بیان من رأى صاحب الزمان المهدى عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ بعد غیبتہ الکبری»^۱. البته هیچ ضرورتی در بیان مبالغه‌آمیز و اصرارگونه به دیده شدن و رؤیت حضرت حجه بن الحسن العسکری عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ توسط برخی از افراد وجود ندارد و چه بسا این اصرار و مبالغه‌گویی ثمرات منفی داشته و باعث لوٹ شدن اصل مسئله گردد. به امید این که منش و رفتار ما در مسیر انتظار، مرضی رضای حق و مایه خشنودی حضرت حجت بر حق، صاحب الامر امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى
فُرْجَةَ الشَّرِيفِ قرار گیرد.

۱ . قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، انتشارات الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۵۴.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق

۲. الغیبه، شیخ طوسی و نعمانی

۳. مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی

نحوه نظارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر اعمال ما و کیفیت آن از دیدگاه قرآن، عقل و سنت چگونه است؟

از آن جا که اهل بیت علیهم السلام و از جمله امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از ویژگی ولایت برخوردار است، از آثار ولایت احاطه بر عالم است، پس امامان معصوم علیهم السلام از عالم بی خبر نبوده و بر تمام آنچه بر آن می‌گذرد، آگاه هستند. آگاهی بر اعمال و اتفاقات عالم دو گونه است،:

۱. خود ائمه علیهم السلام شاهد و ناظر بر اعمال اند (باذن الله احاطه علمی بر عالم دارند).

۲. هر صبح و شام توسط فرشتگان الهی اعمال انسان‌ها بر ائمه اطهار و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف عرضه می‌شوند. درباره نحوه اول نظارت چنین آمده است:

از امام صادق علیه السلام از این آیه سؤال شد که خداوند فرموده: «چگونه است زمانی که ما از هر امت شاهی بر اعمال مردم می‌آوریم»^۱ حضرت در پاسخ فرمود: این آیه مربوط به امت محمد صلی الله علیه و آله است. در هر قرنی از ایشان امامی از ما باشد که بر اعمال آنها نظارت دارند و پیامبر صلی الله علیه و آله شاهد بر ما است.^۲

باز از امام صادق علیه السلام سؤال شده است که خداوند فرموده: «هم‌چنین شما را امت وسط قرار دادیم تا این‌که

۱. سوره نساء، آیه ۴۵.

۲. اصول کافی، ج ۲، ترجمه کمره‌ای، ص ۸۸، انتشارات اسوه.

شاهد و ناظر بر مردم باشید»^۱ حضرت در پاسخ فرمود: ما (خاندان) همان امت وسط هستیم که شاهد و ناظر بر اعمال مردم و حجت‌های خداوند در زمین هستیم، هر کس ما را در این دنیا باور و تأیید کند او را در قیامت تأیید می‌کنیم. و هر کس ما را در این دنیا باور نکرده و تکذیب نماید در قیامت او را تکذیب می‌کنیم.^۲

از امیر مؤمنان علیه السلام پرسیده شد که مقصود از این سخن خداوند که فرموده: «آنهايي که دليل و بينه‌اي از خداوند دارند، به دنبال آن شاعدي نيز بايد باشند»^۳ مقصود از این شاهد چیست؟ امام قرنه الشريف در جواب فرمود: شاهد امیر مؤمنان است که مورد تأیید حضرت محمد صلی الله علیه و آله بود که او حجت الهی بر مردم است. سپس فرمودند «ان الله تبارک و تعالی طهرنا و عصمنا و جعلنا شهداء علی خلقه و حجتہ فی ارضه و جعلنا مع القرآن، و جعل القرآن معنا...»^۴ به درستی که خداوند ما را پاک، معصوم و شاهد بر خلقش قرار داده و ما حجت او در زمین و قرین قرآن می‌باشیم و از هم‌دیگر جدایی نداریم. این یک نوع از نظارت بر اعمال است که ائمه اطهار علیهم السلام و در عصر غیبت امام عصر قرنه الشريف بر مردم دارد.

نحوه دوم، عرضه اعمال انسان‌ها هر صبح و شام بر

۱. سوره بقره، آیه ۱۳۸.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۹۰.

۳. سوره هود، آیه ۲۱.

۴. اصول کافی، همان، ص ۹۳.

حجت خدا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است که تمام اعمال مردم را می بینند و بر آنها نظارت دارند:

امام صادق علیه السلام فرمود: ای انسان‌ها! بر حذر باشید و آگاه باشید که هر صبح و شام اعمال شما؛ چه خوب و چه بد بر امام شما عرضه می شود.^۱

عبدالله بن ابان می گوید خدمت امام رضا علیه السلام عرض کردم برای من و خاندانم دعا کن، امام فرمود: چرا دعا نکنم، در حالی که هر صبح و شام اعمال شما بر من عرضه می شود و از هر عمل خوب و بد شما نیز آگاهم. آن گاه فرمود: آیا قرآن نخوانده‌اید که فرمود: «(ای محمد!) بگو عمل کنید، خداوند و فرستاده او و مؤمنان اعمال شما را می بیند.»^۲ مقصود از مؤمنون، به خدا قسم امیر مؤمنان علیه السلام است.^۳

بنابر این طبق آنچه از قرآن و روایات استفاده می شود از این دو طریق امام زمان در هر عصر و زمانی بر اعمال انسان‌ها نظارت داشته و از آنها آگاه است و در عصر حاضر که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ولی و حجت خدا است، آن حضرت بر همه اعمال انسان‌ها نظارت داشته و از آنها آگاه‌اند.

۱. همان، ص ۱۸۰.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۳. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۲.

دادرسی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشرف در گرفتاری‌های مردم چگونه است؟

بر اساس آیات^۱ و روایات زیادی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام از آن جا که شاهد بر اعمال ما هستند، از احوال ما باخبرند و اعمال ما همواره بر آن بزرگواران عرضه می‌گردد و آنها از کارهای خوب ما خوشحال گردیده و در حق ما دعا می‌کنند و از اعمال زشت ما ناراحت می‌گردند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «تمام اعمال نیک و بد مردم هر روز صبح بر پیامبر صلی الله علیه و آله عرضه می‌شود، بنابر این مراقب باشید و این همان گفتار خداوند است که فرمود: ﴿وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ﴾^{۲۳}. ابان بن عبد الله می‌گوید به حضرت رضا علیه السلام عرض کردم که برای من و خانواده‌ام دعایی فرمایید، فرمود: «مگر من دعا نمی‌کنم! به خدا قسم اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می‌شود، آیا کتاب خداوند عزّ و جلّ را نمی‌خوانی که می‌گوید: «خدا و پیامبرش و مؤمنان عمل شمارا می‌بینند»^۴....»

بنابر این پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام نسبت به اعمال عباد خصوصاً، و رویدادهای عالم عموماً از طریق الهام خداوند و راه‌های اعجاز و غیر طبیعی که حقیقت آن بر ما

۱. سوره نساء، آیه ۴، سوره بقره، آیه ۱۴۳، سوره نحل، آیه ۸۹.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۵.

۳. اصول کافی، ج ۲، باب عرض اعمال بر نبی و ائمه.

۴. اصول کافی، ج ۲، باب عرض الأعمال علی النبی و الأئمه.

پوشیده است، آگاه می‌شوند، و چون بر اساس اعتقاد ما شیعیان، حضرت بقیه الله عَلَيْهِ السَّلَام یکی از پیشوایان و ائمه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام است و زمامداری فعلی جهان با آن حضرت است، حتماً باید مؤید به الهام الهی باشد و وقتی مورد الهام الهی بوده و خداوند از طرق مختلف او را نسبت به کل آنچه در عالم می‌گذرد آگاه می‌سازد و بر اساس ولایت تکوینی و معنوی که بر عالم دارد، به اذن خداوند ممکن است در بعضی از حوادث؛ چه شخصی و چه عمومی از قبیل هدایت و دست‌گیری و رفع مشکلات شیعیان و یا دفع ضررها و آسیب دشمنان و یا سایر پدیده‌های عالم، تصرف نماید.

در توقیعی که برای عالم جلیل‌القدر شیخ مفید . قدس سره . از ناحیه مقدسه نقل شده می‌خوانیم که امام عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «... سلام بر تو ای دوست مخلص در دین که در اعتقاد به ما با علم و یقین امتیاز داری... هر چند ما در جایی منزل کرده‌ایم که از محل سکونت ستمگران دور است و این هم به علتی است که خداوند صلاح ما و شیعیان باایمان را تا زمانی که دولت دنیا از آن فاسقان می‌باشد در این دیده است، ولی در عین حال از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی‌ماند...، ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم و اگر جز این بود از هر سو گرفتاری به شما رو می‌آورد و دشمنان شما، شما

را از میان می بردند.»^۱ بنابر این امام عَلَيْهِ السَّلَام با توجه به آگاهی و سیطره علمی که بر امور دارد می تواند مستقیماً در اثر ولایت تکوینی و معنوی که دارد در امور تصرف نموده و اقدام به رفع و دفع مشکلات شیعیان و گرفتاران نماید.

و نیز می تواند به واسطه اسباب و افرادی که در زمان غیبت کبری در خدمت آن حضرت است اقدام نمایند؛ زیرا بر اساس برخی روایات عده ای از شیعیان و افراد مخلص در محضر آن حضرت مشغول خدمت اند. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود: «قائم. علیه السلام. دو غیبت دارد یکی کوتاه و دیگری دراز، در اولی جز شیعیان خاص کسی جای او را نمی داند و در دیگری تنها خادمین محرم او جای او را می دانند.»^۲ که به امر امام عَلَيْهِ السَّلَام مشغول خدمت در اقصی نقاط عالم می باشند. پس هم اکنون حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در تنهایی زندگی نمی کند، بلکه همیشه عده ای در محضر آن حضرت اند که امام عَلَيْهِ السَّلَام گاهی در انجام امور از آنها کمک می گیرد.

پس می توان گفت که امام عَلَيْهِ السَّلَام به هر دو صورت عمل می کنند.

۱. الإحتجاج، طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۲.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۵۷۵.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. موعود امم، شیخ عباس شیخ الرئيس کرمانی

۲. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری

۳. اصول کافی، ج ۲، ترجمه منصور پهلوان

۴. الإحتجاج، طبرسی، ج ۲

علائم وزمینه های ظهور

می گویند باید جهان پر از ظلم و جور و فساد شود تا امام زمان بیاید، ولی بعضی ها می گویند ما که می خواهیم در ایران عدالت ایجاد کنیم و با ظلم مبارزه کنیم و دین را ترویج دهیم، آیا این کار مخالف با عوامل ظهور نیست؟

طبق روایات بسیاری که در دست داریم یکی از ویژگی های آخرالزمان، فراگیری ظلم و ستم در روی زمین است که این مطلب با عبارات مختلفی در منابع روایی ما مورد اشاره قرار گرفته است و ما در ذیل به ذکر برخی از آنها می پردازیم: امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن حدیثی می فرماید: «یازدهمین فرزند من مهدی است که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد همان طور که پر از ظلم و جور شده است»^۱.

در روایت دیگر آمده است که امام هادی علیه السلام در مورد امام بعد از فرزندش امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «... نباید او

۱ . کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ش، ج ۱، ص ۳۳۸.

را با نامش ذکر کرد تا این که خروج کند و زمین را از عدل و قسط مملو گرداند همان طور که از ظلم و جور پر شده است»^۱.

رسول اکرم ﷺ نیز فرمودند: «روزها و شبها سپری نمی شوند مگر این که خداوند مردی از اهل بیت مرا مبعوث می کند که هم نام من است و زمین را پر از عدل و داد می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده است»^۲. و در جایی دیگر حضرت می فرمایند: «اگر از عمر دنیا تنها یک روز باقی مانده باشد خداوند آن روز را به قدری طولانی می کند که مردی را از فرزندان من مبعوث گرداند که هم نام من است و زمین را پر از عدل و قسط می کند همان طور که از ظلم و جور پر شده است»^۳.

روایات فراوان دیگری نیز وجود دارند که پر شدن زمین را از ظلم و جور در عصر آخرالزمان مورد اشاره قرار داده است و عدالت گستری امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقطه پایان ظلم و ستم های فراگیر معرفی می نمایند. با توجه به ویژگی های لفظی عبارات این روایات که متضمن همسانی الفاظ عدل و قسط با ظلم و جور در استعمال است، این معنا به ذهن می آید که همان طور که پس از ظهور حضرت و ثمر نشستن قیام ایشان، زمین پر از عدل و داد خواهد شد، پیش از ظهور و نتیجه دادن

۱. شیخ صدوق، امالی، مرکز چاپ و نشر مؤسسه بعثه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، ص ۴۱۹.

۲. شیخ مفید، ارشاد، بیروت، دارالمفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۴۰.

۳. همان.

قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظلم و ستم فراگیر شده است و این جا محل این تصور است که اگر فراگیری ظلم و ستم برای ظهور آن مصلح کل لازم است پس چرا ما مسلمانان می بایست در راستای عدالت گستری و ظلم ستیزی گام برداریم، حال آن که نتیجه این عمل ما کاستن از ظلم و ستم عالم و در نتیجه به تأخیر انداختن ظهور امام زمان است، پس همان بهتر که ما نیز در مسیر فراگیری ظلم در جهان گام برداریم تا زمینه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زودتر فراهم شود.

برای رفع این تصور نادرست در باب اسباب تعجیل ظهور مصلح کل که ناشی از سوء برداشت ما از مفهوم فراگیری ظلم و ستم در آخرالزمان یا اطلاعات ناکافی ما از آموزه های دینی اسلام است، به نکاتی اشاره می کنیم که با عمق بخشیدن به بینش و درک ما نسبت به فرهنگ دینی اسلام در بُعد کلان و روایات مورد نظر در باب ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در نگاه خرد، توهم ناصحیح ما را در مورد تناقض مسأله فراگیری جور در آخرالزمان با تلاش مسلمانان در راستای عدالت گستری و ظلم ستیزی در عصر غیبت کبری برطرف نموده و ابعاد این مسأله را برای ما روشن می کند:

۱. نکته اول این است که در روایات مورد بحث آنچه مطرح است فراگیر شدن ظلم و جور در جامعه قبل از ظهور است نه فراگیر شدن ظالم به معنی ظالم شدن همه افراد عالم؛ و می دانیم که فراگیری ظلم، با اعمال ظلم فراگیر حتی یک ظالم

بزرگ نیز محقق می‌گردد؛ با این توضیح که پر شدن زمین از ظلم و جور مستلزم این نیست که همه باید ظالم باشند بلکه وجود عده‌ای غیرظالم در جامعه‌ای که با اعمال ظلم و ستم عده‌ای دیگر پر از بی‌عدالتی شده منافاتی ندارد.

۲. نکته دوم این است که در روایات مذکور صحبت از ظلم و ظالم است و وجود ظالم مستلزم وجود گروه مظلوم است، بدین معنا که تا عده‌ای نباشند که مورد ظلم و ستم واقع شوند مفهوم ظلم تحقق پیدا نمی‌کند، بنابر این وجود عده‌ای که در زمره ظالمان نبوده بلکه در نقطه مقابل آنها یعنی مظلومان قرار بگیرند ضروری و بدیهی است، در نتیجه همه ظالم نیستند.

۳. در روایات بسیاری که در کنار روایات مورد بحث ما در منابع روایی ذکر شده‌اند صحبت از انسان‌های صالح و وارسته‌ای است که در آستانه ظهور زندگی می‌کنند و زمانی که حضرت صاحب الأمر عَلَيْهِ السَّلَام ظهور نماید به ایشان ملحق می‌شوند و به حضرت در به ثمر رساندن قیام‌شان کمک می‌نمایند و در برخی از روایات آمده است که ایشان مقدمات حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام را فراهم می‌کنند.

بدیهی است که با اندکی دقت نظر می‌توان دریافت که در آستانه ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و در جامعه قبل از ظهور در عین رواج ظلم و بی‌عدالتی، زمینه‌های تربیتی قابل توجهی

وجود دارد که توانایی پرورش انسان هایی چنین وارسته را داراست که می توانند در زمره یاوران مخلص و از جان گذشته حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم قرار بگیرند و برای به ثمر رساندن قیام ایشان جان فشانی کنند. ما به برخی از این روایات اشاره می کنیم:

در ارشاد شیخ مفید، حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که می فرماید: (روزی که حضرت قیام می کند، در کنار خانه کعبه) ندا می دهد (بیایید به سوی) بیعت برای خدا! پس شیعیان او از گوشه و کنار زمین به سوی او می آیند تا با او بیعت کنند.^۱ بنابراین برای حضرت، شیعیانی در گوشه و کنار جهان وجود دارند و می دانیم که شیعیان حضرت ظالمان نیستند.

در روایتی از موسی بن جعفر علیه السلام آمده است که حضرت می فرماید: خوشا به حال شیعیان ما، کسانی که در عصر غیبت قائم ما به ریسمان (ولایت) ما چنگ می زنند، در دوستی با ما و دشمنی با دشمنان ما ثابت قدم اند، آنها از ما هستند و ما از آنها هستیم، آنها از ما به عنوان ائمه راضی اند و ما از آنها به عنوان شیعه راضی هستیم. پس خوشا به حال آنها...^۲

۱. همان، ص ۳۷۹.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۰۵ق، ص ۳۶۱.

این روایت نیز به وضوح نشان می‌دهد که در عصر غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ افرادی از شیعیان اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ زندگی می‌کنند که از مخلص‌ترین و بلندمرتبه‌ترین شیعیان‌اند و بدیهی است که ایشان غیر از ظالمین هستند.

پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نیز در روایتی در وصف یاران حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ فرموده‌اند: مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و مقدمات حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ را آماده می‌نمایند.^۱

۴. آیاتی در قرآن وجود دارد که علاوه بر اشاره به برپایی حکومت جهانی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الشَّرِيفُ دلالت بر وجود افراد صالح و وارسته در جامعه قبل از ظهور می‌نماید و پرواضح است که اگر فراگیر شدن ظلم و جور در عالم به معنی حرکت همه مردم در مسیر ستم‌گستری و ظالم شدن همگان باشد؛ آیات مورد نظر فاقد مصداق گردیده و از نظر معنا و مفهوم ناتمام خواهند شد؛ چرا که اگر معتقد باشیم در آستانه ظهور می‌بایست همه مردم به ظلم و فساد و تباهی کشیده شده باشند این سؤال مطرح خواهد شد که پس مصادیق این آیات شریفه که اشاره به ظهور مصلح کل و برپایی حکومت عدل جهانی او دارد، چه کسانی خواهند بود؟

از جمله این آیات، آیه ۱۰۵ سوره انبیاست که می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِي

۱. صافی، لطف الله، منتخب الأثر، قم، انتشارات داوری، چاپ هفتم، بی‌تا، ص ۳۰۴.

الصَّالِحُونَ]؛ ما در زبور داود، بعد از تورات موسی نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من، زمین را وارث خواهند شد. درخصوص این آیه شریفه عده‌ای از مفسرین قائل به اختصاص آن به دوره ظهور و حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام هستند که با توجه به مطالب فوق به راحتی در می‌یابیم که اگر در آستانه ظهور، بندگان صالحی وجود نداشته باشند، پس مصداق «عبادی الصالحون» در این آیه شریفه چه کسانی خواهند بود؟

آیه دیگر، آیه ۵ سوره قصص است که می‌فرماید: ﴿وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾؛ ما اراده کرده‌ایم که بر مستضعفین ممت نهاده و آنها را پیشوایان خلق قرار داده و وارث گردانیم. با صرف نظر از مباحث تفسیری این آیه و روایات وارد شده در ذیل آن همگی دلالت بر ارتباط مستقیم این آیه با حکومت جهانی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام دارند، آنچه به بحث ما ارتباط دارد این است که در جامعه قبل از ظهور، افراد صالح و وارسته وجود دارند که با تفضل و مرحمت الهی شایستگی پیشوایی خلق و وراثت حکومت جهان را دارند؛ گرچه با ظلم و ستم جباران به استضعاف کشیده شده‌اند.

آخرین آیه‌ای که در این جا مورد اشاره قرار می‌دهیم آیه ۵۵ سوره نور است که می‌فرماید: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ

مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيَمَكَنَّ لَهُمْ دِينُهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِّنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین خود قرار دهد همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین خود قرار داد. در این آیه نیز سخن از وعده خداوند به مؤمنین و صالحین مبنی بر خلیفه و جانشین حق شدن آنها در زمین است که با ظالم و فاسد شدن همه انسان‌ها در آخرالزمان این آیه فاقد مصداق خواهد گردید. بنابر این عده‌ای از مؤمنان و صالحان در آن برهه از زمان حضور و وجود دارند که خداوند وعده داده است که آنها را جانشین خود در زمین قرار دهد.

۵. نکته کلی این است که فساد و اصلاح در مقابل هم هستند و تناسبی با هم ندارند و به ملاحظه تقابل این دو نمی‌توان از ایجاد ظلم و فساد و تباهی انتظار نتیجه نقطه مقابل آن؛ یعنی اصلاح و ظهور مصلح کل را داشت و این انتظار مانند آن است که از ریختن بنزین روی آتش انتظار خاموش شدن آن و اطفاء حریق را داشته باشیم؛ و در این بین آن دسته روایاتی که سخن از پر شدن زمین از ظلم و جور در عصر ظهور می‌گویند در مقام بیان اوضاع و احوال جامعه قبل از ظهورند نه بیان تلازم فراگیری ظلم و ستم با ظهور اصلاح و مصلح کل، و به بیان ساده‌تر این روایات تنها به ما

می‌گویند که جامعه قبل از ظهور دچار ظلم و ستم فراوان است نه این‌که بگویند ظلم و فساد کنید تا ظهور منجی شما محقق شود که طبعا اگر منظور این دسته روایات این بود به جای عباراتی چون «کما ملئت ظلما و جورا» صریحاً امر به ایجاد ظلم و ستم می‌کردند.

۶. نکته دیگر این است که احکام شرعی مستفاد از آیات و روایات فراوان موجود در منابع روایی که ناهی از ظلم و فسادند و گناهکاران و ظالمان را وعده عذاب می‌دهند، در عصر غیبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَعَدَ اللَّهُ لَبِيعَهُ و در برهه زمانی پیش از ظهور منجی نیز به قوت خود باقی‌اند و هیچ دلیلی بر تعطیل یا نسخ آنها نداریم، بنابراین هیچ پشتوانه عقلی و شرعی برای تلاش در جهت گسترش ظلم و فساد در آخرالزمان وجود ندارد.

۷. روایات متعددی که دینداری و ثبات قدم در مسیر حق را در آخرالزمان سخت و دشوار و شمار دینداران را کم معرفی نموده‌اند و در واقع محرک و مشوق اهل جامعه پیش از ظهور به دینداری راسخ‌تر و استوارتر هستند و مردم را از نظر روحی و اعتقادی برای عزم جدی در صیانت و حفاظت از دین و مذهب خود آماده و مهیا می‌کنند و این نقطه مقابل ظلم‌گستری در این عصر برای تسریع در امر ظهور منجی است.

۸. نکته پایانی در این باب این است که آنچه در مورد

عبارات چون «کما ملئت ظلما و جورا» احتمال بیشتری دارد، غالب شدن ظلم و جور نسبت به عدل و داد در زمین است؛ یعنی فراگیری ظلم به مفهوم غالبیت نه به مفهوم کلیت، به این معنا که سراسر زمین را ظلم و فساد بگیرد و هیچ اثری از عدل و صلاح نباشد، بنابر این زمینه‌های ایمان و عمل صالح در آخر الزمان گرچه در مقام اقلیت اند اما کماکان وجود دارند.

با توجه به نکات فوق در مجموع این نتیجه حاصل می‌شود که تلاش ما در راستای عدالت‌گستری و ظلم‌ستیزی و رواج دیانت و خدامحوری هیچ مخالفت و تضادی با عوامل ظهور نداشته، بلکه از منظر فراهم آوردن مقدمات تشکیل حکومت عدل الهی - که بدون شک فارغ از زمینه‌سازی و بسترسازی‌های لازم محقق نخواهد شد - امری لازم و بایسته است و آنان که در این مسیر گام بردارند در زمره مخلص‌ترین و مقرب‌ترین بندگان خدا و ان شاء الله در جمله بهترین یاوران آن مصلح کل خواهند بود. ولی در عین حال ممکن است دنیا به سوی پر شدن از ظلم و جور حرکت کند، اما وظیفه ما همان انجام تکالیف شرعی است و نباید بر خلاف آن عمل نموده و خود را گرفتار عذاب الهی کنیم.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. معرفت امام عصر و تکلیف منتظران، ابراهیم شفیعی

۲. پیرامون معرفت امام عَلَيْهِ السَّلَام، آیت الله صافی گلپایگانی

آیا دجال و سفیانی اشخاص مشخصی هستند و یا فقط یک شخصیت فرضی هستند؟

دجال از ریشه «دجل» به معنای دروغ‌گو است و این که آیا دجال شخصی واحد با آن ویژگی‌های خاص می‌باشد یا یک شخصیت و یک تفکر و جریان الحادی است، در این مورد احتمالات مختلف و متعدد وجود دارد؛^۱

الف) دجال نام شخص معینی نیست بلکه هر کسی که با ادعای پوچ و بی‌اساس و مکر و حيله‌گری سعی در فریب و گمراه کردن مردم داشته باشد دجال است و از احادیث نیز این نکته قابل استفاده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «لا تقوم الساعة حتی یخرج المهدی من ولدی ولا یخرج المهدی حتی یخرج ستون کذاباً...»^۲ قیامت برپا نمی‌شود تا وقتی که مهدی از فرزندانم ظهور کند و مهدی قیام نمی‌کند تا وقتی که شصت دروغ‌گو خروج کنند.

ب) دجال کنایه از کفر جهانی و فرهنگ پر زرق و برق مادی است که بر همه جهان سیطره دارد. کشورهای مستکبری که از لحاظ مادی، صنعتی و تکنولوژی قوی هستند و مسلمانان را خصوصاً در آخرالزمان و در آستانه ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم به نوعی می‌فریبند و مرعوب خویش می‌سازند و «در حيله‌گری و عوام‌فریبی، سرآمد حقّه‌بازان است و در دروغ‌گویی و

۱. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۲۱۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۹.

شعارهای دروغین بر تمام دجال‌ها برتری دارد، و با وعده‌ها و شعارهای پوچ، آزادی و دموکراسی و آسایش و مساوات و عدالت اجتماعی، گروهی را فریفته و اغفال نموده و گمراه می‌سازد»^۱ تا آن‌جا که مسلمانان خود را در برابر آنها خودباخته تلقی می‌کنند، کشورهای مستکبر به‌ویژه استکبار جهانی با سیطره صنعتی و پیشرفت خود همه جای عالم سر می‌کشد و سعی در فریب مردم و سلطه بر آنان دارند.

ج) بر اساس آنچه از ظاهر اخبار و روایات استفاده می‌شود دجال فردی است که در آخر الزمان و پیش از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می‌کند و انسان غیر عادی است و با انجام کارهای شگفت‌انگیز جمع زیادی از مردم را می‌فریبد و سرانجام در منطقه شام به هلاکت می‌رسد. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «پیش از خروج دجال، بیش از هفتاد دجال خروج خواهد کرد»^۲.

با توجه به روایات می‌توان گفت که دجال‌ها متعدد و متنوع است و دجال واقعی همان است که در روایت از آن شخص معین قصد شده است و دجال‌های دیگر که افراد شیاد و حيله‌گر و قدرت‌های استعماری هستند که در پدیده‌های اجتماعی با ظاهر شدن، سعی در فریب مردم دارند.

۱. دادگستر جهان، ص ۲۱۸.

۲. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۰۰.

اما سفیانی، بر اساس روایات وارده نام این فرد پلید که رهبری جبهه باطل و مهدی ستیز را به عهده دارد، عثمان بن عنبسة بن ابی سفیان است و ظاهر روایات نشان می دهد که به مدت هشت یا نه ماه بر نواحی پنج گانه: دمشق، حمص، اردن، حلب و قنسرين حکومت خواهد کرد و خون های زیادی را خواهد ریخت تا این که سرانجام در منطقه فلسطین شرقی به دست سپاهیان مولانا الحجة . سلام الله علیه . اسیر و در کنار دریاچه (طبریه) به قتل می رسد. بر اساس تصریح روایات، خروج سفیانی از وعده های حتمی خداوند است. از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده که فرمود: امر قائم از سوی خداوند حتمی است و امر سفیانی نیز از جانب خداوند قطعی می باشد و قائم ظهور نمی کند مگر پس از مرگ سفیانی.^۱

در برخی از کتب، از جمله کتاب «غیبت کبری»، علامه سید محمد صدر این احتمال مطرح گردیده است «که ممکن است سفیانی و دجال یک نفر باشد، خصوصاً با توجه به ضعف و اضطراب روایاتی که شامل اوصاف و ویژگی هایی برای آن دو می باشند و لذا با نادیده گرفتن خیلی از اوصافی که در روایات مربوط به این دو می باشد، می توان گفت که قدر متیقن این است که دجال و سفیانی عنوانی است برای یک فرد منحرف و مفسد که در آخر الزمان ظهور می کند.

۱ . بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

از شواهدی که مؤید این احتمال می باشد این است که در روایات عامه و اهل سنت معمولاً تعبیر دجال شده است و از سفیانی اثری در کتب و مصادر اهل سنت به چشم نمی خورد. اما در کتب و مصادر امامیه و شیعی تعبیر به سفیانی شده است. بنابر این امکان دارد که دو تعبیر در منابع دو گروه حکایت از فرد و شخص واحدی باشد که اصحاب و پیروان هر مذهب از زاویه خاص مذهبی شان به آن نظر داشته باشند.^۱

اما این احتمال یک احتمال صحیح و قابل قبول نیست نه از جهت اعتماد و استدلال به ظاهر کلمات و عباراتی که در روایات وجود دارد و نه از راه اعتماد به اشارات و مفاهیم کنایی که در روایات درباره این دو وارد شده است، چه آن که: اولاً از حیث قواعد ادبی و اصولی حاکم بر آن، دو اسم دلالت بر دو مسمی دارد؛ اگر چه بعضی اوصاف آن بر ما مجهول باشند و اگر دجال و سفیانی یک نفر بودند از آن دو باید به تعبیر واحد یاد می شد. ثانیاً در روایات اوصاف و ویژگی هایی برای هر کدام بیان شده که نادیده گرفتن این ویژگی ها به خاطر دقت در اسناد و دلالت روایات و احتمال تضعیف و خدشه بعضی از آنها، کار دشوار و چه بسا نوعی تحکّم و زورگویی به حساب می آید. مثلاً از باب نمونه: در روایات، دجال دارای عمر طولانی است بر خلاف سفیانی، دجال، دجال بن صاید نامیده شده و سفیانی، عثمان بن عنبسه، سفیانی از اولاد ابی سفیان

۱. صدر، سید محمد، تاریخ الغیبة الکبری، ص ۵۲۳-۵۲۴.

است. بر خلاف دجال، دجال ادعای ربوبیت و خدایی می‌کند بر خلاف سفیانی که به عنوان یک فتنه‌گر مسلمان که به نفاق مذهبی دامن می‌زند، دجال همه جا را تصرف می‌کند به جز مکه و مدینه و ظاهراً حرکتش و دامنه تصرفاتش فراتر از سفیانی می‌باشد، دجال اعور است ولی سفیانی دارای دو چشم سالم می‌باشد.^۱

بنابر این می‌توان گفت که سفیانی غیر از دجال است و بر اساس روایات از تبار ابوسفیان است و از کینه‌توزترین افراد نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشد، با پرچم سرخ که نشانه خون‌آشامی اوست، قبل از ظهور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف خروج می‌کند و جنبش او بسیار خشن و در سه مرحله انجام می‌گیرد. مرحله تثبیت که شش ماه طول می‌کشد، مرحله دوم جنبش سفیانی که هجوم به عراق و نیز حجاز است و مرحله سوم جنبش او برخورد و دفاع در برابر تحرک سپاه حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف به جهت حفظ متصرفات خود از سرزمین شام و اسرائیل و قدس است و خروج او از آغاز تا پایان در حدود ۱۵ ماه به طول می‌انجامد.^۲

۱. همان، ص ۵۲۴، ۵۲۵.

۲. کورانی، علی، عصر ظهور، ص ۱۲۰.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. تاریخ غیبت کبری، سید محمد صدر

۲. سفیانی از ظهور تا افول، نصرت الله آیتی

یکی از شرایط ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ فراهم آوردن زمینه ظهور آن حضرت است، چگونه می توان زمینه ظهور را فراهم کرد؟

همان گونه که در سؤال هم آمده است فراهم آوردن زمینه های ظهور، از جمله شرایط ظهور به حساب می آید و تا زمینه ظهور فراهم نشود، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نخواهد کرد. حال باید توجه داشت که برخی از شرایط ظهور، با گذشت تاریخ و ظلم و جور انسان ها، پیشرفت علم و دانش بشری و در نتیجه آگاهی مردم دنیا و ناامید شدن مردم از نحله ها و مذهب های بشری و حکومت های مختلف فراهم می شود؛ ولی بایسته است برخی دیگر از آنها به دست ما انسان ها و دوست داران آن حضرت فراهم آید.

حال سؤال این است که چگونه می توان زمینه ظهور را فراهم آورد؟

برای فراهم آوردن زمینه های ظهور حضرت می توان موارد متعددی را ذکر کرد:

۱. تحول فکری جامعه بشری

ایجاد آگاهی و آمادگی جامعه بشری برای حق و حقیقت و مخالفت جدی با ظلم و جور یکی از زمینه های مهم برای ظهور آن حضرت است. و این مهم بر عهده همه ما مسلمانان و شیعیان است.

ما باید با استفاده از علم و تکنولوژی، حقایق اسلام را به گوش جهانیان برسانیم، آنها را با زیبایی‌های مکتب اهل بیت پیامبر ﷺ که هماهنگ با فطرت انسانی است آشنا سازیم؛ تا همان گونه که در احادیث آمده است، با شناخت زیبایی‌های مکتب اهل بیت ﷺ و مقایسه آن با سایر مکاتب و فرهنگ‌ها، حق را از باطل تشخیص داده، از آنها دل کنده و به حقیقت پیوندند و آن زمان که مردم جهان با دروغ‌گویی‌های حکام هواپرست و جاه‌طلب آشنا و بر ناتوانی آنها از فراهم کردن شرایط سعادت‌مندی جامعه بشری آگاه شدند، قهراً مأیوس شده و به دنبال يك منجی مصلح بوده و خود به خود برای پذیرش حق و حقیقت آمادگی پیدا می‌کنند و قدر آن منجی را ارج می‌نهند.

اصولاً باید توجه داشت که یکی از علل غیبت امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام نیز، عدم آمادگی مردم برای پذیرش حق و حقیقت بوده است؛ چرا که بر اثر جهل مردم و ظلم حکام زمان، همه ائمه قبلی یکی پس از دیگری به شهادت رسیدند، لذا برای حفظ حجت الهی و خالی نماندن زمین از وجود آن، دوران غیبت شروع و تا فراهم شدن زمینه ظهور ادامه خواهد داشت.

اگر بدون حصول این آمادگی‌ها و آگاهی‌ها برای جامعه بشری حضرت ظهور نمایند، آن حضرت نیز مانند امامان معصوم سابق به شهادت خواهد رسید. بنابر این رشد و آگاهی عموم مردم محروم و مستضعف، می‌بایست به

درجه‌ای برسد که نور وجود امام را لمس کرده، مثل پروانه گرد شمع وجود او گرد آیند. باید درجه رشد و آگاهی آنان به حدی برسد که از مدعیان حقوق بشر و دموکراسی، ناامید شده و همه منتظر ظهور منجی بزرگ الهی باشند.

۲. انقلاب و تحول روحی افراد

تغییر و تحول روحی و خودسازی و تهذیب نفوس، نقش مهمی در ایجاد انقلاب جهانی و به پیروزی رساندن آن دارد و با تحولات بیشتر در روحیه انسان‌ها و ساخته شدن نیروهای با صلابت می‌توان اذعان داشت که یکی دیگر از زمینه‌های ظهور فراهم آمده است. باید بدانیم که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام هم به انتظار لحظه‌ای است که این تحولات درونی در قلب و روح انسان‌ها به وجود آمده و به حد کمال خود برسد تا ظهور برای حضرت میسر شود.

چنان‌چه افرادی که شایستگی همراهی با حضرت را داشته باشند فراهم آیند، یکی دیگر از مقدمات ظهور مهیا می‌گردد و با خودسازی این افراد نیروی انسانی انقلاب بزرگ مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تشکیل می‌گردد و حضرت با آن نیروها منویات خود را به پیش می‌برد.

پیدا است، انقلابی با آن عظمت و وسعت و رسالت سترگ، انسان‌ها و عوامل بزرگی را می‌طلبد تا قادر به پیاده کردن رسالت عظیم خود باشد؛ انسان‌هایی خود ساخته و از جان

گذشته، فقیه، سیاست‌مدار، مدیر و مدبر، مبارز، شجاع و... باشند. بنابر این ما با خودسازی و تهذیب و اصلاح خود می‌توانیم در تحول جامعه مؤثر بوده و در نتیجه زمینه برای ظهور حضرت بیش از پیش فراهم آید.

۳. انتظار سازنده

«افضل اعمال امتی انتظار الفرج»؛^۱ برترین اعمال امت من، امید و انتظار گشایش (کارها و گرفتاری‌ها به دست با کفایت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ) است.

انتظار سازنده و صحیح، مکتب انسان‌سازی و انقلاب است. انتظاری که بر اساس این حدیث برترین اعمال امت پیامبر شمرده شده است، ریشه و اساس دو نکته مذکور (خودسازی افراد و ساختن جامعه) است تا امید و انتظار و در نتیجه صبر و تحمل مشکلات نباشد، انسان قادر به خودسازی و دیگرسازی نیست. انتظار به انسان امید و عشق می‌بخشد، توان و حوصله و حرکت و تلاش می‌دهد؛ در نتیجه، افراد را امیدوار، شاداب، پرتلاش و هدفمند بار می‌آورد؛ یعنی همان چیزی که لازمه فراهم آوردن مقدمات انقلاب بزرگ و جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى وَرَحْمَةُ الشَّرِيفِ است.

«مکتب تشیع، همواره يك آرزوی مقدسی را در قلب پیروان

۱. آیت الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۶۲۹ و رک: کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۳۵۷، انتشارات اسلامیه.

خود می‌پروراند؛ و آن، آرزوی ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و ریشه‌کن کردن ظلم و ستم و سیطره عدل و داد بر این جهان است و آرزو اساسی‌ترین محرک يك انسان در فعالیت‌های روزمره اوست. انسانی که آرزو و طلب و خواسته‌ای نداشته باشد، يك مرده متحرك است. افراد آرزوهای مختلفی دارند. مکتب تشیع به پیروان خود تعلیم می‌دهد که آرزوی اصلی و اساسی آنان ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد؛ چرا که اگر او ظهور کند، همه مشکلات رفع می‌گردد؛ تمام مشکلات وقتی حل می‌شود که مدینه فاضله آن حضرت به دست مبارك او پیاده شود.^۱

۴. برپایی قیام‌ها و انقلاب‌های ظلم‌ستیز و عدالت‌خواه

از اموری که باعث تسریع در انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شده و موجب بیداری، آگاهی و... جامعه جهانی و در نتیجه فراهم آمدن زمینه ظهور می‌گردد، قیام‌ها و انقلاب‌های اسلامی و بیدارگر است. یکی از این انقلاب‌ها که تأثیر به‌سزایی در این رابطه داشته و موجب مطرح شدن اسلام و فرهنگ تشیع در بین مردم جهان گردیده، انقلاب بزرگ ملت ایران به رهبری بزرگ مردی از سلاله پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد.

با مطالعه روایات، چنین به نظر می‌آید که این انقلاب،

۱. سخنرانی شهید چمران، سال ۵۸، (به نقل از مجله موعود، شماره ۱۲ و ۱۳، اسفند ۷۷ و فروردین ۷۸).

همان حرکت آگاهی بخش و زمینه ساز قیام حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى است؛ چنان که روایات گوناگونی که بعضی از آنها در توصیف رهبر این قیام، و بعضی در وصف مردم و قیام‌گران، و این که از چه منطقه‌ای و... هستند، وارد شده است.^۱

بنابر این از وظایف و مسؤولیت‌های ما است که از این انقلاب پاسداری نموده و در ترویج و پربارتر کردن آن بکوشیم، اهداف آن را زنده و در راه تحقق آنها تلاش کنیم. تا ان شاء الله با آگاه ساختن مردم جهان از ظلم و ستم مستکبران، آشنایی هر چه بیشتر آنان با فرهنگ اسلام و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام و... زمینه ظهور حضرت قائم عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى را فراهم آوریم.

پیداست، که این امور مهم و سنگین، بدون داشتن قدرت و مکنّت، تحت لوای يك دولت قدرتمند، امکان‌پذیر نیست. بنابر این می‌بایست، در حفظ نظام مقدس جمهوری اسلامی و به ثمر رسیدن اهداف آن، به عنوان زمینه ساز قیام حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، تلاش همه جانبه کرد.

۱ . برای اطلاع از این روایات می‌توانید به کتاب کورانی، علی، «المُتَهَدُّونَ لِلْمَهْدِيِّ عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى»، مکتب الاعلام الإسلامی، چاپ اول، محرم ۱۴۰۵ق، الفصل الثالث، ص ۹۵ مراجعه کنید.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. مجله موعود، شماره ۱۲ و ۱۳

۲. الْمُمَهِّدُونَ لِلْمَهْدِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، علی کورانی

۳. تاریخ عصر الغيبة الكبرى، شهید سید محمد صدر

۴. زمینه سازان انقلاب جهانی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ از

دیدگاه روایات، سید اسدالله هاشمی شهیدی

لطفاً فرق بین «حضور» و «ظهور» را بفرمایید؟

ظهور و حضور از نظر لغت بدین معنی هستند:

«ظهور» از ماده «ظهر» به معنای «ضد بطن است». بطن یعنی داخل و پنهان، لذا «ظهور» یعنی آشکار شدن. «ظهر» الی ظهوراً ای تبیین چیزی ظاهر شد یعنی آشکار شد. از این موارد فهمیده می شود «ظهور» به معنای آشکار شدن است به شکلی که مشخص باشد و هم ببینند و مخالف آن پنهان بودن است.^۱

«حضور» از ماده «حَضَرَ» به معنای آمدن، نزد و وجود است و «حضور» به معنای «پیشگاه» آمده است.^۲ با توجه به معنای لغوی آنها به نظر می رسد این دو لغت تقریباً مترادفاند با این تفاوت که «حضور» اعم از «ظهور» است. یعنی «حضور» معنای عامی دارد که هم ظاهر و آشکار بودن را در بر می گیرد و هم مخفی بودن را؛ حضور به معنای وجود و هستی داشتن در مکانی است حال یا آشکارا یا پنهانی، لذا به کسی که پشت پرده باشد نیز حاضر در مجلس می گوئیم و به او ظاهر نمی توان گفت. در نتیجه: «ظهور» یعنی بودن همراه آشکاری و نمایانی، ولی «حضور» یعنی بودن، حال آشکارا یا پنهانی.

۱. ابی نصر اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، دار الفکر، بیروت.

۲. احمد سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین، انتشارات اسلام، چاپ خانه منفرد، سال ۸۲.

اگر مطلب بالا را راجع به حضرت ولی عصر (ع) می‌پرسید باید گفت: وجود نازنین ایشان حاضر است به این معنی که وجود خارجی دارند و زنده‌اند، ولی همراه با پنهانی و خفاء، هم‌چنان که در روایات بدین نکته اشاره شده است و حضرت را به خورشید پشت ابر تشبیه کرده‌اند، خورشید پشت ابر هست و نفع خود را به مردم می‌رساند؛ اگر چه آشکار نیست و دیده نمی‌شود. هم‌چنین است وجود نازنین حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ایشان نیز نفع خود را به مردم می‌رسانند؛ اگر چه در پرده غیبت باشند. لذا حضرت حاضرند، اما ظاهر نیستند؛ یعنی معلوم و آشکار نیستند به طوری که همگان او را بشناسند و زمانی که خداوند سبحان به ایشان اجازه خروج و قیام دهند، خود را معرفی کرده و به مردم می‌شناساند. لذا در این هنگام است که «حضور» ایشان تبدیل به «ظهور» می‌گردد؛ یعنی آشکار می‌گردند و همگان ایشان را می‌شناسند. روایتی از خود حضرت وارد شده که همین معنا را اثبات می‌کند: ایشان می‌فرمایند: «اما تعملون انّ الأرض لا تخلو من حجه؛ إمّا ظاهراً و إمّا مغموراً»؛^۱ آیا نمی‌دانید زمین هیچ‌گاه از حجت خالی نمی‌شود؛ خواه آن حجت ظاهر باشد یا پوشیده شده باشد. از این که حضرت «مغمور» را در مقابل «ظهور» می‌آورند به قرینه تقابل فهمیده می‌شود، «ظهور» خلاف مغمور یعنی پوشیده و به معنای آشکار است.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ضمن حدیث ۱۹.

چرا با آن که می دانیم در آینده امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور خواهد کرد، باید هم چنان دست به جهاد و دفاع بزنیم؟

ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شرایطی دارد. از جمله مواردی که شرط تحقق ظهور به شمار آمده و برای ظهور بایسته است آمادگی جامعه و مردم برای پذیرش این امر است؛ یعنی باید مردم جهان از نظر رشد فکری و کمالات روحی به حدی برسند که بتوانند ارزش وجود امام را درک کرده و شایسته ظهور و حضور او گردند.

گفتنی است مانع اساسی ظهور حضرت هم عدم آمادگی است و آمادگی روحی جامعه جز با تحول روحی و خودسازی ممکن نیست. تغییر و تحول روحی و خودسازی و تهذیب اخلاق نقش مهمی در ایجاد انقلاب بزرگ و به پیروزی رساندن آن دارد و با تحولات بیشتر در روحیه انسان ها و ساخته شدن نیروهای با صلابت می توان اذعان داشت که یکی از زمینه های ظهور فراهم آمده است. باید بدانیم که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم به انتظار لحظه ای است که این تحولات درونی در قلب و روح انسان ها به وجود آمده و به حد کمال خود برسد تا ظهور برای حضرت میسر شود. چنانچه افرادی که شایستگی همراهی با حضرت را داشته باشند فراهم آیند، یکی دیگر از مقدمات ظهور مهیا می گردد و با خود سازی این افراد نیروی انسانی انقلاب بزرگ مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تشکیل می گردد و حضرت با آن نیروها منویات خویش را به پیش می برد.

پیداست، انقلابی با آن عظمت و وسعت و رسالت سترگ، انسان‌ها و عوامل بزرگی را می‌طلبد تا قادر به پیاده کردن رسالت عظیم خود باشد؛ انسان‌هایی خودساخته و از جان گذشته، فقیه، سیاست‌مدار، مدیر و مدبر، مبارز، شجاع و....

از دیگر مواردی که موجب فراهم شدن زمینه آن انقلاب جهانی شده و مکمل تحول جامعه و انسان‌هاست جهاد و دفاع است، جهاد و دفاع باعث می‌شود که اسلام و جامعه اسلامی در برابر هجوم نظامی و فرهنگی دشمنان اسلام مصون و محفوظ بماند. و علاوه بر آن موجب تحکیم و گسترش تعالیم دینی در جامعه و دنیا خواهد شد. بنابراین دفاع از اسلام و سرزمین‌های اسلامی بر همه مسلمانان واجب بوده و یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز برای ظهور حضرت می‌باشد.

گذشته از همه اینها ما باید توجه داشته باشیم که اگر در برابر ظلم و فساد رایج در دنیا بی‌تفاوت باشیم و یا این که آنان را همراهی کنیم قطعاً از کسانی خواهیم بود که انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای در هم کوبیدن آنان خواهد بود، پس باید خود و دیگران را از این خطر مصون و محفوظ بداریم.

هم‌چنین باید توجه داشته باشیم که در روایاتی متعدد، از افرادی جهادگر و انقلاب‌هایی که به دست آنها واقع

۱. به رساله توضیح المسائل مراجع بخش دفاع و امر به معروف و نهی از منکر مراجعه شود.

می شود به عنوان زمینه سازان ظهور یاد شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: مردمی از مشرق قیام می کنند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می سازند.^۱ امام باقر علیه السلام نیز می فرمایند: گویا می بینم گروهی از مشرق زمین خروج می کنند و طالب حق اند، اما آنها را اجابت نمی کنند، مجدداً بر خواسته های شان پافشاری می کنند، اما مخالفان نمی پذیرند و وقتی که چنین وضعی را مشاهده می کنند شمشیرها را به دوش کشیده در مقابل دشمن (جهاد می کنند و) می ایستند. این جاست که پاسخ مثبت می گیرند، اما این بار نمی پذیرند تا این که همگی قیام می کنند (و حکومت تشکیل می دهند) و آن را جز به صاحب شما . حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف . به کس دیگری نمی سپارند.^۲ در این جا ضروری و مناسب است به ادله ای اشاره شود که می گوید قبل از ظهور حضرت هم باید قیام نمود.

۱. دلایل امر به معروف و نهی از منکر

روایات وارده درباره امر به معروف و نهی از منکر، برای آن مراتبی قائل شده است که بهترین آن بالاترین آن مراتب است، یعنی قیام علیه ستمگران که امر به معروف عملی است.

۱ . یزدی حائری، علی، الزام الناصب، قم، مکتبه الرضی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۴ و کنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۳۶، حدیث ۳۸۶۵۷.

۲ . نعمانی، کتاب الغیبه، ترجمه محمد جواد غفاری، قم، صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۸۳ و بحار الأنوار، پیشین، ج ۵۲، ص ۲۴۳.

۲. اسلام و پیمان با دانشمندان

در نگرش اسلامی خداوند از دانایان هر قومی تعهد و پیمان گرفته که بر شکمبارگی عده‌ای و گرسنگی عده‌ای دیگر آرام نگیرند، یعنی اگر در نظامی وضع به گونه‌ای تنظیم شده که عده‌ای در رفاه مطلق به سر می‌برند و عده‌ای دیگر از گرسنگی و بیچارگی درمانده شده‌اند، بر علماء و دانشمندان آن قوم واجب است که سکوت را روا ندانسته و برای دفاع از حقوق محرومان به پا خاسته و حق مظلومان را از ظالمان بستانند. چنین کاری در برابر حاکم ستمگر مستلزم قیام همگانی است و گرنه با نصیحت و اعتراض افراد معدودی نظام عوض نخواهد شد.^۱

۳. قیام‌های مورد تأیید

علاوه بر دو دلیل مذکور روایاتی است که به قیام‌هایی قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می‌کند و آنها را مورد تأیید قرار می‌دهد که تنها به يك حدیث اکتفا می‌شود:

عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام قال: «رجل من اهل قم يدعو الناس الى الحق، يجتمع معه قوم كزبر الحديد لا تزلهم الرياح العواصف ولا يملون من الحرب ولا يجنبون و على الله يتوكلون والعاقبة للمتقين»؛^۲ از این حدیث شریف

۱. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. قمی، عباس، سفینه البحار، انتشارات کتابخانه سنایی، ج ۲، ماده قم، ص ۴۴۶.

استفاده می شود که قیامی به رهبری مردی از اهل قم که مردم را به حق دعوت می کند صورت می گیرد که طرفداران و یاران آن رهبر مردمی استوار و آهنین اند که ابداً از جنگ خسته نمی شوند و از دشمن نمی هراسند و تنها به خدا تکیه می کنند و عاقبت نیز از آن کسانی است که اهل تقوا هستند. روایاتی از این قبیل در لابلای کتب روایی فراوان به چشم می خورد که از آنها استفاده می شود قیام هایی قبل از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روی زمین واقع می شود؛ گرچه پیروزی نهایی و غلبه کامل حق بر باطل و مستضعفان بر مستکبران تنها در قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق خواهد یافت.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. آینده و آینده سازان، محمد دشتی
۲. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی
۳. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری

موانع ظهور (قبل و حین ظهور) چیست؟

در یک نگاه و تحلیل کلی می توان گفت که موانع ظهور همان علل و دلایلی است که منجر به غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شده اند و تداوم غیبت به معنای بقاء و ادامه علل و حکمت های غیبت که در واقع همان موانع ظهور آن بزرگواراند می باشد. بنابر این بحث از علت غیبت، تحلیل و بررسی موانع ظهور نیز محسوب می شود.

با توجه به این که ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، بسیار پر برکت و باعث اعتلای اسلام و مسلمانان در جهان می گردد ولی با وجود این مهم چون می بینیم که خدای متعال، آن وجود مقدس را از دیده ها پنهان داشته است و بی تردید کارهای خدا هم، با نهایت استحکام و طبق مصالح و حکمت، صادر می شود، غیبت آن جناب نیز حکمتی دارد؛ گرچه تفصیلش برای ما مجهول باشد.

علت و حکمت اساسی غیبت که در واقع مانع اصلی ظهور نیز می باشد، برای ما بیان نشده و غیر از ائمه اطهار علیهم السلام کسی از آن اطلاع ندارد. لذا از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «حضرت صاحب الأمر، ناچار غیبتی خواهد داشت، به طوری که گمراهان در شک واقع می شوند. (راوی می گوید: عرض کردم چرا؟) فرمود: اجازه نداریم علت اش را بیان کنیم. (باز راوی می گوید: پرسیدم: حکمت اش چیست؟ فرمود:) همان حکمتی که در غیبت حجت های گذشته وجود داشت،

در غیبت آن جناب نیز وجود دارد. اما حکمت‌اش ظاهر نمی‌شود، مگر بعد از ظهور او، چنان‌چه حکمت سوراخ کردن کشتی و کشتن جوان و اعمار دیوار مخروبه به دست خضر، برای موسی عَلَيْهِ السَّلَام آشکار نشد، مگر آن گاه که می‌خواستند از هم جدا شوند.... موضوع غیبت سری است از اسرار خدا و غیبی است از غیب‌های الهی، چون خدا را حکیم می‌دانیم باید اعتراف کنیم که کارهایش از روی حکمت صادر می‌شود، گرچه تفصیلش برای ما مجهول باشد.»^۱

از این حدیث شریف، استفاده می‌شود که علت اصلی غیبت که مانع اساسی ظهور و حضور آن حضرت است، جزء اسرار الهی است و بیان و بازگو نشده است، برای این‌که، یا اطلاع بر آن به صلاح مردم نبوده، یا استعداد فهم آن را نداشته‌اند. اما به هر حال در برخی روایات دیگر به بعضی از علل و حکمت‌های ظاهری غیبت اشاره شده است که در نهایت از آن به عنوان موانع ظهور تعبیر شده و از این دیدگاه مورد تحلیل و بررسی اجمالی قرار می‌گیرند:

الف: برای تحقق یک انقلاب همه جانبه و جهانی تنها وجود یک رهبر شایسته کافی نیست، بلکه آمادگی عمومی و پذیرش جهانی نیز لازم است و یکی از موانع اساسی برای ظهور به نظر می‌رسد که عدم آمادگی جوامع مختلف انسانی در سراسر جهان می‌باشد. یعنی باید توجه داشت که برنامه

قیام و انقلاب و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند برنامه قیام همه پیامبران و اولیاء الهی، از راه بهره گیری از وسائل و اسباب طبیعی انجام می گیرد و هیچ گاه اعجاز و انجام امور از طریق عوامل خارق العاده، اساس آن را تشکیل نمی دهد. معجزات جنبه استثنایی دارند و در روند برنامه های اسلامی رهبر آسمانی، جز در موارد استثنائی، دخالت نخواهد داشت.

به همین دلیل، همه انبیاء از سلاح روز، تربیت افراد لایق، مشورت های لازم، طرح نقشه های مؤثر، تاکتیک های نظامی حساب شده و خلاصه فراهم ساختن هر گونه امکان مادی و معنوی برای پیشبرد هدف شان استفاده می کردند و در انتظار این نمی نشستند که هر روز معجزه واقع شود و دشمن یک گام عقب نشینی کند و یا دوستان در پرتو اعجاز هر روز در مسیر تکامل گامی بردارند. بنابر این، اجرای طرح حکومت حق و عدالت در سطح جهان نیز باید با استفاده از وسائل مادی و معنوی لازم، تحقق یابد و اعجاز تنها در موارد استثنائی و لازم واقع می شود.

به تعبیر دیگر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طرح های انقلاب اجرا نشده الهی را به مورد اجرا می گذارد، رسالت او تنها ابلاغ و انذار و تعلیم و تربیت و توصیه و تذکر نیست، بلکه اجرای همه اصولی است که به ظلم و ستم و تبعیض، در سایه حکومت علم و ایمان پایان می بخشد. مسلماً اجرای این طرح بدون آمادگی های جهانی در ابعاد مختلف روانی، فرهنگی و صنعتی،

و وجود نیروی انسانی مخلص به حد کافی امکان ندارد. بنابر این عدم آگاهی جهانی در جهات یاد شده مانع عمده در راه ظهور به حساب می‌آید که چنانچه این آمادگی فراهم آید، ظهور بر اساس روایات قطعی و حتمی خواهد بود.

ب: با عنایت به آنچه به عنوان مانع عمده و اساسی توضیح داده شد، یکی از موانع ظهور در صورت عدم آمادگی عمومی، احتمال کشته شدن آن حضرت و یاران اندکش و بلکه مسلم بودن شهادت آن بزرگوار و یارانش می‌باشد. از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: قائم باید غائب شود (راوی می‌گوید: عرض کردم چرا؟) فرمود: از کشته شدن می‌ترسد.^۱ و طبیعی است که در صورت آماده نبودن تمام شرایط قیام، ظهور منجر به شهادت آن بزرگوار خواهد شد. ج: همان گونه که محفوظ ماندن از معاهده و بیعت با ستمکاران و حکام جور یکی از علل و حکمت‌های غیبت بیان شده است. چون زمان ظهور حضرت، بیعت احدی بر عهده او نیست و او با احدی پیمان عدم تعرض نبسته است تا در حین قیام نتواند بر علیه آن شخص قیام کند و یا گفته شود که آن حضرت پیمان شکسته است، عدم تحفظ از معاهده و بیعت با حکام زمان از موانع ظهور محسوب می‌شود، چه آن که با فراهم نبودن همه شرایط قیام و انقلاب آن بزرگوار، ظهورش ممکن است ملازم با معاهده و انعقاد

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

بعضی پیمان های بین المللی باشد که دست آن حضرت را از یک اقدام و جنبش جهانی در راستای تحقق آرمان های الهی اش، باز دارد. حسن بن فضال می گوید: «علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: گویا شیعیانم را می بینم که هنگام مرگ سومین فرزندم (امام حسن عسکری علیه السلام) در جستجوی امام خود همه جا را می گردند، اما او را نمی یابند. عرض کردم: برای چه یابن رسول الله؟ فرمود: برای این که امام شان غائب می شود، عرض کردم چرا غائب می شود؟ فرمود: برای این که وقتی با شمشیر قیام کرد، بیعت احدی در گردنش نباشد.»^۱

و نیز از حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الیک در ضمن توقیعی که در پاسخ به سؤالات اسحق بن یعقوب صادر گردیده، نقل شده است که فرمود: «هیچ یک از پدران من نبودند، مگر این که بیعتی از طاغوت زمان خود در گردن داشتند، ولی من وقتی قیام می کنم که بیعت احدی از طاغوت های زمانه بر گردنم نیست»^۲

د: در روایات اهل بیت علیهم السلام علت دیگری نیز برای تأخیر ظهور ذکر شده است. حضرت صادق علیه السلام فرمود: «خدا در صُلب کافران و منافقان، نطفه افراد باایمانی را به ودیعه گذاشته است. به همین جهت امیر مؤمنان علی علیه السلام از کشتن پدران کافر، خودداری می کرد، تا فرزندان مؤمن از آنان

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۵۲.

۲. همان.

به وجود آید و پس از آن، به هر یک از آنان دست می‌یافت
او را می‌کشت. هم‌چنین قائم ما اهل بیت ظاهر نمی‌شود تا
این‌که امانت‌های الهی، از صلب کافران خارج شوند. پس از
آن ظاهر می‌گردد و کافران را می‌کشد»^۱

برنامه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این است که دین اسلام و
خداپرستی را بر کافران عرضه می‌دارد، هر کس ایمان بیاورد،
از کشته شدن نجات می‌یابد و هر کس سرسختی نشان
دهد و از قبول اسلام و یا فرمان‌برداری حکومت اسلامی
خودداری کرد، کشته می‌شود. از طرف دیگر، می‌دانیم که
در طول تاریخ بسیار اتفاق افتاده و می‌افتد که از نسل افراد
کافریا منافق، فرزندان خداپرست و مؤمن به وجود آمده‌اند.
مگر مسلمانان صدر اسلام از پدران کافر، پدید نیامدند؟
لطف و فیض خدا اقتضاء دارد که انسان‌ها را به حال خود
بگذارد تا در طول ایام و گذشت زمان فرزندان مؤمنی که
امکان وجود دارند، از نسل‌شان پدید آیند. باید جهان ماده
به مقدار قابلیت و استعدادش، انسان مؤمن تحویل دهد
و از جانب خدا به آنها، وجود، افاضه شود. تا هنگامی که نوع
انسان ثمر می‌دهد و افراد مؤمن و خداپرست از آن به وجود
می‌آید، باید باقی بماند و این وضع هم‌چنان ادامه دارد، تا آن
زمان که افکار عمومی برای پذیرش توحید و خداپرستی آماده
گردد. «آن هنگام امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که آخرین ذخیره الهی در

۱. دادگستر جهان، ص ۲۳۶، به نقل از اثبات الهداة، ج ۷، ص ۱۰۵.

زمین است ظهور می‌کند و بسیاری از کافران به دست آن جناب ایمان می‌آورند. آنان نیز که با آن شرایط و اوضاع در کفر و مادی‌گری پافشاری کنند و به سرپیچی از اطاعت حکومت مهدوی ادامه دهند، اشخاصی هستند که فرزندان مؤمن از آنها به وجود نخواهد آمد.^۱ همان گونه که نوح عَلَيْهِ السَّلَام هنگام نفرین قومش به پیشگاه خدا عرضه داشت: «پروردگارا! هیچ یک از کافران را بر روی زمین باقی نگذار؛ چرا که اگر آنها را باقی بگذاری، بندگان را گمراه می‌کنند و جز نسلی فاجر و کافر به وجود نمی‌آورند.»^۲ و بالاخره این که یکی از عوامل اساسی در محرومیت انسان‌ها از بهره‌مند شدن نعمت‌های الهی و به ویژه بزرگ‌ترین نعمت الهی؛ یعنی وجود مقدس امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و مزایای حضور آن بزرگوار، کفران و ناسپاسی انسان‌ها در برابر احکام و اوامر و نواهی الهی است که تا مادامی که بشر از درون جان، توبه و بازگشت نکند و خواستار عدالت در سایه حاکم عالم عادل از پیشگاه خدا نگردد محرومیت ادامه خواهد یافت.

۱. دادگسترجهان، ص ۲۳۶.

۲. سوره نوح، آیات ۲۶ و ۲۷.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. دادگستر جهان، آیت الله امینی

۲. سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری

آیا ممکن است نشانه های ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف تغییر نماید؟

نشانه هایی که درباره ظهور به وسیله معصومین علیهم السلام بیان شده، برخی از آنها از نظر وقوع حتمی بوده و بعضی دیگر وجودشان غیرحتمی و مشروط به وجود شرایط خاصی می باشند. اگر آن شرایط تحقق یابد آن نشانه نیز پدیدار گشته و چنان چه شرایط وجودیش فراهم نشود، وجود نخواهند یافت. از این رو نشانه های ظهور حضرت صاحب الامر به نشانه های حتمی و غیرحتمی تقسیم شده است.

امام صادق علیه السلام پنج نشانه حتمی برای قیام حضرت حجت بیان می کند که عبارت اند از: قیام یمانی، شورش سفیانی، (مردی به نام عثمان بن عنبسه)، ندای آسمانی (فریادی از آسمان که ظهور حضرت را اعلان می نماید و هر ملتی به زبان خود آن را می شنود)،^۱ فرو رفتن لشکری در بیداء (سرزمینی میان مکه و مدینه) و کشته شدن نفس زکیه (محمد بن الحسن).^۲ که میان ظهور قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشرف و کشته شدن نفس زکیه، پانزده شب فاصله می باشد.^۳

نشانه های غیر حتمی ظهور فراوان بوده و همان طور

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق، ص ۶۴۹، باب ما روی فی علامات خروج القائم، حدیث ۸.

۲. صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ص ۶۴۹، باب ما روی فی علامات خروج القائم، حدیث یک.

۳. همان، حدیث دو.

که گفته شد تحقق این نشانه‌ها منوط به وجود شرایط آنها می‌باشد.^۱ برخی از نشانه‌های غیرحتمی ظهور، خراب شدن دیوار مسجد کوفه، قحطی و گرسنگی شدید، و ظاهر شدن آتشی در مشرق زمین که تا سه یا هفت روز، میان زمین و آسمان افروخته است، می‌باشد.^۲

وجود نشانه‌های غیرحتمی ظهور، این سؤال را به ذهن می‌آورد که چرا وقتی اموری از نظر تحقق، غیرحتمی هستند، به عنوان نشانه قرار داده شده‌اند؟ پاسخ این پرسش منوط به شناخت مسئله‌بداء از نظر تشیع می‌باشد. بداء در لغت به معنای آشکار شدن چیزی پس از پنهان بودن آن است. چنان که قرآن می‌فرماید: ﴿وَبَدَّالَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا﴾؛^۳ و (زشتی) گناهانی که مرتکب شده‌اند برایشان روشن شد. این آشکاری پس از مخفی بودن، تنها درباره انسان که نسبت به امور آینده آگاهی ندارد، صدق می‌کند. ولی درباره خداوند هرگز چنین معنایی راه ندارد.

امام صادق (ع) فرمود: «مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَبْدُو لَهُ فِي شَيْءٍ لَمْ يَعْلَمْهُ أُمَسٌ فَابْرؤُوا مِنْهُ»؛^۴ از کسی که گمان کند برای خداوند بزرگ چیزی آشکار می‌شود که دیروز آن را نمی‌دانسته، دوری نمایید.

۱. ر.ک: قمی، عباس، منتهی الآمال، هجرت، چاپ چهارم، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۷۸.

۲. غیبت نعمانی، مکتبة الصدوق، ص ۲۴۷، باب چهاردهم، حدیث ۵۷ و ۵ و ۱۳.

۳. سوره زمر، آیه ۴۸.

۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۹۲، باب سوم، البداء و النسخ، حدیث ۳.

معنای درست بداء درباره خداوند این است که خدا هر چه را که بخواهد محو نموده و یا ثابت می دارد. ﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾^۱؛ خداوند هر چه را بخواهد محو و یا ثابت می نماید و امّ الكتاب (لوح محفوظ) در نزد وی می باشد. با توجه به این معنا، برخلاف یهود که قائل بودند: ﴿يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ﴾^۲؛ دست خدا بسته است. و هرگز نمی تواند تقدیر را تغییر دهد، شیعه قائل است قدرت مطلقه الهی بر هستی سایه افکنده، و هر گاه بخواهد می تواند تقدیری را تغییر دهد و این تغییر و جایگزینی لطمه ای به علم مطلق الهی نمی زند. پس خداوند هر روز دارای شأنی است: ﴿كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾^۳، و می تواند سرنوشت و تقدیر و پدیده ها را تغییر دهد. از این رو نشانه هایی که برای ظهور از طرف ائمه بیان شده، برخی غیرحتمی و منوط به چگونگی عمل انسان است. از جمله اعمال مؤثر در قضای غیرحتمی الهی، دعا می باشد. چنان که از پیامبر نقل شده: «اکثر من الدعاء، فان الدعاء یردّ القضاء»^۴؛ زیاد دعا کنید؛ زیرا دعا قضای الهی را باز می گرداند. به همین دلیل دعا می تواند مانع از رخ دادن نشانه های غیرحتمی شده و ظهور زودتر واقع شود. و این از کلام صاحب الأمر است که فرموده: «و اکثروا الدعاء بتعجیل الفرج»^۵؛ و

۱. سوره رعد، آیه ۳۹.

۲. سوره مائده، آیه ۶۴.

۳. سوره الرحمن، آیه ۲۹.

۴. نهج الفصاحة، ص ۸۴، حدیث ۴۴۶.

۵. صدوق کمال الدین و تمام النعمه مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۵ق، ج ۲.

برای زود واقع شدن ظهور زیاد دعا کنید.

با توجه به آنچه که درباره بداء گفته شد، ضرورت بیان نشانه‌های احتمالی از جانب معصومین علیهم‌السلام روشن می‌شود: انسان می‌داند که وجود چنین نشانه‌هایی، دست خداوند را در تغییر و محو آنها نبسته و قدرت مطلق الهی را در اجرای مشیت خود محدود نمی‌کند. چنین اعتقادی شوق انسان را به سوی اعمال خیری که می‌تواند تقدیر را تغییر و وی را زودتر به هدف نهایی‌اش برساند، افزون و وی را بیش از پیش آماده ظهور عدالت‌گستر جهانی کند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. منتهی الآمال، حاج شیخ عباس قمی، ج ۲، فصل هفتم، انتشارات هجرت، چاپ چهارم، ۱۴۱۱ق.

۲. الزام الناصب، حائری یزدی، ج ۲، ص ۱۱۲، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۴ق.

۳. الملاحم و الفتن، ابن طاووس، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ پنجم، ۱۳۹۸ق.

۴. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، آیه الله صافی گلپایگانی، موسسه حضرت معصومه...، چاپ اول، ۱۴۱۹ق، فصل ششم.

آیا ممکن است در ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تأخیر و یا تعجیل به وجود آید؟

مقتضای اصل اساسی اصول دین؛ یعنی توحید که گذشته از ادله عقلی و نقلی یک اصل مسلم فطری می باشد، وحدانیت خداوند متعال در ذات و صفات است؛ یعنی همان طور که خداوند در ذات مقدس خود بی نظیر و مثال است در مقام صفات نیز مانند ندارد چه صفات ذاتی مانند علم و قدرت و... و چه صفات فعلیه مثل خالقیت و رازقیت و امثال آن؛ و معنای توحید فعلی این است که او فاعل علی الإطلاق و مؤثر حقیقی است و غیر او هر چه هست اسباب و وسایط اند و هیچ گونه اثر ذاتی ندارد، چون استقلال در ذات شان ندارند یعنی در حقیقت خداوند است که اثر رفع تشنگی را در آب و درخشنده گی را در خورشید و محبت را در قلب انسان منتظر قرار داده و دل انسان مؤمن را ظرف تابش و تجلی نور محبت خودش و اولیاء و دوستان خود قرار داده است و معنای این جمله معروف که ورد زبان موحدان است که: «لا حول ولا قوة الا بالله»^۱ جز این نیست.

چنانچه امیرالمؤمنین علیه السلام در معنای این جمله فرمود: «لا حول من معاصی الله الا بعصمة الله ولا قوة لنا على طاعة الله الا بعون الله».^۲ پس معنای توحید افعالی در خداوند متعال

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵، ص ۷۵. مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۲. بحار الأنوار، ج ۵، ص ۷۵.

این است که او قادر مطلق و فاعل حقیقی است، هر گاه و هر چه را اراده فرماید بر اساس علم و حکمت انجام می‌دهد. و تمام کارهای دو جهان به ذات خدا بر می‌گردد حتی کارهایی که از ما سر می‌زند و ما در انجام آن مختار هستیم باز قدرت بر انجام آن از ناحیه خداست و این کلام بلند الهی در قرآن که فرمود: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»^۱ گواه بر این گفتار است، یعنی از من بخواهید و در حوایج و نیازمندی‌های خود مرا بخوانید تا شما را اجابت نمایم؛ زیرا او خداوند توانا است و بر انجام هر امری قادر است.

روشن است که ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف نیز مثل همه امور دیگر در حیطه سیطره قدرت الهی است و تأخیر و تعجیل آن به دست او است که از آن به بداء در مقام فعل خداوند تعبیر می‌شود و از روایات متعددی وجوب ایمان و اعتقاد به آن استفاده می‌گردد.

از امام صادق عليه السلام نقل شده که فرمود: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد تا این که از او نسبت به سه خصلت پیمان گرفت: اقرار به بندگی، نفی شریک و این که خداوند هر گاه بخواهد و هر چه را بخواهد مقدم می‌کند و هر چه را بخواهد به تأخیر می‌اندازد.^۲ این که این همه نسبت به دعا و نیایش برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف و تعجیل در فرج

۱. سوره غافر، آیه ۶۰.

۲. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۴۷، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۸۸ ق.

آن بزرگوار در روایات و کتب مذهبی به شیعیان سفارش گردیده به خاطر این است که خداوند متعال قادر بر تغییر و تبدیل آن است چه مقتضای اسباب و وسائل عادی و اموری که عادتاً از مقدمات تحقق یک امر محسوب می‌گردد. بنابر این در اصل این که امکان تعجیل و تأخیر در ظهور امام عَلَيْهِ السَّلَام وجود دارد جای بحث نیست، چنان چه در سؤال مورد نظر مطرح گردیده است و این جا مناسب است که یک اشاره کوتاه به اسباب تأخیر و تعجیل در ظهور بشود: به طور کلی و خلاصه به دو امر که ممکن است موجب تعجیل و یا تأخیر ظهور بشود اشاره می‌شود:

۱. از آن جایی که ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و حکومت جهانی آن حضرت از نعمت‌های بزرگ الهی است ممکن است در اثر معاصی و گناهان انسان‌ها و خصوصاً شیعیان به تأخیر بیافتد؛ زیرا گناه و معاصی و غفلت گذشته از حرمت تکلیفی که دارد آثار وضعی و قهری نیز دارد. امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام در دعای شریف کمیل به پیشگاه خداوند عرض می‌کند: «اللهم اغفر لی الذنوب الّتی تغیر النعم»؛^۱ خدایا گناهانی را که موجب تغییر نعمت‌ها می‌گردد ببخش؛ زیرا در نعمت‌ها را می‌بندد، همان گونه که تقوا و پرهیزکاری و دوری از گناه و معاصی موجب نزول و وفور نعمت‌های خداوندی می‌گردد: «وَلَوْ أَنَّ

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ص ۱۱۲، دعای کمیل.

أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقُوا الْفِتْحَنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ؛^۱ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم. پس یکی از چیزهایی را که باعث محرومیت از نعمت ظهور و تأخیر در آن می‌گردد، گناهان و معاصی و غفلت ما است.

۲. دعا و نیایش و تضرع یکی از امور مهم و از اسباب نزول نعمت‌ها می‌باشد. از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: «لو عرفتم الله حق معرفته لزلت لدعائكم الجبال»؛^۲ اگر خدا را آن گونه که سزاوار است می‌شناختید هر آینه در اثر دعای شما کوه‌ها فرو می‌ریختند. پس دعا و نیایش می‌تواند یکی از اموری باشد که اگر با شرایط آن خوانده بشود ممکن است موجب تعجیل در ظهور امام زمان عجل الله تعال فرجه الشريف بشود.

البته بدیهی است که این حالت؛ یعنی دعا و تضرع و اضطرار باید همگانی و عمومی بشود و جامعه انسانی باید با جان و دل از مفسد و مظاهر مظالم و معاصی بیزار و به وجود حاکمیت عدل و داد و دیانت علاقه‌مند گردند و آن گاه دعا نمایند که در این صورت ان شاء الله دعای‌شان مستجاب خواهد بود: «فان الدعاء مستجاب فيه كما ان العمدة من معجزات الانبياء راجعة الى استجابة الدعاء»؛^۳ به درستی که

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. طباطبایی، سید ابوالحسن، رساله فی استجابة الدعاء، الناشر مؤسسة الإمام الهادی، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.

۳. رساله فی استجابة الدعاء، همان.

دعا (حتی در اموری که عادتاً محال است) مستجاب می‌گردد چنان‌چه عمده معجزات انبیاء به واسطه دعا و استجاب آن محقق گردیده است. پس با طهارت باطن از دعا برای همه امور خصوصاً ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نباید غفلت کرد که خداوند متعال چنان‌چه قبلاً بیان شد وعده اجابت داده است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. بحار الأنوار، علامه مجلسی، ج ۵۲. ۵۳

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

۳. عصر ظهور، علی کورانی

۴. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، کتاب الحجه.

آیا علائمی که در احادیث برای ظهور ذکر شده باید در تمام یا اکثر دنیا ظاهر شود یا این که اگر تنها در يك یا چند نقطه از دنیا هم باشد نشانه ای از نشانه های ظهور می باشد؟

علائم و نشانه هایی که در احادیث برای ظهور ذکر شده است دو دسته هستند: برخی موضوعات مخصوص منطقه ای خاص است، مانند خروج سفیانی که از يك نقطه خاص کار خود را شروع می کند و برخی موضوعات عام و فراگیر هستند مانند اشاعه فحشاء و ظلم و ستم و حرام شدن حلال و....

بعضی از مواردی که در سؤال آمده است از علائمی است که باید فراگیر و جهانی باشند نه منطقه ای؛ مثلاً درباره ظلم و ستم در جهان. آنچه در روایات پیرامون این مورد وارد شده است عنوان «ملاً» و «پر شدن» است. امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام می فرمایند: «یملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً»؛ آن حضرت دنیا را از عدل و داد پر می کند هم چنان که از ظلم و ستم پر شده بود. یعنی بعد از پر شدن دنیا از ظلم و ستم، آن حضرت قیام می نماید. لذا امیر مؤمنان علیه السلام یکی از نشانه های ظهور را با عنوان «مُلئت جوراً و ظلماً» ذکر کرده اند.

«مُلئت» از ریشه ملاً است. ملاً در لغت یعنی جماعت

۱ . کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۳۳۸، باب فی الغیبة.

زیادی از مردم که هیبت و هیأت آنها، چشم و قلب را پر می‌کنند،^۱ وقتی انسان چشم می‌اندازد، به هر جا می‌نگرد جماعت و انسان‌ها را می‌بیند و آن قدر زیاد هستند که قلب از هیبت آنها پر می‌شود گویا این که به چیز دیگری نمی‌تواند فکر نماید.

«ملئت ظلماً و جوراً» یعنی جهان هستی پر از ظلم و جور گشته، به گونه‌ای که انسان هر جا پای می‌گذارد آثار ظلم و ستم را می‌بیند، لذا وجود ظلم و ستم در يك شهر و يك کشور و حتی يك قاره، نشانه و علائم ظهور نمی‌باشد، بلکه فراگیر شدن دنیا از ظلم و ستم نشانه ظهور است که آن حضرت عالم هستی را پر از عدل و داد می‌نماید.

البته، این نکته نباید فراموش گردد که در حدیث آمده که «زمین» پر از ستم می‌شود، این جمله معنایش این نیست که همه ظالم باشند، بلکه انسان‌های مؤمن و وارسته هم وجود دارند؛ چون در مقابل ظالم، مظلوم است، وقتی که عالم پر از ظلم باشد، یعنی عده‌ای ظلم می‌کنند و عده دیگری مظلوم هستند. مظلومین چند دسته‌اند: عده‌ای در دین حق و خواهان عدالت هستند و برای اعتلای اسلام و حقیقت تلاش و جهاد می‌نمایند و به همین دلیل هم مورد ظلم واقع می‌شوند. عده‌ای هم مستضعف فکری هستند که دین

۱. الطریحی، مجمع البحرین، نشر مکتب نشر الثقافة الإسلامية، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۳۹۷.

حق را هم نشناخته اند و از سوی دیگر مورد استعمار واقع شده اند و به آنها ظلم می شود.

بنابر این در چنین شرایطی که ظالمان، قدرت یافته اند و ظلم می کنند، انسان های مؤمن و صالحی هستند که خواهان برپایی عدل و داد می باشند و ایمان و اخلاص خود را حفظ می نمایند، وجود چنین انسان هایی یکی از زمینه های ظهور است که بعد از ظهور آن حضرت، این گونه افراد، با ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - بیعت می نمایند و به کمک آن حضرت می شتابند.

دلیل بر این مطالب احادیثی است که بیان می نماید وجود انسان های مؤمن در آخر الزمان زمینه ساز ظهور آن حضرت است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مردمی از مشرق خروج می کنند و برای حضرت مهدی زمینه سازی می کنند.»^۱ یعنی آن زمانی که ظلم و ستم فراگیر و جهانی می شود، چنین انسان هایی با خروج خود، زمینه ساز قیام آن حضرت می گردند، چنین انسان هایی عمدتاً از مشرق هستند.

نتیجه این که، طبق حدیث شریف امیرالمؤمنین علیه السلام، وقت ظهور، زمانی است که همه عالم پر از ظلم و ستم باشد نه يك منطقه ای؛ و در چنین زمانی انسان های صالح هم یافت می شوند و وجود انسان های مؤمن و صالح منافاتی

۱ . كشف الغمة فی معرفة الائمة عليهم السلام ، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۲۶۷، باب معجم الأحادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه .

با پر شدن جهان از ظلم و ستم ندارد؛ چه آن که مراد از پر شدن عالم از ظلم، حاکمیت و سیطره ظلم می باشد. البته مصادیق ظلم و ستم ممکن است، حرام شدن حلال ها، و حلال شدن حرام ها باشد. ممکن است قتل و خون ریزی باشد، ممکن است فحشاء و فراگیر شدن آنها باشد. و لازم هم نیست که همه این مصادیق در همه جا باشد. بر این اساس آن دسته از علائمی که از روایات فراگیری و عمومی بودن آنها فهمیده می شود در صورتی نشانه ظهورند که در ابعاد جهانی باشند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. قیام و انقلاب مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الْكَرِيمُ، شهید مطهری

۲. نگین آفرینش، محمد مهدی حائری و همکاران

چرا باید قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حوادث تلخی مانند سفیانی اتفاق افتد؟ و این که در احادیث آمده که «یملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً»، آیا منظور این است اگر زمین پر از عدل باشد دیگر ظهور نخواهند کرد؟

پاسخ بخش اول سؤال:

۱. در روایات معتبر معصومین علیهم السلام رویدادهای قبل از ظهور پیش‌گویی شده است تا این که روح انتظار و امید همواره در بشر زنده و امر ظهور حتمی و محقق جلوه نماید. از این روی پیش‌گویی معصومین علیهم السلام از حوادث و علائم پیش از ظهور لطفی از ناحیه ایشان و به مصلحت بشر است.

۲. علائم و حوادث تلخی چون دجال و سفیانی از مقوله «هست» است و نه از مقوله «باید». یعنی این طور نیست که باید فساد و فسق دجال‌صفتان صورت پذیرد تا ظهور انجام بگیرد، بلکه فساد و تباهی ایشان صورت می‌پذیرد و بعد از آن ظهور به وقوع می‌پیوندد. به عبارت دیگر از آن جا که علم آغاز و انجام عالم در دست معصومین علیهم السلام می‌باشد، ائمه علیهم السلام تنها گزارشی از رخدادها و حوادث قبل از ظهور هم‌چون دجال و سفیانی داده‌اند؛ نه آن‌که دعوت و سفارش به فسق و فجور دجال‌صفتان و سفیانی‌منش‌ها کرده باشند. بنابر این بیان رویدادهای قبل از ظهور توسط ائمه علیهم السلام صرف یک پیش‌گویی از اوضاع و احوالات مستکبرین و معاندین و مفسدین می‌باشد.

و البته مجال یافتن امثال سفیانی برای جنایت و فساد نتیجه محروم ماندن جامعه جهانی از نعمت امام ظاهر است و این محرومیت نیز جزای سستی انسان‌ها در فراهم کردن زمینه‌های ظهور امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام است. بنابر این وقوع حوادث تلخی مانند خروج سفیانی شرط ظهور حضرت نیستند بلکه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام به ما خبر داده‌اند وقتی چنین حوادثی رخ داد هنگامه ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام است.

پاسخ بخش دوم سوال:

۱. فلسفه بعثت پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی هدایت و سعادت بشر بوده است لکن خودکامگی و ستم‌پیشگی عده‌ای از انسان‌های قلدر و گردن‌کش، عامل ظلم و جور و مانع ایجاد عدالت و سعادت بشر بوده است از این روی خاستگاه وجود ظلم و جور و فراگیر شدن آن، وجود ستم‌پیشگان می‌باشند نه اراده الهی؛ زیرا خداوند همواره بشر را به سعادت و حقیقت و عدالت دعوت کرده است.

۲. بشر همواره به خاطر جهل و غفلت و تبعیت از حکام جائر، فرصت هدایت هادیان را به شکل جهانی آن، از ایشان گرفته از این روی بر طبق فلسفه غیبت خداوند اراده کرده آخرین وصی رسول خاتم را ذخیره نموده تا به دست او فلسفه بعثت انبیاء؛ یعنی ایجاد قسط و عدل و در نهایت سعادت و کمال بشر را محقق سازد؛ زیرا در غیر این صورت

نقض غرض از هدف خلقت که همانا اجرای توحید محض است حاصل می‌آید.

۳. پر شدن جهان از ظلم و جور به معنی این نیست که همه افراد و انسان‌ها ظالم و فاسد باشند؛ زیرا همواره انسان‌هایی حق‌طلب و عدالت‌خواه در طول تاریخ زندگی بشر فراوان بوده‌اند، بلکه پر شدن عالم از ظلم و فساد به دست عده معدودی محقق می‌شود. از این روی این طور نیست که ظلم و جور همه چیز و همه کس را فرا گرفته و همه را ظالم و ستمگر کند تا امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ظهور نماید! بلکه همین قدر که مدیریت جهان به دست ستمگران است فراگیری ظلم و جور صدق می‌کند. وانگهی خواست الهی به عنوان یکی از ارکان امر ظهور مقدم بر علائم و قواعد ظهور می‌باشد چنان‌که در بعضی از روایات آمده است که اگر خداوند بخواهد می‌تواند امر ظهور را در يك شب اصلاح نماید.

۴. هیچ گاه زمین به نحو تمام قبل از ظهور پر از عدل نخواهد شد؛ زیرا بینش عمیق برای مدیریت جهان تنها از عهده شخص معصوم بر خواهد آمد چه این‌که غیر معصوم در طول تاریخ زندگی بشر چنین حالتی را حتی در سطح يك کشور به وجود نیاورده است چه رسد در سطح جهان. از این روی تحقق چنین امری ناممکن خواهد بود. به علاوه سیر تاریخی زندگی بشر و غفلت و جهالت حاکم بر بشریت و

وجود حکام جور و ستم پیشه، پر شدن عالم از ظلم و فساد
را اجتناب نایزیر کرده است.

در برخی روایات تصریح شده است که قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظلم و ستم فراوانی وجود خواهد داشت، چگونه از اتصال این انقلاب به ظهور و آن را زمینه ساز انقلاب امام زمان عنوان می کنید؟

موضوع انقلاب اسلامی ایران و موضوع مهدویت و آخرالزمان دو موضوعی هستند که در هم تنیده و در ارتباط با یک دیگر می باشند به گونه ای که حتی تحلیل گران خارجی نیز این دو مقوله را در ارتباط با هم دیده و دشمنان نظام اسلامی نیز ضمن اذعان به وجود رابطه میان این دو موضوع ممکن است از هر کدام از موضوعات برای حذف و ضربه زدن به موضوع دیگر بهره بگیرند.

در این زمینه گاه ممکن است سؤال هایی ذهن برخی را به خود مشغول سازد از جمله این که اولاً چه ارتباطی میان انقلاب اسلامی و موضوع مهدویت وجود دارد و ثانیاً با توجه به این که در روایات وارد شده است که مهدی موعود ظهور نخواهد کرد مگر این که جهان پر از ظلم و ستم شده باشد (و به تعبیری دنیای پیش از مهدی دنیای تیره و تاری است)، چگونه می توان سخن از اتصال انقلاب اسلامی ایران به انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمود و ادعا نمود انقلاب اسلامی می تواند زمینه ساز ظهور انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتظر باشد و حال آن که انقلاب اسلامی با شعارهای حق طلبانه و عدالت طلبانه ای که دارد بر خلاف جهان تیره و تاریسیم شده در روایات از شرایط جهان پیش از ظهور می باشد.

درباره ارتباط میان انقلاب اسلامی و مهدویت لازم است بگوییم انقلاب اسلامی از دو جهت با موضوع مهدویت در ارتباط است: اول این که این انقلاب ریشه در باورها و اعتقاداتی دارد که موضوع مهدویت نیز در آن باورها ریشه دارد. فلذا در راستای هدف کلی مهدویت که همان اقامه عدل و ریشه‌کنی ظلم و ستم از جهان و برقراری حکومت صالحان می‌باشد انجام شده است و در واقع نسخه کوچکی از همان انقلاب جهانی حضرت مهدی می‌باشد. و دوم این که این انقلاب با اقداماتی که در راستای بسط ارزش‌ها و گسترش پیام اسلام در سراسر جهان انجام می‌دهد زمینه را برای ظهور منجی عالم بشریت فراهم می‌سازد که به بخشی از این نقش در ادامه اشاره خواهد شد.

علاوه بر این دو معنا یکی دیگر از معانی اتصال انقلاب اسلامی به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌تواند این باشد که در پرتو انقلاب اسلامی و فراهم شدن زمینه‌های مساعد، شهر قم به مرکز نشر معارف اسلامی تبدیل خواهد شد که در نتیجه آن همگان از معارف دینی با خبر خواهند شد و در نتیجه حجت بر تمام ساکنان روی زمین تمام خواهد شد و پس از آن حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام خواهند نمود و با توجه به این که پیش از ظهور با اکثر مردم اتمام حجت شده است اکثریت مردم معارف حق را شنیده و ایمان خواهند آورد و تنها افراد معاند خواهند ماند که حضرت با آنها درگیر خواهد شد.

چنان‌که در حال حاضر به برکت زمینه‌های فراهم آمده و با بهره‌گیری از تجهیزات و امکانات پیشرفته، علوم و معارف اسلامی در حال نشر به اقصی نقاط جهان بوده و علاوه بر برنامه‌های تبلیغی به شیوه سمعی بصری، مبلغین فرهنگ اسلامی در سراسر جهان مشغول فعالیت‌های تبلیغی هستند که ثمرات آنها را در گسترش روزافزون اسلام با قرائت شیعی آن و یا علاقمندی به اسلام مشاهده می‌کنیم و به خاطر همین گسترش اسلام است که دشمنان حساسیت ویژه‌ای در زمینه اسلام پیدا کرده و به تخریب چهره آن می‌پردازند. در روایات نیز در زمینه آنچه گفته شد مطالبی وجود دارد که مؤید این تفسیر از اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌باشد.

به عنوان مثال در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: به زودی شهر کوفه از مؤمنان تهی می‌گردد و علم و دانش از آنجا رخت بر می‌بندد...، و از شهری که آن را قم می‌نامند ظهور می‌کند و آن‌جا پایگاه علم و فضیلت و معدن دانش و کمال می‌گردد به گونه‌ای که روی زمین هیچ مستضعف (فکری) نمی‌ماند که از دین آگاهی نداشته باشد حتی زنان پرده‌نشین، و این زمان نزدیک به زمان ظهور قائم ما خواهد بود. خداوند قم و مردمش را جانشین حضرت حجت قرار می‌دهد و اگر چنین نبود زمین اهلش را فرو می‌برد و حجتی بر زمین نمی‌ماند. بنابر این علم و دانش از شهر قم

به مشرق و مغرب جهان سرازیر می شود و حجت بر جهانیان تمام می گردد به گونه ای که هیچ شخصی نمی ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد و آن گاه حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند و عذاب الهی بر کافران به دست آن حضرت فرود می آید؛ زیرا خداوند از بندگان انتقام نمی گیرد مگر هنگامی که حجت بر آنان تمام شده باشد.^۱

اما چگونه می توان این انقلاب رازمینه ساز انقلاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانست در حالی که تصویری که در بسیاری از روایات از جهان پیش از مهدی موعود ترسیم شده است جهان تیره و تاری است و حال آن که انقلاب اسلامی فضایی روشن و عدالت گسترانه می باشد و اساساً مراد از اتصال انقلاب اسلامی به انقلاب جهانی حضرت مهدی چیست؟

در برخی روایات اسلامی از پر شدن جهان از ظلم و ستم پیش از ظهور حضرت مهدی سخن به میان آمده است از جمله در روایتی از امام باقر علیه السلام نقل شده است: پدرم از پدرش و او از پدرانش برای من نقل کردند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: امامان پس از من دوازده نفر به تعداد نقبای بنی اسرائیل، نه نفر از آنها از نسل حسین علیه السلام هستند و نهمین آنها قائم ایشان است. او در آخر الزمان به پا می خیزد و زمین را از عدل پر می سازد، پس از آن که از ستم و بی عدالتی پر شده بود.^۲

۱. بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۵۹، ح ۲۲۸، به نقل از ماه نامه موعود، شماره ۹۵.

طبق این روایت ظاهراً تصویر بسیار تیره و تاری از جهان ارائه می شود که حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ برای محو کردن آن تصویر تیره و تاری و ارائه جلوه های روشن از حکومت و عدالت ظهور خواهند کرد، اما آنچه در این میان حائز اهمیت و دقت است این است که اولاً وعده تخلف ناپذیر نیست و منظور از گسترش ظلم و ستم در این روایات این نیست که همه جهان بالکل از فساد و تباهی پر شده باشد به گونه ای که در هیچ بخشی از جهان اثری از نور و روشنی دیده نشود، بلکه منظور این است که فساد و ظلم و ستم در جهان فراگیر و فراوان خواهد شد و این منافاتی با وجود حکومت اسلامی در بخشی از جهان و یا فریادهای حق طلبانه در بخش های دیگر جهان نیست در نتیجه در فضای ظلمت زده جهانی نیز امکان تشکیل حکومت اسلامی وجود دارد و اساساً با توجه به اعتقادات اسلامی لازم است به عنوان مسلمان تکلیف مدار در راه تحقق این تکلیف عظیم اسلامی یعنی تشکیل حکومت اسلامی اقدام نماییم که ادله دال بر وجوب تشکیل حکومت اسلامی و لزوم اجتناب از طاغوت همگی بر این مطلب تأکید می نمایند.

از جمله آیه ای که در قرآن کریم می فرماید: **﴿وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ﴾**؛ در برابر ظالمین کرنش و اطاعت نکنید که در این صورت آتش جهنم شما را فرا خواهد گرفت.^۱

و یا روایاتی که از حاکم قرار دادن طاغوت‌ها منع می‌نمایند و بالاتر از همه، ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر که طبق آن بالاترین معروف تشکیل حکومت اسلامی به منظور زمینه‌سازی اجرای تمامی معروف‌ها و ریشه‌کنی منکرات می‌باشد. لذا تشکیل حکومت اسلامی در دوران پیش از ظهور نه تنها مغایرتی با روایات گفته شده ندارد، بلکه حتی ضرورت هم داشته و در صورت فراهم شدن شرایط تشکیل حکومت، لازم است دست به تشکیل حکومت اسلامی تا حد مقدور زد که در زمان حاضر نیز امام خمینی رحمته الله علیه با مساعد دیدن شرایط برای قیام و تشکیل حکومت اسلامی و با حرام اعلام نمودن تقیه^۱ دست به قیام زد که سرانجام منجر به ایجاد حکومت اسلامی شد و هر چند این حکومت اسلامی حکومت ایده‌آل و مطلوب صد درصد نیست، اما یقیناً حکومتی است که در مسیر تحقق حکومت ایده‌آل قدم برداشته است و این حکومت حداقل حکومت طاغوت نیست و مبنا و پایه‌های آن بر اساس دین بوده و در جهت و مسیر آن حرکت می‌کند.

علاوه بر این مطلب، در میان متون روایی به روایاتی

۱. امام خمینی در سال ۱۳۴۲ خطاب به علمای اسلام فرمود: «حضرات آقایان توجه دارند که اصول اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است، با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب است و لوبلغ ما بلغ». موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۷۸ به نقل از سایت تبیان.

برخورد می کنیم که در آنها بر تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاراتی شده است که هر چند نمی توان به یقین گفت مراد روایات از این حکومت همان جمهوری اسلامی ما می باشد، اما اولاً نفس وجود همین روایات نشان دهنده این است که حتی طبق روایات، تشکیل حکومت اسلامی در محیط ظلمت زده پیش از عصر ظهور امکان دارد و ثانیاً با توجه به مؤلفه های دینی حاکم بر نظام جمهوری اسلامی ایران و شعارهای عدالت طلبانه ای که این نظام دارد این احتمال وجود دارد که می توان این نظام را جزء مصادیق نظام مورد اشاره در روایت دانست، در هر صورت از این روایات می توان اصل امکان تشکیل حکومت اسلامی قبل از ظهور را اثبات نمود.

از جمله این روایات، روایتی است که در کتب مختلف از جمله بحار الأنوار به آن اشاره شده است و در آن رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده اند: مردمی از مشرق زمین قیام می کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی فراهم می سازند.^۱

۱. ابن ماجه، سنن، ج ۲ ص ۱۳۶۸ والمعجم الاوسط، ج ۱، ص ۲۰ و مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۸ و كشف الغمه، ج ۳، ص ۳۶۸ و بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۷ به نقل از: نجم الدین طبری، نشانه هایی از دولت موعود، ص ۷۳.



مباحث عصر ظهور

دولت امام زمان بعد از ظهور چه فرقهایی با دولت و زندگی کنونی دارد؟

اگر مقصود از سؤال مورد نظر مقایسه میان جمهوری اسلامی و حکومت اسلامی ایران با دولت و حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم باشد؛ در پاسخ باید گفت که از نظر ماهیت و حقیقت یکی است و انگیزه و هدف در هر دو قیام و دولت، حاکمیت اسلام ناب و گسترش عدالت اسلامی و تحکیم ارزش‌های انسانی اسلامی در قالب یک حکومت ولایی می‌باشد، اگر چه از نظر مصداق و نماد وجودی نظام جمهوری اسلامی به رهبری فقیه امامی عادل روزنه بسی کوچک و شعاع بس اندک از پرتو عظیم حکومت جهانی و مدینه فاضله و نورانی مهدوی می‌باشد، و به طور کلی از جهت تحقق اهداف و توسعه و گسترده‌گی حاکمیت عدالت و قسط و جهان شمولی با حکومت جهانی مهدوی قابل مقایسه

نیست و امیدواریم ان شاء الله که مقدمه برای تشکیل دولت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

اما اگر مقصود از سؤال مورد نظر مقایسه بین دولت‌ها و حکومت‌های موجود در جهان با حکومت و دولت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، پاسخ آن این است که دولت جهانی مهدوی با دولت‌ها و حکومت‌های موجود از هر دو نظر متفاوت است؛ یعنی هم تفاوت ماهیتی و مفهومی دارد و هم از نظر وجود خارجی و مصداق با هم متفاوت‌اند و تنها اشتراکی که دارند از حیث لفظ است که هم بر دولت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت و دولت اطلاق می‌شود و هم بر حکومت و دولت‌های قبل از آن، حکومت و دولت اطلاق می‌شود؛ زیرا در یک بررسی اجمالی می‌بینیم چهار نوع حکومت در دنیا بیشتر نداریم:

الف: حکومت استبدادی (در چهره اصلی‌اش)، منظور حکومت استبداد فردی است که حال و وضع‌اش در گذشته و حال روشن است، و در یک جمله کوتاه می‌توان گفت: هر نوع بردگی و بدبختی و سیه‌روزی و عقب‌ماندگی که دامن‌گیر نوع بشر شده، از این نوع حکومت مرگ‌آفرین سرچشمه گرفته است.

ب: حکومت استبدادی (در لباس دموکراسی)، یعنی همان حکومت خودکامه فردی و جبار که لباس دموکراسی

را در بر می‌کند و عنوان آن را یدک می‌کشد و با راه انداختن حزب و مجلس ساختگی ادای دموکراسی را در می‌آورد، ولی در حقیقت هیچ خبری از دموکراسی و حاکمیت آراء مردم بر سرنوشت‌شان وجود ندارد. چنان‌چه در خیلی از ممالک و نظام‌های سلطنتی و شبه‌سلطنتی مشاهده می‌کنیم. این نوع حکومت در گذشته وجود نداشت؛ چرا که مردم‌اش و حتی دیکتاتورهایش رک و راست بودند و یا شاید عقل‌شان نمی‌رسید که می‌توان استبداد را در قالب دموکراسی ارائه داد.

ج: حکومت استبدادی گروهی (دیکتاتوری پرولتاریا)، این نوع حکومت در گذشته با این محتوا وجود نداشت و فرآورده عصر ماشین و مخصوص کشورهای کمونیستی است که طبقه «پرولتاریا» (کارگر جدید) زمام امور را به دست می‌گیرند و خواسته‌های خود را در تمام زمینه‌ها زیر لوای کمونیسم و مارکسیسم تحقق می‌بخشند. گرچه مارکسیست‌ها هستند که عنوان دیکتاتوری پرولتاریا را به عنوان شعار حکومت‌شان انتخاب کرده‌اند ولی با قطع نظر از مفاهیمی که زیر این عنوان نهفته شده، باید دید آیا این طبقه پرولتاریا است که بر چنین جوامعی حکومت می‌کند یا اعضای کمیته مرکزی حزب و دبیر کل آن، آن هم حزبی که نه فراگیر است و نه انتخاب آزادی در آن صورت می‌گیرد و نه رنگ و بوی از دموکراسی دارد و خودکامگی و استبداد سران گردانندگان

حکومت، و توسل به خشونت و سلب آزادی انسان‌ها در آن چیزی نیست که بر کسی پنهان باشد.

د: حکومت دموکراسی (در چهره اصلی‌اش، این نوع حکومت که عالی‌ترین و کامل‌ترین نوع حکومت در دنیای امروزش می‌دانند و حتی ادعا و ادای آن مایه مباهات بسیاری از زمام‌داران است، تا چه رسد به وجود عینی و خارجی‌اش، از نظر مفهوم در یک جمله خلاصه می‌شود و آن این که: در این سیستم حکومت، تمام مردم از هر گروه و قشری ظاهراً با آزادی کامل می‌توانند به پای صندوق‌های رأی رفته و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند، و سرنوشت خویش را برای چند سال و تحت ضوابط خاصی به دست آنها بسپارند، اما با تمام امتیازاتی که در این طرز حکومت به چشم می‌خورد هنگامی که به عمق و محصول نهایی‌اش می‌اندیشیم می‌بینیم بر خلاف ظاهر زیبایش، چهره وحشت‌ناکی دارد؛ زیرا یکی از پیامدهای این گونه حکومت‌ها استثمار گروهی است یعنی حکومت «اکثریت‌ها» با توجه به این که اقلیت‌ها همیشه نفرات محدود و ناچیزی نیستند که بتوان در محاسبات گروهی آنها را نادیده گرفت، این است که استثمار دسته جمعی را مجاز می‌شمرد و به پنجاه و یک درصد جمعیت مردم جهان اجازه می‌دهد افکار و مقاصد خود را بر چهل و نه درصد جمعیت تحمیل کنند و این ضربه

بزرگی بر عدالت و آزادی در جهان انسانیت که تحت عنوان
مترقی‌ترین نوع حکومت انجام می‌گیرد.

و بدتر از آن این که در این نوع حکومت غالباً اقلیت‌ها در
چهره اکثریت ظاهر می‌شوند به این ترتیب که صاحبان «زر»
و «زور» با در دست داشتن وسائل ارتباط جمعی و با تغذیه
اهداف و مقاصد و برنامه‌ها اشخاص مورد نظر خویش
به طور مستقیم و غیر مستقیم، به مطبوعات تجارتي،
رادیوها و تلویزیون‌های بازاری، چنان اکثریت را شستشوی
مغزی می‌دهند و افکار محیط را در مسیر خواسته‌های خود
منحرف می‌سازند که عملاً حکومتی روی کار می‌آید که تنها
در مسیر منافع این اقلیت افزون طلب گام بر می‌دارد.^۱ و لذا
این حکومت مثل حکومت‌های سه‌گانه پیشین که توضیح
داده شد در تحکیم ارزش‌های والای انسانی و توسعه عدالت
اجتماعی در ابعاد گوناگون آن ناکام بوده و هرگز بر سر انجام
مطلوب جوامع بشری نخواهد رسید.

این جا است که تفاوت‌های اساسی ماهیتی و وجودی
میان حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف با حکومت‌های
چهارگانه که توضیح دادیم روشن می‌گردد: حکومت‌های
موجود چهارگانه نه الهی است و نه در حقیقت مردم‌سالار
و دموکرات حتی دموکرات‌ترین و مردمی‌ترین دولت‌های

۱ . مطالب فوق از کتاب (حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف) آیت الله مکارم
شیرازی، نقل گردیده است.

موجود در دنیا، و به همین جهت در گسترش و توسعه عدالت که اساس کار حکومت‌ها می‌باشد هیچ دست‌آورد قابل توجه در سطح عمومی ندارند.

اما حکومت مهدوی این سه ویژگی را به بهترین شکل دارد:

۱. الهی است و نظام حکومتی و تشریعی و تقنینی آن مطابق با وجود تکوینی عالم است و لذا در زمان حکومت و فرمانروایی آن حضرت آسمان و زمین برکات و نعمت‌های نهفته در خودش را ظاهر می‌گردانند به گونه‌ای که سراسر عالم را وفور و فراوانی نعمت فرا می‌گیرد.

۲. مردمی است و دموکرات‌ترین دولتی است که جهان در خود دیده است؛ زیرا نه تنها افکار عمومی و جهانی خواستار چنین حکومتی است بلکه بر اساس برخی روایات مردم آن دولت و فرمانروای آن را دوست دارند و به او عشق می‌ورزند، چیزی که در هیچ حکومتی سابقه ندارد. از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: «شما را به مهدی، مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند.»^۱ و نیز از آن حضرت نقل شده که فرمود: «مردی از امت من قیام می‌کند که مردم زمین و آسمان او را دوست می‌دارند.»^۲

۱. قندوزی، ینابیع الموده، ص ۴۳۱ و اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۴.

۲. ملاحم ابن طاووس، ص ۷۰.

۳. با توجه به دو ویژگی که برای حکومت مهدوی بیان کردیم، ویژگی سومی که از لازمه این دو ویژگی است خود به خود مطرح می‌گردد و آن ویژگی عدالت‌گستری و تحکیم پایه‌های عدالت اجتماعی در همه جوانب آن در دولت مهدوی می‌باشد، آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت‌گستری آن بزرگوار تأکید شده، بر سایر مسائل نشده است و این نشان از برجستگی این مهم در دوران حکومت مهدوی دارد به گونه‌ای که در برخی زیارات از آن حضرت تعبیر به «عدل مشتهر» شده است. ده‌ها و بلکه صدها روایت در کتاب‌های مختلف روایی و هم‌چنین آیاتی از قرآن در مورد عدالت‌گستری آن بزرگوار و حکومت او وارد و تفسیر گردیده است، چیزی که تمام حکومت‌ها در طول تاریخ از توسعه و تحکیم آن در سطح جهانی عاجز بوده‌اند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، آیت الله مکارم شیرازی

۲. چشم به راه مهدی، جمعی از نویسندگان مجله حوزه

۳. موعود امم، شیخ عباس شیخ الرئيس کرمانی

حال که آمریکا آن قدر سلاح هسته‌ای دارد که می‌تواند کره زمین را با خاک یک‌سان نماید بحث مهدویت و ظهور به کجای انجامد؟

در پاسخ به سؤال مورد نظر توجه به سه نکته اساسی
ضروری می‌باشد و لذا پاسخ را در ضمن تبیین این سه نکته
تقديم می‌کنیم:

الف. وقایع تاریخی و تجربه مسائل اجتماعی نشان
می‌دهد که گاهی ممکن است سیر تحولات و حوادث
به گونه‌ای باشد که خیلی از قدرتهای بزرگ و در ظاهر
شکست‌ناپذیر خود به خود و یا در اثر عوامل درونی بدون
جنگ و فشار از ناحیه رقیب و دشمن خارجی دچار اضمحلال
و فروپاشی گردد. سرنوشت ابرقدرت معاصر، یعنی اتحاد
جماهیر شوروی سوسیالیستی، شاهد و گواه زنده بر این
مدعا می‌باشد که بدون هیچ گونه جنگ و درگیری با دشمن
خارجی تار و پودش از هم گسیخت و تبدیل به کشورهای
متعدد و قدرت‌های کوچک منطقه‌ای گردید و لذا هیچ بعدی
ندارد، همان گونه که رهبر فقید جهان اسلام حضرت امام
خمینی . رحمه الله . در نامه تاریخی خود به گورباچف رئیس
جمهور وقت شوروی اشاره معناداری فرمود و در آن از
شکست قطعی نظام کمونیستی خبر داد و فرا رسیدن زمان
فروپاشی استکبار غرب که حکومت و نظام سرمایه‌داری
امریکا سنبل آن است را نیز به همگان یادآور شد.

ممکن است قدرت‌های غربی و در رأس آنها ابرقدرت امریکا و بلکه خیلی از قدرت‌های دیگر قبل از ظهور حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به وجود بیایند، اما به سرنوشت نظام کمونیستی شوروی گرفتار گردیده و دچار فروپاشی داخلی گردیده و تبدیل به قدرت‌های محلی کوچکی بشوند؛ چنان‌چه از وضعیت کشورهای امریکای جنوبی و حوزه دریای کارائیب به خوبی مشهود است. این کشورها زمانی از مستعمرات و دولت‌های تحت سیطره امریکا بودند، ولی اخیراً یکی پس از دیگری تبدیل به کشورهای مستقل و دارای رهبران استقلال طلب و ضد امریکایی گردیده‌اند.

ب: جوامع بشری، خصوصاً دنیای غرب اگرچه گرفتار آزادی افسار گسیخته گردیده و ارزش‌های دینی و معنوی در آستانه نابودی قرار گرفته، ولی یک حقیقت غیر قابل انکار در این میان و در لابلای این آزادی لجام گسیخته پدید آمده و هر روز بیش از روز دیگر آشکارتر می‌گردد و آن تقویت اراده مردم و قدرت یافتن اقشار مختلف مردمی، بر تغییر شکل نظام‌ها و حکومت‌ها می‌باشد که اصطلاحاً از آن به دموکراسی یاد می‌شود.

بنابر این دور از انتظار نخواهد بود که در اثر فراگیر شدن ظلم و ستم و بی‌عدالتی‌ها که توسط سردمداران و حکومت‌های خودکامه و نظام‌های قدرت طلب و تمامیت خواه به وجود می‌آید جهانیان به ستوه بیایند و

یک اراده جهانی در اقشار عامه مردم، نسبت به استقبال از یک حکومت عدل به رهبری یک انسان الهی به وجود بیاید به گونه‌ای که با اختیار به تمام نظام‌های طاغوت و وعده و وعیدهای آنان، نه بگویند و از کسانی حمایت نمایند که دائماً در راستای اصلاح امور جوامع انسانی شعار داده و گام بر می‌دارند، چنان‌چه در شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی به چشم خود مشاهده نمودیم و تغییر رهبران جنگ طلب و ماجراجوی انگلیس و اسپانیا را اخیراً مشاهده کردیم و انسان می‌تواند با اطمینان بگوید که این حرکتی است در حال رشد و روزافزون که ان شاء الله در آینده بیشتر شاهد آن خواهیم بود.

بر اساس روایات، امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در شرایطی ظهور می‌کند که جهانیان به شدت گرفتار ظلم و انواع مفسد می‌باشند و شعارهای الهی و برنامه‌های جامع و جهان شمول امام عَلَيْهِ السَّلَام که برای انسان‌های گرفتار آن روزگار که به شدت از عملکرد حاکمان و داعیان اصلاحات ناامید شده‌اند، کاملاً نویدبخش و قابل توجه می‌باشد، لذا اقشار مختلف مردم از آن حضرت و برنامه‌های او حمایت خواهند کرد و حمایت و پشتیبانی مردم عاملی است که ابتکار عمل را از دست قدرت‌های موجود محتمل که ممکن است مخالف حرکت اصلاحی امام باشند، می‌گیرد و عملاً دست آنها را می‌بندد. البته مخالفت‌ها و حرکت‌های تخریبی در قبال حرکت امام

واقع خواهد شد، ولی از آن جایی که پشتوانه قابل توجه مردمی ندارند، مانع عمده‌ای محسوب نمی‌شود.

ج: بر اساس روایات زیادی قیام و ظهور امام عَلَيْهِ السَّلَام و امر ظهور در یک شب اصلاح و عملی می‌گردد، ولی آنچه که نباید از آن غفلت شود این است که توسعه و گسترش و استحکام حکومت جهانی امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام که با ظهور آغاز می‌گردد، تدریجی بوده و نیاز به گذشت زمان و لو کوتاه مدت خواهد داشت و در این فرصت زمانی، گذشته از آنچه در دو نکته پیش توضیح داده شد، از قدرت فوق العاده امام و یارانش که متشکل از نیروهای انسانی بی نظیر و احیاناً بعضی از سلاح‌های پیشرفته که ممکن است در اختیار داشته باشند و امدادهای غیبی و الهی که معمولاً در پیروزی‌های انبیاء و اولیاء الهی نقش عمده داشته است، نباید غفلت نمود. و این سنت و اراده تغییرناپذیر الهی بوده که هر گاه خواسته است، اولیاء و بندگان صالح خود را در طول تاریخ بشر، با ابزارهای مختلفی یاری فرموده و دشمنان خدا و انسانیت را با تمام قدرت و توانایی مادی و ظاهری که داشته محکوم به شکست نموده است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «قائم ما اهل بیت با ترس و رعب یاری می‌شود»^۱ و نیز از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۳۵.

فرمود: «خداوند حضرت قائم را با سه لشکر یاری می‌کند: فرشتگان، مؤمنان و رعب»^۱.

از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «ترس و وحشت از قدرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پیشاپیش سپاهیان به فاصله یک ماه و از پشت سر آنها به فاصله یک ماه در حرکت است»^۲.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «خداوند حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با فرشتگان، جن و شیعیان مخلص یاری می‌کند»^۳.

از این روایات استفاده می‌شود که وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف اراده جنگ نماید، دشمن او پیشاپیش دچار ترس و وحشت شده و توان رویارویی و ایستادگی در برابر سپاهیان حضرت را از دست می‌دهند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲

۲. چشم اندازی به حکومت مهدی، نجم الدین طبسی

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۶.

۲. همان منبع، ص ۳۴۳.

۳. ارشاد القلوب، ص ۲۸۶.

ساختار حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را توضیح دهید؟

اداره کشوری به گستردگی تمام دنیا کار دشواری است که تنها با برخورداری از یک رهبری الهی و کارگزارانی دلسوز و متعهد و معتقد به نظام الهی و حاکمیت اسلام امکان پذیر است، آن هم در شرایطی که دنیا وارث انبوهی از نابسامانی ها است و میلیون ها معلول و بیماری جسمی و روانی وجود دارد، هاله ای از ویرانی ها بر دنیا سایه افکنده و ناامنی همه جا را فرا گرفته و ظلم و ستم و بی عدالتی همه جا را پر کرده است، شهرها در اثر جنگ و نبرد به ویرانه هایی تبدیل گشته و نابودی کشتزارها در اثر آلودگی محیط زیست و خشک سالی های پی در پی، کمبود ارزاق و مواد غذایی را به دنبال داشته است. با وجود همه گرفتاری ها و بدبختی ها که دامن گر بشریت و انسانیت شده، سرانجام روزگاری فرا می رسد که عدل و عدالت به دست توانای مرد الهی و دادگستر بی بدیل به اراده و مشیت الهی در روی زمین مرده از ستم و بی عدالتی پیاده می شود و این وعده الهی **«اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»**^۱ بدانید و آگاه باشید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می گرداند، تحقق خواهد یافت؛ چنان چه امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه کریمه فرمود: «خداوند زمین را با حضرت قائم زنده می گرداند، آن حضرت در

۱. سوره حدید، آیه ۱۷.

زمین به عدالت رفتار می‌کند و زمین را با گسترش عدالت زنده می‌نماید، پس از آن که در اثر گسترش ستم مرده بود.^۱ و نیز از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده که فرمود: «به خدا سوگند، به طور حتم عدالت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به درون خانه‌ها و اتاق‌های شان نفوذ می‌کند، هم‌چنان که سرما و گرما در آن وارد می‌شود.»^۲ آن گونه که از روایات استفاده می‌شود نهضت مقدس آن حضرت، بر اساس فرمان الهی از مکه شروع می‌شود که با ۳۱۳ نفر انسان برگزیده و افراد شایسته به مدینه و عراق و سایر نقاط قدم می‌گذارند و بر طبق برنامه‌ای که دارند تمام جهان را تسخیر و با قتل دجال، جهان برای همیشه زیر لوای حضرت و خاندان نبوت قرار می‌گیرد. ساختار نهضت جهانی و حکومت اسلامی و فراگیر آن بزرگوار بر اساس روایات و هم‌چنین مثل خیلی از نهضت‌ها دارای چهار رکن اساسی خواهد بود:

الف: رهبری و ریاست نهضت و حکومت که بر اساس برخی از روایات مرکز و پایتخت آن در شهر کوفه و در عراق خواهد بود.

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده که فرمود: «گویا می‌بینم که قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام با خانواده‌اش در مسجد سهله فرود آمده است...، همان جا که منزلگاه ادريس پیامبر بوده است

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۶۸ و مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

و هیچ پیامبری برانگیخته نشده مگر آن که در آن مسجد نماز گزارده است. کسی که در آن اقامت کند مانند کسی است که در خیمه رسول خدا ﷺ بوده است، هیچ مرد و زن مؤمنی نیست، مگر آن که دلش به سوی آن مسجد است...، آن گاه که قائم ما قیام کند، خداوند انتقام رسولش و همه ما را از دشمنان خواهد گرفت.^۱

و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «سرزمین کوفه که جایگاه پاکی است و در آن مسجد سهله قرار دارد و مسجدی که همه پیامبران در آن نماز خوانده‌اند و از آن جا عدالت الهی پدیدار می‌گردد و قائم خداوند و قیام کنندگان پس از او همان جا خواهند بود.»^۲

از مجموع روایات استفاده می‌شود که شهر کوفه پایگاه اصلی فعالیت‌ها و مرکز فرمانروایی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود و حضرت با رهبری معصومانه و با روح والا و کمالات علمی و معنوی و فضائل عظیم اخلاقی از آن جا تمام حوادث و جریانات کشور پهناور زمین را زیر نظر می‌گیرد و تمام نقاط زمین برایش مانند کف دست می‌گردد، اصحاب و یارانش نیز از فاصله‌های دور و از اقصی نقاط عالم وی را مشاهده می‌کنند و با او سخن می‌گویند.^۳ و امام عجل الله تعالی فرجه الشریف با علم و دانشی

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و کافی، ج ۳، ص ۴۹۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۱۶.

۳. دادگستر جهان، ص ۳۰۴.

که خدا به او عطا فرموده و با تدبیر و مدیریت بی نظیری که دارد نه تنها تسلط و حاکمیت ظاهری بر جهانیان و جهان خواهد داشت، بلکه حکومت بر دل‌ها نیز دارد؛ چنان‌چه از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: «شما را به مردی از قریش بشارت می‌دهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند.»^۱

ب: وزرا و مجریان اهداف نهضت

طبیعی است که در حکومتی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رهبری آن را به عهده دارد، کارگزاران و مسئولان حکومت نیز باید از بزرگان و نیکان امت باشند. از این رو می‌بینیم «در روایات ترکیب دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را از پیامبران، جانشینان آنان، تقوا پیشگان و صالحان روزگار و امت‌های پیشین و از سران و بزرگان اصحاب پیامبر ﷺ بیان می‌کند که نام برخی از آنان بدین گونه‌اند: حضرت عیسی علیه السلام، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابو دجانة انصاری، مالک اشتر نخعی و قبیله همدان.»^۲ به هر حال به نظر می‌رسد که افراد و یاران خاص حضرت که ۳۱۳ نفر انسان پولادین هستند که مهذب و خود ساخته و دارای فضایل انسانی و بلکه انسان‌های کامل‌اند، سمت فرماندهی

۱. ملاحم ابن طاووس، ص ۷۰.

۲. طبسی، نجم الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۱۷۱.

لشکر، وزارت، قضاوت و استانداری را دارند و در قرآن و روایات اوصاف آنها آمده است.

ج: برنامه، مرام‌نامه و قانون اساسی

برنامه و قانون حکومت جهانی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قرآن کریم است که با شکافتن معانی و کشف اعماق کتاب آسمانی و با آگاه بودن به علوم نهانی و آسمانی و ارتباط غیبی با خداوند و خالق عالم تمام مشکلات جهان و جهانیان را حل می‌کند و احکام الهی را آن گونه که هست به اجرا می‌گذارد.

د: بودجه

یکی از مشکلات دولت‌ها که در طول تاریخ با آن دست به گریبان بوده‌اند تأمین بودجه و معاش کافی برای اداره کشور و تأمین رفاه و آسایش برای مردم می‌باشد که همیشه هم ناتوان بوده‌اند، هر چند سعی و کوشش فراوانی صورت گرفته است. اما در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت عدل آن بزرگوار این کمبود به هیچ عنوان وجود ندارد و با پیشرفت علوم و صنایع جانبی آن، تمام زمین آباد می‌گردد «و وضع اقتصادی مردم، آن چنان رونق می‌یابد (حتی) مستحق زکات پیدا نمی‌شود، باران‌های نافع، پی در پی می‌بارد، تمام زمین سبز و خرم می‌گردد برکات و محصولات زمین زیاد می‌شود، اصلاحات لازم در امور (اقتصادی) به عمل می‌آید.»^۱

۱. دادگستر جهان، ص ۳۰۵.

بودجه‌های سنگینی را که در سراسر جهان صرف امور نظامی و امور بی‌فایده از این قبیل می‌شده حذف می‌کند، جلوگیری از حیف و میل اموال و سوء استفاده‌های مادی تنظیم دقیق و صحیح بودجه و غیره از برنامه‌های اصلاحی آن حضرت است. آنچه توضیح داده شد اهم برنامه‌ها و دورنمایی از ساختار و حکومت جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَوْجَهُ الشَّرِيفَ است که به طور کلی از روایات و آیات قرآنی به دست می‌آید. و بالأخره نام دولت امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَوْجَهُ الشَّرِيفَ هم دولت کریمه، صالحان، مستضعفان و حق خواهد بود.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

۲. چشم‌اندازی به حکومت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَوْجَهُ الشَّرِيفَ، نجم الدین

طبسی

۳. موعود امم، شیخ عباس کرمانی

طبق گفته پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علائم آخرالزمان در زمان ما چه هستند؟

واژه «آخرالزمان»، یکی از واژه‌هایی است که بارها در روایات پیشوایان معصوم علیهم السلام و متون ادیان الهی آمده است. آخرالزمان، نه فقط یک دوره زمانی خاص است، بلکه واقعاً به مرحله‌ای ویژه در پایان زمان اطلاق می‌شود. فهم زمانی دقیق و تعیین این دوره، بسیار سخت و بلکه ناممکن است. به همین خاطر، ادیان به بیان خصوصیات این دوره پرداخته‌اند.

البته به نظر می‌رسد آخر الزمان از چنان وسعت زمانی‌ای برخوردار باشد که بتوان مطمئن بود هنوز تا پایان زمان، راه درازی مانده است؛ چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در ادیان الهی، پیامبر آخر الزمان معرفی شده است و زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الیه نیز آخر الزمان بیان شده است و زمان وقوع قیامت هم آخر الزمان معرفی گردیده است. در متون دینی ما بارها عبارت آخر الزمان آمده است. در این میان ویژگی‌های متفاوتی از آخر الزمان ذکر شده که کنار هم قرار دادن آنها می‌تواند تصویر روشنی از آخر الزمان به ما بدهد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «یکون فی آخر الزمان عباد جهال و قزاء فسقه»؛^۱ در آخر الزمان، پرستش‌گرانی نادان و قرآن‌خوانانی گناهکار (و فاسق) خواهد بود.

۱. سبزواری، محمد بن محمد، معارج الیقین فی اصول الدین، تحقیق علاء آل جعفر، مؤسسه آل البيت CE، ۱۴۱۳ق، ص ۱۳۱ و مستدرک حاکم، ج ۴، ص ۳۱۵.

کتاب «معارج الیقین فی اصول الدین» نوشته شیخ محمد بن محمد سبزواری از قول پیامبر اکرم ﷺ نقل می‌کند که فرمودند: گروهی از امت من در آخر الزمان خواهند آمد که به مساجد می‌روند و دور هم می‌نشینند و در مسجد در مورد محبت دنیا حرف می‌زنند، با آنها ننشینید».^۱

هم‌چنان که در مورد برخی علمای ریاکار آمده است که: مردم را به آخرت ترغیب می‌کنند و خود به آن علاقه‌ای ندارند و مرد به زهد در دنیا دعوت می‌کنند، ولی خود زهد نمی‌ورزند.^۲

در روایتی دیگر از پیامبر اکرم ﷺ نقل شده است: روزی ایشان در جمع اصحاب خود به کودکی نگاه کردند و بعد فرمودند: «وای بر فرزندان آخر الزمان به سبب پدرانشان؛ به ایشان عرض شد: به سبب پدران مشرک و کافرشان؟ فرمودند: نه! از پدران مسلمان‌شان که هیچ چیزی از واجبات را به آنها یاد نمی‌دهند و اگر آنها خود بخواهند فرا بگیرند نیز منع‌شان می‌کنند و به جای آن به کمترین چیز از دنیا برای فرزندان‌شان راضی می‌شوند».^۳

پیامبر اکرم ﷺ در روایتی در بیان حال همه مردم و نه فقط مسلمانان آخر الزمان می‌فرمایند: زمانی بر مردم خواهد آمد

۱. همان، ص ۱۷۹ و ۳۵۶؛ مجموعه وژام، ج ۱، ص ۶۹.

۲. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، موسسه آل البيت CE، ص ۹۰ و تنبيه الخواطر، ج ۱، ص ۳۰۱.

۳. معارج الیقین، ص ۲۸۵، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۶، ح ۱۷۷۰.

که چهره‌شان چهره انسانی و قلوب‌شان قلوب شیطانی است. مانند گرگ‌های بیابانی خون می‌ریزند، یک‌دیگر را از کارهای بد نهی نمی‌کنند. اگر آنها را تبعیت کنی، تو را به تردید می‌اندازند، اگر برایشان حرف بزنی، تو را تکذیب می‌کنند و اگر از نزد آنها بروی، بد تو را می‌گویند. سنت الهی نزد آنان بدعت و بدعت نزد آنان سنت است. انسان حلیم در چنین جامعه‌ای فریب خورده دانسته می‌شود و فریب دهندگان، انسان‌های حلیم معرفی می‌شوند. مؤمن بین آنها مستضعف است و فاسق و گنهکار، محترم... پناه بردن به آنها عین پشیمانی، عزّت‌مندی با آنها عین ذلّت و خواستن از آنها عین فقر است»^۱.

ایشان در بیان دیگری می‌فرمایند: زمانی بر مردم خواهد آمد که شکم‌هایشان، خدای آنهاست و زنان، قبله آنان و دینارهایشان، دین آنان و شرف‌شان، متاع خرید و فروش آنهاست. از ایمان جز اسم آن و از اسلام جز آداب آن و از قرآن جز تدریس آن چیزی نمی‌ماند. مساجد آنها آباد و قلوب‌شان از هدایت ویران است. دانشمندان‌شان بدترین مخلوقات روی زمین محسوب می‌شوند. برخی در آخر الزمان قرآن می‌خوانند، اما قرآن به قلوب آنها راه ندارد. «لا یجاوز ایمانهم حناجرهم»^۲؛ ایمان از حنجره‌هایشان عبور نمی‌کند.

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۲۲، ص ۴۵۳.

۲. المكتبة الشاملة، صحیح کنوز السنة النبویة، السنن الکبری للنسائی.

علاوه بر شاخصه ارزشمندی دنیا در زندگی مردم آخر الزمان که ناشی از کم توجهی آنها به آخرت می باشد، شاخصه دیگر این مردم، با توجه به روایات وارده، نجات یافتن عده ای در آخر الزمان از شرّ دنیا و گرفتاری های آن است. این افراد اگر چه در اقلیت زندگی می کنند و همواره از هر جهت مستضعف اند، اما در ایمان خود راسخ اند.

در دینداری این گروه سه محور لحاظ شده است:

۱. ایمان به غیب: نگاه اینان به غیب، نگاهی ماورای این دنیا است و غیب در نظر اینان، نه یک مسأله معرفت شناختی بلکه یک حقیقت هستی شناختی است. هم چنان که در برخی روایات، غیب را مسأله وجود حضرت بقیه الله الأعظم . عجل الله فرجه الشریف . دانسته اند و ایمان آورندگان به غیب در آخر الزمان، ثابتان در امر غیبت حضرتش معرفی شده اند. از همین جهت است که پیامبر اکرم ﷺ در وصف این گروه از مردم آخر الزمان در روایتی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

«یا علی! عجیب ترین افراد در ایمان و بزرگ ترین آنها در ثواب، قومی هستند که در آخر الزمان می آیند؛ پیامبر را ندیده اند و امام نیز از نظر آنها پنهان است و آنان در سیاهی به روشنی ایمان می آورند (یا از روی نوشته ها ایمان می آورند).»^۱

۱ . معارج الیقین، ص ۵۰۸ و خصال ص ۵۹۴ و من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۶ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۲۵، ح ۱۲.

۲. سختی در دینداری: ویژگی دیگر مردم آخر الزمان، دینداری در آخر الزمان است که در روایات آمده است که توجه و تقید به دینداری جزء سخت‌ترین کارهاست و دینداران در نهایت مشقت، دین خود را حفظ می‌کنند و البته خداوند نصرت خود را بر مقیدان به دینداری در آخر الزمان فرو خواهد فرستاد.

۳. انتظار ظهور منجی: عقیده به ظهور منجی در عقاید اسلامی، وسعت فوق العاده‌ای دارد و به عنوان یک عقیده زیر بنایی شناخته شده است و تنها یک مذهب از مذاهب اسلامی معتقد به این امر نیستند، بلکه در تمامی فرق اسلامی این بحث ریشه دارد به طوری که مردم آخر الزمان تشویق برای انتظار فرج گشته و عامل نجات از فتنه‌های آخر الزمان را فرج منجی خوانده‌اند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سال دهم هجرت در غدیر خم در آن اجتماع بی‌نظیر که از سراسر بلاد اسلامی و از همه اقشار و صفوف حضور داشتند، چهار بار نام مبارک آن حضرت را در خطبه معروف غدیر طرح نمود و فرمود: «... آگاه باشید که آخرین خلیفه از ما، قائم آل محمد عَلَيْهِمُ السَّلَام است.» و سپس در چند جمله پشت سرهم، صفات و ویژگی‌های آن حضرت را چنین تبیین فرمود: «اوست غلبه کننده بر ادیان، انتقام گیرنده ظالمان، او فاتح دژها و منهدم کننده آنهاست؛ او وارث دانش‌ها و حاکم بر ادراک‌هاست؛ او ولی خدا بر روی

زمین است و بالآخره او کسی است که تمام گذشتگان، ظهور
او را پیش گویی کرده اند»^۱.

در مورد حتمی بودن ظهورش، حضرت محمد ﷺ
فرموده اند: اگر از زمان فقط یک روز باقی مانده باشد، خداوند
مردی از اهل بیت مرا بر می انگیزد تا زمین را پر از عدل کند
هم چنان که از جور پر شده باشد»^۲.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. کتاب مهدی موعود، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی.
۲. آخر الزمان در آینه روایات، جابر رضوانی، چاپ اول،
۱۳۸۰ش.
۳. آینده بشر و پایان جهان، احمد امیری پور، انتشارات
ترنم، ۱۳۸۲ش.
۴. اوضاع در آخر الزمان، رضا کوشیاری، انتشارات تهذیب،
چاپ اول، ۱۳۸۳ش.

۱. بحار الأنوار، همان، ج ۵۱، ص ۱۰۹.

۲. سجستانی، سنن ابو داود، ج ۲، ص ۲۰۷ و التذکره، ص ۲۰۴ و منهاج السنّة،
ص ۲۱۱.

یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چند نفر و دارای چه اوصافی هستند؟

بر اساس روایات، اصحاب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از مناطق و اقوام مختلف بوده و تعداد آنان ۳۱۳ نفر می باشد که هنگام ظهور خدمت حضرت مشرف و گرد شمع وجودش جمع می شوند.

امیر مؤمنان علی علیه السلام در توصیف اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است: «آنان از نظر شایستگی ها بر اوج رفیعی هستند نه از نسل های گذشته کسی بر آنان پیشی گرفته است و نه از آیندگان کسی به مقام والای آنان می رسد»^۱.

این افراد از ویژگی های برجسته برخوردارند که در روایات این گونه به آنها اشاره شده است: «رِجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ زُبُرَ الْحَدِيدِ لَا يَشْوِبُهَا شَيْءٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ، لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَا زَالُوها... رِجَالٌ لَا تَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ، يَبِيتُونَ قِيَاماً عَلَى أَطْرَافِهِمْ و...»^۲

در این روایت به هفت ویژگی برجسته اشاره شده است:

۱. آنها مردانی هستند که دل های شان همانند قطعه های

آهن است.

۱. «لم يسبقهم الأولون ولا يدرکهم الآخرون»، قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق کرمی حسینی، ص ۶۱۷، قم، انتشارات الهدی.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۲. هرگز دچار شک و تردید نمی‌شوند و یقین به خداوند همه وجودشان را فراگرفته است.

۳. مردانی سخت‌تر از صخره‌ها، اگر به کوه‌ها روی آورند آنها را از جای برکنند.

۴. این شیرمردان شب‌ها بیدارند و زمزمه قرآن و نمازشان چون صدای زنبوران عسل می‌ماند و تا بامداد به عبادت خدای می‌پردازند.

۵. آنان راهبانان شب و شیران روزند.

۶. این مردان تنها از خدا می‌ترسند و فریاد لا اله الا الله آنان بلند است.

۷. و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدا هستند و....

قندوزی در تفسیر آیه **﴿وَلَيُنْ أَخَرُنَا عَنْهُمُ الْعَذَابُ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ﴾**^۱ از امام باقر و امام صادق عليهما السلام نقل کرده است: همانا امت معدوده، ۳۱۳ نفر از اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در آخر الزمان هستند همانند عدد اهل بدر، اینان در یک ساعت اجتماع می‌کنند.^۲

جابر جعفی از امام باقر عليه السلام روایت نموده است:

۱. سوره هود، آیه ۸.

۲. امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۰۸.

«یبایع القائم بین الرکن و المقام ثلاث مائة و نیف عدة اهل بدر فیهم النجباء من اهل مصر و الابدال من اهل الشام و الاخبار من اهل العراق فیکیم ما شاء الله أن یقیم»؛^۱ بین رکن و مقام سیصد و اندی به عدد اهل بدر با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت خواهند کرد در میان آنها نجیبانی از اهل مصر و ابدالی از اهل شام و اخباری از اهل عراق وجود دارند، آن گاه دین را تا زمانی که خدا بخواهد بر پا خواهند داشت. بر اساس روایتی از امام باقر علیه السلام، پنجاه نفر از آن سیصد و سیزده نفر یاران مخصوص امام زمان، زن هستند که در مکه خود را در اولین فرصت به امام می‌رسانند چنان که فرمود: «... سوگند به خدا سیصد و اندی نفر مرد می‌آیند در میان‌شان پنجاه نفر زن هستند، در غیر موسم حج در مکه اجتماع می‌کنند (بی آن که قبلاً وعده داده باشند) آمدن‌شان هم چون ابرهای پاییزی است که با حرکات تند می‌آیند و در آن مرکز جمع می‌شوند».^۲

همان گونه که در روایات فوق دیگر روایات در این باب ملاحظه می‌گردد توضیحی پیرامون این مطلب که آیا این مجموعه از یاران حضرت پیش از این هم به محضر حضرت شرفیاب شده‌اند یا نه، داده نشده است، البته در برخی

۱. شیخ طوسی، الغیبة، ص ۴۷۷، مؤسسه معارف اسلامی قم، ۱۴۱۱ ق.

۲. «و یجیء و الله ثلاث مائة و بضعة عشر رجلاً فیهم خمسون امرأة یجتمعون بمكة علی غیر مبعاد قزعا کقزع الخریف...» عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ص ۶۵، چاپ خانه علمیه تهران، ۱۳۸۰ ق.

روایات از حضور حضرت خضر در میان یاران خاص حضرت سخن به میان آمده که در زمان غیبت هم حضرت را همراهی می‌کند؛ لذا نمی‌توانیم به طور کلی اظهار نظر نماییم ممکن است در میان آنان افرادی باشند که به ملاقات حضرت نرسیده باشند.

زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و مکان آن کجاست؟

پس از وفات جناب ابوالحسن علی بن محمد سمری، چهارمین نائب خاص امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دوره غیبت کبری آغاز شد و تاکنون ادامه دارد. ظهور و قیام امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در پایان این دوره و به فرمان خدای متعال خواهد بود، پیشوایان معصوم ما، در روایات بسیاری تصریح فرموده‌اند که نمی‌توان وقت خاصی را برای ظهور تعیین نمود و فقط خدا به آن آگاه است. ناگهان و به فرمان خدا واقع خواهد شد، و هر کس تعیین وقت کند دروغ‌گوست.

«فضیل» از امام باقر علیه السلام پرسید: آیا برای این امر وقتی تعیین می‌شود؟ امام سه بار فرمود: «کذب الوقاتون»؛^۱ تعیین کنندگان وقت دروغ‌گویند.

«اسحاق بن یعقوب» نامه‌ای توسط محمد بن عثمان عمری خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فرستاد و سؤالاتی نمود. امام در فرازی از پاسخ، در مورد وقت ظهور فرمود: «و اما ظهور الفرّج، فانه الى الله تعالى ذكره و كذب الوقاتون»؛^۲ و اما ظهور فرج به فرمان خدای متعال وابسته است، و تعیین کنندگان وقت دروغ‌گویند. البته منظور از تعیین وقت، تعیین دقیق وقت ظهور است، و

۱. شیخ طوسی، کتاب غیبت، ص ۲۶۱ و حسینی، سید حسین، یاد محبوب، نشر آفاق، ص ۷۸.

۲. کمال الدین، ج ۲، ص ۱۶۰، ح ۴.

این گونه تعیین وقت را پیشوایان معصوم علیهم السلام به هیچ وجه جایز نشمرده‌اند و آن را از اسرار الهی دانسته‌اند، ولی علامات را ذکر فرموده‌اند که چون آنها واقع شوند نزدیک بودن ظهور را نوید می‌دهند.^۱

و افزون بر ذکر نشانه‌های حتمی و غیرحتمی برای ظهور، زمان ظهور و وقت آن به شکل کلی و غیرمعین (مانند: روز و سال آن) نیز در روایات ذکر شده است که هرگز به معنای تعیین دقیق زمان ظهور که در روایات از آن نهی شده نمی‌باشد.

عَلَّاهُ تَعَالَى
فَرَجَهُ الشَّرِيفُ

روایات مختلفی درباره زمان (قیام) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف به شکل کلی و غیرمعین وجود دارد. در برخی، از نوروز به عنوان روز آغاز قیام یاد شده است.^۲ برخی احادیث دیگر روز عاشورا و روز شنبه را آغاز قیام آن حضرت ذکر کرده است.^۳ و در تعداد دیگری روز جمعه، روز ظهور و آغاز قیام آن بزرگوار بیان شده است.^۴

در هم‌زمانی نوروز با عاشورا اشکالی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا نوروز طبق سال شمسی و عاشورا بر اساس سال قمری محاسبه می‌شود و یکی شدن این دو روز امکان‌پذیر است.

۱. پیشوای دوازدهم حضرت حجة ابن الحسن المهدی، هیات تحریریه مؤسسه در راه حق.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۰۸.

۳. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۷۹.

و نیز هم‌زمانی این دو روز با جمعه یا شنبه نیز ممکن است، چه آن که ممکن است عاشورا و نوروز هر دو یا روز جمعه و یا شنبه باشد. آنچه مشکل و متنافی به نظر می‌رسد، ذکر دو روز شنبه و جمعه از هفته به عنوان روز قیام است. ولی می‌توان این دسته از روایات را نیز توجیه کرد و به نحوی میان آن جمع نمود؛ زیرا اگر سند این روایات صحیح باشد، در این صورت احادیثی که جمعه را روز ظهور حضرت تعیین کرده است بر روز قیام و ظهور حمل می‌شود و روایاتی که شنبه را روز قیام می‌داند، بر روز استقرار و تثبیت نظام الهی مهدوی و نابودی مخالفان تفسیر می‌شود.^۱

به هر حال ظهور امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ابتدا به وسیله منادی آسمانی اعلام می‌گردد، آن حضرت در حالی که پشت به کعبه داده است، با دعوت به حق، ظهور خود را اعلام می‌دارد.

از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است که فرمود: «حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ در مکه به هنگام نماز عشاء ظهور می‌کند، در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را همراه دارد و چون نماز عشاء را خواند، فریاد بر می‌آورد:

ای مردم! شما را به یاد خدا و به حضورتان در برابر خدا (در روز قیامت) متذکر می‌شوم، در حالی که حجتش را (در دنیا) بر شما تمام کرده است و پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را

۱. طبسی، نجم‌الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ، ص ۶۳.

فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می‌دهد که به او شرک نورزید و فرمان بر او و پیامبران‌ش باشید. آنچه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیاء و زنده کنید و آنچه را که امر به نابودی آن کرده است، نابود سازید و یاوران راه هدایت باشید و بر تقوا و پرهیزکاری همکاری نمایید؛ زیرا دنیا، فنا و زوالش فرا رسیده و نفخه وداع سر داده است. من شما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیاء و زنده ساختن سیره پیامبر اعظم ﷺ دعوت می‌کنم، آن‌گاه در میان سیصد و سیزده نفر از یاران‌ش ظهور می‌کند»^۱ بنابر این با توجه به روایات وارده در این باب می‌توان گفت که ظهور آن منجی الهی در شبانگاه روز شنبه و یا جمعه هنگام نماز عشاء خواهد بود. البته حقیقت امر در نزد خداوند متعال است و او بهتر می‌داند.

یاران حضرت

بر اساس روایات زیادی، وقتی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌کنند تعداد یاران خاص آن حضرت ۳۱۳ نفر به تعداد جنگجویان بدر خواهد بود، چنان‌که ابان بن تغلب می‌گوید: در مکه در مسجدی خدمت امام صادق علیه السلام بودم و دستم در دست آن حضرت بود که فرمود: ابان! خداوند ۳۱۳ مرد را در این مسجد بیاورد...، شمشیرهایی حمایل کرده‌اند که بر هر

۱. ابن طاووس، ملاحم، ص ۶۴ و ابن حماد، فتن، ص ۹۵.

يك نام شخص و نام پدر و اوصاف و نسب اش نوشته شده است، سپس دستور می دهد شخصی فریاد بزند: این مهدی است به حکم حضرت داود و سلیمان حکم می کند و گواه نمی خواهد و در وصف این افراد در روایت می فرماید:

«رِجَالٌ كَانَتْ قُلُوبُهُمْ رُبْرُ الْحَدِيدِ لَا يَشَوُّبُهَا شَيْءٌ فِي ذَاتِ اللَّهِ، أَشَدُّ مِنَ الْحَجَرِ، لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَزَالُوهَا... رِجَالٌ لَا تَنَامُونَ اللَّيْلَ، لَهُمْ دَوَى فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوَى النَّحْلِ، يَبِيتُونَ قِيَامًا عَلَى أَطْرَافِهِمْ و...»؛^۱ آنها مردانی هستند که دل های شان همانند قطعه های آهن است، هرگز دچار شك و تردید نمی شوند و یقین به خداوند همه وجودشان را فرا گرفته است، مردانی سخت تر از صخره ها، اگر به کوه ها روی آورند آنها را از جای بر کنند...، این شیرمردان شب ها بیدارند و زمزمه قرآن و نمازشان چون صدای زنبوران عسل می ماند و تا بامداد به عبادت خدای می پردازند،... آنان راهبانان شب و شیران روزند،... این مردان تنها از خدا می ترسند و فریاد لا اله الا الله آنان بلند است و همواره در آرزوی شهادت و کشته شدن در راه خدایند و...»

از طرف دیگر از بعضی از روایات استفاده می شود که تعداد یاران امام عَلَيْهِ السَّلَام هنگام ظهور بیشتر از ۳۱۳ نفر است، در وجه جمع بین این دو دسته از روایات باید گفت آن

دسته از روایاتی که دلالت دارند بر ۳۱۳ نفر، مراد از ۳۱۳ نفر یاران خاص امام عَلَيْهِ السَّلَام است که مسئولیت‌های مختلف لشکری و کشوری، دولت کریمه آن حضرت را به عهده دارند و امام عَلَيْهِ السَّلَام آنها را برای رتق و فتق امور به بلاد مختلف روانه می‌کند، چنان‌که از روایات بر می‌آید این تعداد از اصحاب و یاران خاص اختصاص به آن زمان ندارد، بلکه از زمان‌های گذشته هم افراد مخلص رجعت خواهند کرد و شاهد بر این مطلب رجعت حضرت عیسی مسیح عَلَيْهِ السَّلَام است که به امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام اقتدا می‌کند.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. چشم‌اندازی به حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، نجم الدین

طبسی

۲. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی

۳. منتخب الأثر، آیت الله صافی گلپایگانی

عوامل پیروزی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بر قدرتها در عصر ظهور چیست؟

عصر ظهور، پایان انتظاری است که بشریت در طول تاریخ منتظر آن بوده‌اند. بشریتی که انواع ظلم‌ها و ستم‌ها و ناامنی‌ها را با چشم خود دیده و آنها را با اعماق وجود درک کرده‌اند، به طوری که اکثر مردم از این وضعیت خسته شده و منتظر عدالت‌گستری هستند که در برابر ابرقدرت‌ها و سلطه‌گران قیام نموده و مردم را از قید مادّی‌گری و ناامنی‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌رها ساخته و عدالت را در جهان بگسترانند. تحقق پیروزی حضرت در مقابل دشمنان، وابسته به عواملی است که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

عامل اول: مقبولیت و حمایت مردمی

در زمان ظهور، مردم به لحاظ عدم اعتماد به سردمداران و ابرقدرت‌های زمان خودشان، دست از حمایت آنان برداشته و به حمایت از منجی موعود می‌پردازند؛ زیرا ابرقدرت‌ها و سردمداران حکومت‌ها در اداره جامعه و تأمین امنیت جامعه ناتوان می‌باشند. و از طرفی مردم از استعمار و بازی‌های خطرناک سیاسی خسته شده‌اند و تمام مکتب‌های سیاسی را آزمایش کرده و می‌فهمند که هیچ یک از این مکتب‌ها توانایی اداره کشورها را ندارند در چنین شرایطی مردم از هر جهت آماده درک حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردیده و به حمایت از چنین منجی می‌پردازند.

معصوم بودن و خالی از اشتباه و گناه بودن حضرت عامل دیگر حمایت‌های مردمی می‌باشد؛ زیرا زمانی که مردم بفهمند رهبر و پیشوای آنها معصوم می‌باشد و بیراهه نمی‌رود و در راه تأمین امنیت و عدالت هیچ خطایی ندارد حمایت‌های مردمی بیشتر شده، امید در بین مردم روز به روز زیادتر می‌شود؛ زیرا تجربه تاریخی این مطلب را به اثبات رسانده است که زمانی که رهبر یک امت و گروهی، فردی مؤمن و معصوم باشد مردم حمایت خود را از آن رهبر دریغ نمی‌نمایند.

عامل دوم: یاران با ایمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

هر رهبری برای این که در مقابل دشمن صف‌آرایی کرده و با دشمن مقابله کند نیاز به لشکر و نیروهایی دارد که از هر لحاظ آمادگی کامل جهت جنگ با دشمن را داشته باشند. نیروها و یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز از ملیت‌های گوناگون به هنگام قیام با شیوه‌های خاصی فرا خوانده می‌شوند. افرادی که برای فرماندهی لشکریان و عملیات‌های جنگی تعیین شده‌اند، در روایت‌های گوناگونی به خصوصیات روحی و رزمی آنها اشاره شده است:

(الف) ابو بصیر می‌گوید: مردی از اهالی کوفه از امام صادق عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسید: چند نفر با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام می‌کنند، مردم می‌گویند همراهان حضرت به تعداد

سربازان بدر؛ یعنی ۳۱۳ تن هستند. حضرت فرمود: حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمی‌کند مگر با ارتش قوی و نیرومندی که کمتر از ده هزار نیروی رزمنده نخواهد داشت.^۱

ب) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برای حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف گوشه و کنار جهان به تعداد اهل بدر جنگجو گرد می‌آیند و...^۲

ج) امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جوان هستند و پیر و کهنسال در میان آنها وجود ندارد جز تعداد اندکی.^۳

د) امام سجاد علیه السلام فرمود: آن گاه که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند خداوند سستی و ضعف را از شیعیان ما دور کند و دل‌های‌شان را چون پاره‌های آهن محکم و استوار می‌نماید.^۴

بنابر این، قدرت و شجاعت یاران امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله عواملی است که حضرت در برابر قدرت‌های سلطه‌گر پیروز می‌شود و از طرفی وجود یارانی مانند حضرت عیسی علیه السلام و اصحاب کهف در جمع سپاهیان حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف علاوه بر افزودن روحیه و امید در میان سپاه حضرت، باعث جذب مسیحیان و اهل کتاب به لشکر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شود.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، دارالکتب الإسلامیه، قم، ۱۳۵۹ق، ج ۲، ص ۶۵۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۴.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷ و کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۳.

عامل سوم: امدادها و عنایات الهی

شکی نیست که کسی که در راه اهداف والای الهی قدم بر می‌دارد و جهت نصرت دین الهی حرکت می‌کند از عنایات و امدادهای الهی بهره‌مند می‌شود. از آن جا که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در راه ترویج آئین الهی و هدایت مردم به سوی آفریدگار جهان قدم بر می‌دارد از این قاعده مستثنی نیست، لذا خداوند متعال حضرت را در پیروزی برابر قدرت‌ها کمک می‌کند و عنایات خویش را از حضرت دریغ نمی‌کند از جمله امدادهای الهی در پیروزی حضرت بر دشمنانش عبارت‌اند از:

۱. ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن

یکی از راه‌های نفوذ بر دشمن که در علم نظامی از آن بهره‌گیری فراوان می‌شود ایجاد ترس و خوف و رعب در دل دشمن است تا از این راه تسلیم گردد. خداوند متعال آن‌چنان رعب و وحشتی در دل دشمنان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌اندازد که توان استقامت در مقابل حضرت و لشکریانش را از دست داده و تسلیم می‌شوند و سلاح‌های خود را بر زمین گذارده و فرار می‌کنند. لذا حضرت و لشکریانش «منصور بالرعب» هستند. چنان‌چه شواهد تاریخی بر این گونه پیروزی‌ها وجود دارد که سپاهی با مشاهده قدرت مسلمانان متزلزل و مرعوب شده و شکست می‌خورند که نمونه بارز آن جنگ بدر می‌باشد.

در مورد پیروزی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله رعب و وحشت روایاتی وجود دارد:

امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال او را با سه لشکر یاری خواهد کرد ملائکه، رعب و وحشت، مؤمنین»^۱.

امام باقر علیه السلام هم در این مورد می فرماید: «همه سنن انبیاء در امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارد، ولی از سنت های جدش مصطفی صلی الله علیه و آله قیام به شمشیر و جاری شدن رعب و وحشت است»^۲.

۲. تأیید از جانب ملائکه

چنان چه در جنگ های رسول اکرم صلی الله علیه و آله، حضرت مورد عنایت خداوند قرار داشته و توسط ملائکه یاری می شد در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف توسط ملائکه یاری می شود. فرشتگانی که با نوح علیه السلام در کشتی و با ابراهیم خلیل علیه السلام در آتش و با عیسی علیه السلام در هنگام عروج به آسمان همراه بودند و هم چنین چهار هزار فرشته به یاری آن حضرت می شتابند و آن فرشتگانی که در سرزمین کربلا فرود آمده بودند تا در رکاب امام حسین علیه السلام بجنگند ولی اذن این کار را نیافتند، به کمک حضرت می آیند؛ به طوری که امام باقر علیه السلام فرمودند: جبرئیل در سمت راست حضرت و میکائیل در سمت چپ حضرت

۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم، غیبت نعمانی، ص ۱۲۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷، ح ۶.

حرکت می‌کنند.^۱ هم‌چنین از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت است که فرمودند: خداوند با سه هزار ملائکه او را (قائم عَلَيْهِ السَّلَام) یاری خواهد کرد.^۲

۳. ظهور ناگهانی و غفلت دشمنان

یکی از تاکتیک‌های نظامی، اصل غافل‌گیری و هجوم ناگهانی است که در پیروزی‌ها و شکست دشمن تأثیر به‌سزایی دارد. مطابق روایات حضرت هنگامی ظهور می‌کند که دشمنان، همه از ظهور او غافل هستند، به طوری که فرصت آمادگی نیروها و جمع‌آوری نیروهای رزمی و زرهی را از دست می‌دهند، لذا خود حضرت در توقیعی به شیخ مفید. رحمه الله. می‌فرماید: «همانا امر ما (ظهور) به طور ناگهانی است.»^۳

بنابر این حضرت به واسطه عواملی که ذکر شد و نیز غیر اینها از اموری که ممکن است بر ما پوشیده باشند، بر ابر قدرت‌ها و سلطه‌گران و استعمارگران فائق گشته و عدالت را در جامعه برپا می‌کند و در اجتماع توازن و برابری برقرار می‌کند و این خود عاملی است که جامعه بشری اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان جذب برنامه‌های عدالت‌محور حضرت می‌گردند.

۱. ر.ک: طوسی، نجم‌الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، بوستان کتاب، ص ۱۳۱-۵۳۱.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۹.

۳. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۹.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. موعودشناسی، علی اصغر رضوانی

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی.

۳. امامت و مهدویت، آیت الله صافی گلپایگانی

۴. حکومت جهانی حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، آیت الله مکارم

شیرازی

۵. مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام، علامه مجلسی (ترجمه علی

دوانی)

چرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور مسجدها را خراب می‌کند؟

در ضمن این سؤال مطلبی که مسلم فرض شده است مسأله تخریب مساجد بعد از ظهور توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و آنچه از این پیش فرض متصور می‌گردد تخریب همه مساجد توسط حضرت است؛ چرا که در سؤال اشاره به مسجد یا مساجد خاصی نشده است.

با توجه به این مطلب ضروری است که برای روشن شدن پاسخ این سؤال، ابتداء با توجه به منابع روایی اصل مسأله تخریب مساجد را مورد کنکاش قرار دهیم و در ضمن نتایج به دست آمده به چرایی تخریب بپردازیم. آنچه از روایات در مورد تخریب نمودن مساجد توسط امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به دست می‌آید به شکل آتی و در قالب تقسیم‌بندی ذیل قابل ارائه است:

۱. مساجد اربعه

در روایات آمده است که: «إذا قام القائم دخل الكوفة و امر بهدم المساجد الأربعة»؛^۱ وقتی که قائم قیام می‌کند داخل کوفه می‌شود و امر می‌کند که مساجد چهارگانه را خراب کنند. این که این مساجد چهارگانه کدام مساجد هستند و چرا حضرت دستور به تخریب آنها می‌دهند، به نظر می‌رسد

۱ . مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ص ۳۳۳.

که منظور همان چهار مسجدی است که سران لشکر یزید پس از این که امام حسین علیه السلام را به قتل رساندند به شکرانه قتل امام در کوفه ساختند. البته این مساجد امروزه موجود نیستند، ولی ممکن است پیش از ظهور حضرت قائم به دست عده‌ای که از دشمنان اهل بیت علیهم السلام تجدید بنا شوند. این مساجد در حدیثی از امام باقر علیه السلام مورد اشاره قرار گرفته‌اند، آن جا که حضرت می‌فرمایند: «جددت اربعة مساجد بالكوفة فرحاً لقتل ال حسين علیه السلام: مسجد الأشعث و مسجد جریر، مسجد سماک، مسجد شبت بن ربیع»؛^۱ در کوفه به شکرانه قتل حسین علیه السلام چهار مسجد ساخته شد: مسجد شعث، مسجد جریر، مسجد سماک، مسجد شبت بن ربیع.

در صورتی که مراد از مساجد چهارگانه، همین چهار مسجد باشد، علت تخریب آنها این گونه قابل تبیین است که مساجدی که بر پایه دشمنی با اهل بیت علیهم السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بغض خاندان رسالت و به شکرانه قتل فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله بنا کردند در واقع پایگاه دشمنی با اسلام و اهل بیت علیهم السلام و سنگ بنای جدایی خاندان رسالت از مکتب اسلام و به انحراف کشیدن این دین کامل آسمانی‌اند و نمی‌توان آنها را خانه خدا و محل پرستش و تسبیح و تقدیر او

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ سوم، ۱۳۶۷ش، ج ۳، ص ۴۹۰.

دانست؛ بنابر این شایسته تخریب و فروپاشی‌اند.

۲. مسجد ضرار و مساجد تفرقه‌افکن

در سال نهم هجری عده‌ای از منافقان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اجازه خواستند تا مسجدی را در محلی که کمی دورتر از مسجد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود بنا کنند. بهانه آنها این بود که افراد ناتوان و پیر که توان آمدن به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله را ندارند در این مسجد نماز بخوانند. حضرت به ایشان اجازه ساخت مسجد را داد و سپس عازم جنگ تبوک شد، ولی هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این جنگ بازگشتند خداوند در ضمن آیات ۱۰۷ تا ۱۱۰ سوره توبه پرده از اسرار منافقان برداشت و پیامبر نیز دستور داد که آن مسجد را بسوزانند و تخریب کنند.

قصه از این قرار بود که یک راهب مسیحی به نام ابو عامر که از جایگاه اجتماعی رفیعی در بین مردم یثرب (مدینه) برخوردار بود، پس از هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه با از دست دادن جایگاه پیشین خود در بین مردم نسبت به حضرت حسد ورزید و به مبارزه با اسلام پرداخت. او مشرکان مکه را به جنگ با پیامبر فرا خواند، ولی پس از فتح مکه به طائف رفت و وقتی اهل طائف هم مسلمان شدند به شام رفت.

ابو عامر برای مبارزه با حضرت به سوی روم رفت تا از رومیان بر علیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کمک بگیرد. او به منافقین مدینه

پیغام داد که زمینه فعالیت‌های بعدی مرا در مدینه فراهم کنید و این کار را در قالب احداث مسجدی (مسجد ضرار) انجام دهید تا مورد سوء ظن واقع نشوید، من نیز بالشکریان روم برای اخراج محمد ﷺ از مدینه به شما ملحق شوم.^۱

بنابر این ساختن مسجد ضرار به منظور فعالیت‌های منافقانه و بسترسازی مبارزه با اسلام و پیامبر بود که نبی اکرم ﷺ با وحی الهی از خیانت بانیان آن مطلع گردید و دستور تخریب مسجد را صادر نمود. همان طور که مشخص است مسجد ضرار در واقع مسجد نفاق، پایگاه منافقین و کانون تفرقه‌افکنی بین مسلمین بود و با هدف فعالیت‌های ضد اسلامی بنا گردید.

بنابر این پیامبر اکرم ﷺ دستور تخریب آن را صادر کرد. در عصر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مساجدی که مساجد نفاق و کانون فعالیت‌های ضد اسلامی باشند به دلایل پیش گفته شایسته تخریب خواهند بود و تخریب خواهند شد.

۳. مساجدی که در مسیر جاده و راه قرار دارند

روایت آمده است که وقتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می‌نماید، «یهدم کل مسجد علی الطريق»^۲؛ مساجدی را که در مسیر و راه قرار دارند خراب می‌کند.

۱ . محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، چاپ اول، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۲۶.

۲ . نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه نشر اسلامی، بی‌جا، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۵۲۲.

مساجدی را که در مسیر عبور و مرور مردم قرار داشته و معاش مردم را در رفت و آمد مختل نمایند و یا به جهت قرار داشتن در میان جاده، مخاطراتی را برای عابرین در مسیر به وجود بیاورند، به جهت جلوگیری از زیان‌های نام‌برده تخریب می‌گردند و صد البته که در مکانی مناسب‌تر در حالی که زیانی را متوجه معاش و عبور مردم نمی‌کنند مساجد دیگری بنا می‌گردند و به طور قطع فقدان مساجد تخریب شده به دلیل مذکور از حیث مرکزیت عبادت و کانون تقوا و بندگی بودن احساس نخواهد شد.

این مسأله در مورد مساجد این چنینی اختصاص به عصر ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّيْفَ ندارد و هم اکنون نیز در صورتی که تمامی راه‌های دیگر برای دفع زیان‌های حاصل از استقرار یک مسجد در وسط جاده و خیابان پر تردد کارگرواقع نشوند ولیّ فقیه برای حفظ نظام اجتماعی و معاش و عبور مردم و دفع مخاطرات اجتماعی دستور به تخریب چنین مساجدی می‌دهد.

۴. بدعت‌های معماری در مسجد و مساجد

با مراجعه‌ای به تاریخ صدر اسلام در می‌یابیم که مساجد اولیه دارای بنایی بسیار ساده به شکل یک چهار دیواری با ارتفاعی متوسط و بعضاً حتی فاقد سایه‌بان بودند و در بنای آنها خبری از مناره و مقصوره و کنگره و محراب نبوده است. لکن در طول قرون متمادی به تدریج بنای مساجد اسلامی

متحول گردید و برخی از سازه‌های معماری به بنای مساجد اضافه گردید که بعضاً فاقد تأیید ائمه علیهم‌السلام و حتی مشمول نهی ایشان گردیده‌اند، ولی به جهت این‌که این بدعت‌های معماری به دستور جبّاران و حاکمان وقت و حمایت آنها ساخته می‌شدند مخالفتی نسبت به بدعت‌های ایشان اظهار نمی‌گردید و یا در صورت اظهار مخالفت نیز ترتیب اثری داده نمی‌شد. در ذیل به برخی از این بدعت‌های معماری در بنای مساجد اشاره می‌کنیم که احتمالاً پس از ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تخریب خواهند شد:

الف) مناره‌های بلند

آنچه مسلم است مساجد اولیه اسلامی فاقد مناره بوده‌اند. امروزه مناره مساجد برای پخش اذان یا اذان گفتن توسط مؤذن استفاده می‌شود، ولی در صدر اسلام اذان را بر بام محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌گفتند. این در حالی است که برخی قائل‌اند که اصل بنای مناره از بناهای مرتفع آتش‌پرستان اقتباس گردیده که در آن آتش می‌افروختند تا مردم آتش را از دور ببینند و پرستش کنند. پس از این‌که مسلمانان سرزمین‌های آتش‌پرستان را تصرف کردند از بناهای مرتفع محل آتش برای اذان استفاده نمودند و بعدها این بنا را به بنای مسجد اضافه کردند.^۱

۱. محدثی، جواد، هنر در قلمرو مکتب، ص ۲۲۰.

گذشته از این، ساختن مناره‌های بلند به موجب این که باعث اشراف داشتن مؤذن بر خانه‌های اطراف مسجد می‌شود، امنیت و آسایش و حریم همسایگان مسجد را سلب می‌کند، بنابر این در فقادی فقها سخن از کراهت بالا بودن مناره از سطح مساجد است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام در مورد مناره‌های بلند مساجد می‌خوانیم: «ان علیا رضی الله تعالی عنه مَرَّ علی منارة طویلة، فامر بهدمها، ثم قال: لا ترفع المنارة الامع»؛^۱ امیر مؤمنان علی علیه السلام بر مناره بلندی عبور کرد، پس امر کرد که آن را تخریب کنند سپس فرمود: مناره بالاتر از سطح مسجد نباشد.

در حاشیه کتاب شریف من لا یحضره الفقیه در مورد علت این فرمان امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است که حرمت بنای مناره‌های بلند به جهت حرمت اشراف بر خانه‌های مسلمانان است.^۲

ب) مقصوره‌ها

مقصوره اطاقکی است دارای یک دریچه که امام جماعت درون آن به نماز می‌ایستد و مردم تنها از طریق آن دریچه می‌توانند امام را ببینند.

۱. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، قم، موسسه نشر اسلامی، بی‌جا، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲. همان. ۲

این جایگاه خاص امام جماعت که بین او و مردم فاصله و حایل ایجاد می‌کند بیشتر جنبه ایمنی دارد و ریشه تاریخی آن به تدابیر امنیتی امثال عثمان و معاویه و مروان بن حکم بر می‌گردد که به منظور جلوگیری از خطر ترور آنها در نماز اقدام به احداث مقصوره در مسجد کردند. به عنوان مثال عثمان که بعد از عمر به خلافت دست یافت چون عمر را در محراب نماز مضروب کرده بودند و همین باعث مرگ او شد، مقصوره‌ای برای خود ساخت تا از این جهت در امان باشد.

گذشته از بدعت بودن بنای مقصوره، نکته قابل توجه، بطلان نماز اقتدا کنندگان به امام جماعت داخل مقصوره است؛ چرا که مقصوره بین امام جماعت و مأمومین حائل ایجاد می‌کند. در این زمینه روایتی از امام باقر علیه السلام وارد شده است که می‌فرماید: «هذه المقاصير انما احداثها الجبارون و ليس لمن صلى خلفها مقتديا بصلاة من فيها صلاة»؛^۱ این مقصوره‌ها همانا به دست جباران ساخته شده‌اند و کسی که پشت آنها نماز بخواند در حالی که به نمازگزار داخل آنها اقتدا کرده نمازش باطل است.

ج) کنگره‌ها

کنگره در واقع برآمدگی‌های مجرای شکل بالای دیوارها و به تعبیر دندان‌های بالای دیوارها است که در زبان عربی به آن

۱. همان، ص ۳۸۶.

شرفه گفته می‌شود. در روایات مختلفی از کنگره‌دار ساخته شدن مساجد منع گردیده است. به عنوان نمونه در روایت آمده است که امیر مؤمنان علی علیه السلام مسجدی را در کوفه مشاهده کرد که بسیار بلند و کنگره‌دار ساخته شده بود، آن گاه فرمود: «کانه بیعة، ان المسجد تنبی جمالا تشرف»؛^۱ گویا کنیسه یهودیان است! مساجد به صورت ساده ساخته می‌شود نه کنگره‌دار. در روایت دیگری که از ابن عباس نقل شده آمده است: «امرنا ان نبنی المدائن شرفا و المساجد جما»؛^۲ به ما امر شده است شهرها را کنگره دار، ولی مساجد را ساده بسازیم. با توجه به این روایات دور از ذهن نیست که حضرت صاحب الامر پس از ظهور، مساجدی را که کنگره‌دار ساخته شده‌اند تخریب نمایند.

د) زینت‌ها، تصاویر، تجملات و مظاهر اشرافیت در مساجد

در دوره حکومت امویان هم‌زمان با تبدیل خلافت اسلامی به سلطنت موروثی که به تدریج رویه تجمل‌گرایی و کاخ‌نشینی در میان سردمداران و حاکمان وقت کشورهای اسلامی رو به افزایش گذاشت، مساجد مسلمانان نیز در جریان این تحولات و در نوعی رقابت با کلیساهای غربی قصرهای حکومتی آنها دچار تجمل و زینت‌های

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام چاپ دوم، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۱۵.

۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۵۳.

اسراف گرایانه شد. به عنوان مثال زمانی که معاویه به خلافت رسید دست به بنای مساجدی پر شکوه و شامخ زد که از معابد بت پرستان و کلیسای مسیحیان که در مصر و شام بود کمتر نباشد.^۱

البته انگیزه غالب در این تجمل گرایی در مساجد، حک کردن نام خلیفه و امیر والی بر پیشانی ساختمان بود. این همه در حالی است که در روایت آمده است: «ابنو المساجد واجعلوها جما»؛^۲ مساجد را بسازید و آنها را ساده قرار دهید.

در فتاوی فقها نیز این گونه می خوانیم: «صرف موقوفات در آرایش و تزئین مساجد با طلا و رنگ آمیزی جایز نیست». در روایت دیگری می خوانیم: «سألت ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ فَتْرَةِ الشَّيْخِ فِي الصَّلَاةِ فِي الْمَسَاجِدِ الْمَصُورَةِ، فَقَالَ: أَكْرَهَ ذَلِكَ وَلَكِنْ لَا يَضُرُّكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَ لَوْ قَدْ قَامَ الْعَدْلُ لَرَأَيْتُمْ كَيْفَ يَصْنَعُ فِي ذَلِكَ»؛^۳ راوی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ در مورد نماز در مساجدی که مصوره شده اند می پرسد که حضرت می فرماید: آن را نمی پسندم ولی امروز برای شما ضرری ندارد، هنگامی که حکومت عدل برسد خواهید دید که با مساجد مصور چه خواهد کرد.

با توجه به قرینه «اکره ذلک» در روایت می توان نحوه

۱. محدثی، جواد، هنر در قلمرو مکتب، ص ۲۲۱.

۲. وسائل الشیعه، همان، ج ۵، ص ۲۱۶.

۳. کافی، همان، ج ۳، ص ۳۶۹.

برخورد با این گونه مساجد را در عصر ظهور به تخریب کلی یا لااقل جزئی (فقط تصاویر و تجملات) حمل نماییم.

در پایان اشاره به این نکته خالی از لطف نیست که آباد بودن مساجد مسلمانان به هزینه‌های گزاف معماری و تجملات و خرج‌های اسراف‌گرانه در ساختمان آنها نیست، بلکه آباد بودن مساجد به نماز و دعاست، به مرکزیت آنها برای امور دین و پایگاه بودن آنها برای مسلمین است، به حضور نمازگزاران و مواظب ائمه جماعات و حلقه‌های علمی و معرفتی دایر در آن است. مساجد صدر اسلام همان طور که اشاره کردیم از نظر بنا بسیار ساده بودند، ولی از نظر تعظیم شعائر اسلامی و تبلیغ دین و جلوه‌های عرفانی و الهی بهترین مساجد اسلامی بودند، بنابر این آبادترین مساجد بوده‌اند.

در برخی از روایات ذکر شکایت مساجدی است که در روز قیامت از مخروبه بودن خود به خداوند شکایت می‌کنند و می‌گویند کسی در ما نماز نمی‌خواند.^۱ چه بسا این مساجد از نظر بنا و ساختمان زیباترین بوده‌اند، ولی از نظر شعائر الهی و فعالیت‌های دینی و نماز متروک و مهجور بوده‌اند.

در پایان همان طور که در مباحث فوق گذشت برخی از مساجد در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وجود دارند که

به طور کلی یا به نحو جزئی سزاوار تخریب هستند و حضرت بنا به دلایل پیش گفته دستور تخریب آنها را خواهند داد، لکن این تصور که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور تمامی مساجد را تخریب خواهند نمود و یا حتی برخی از مساجد را بدون آن که مصالحی در انهدام آنها یا مفاسدی در بقای آنها باشد، خراب خواهند کرد تصویری غلط و ناصواب است. بلکه آنچه مسلم است آبادی واقعی مساجد اسلام در سراسر جهان در عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است به این معنا که بر پایی حکومت جهانی حضرت مساجد جایگاه دینی و معنوی از دست رفته خود را باز خواهند یافت و مانند مساجد صدر اسلام تبدیل به پایگاه امن مسلمانان و کانون تبلیغ و ترویج دین اسلام و مرکز تعظیم شعائر الهی خواهند شد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. هنر در قلمرو مکتب، جواد محدثی

آیا درست است که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شامل «ظهور کبری» و «ظهور صغری» است؟ هر کدام به چه معنایی است؟

در پاسخ به این سؤال به مطلبی که از حضرت آیت الله مکارم بسنده می‌کنیم:

مطلبی که لازم است در این ایام به آن توجه پیدا کنیم سخنی است که در بعضی از نوشته‌هایم آورده‌ام و تمایل دارم که عمومی هم عرض کنم خصوصاً برای جوانان عزیز.

همان طور که برای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یک غیبت صغری و یک غیبت کبری است؛ یعنی درست مانند آفتاب وقتی می‌خواهد پنهان شود ابتدا قرص خورشید پشت افق پنهان می‌شود، ولی هوا نیمه‌روشن است و کم کم این روشنایی برچیده می‌شود و تاریک می‌شود، برای ظهورش هم یک ظهور کبری و یک ظهور صغری است؛ مانند موقعی که آفتاب می‌خواهد طلوع کند قرص خورشید هنوز پیدا نشده، اما هوا نیمه‌روشن است و بعد خورشید دیده می‌شود مرحله غیبت ایشان در دو مرحله واقع شده است و ظهور ایشان هم ظهور صغری و هم ظهور کبری دارد.

در ظهور صغری توجه مردم به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف زیاد می‌شود و همه جا صحبت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و جلسات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف پرشور می‌شود و بحث‌های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همه جا را می‌گیرد وضع طوری می‌شود که

مردم تشنه و آماده می‌شوند. ما تصور می‌کنیم که در این عصر و زمان ما ان شاء الله در بین الطلوعین ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار داریم.

من فراموش نمی‌کنم پنجاه سال قبل مؤسساتی که به نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بود خیلی کم بود و کتاب‌هایی که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده بود به اندازه امروز نبود و سخن از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این گستردگی نبود. اگر کسی چهل یا پنجاه سال قبل به مسجد جمکران می‌رفت در بهترین شب‌ها ده یا بیست نفر بودند، اما الان صدها هزار نفر در بعضی از شب‌های حساس هستند. ما به سوی طلوع کبری پیش می‌رویم.

اگر می‌خواهیم به آن ظهور کمک کنیم این ظهور صغری را توسعه دهیم، همین بحث‌های مختلف درباره حضرت را میان جوانان و بزرگ‌سالان و زنان و مردان و مسلمانان و غیر مسلمانان توسعه دهیم و به اینترنت بکشانیم. خلاصه با امواج، نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به همه دنیا برسانیم و این ظهور صغری را پر رنگ کنیم تا نام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در همه جلسات حضور پیدا کند. من معتقدم اگر این کار را بکنیم این یک مصداق عملی دعای تعجیل فرج می‌شود.^۱

۱ . فصل‌نامه علمی . تخصصی ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ، سال دوم ، شماره پنجم ، پاییز ۱۳۸۱ .

اصحاب امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف چند نفر هستند؟

برای آن که از آن قیام جهانی دورنمایی داشته باشیم نکات زیر را متذکر می شویم:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده یار ویژه دارد که هر کدام از آنان لیاقت اداره کشوری را طبق دستورات امام عجل الله تعالی فرجه الشریف دارند.^۱

۲. سپاه جنگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به آن سیصد و سیزده نفر خلاصه نمی شود، بلکه در روایات تعداد ارتشیان حضرت را از ده هزار نفر تا صد هزار نفر گفته اند.^۲ گفتنی است از روایات استفاده می شود هر يك از این ارقام نمایانگر تعداد نیروهای هستند که در برهه ای از زمان ظهور حضرت و یا در پیکار خاص در گوشه ای از جهان شرکت دارند.^۳

۳. قدر مسلم این است که مردم از حیث استعداد و افکار در ترقی و تکامل هستند و برای پذیرفتن حق آماده تر می گردند. اکنون شنیده می شود که بسیاری از روشن فکران شرق و غرب، توجه پیدا کرده اند که ادیان و مسلک های خودشان قدرت ندارند وجدان آنان را قانع سازند و در جستجوی آئینی هستند که از هر گونه عقاید فاسد و خرافات منزّه باشد.

۱. ابو جعفر محمد علی بن بابویه قمی، کمال الدین و تمام النعمه، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۶۵۴.

۲. مجلسی، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ج ۵۲، ص ۳۶۷-۳۷۰.

۳. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، بوستان کتاب، ویرایش دوم، ص ۱۰۵.

از طرفی اوضاع عمومی زمان ظهور را می‌توان چنین پیش‌بینی نمود که وقتی مهدی موعود عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ظاهر شد و حقایق اسلام را به جهانیان عرضه داشت و برنامه انقلابی و اصلاحی اسلام را به سمع آنان رسانید، بسیاری از مردم اسلام را قبول می‌کنند؛ زیرا از يك طرف استعداد مردم برای درك حقایق به حد کمال رسیده است و از طرف دیگر معجزاتی را به دست امام زمان عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى مشاهده می‌کنند و علاوه بر اینها اوضاع عمومی جهان را غیر عادی و فوق العاده می‌یابند و اعلام خطر رهبر انقلاب جهانی به گوش‌شان می‌رسد.

این اوضاع سبب می‌شود که مردم جهان فوج فوج به دست مهدی موعود عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى اسلام اختیار نمایند و از قتل نجات یابند و فقط کفار و ستمگران معاند به دست لشکر مهدی دادگستر هلاک می‌گردند.^۱

امام باقر ع می‌فرمایند: «چون قائم ماقیام کند، نیروهای عقلانی توده‌ها را تمرکز دهد و خردها و دریافت‌های خلق را به کمال رساند.»^۲

خلاصه سخن: امام عصر عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى ذخیره الهی برای نجات بشریت است او می‌آید تا توده زجر کشیده و محروم جامعه

۱ . امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، انتشارات شفق، چاپ قدس، چاپ ۲۵، ص ۳۱۰.

۲ . مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶ و صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر، ص ۶۰۷ و فجر ساحل، ص ۴۵ و حکیمی، محمدرضا، عصر زندگی، ص ۱۹۰.

جهانی را جانی دوباره دهد. او می‌خواهد با قانون‌های عدل‌گسترش آرامش و آسایش را برای مردم (غیر از معاندان و کافران) به ارمغان بیاورد. و از این رو در روایات آمده است که توده مردم از ظهورش خوشحال می‌شوند.^۱ و هرگز آن امام معصوم برای نابودی میلیاردها بشر جامعه جهانی قیام نمی‌کند، بلکه میلیاردها انسان تحت تأثیر قرار می‌گیرند و مسلمان می‌شوند و در ساحل نجات قرار می‌گیرند و به یقین خوشحالی توده مردم با نجات یافتن می‌سازد. اما این که اصحاب چند نفرند؟ به یقین اصحاب خاص آن حضرت سیصد و سیزده نفرند و این تعداد در چند روایت بیان شده است.^۲ به خصوص اگر مفاد بعضی دیگر از روایات را در نظر بگیریم که این تعداد سپاه را برای برهه‌ای از زمان و یا پیکار در گوشه‌ای خاص از جهان می‌دانند و سپاه جنگی در هر عصری به معنی کل جمعیت آن عصر نیست. با این بینش حضرت مهدی. عجل الله تعالی فرجه الشریف. صدها هزار نفر رزمنده و افراد سپاهی دارد و جمعیت غیر نظامی و میلیاردي نیز نجات یافتگان می‌باشند و جز کفار و معاندان کسانی دیگر هلاک نمی‌گردند.

۱. مؤمن بن حسن، شب‌لنجی، نور الأبصار فی مناقب آل النبی المختار، قم، اسماعیلیان، ص ۱۷۰.

۲. ابن طاووس، ملاحم، بیروت، مؤسسة الأعلمی، ص ۶۴.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. دادگستر جهانی، ابراهیم امینی

۲. عصر زندگی، محمدرضا حکیمی

از دیدگاه جامعه‌شناسانه يك «اتوپیا»یی، جامعه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشرف چگونه توجیه می‌شود؟

آرزوی زندگی توأم با آرامش با خلقت بشر عجین بوده و در طول تاریخ از آن جدا نشده است، بشر همواره به فکر چنان روزی بوده و آنی از این اندیشه جدا نشده است، رؤیای مزبور در زندگی انسان به گونه‌های مختلف تبلور یافته و اندیشمندان هر عصری برای تعبیر شدن آن، چاره‌ها اندیشیده‌اند و آن را در قالب «اتوپیا» یا همان «مدینه فاضله» مطرح کرده‌اند که در آن از نابسامانی و دغدغه‌های جوامع موجود، اثر و نشانی نباشد.

از اولین طراح آن افلاطون گرفته تا مدینه فاضله فارابی و از مدینه فاضله تخیلی و بهشت موعود کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها گرفته تا مدینه فاضله عصر روشن‌گری سن آگوستین و توماس مور و انسان‌مداری آنها که در آن بشر را از قید و بند دین و آداب و تکالیف دینی آزاد نموده و انسان را محور همه چیز قرار داده‌اند و دین و مذهب «انسانیت» را پایه‌گذاری کرده‌اند.

نخستین متفکر که اندیشه آرمانی را بر برهان عقلی استوار ساخت افلاطون (۴۲۷ . ۳۴۷ م) فیلسوف یونانی بود که در کتاب «جمهوری» و با بحث درباره مفهوم درست عدالت آغاز کرد. بعد از آن ابو نصر فارابی، اندیشه آرمان‌شهر را در آثار خود از جمله کتاب «اندیشه‌های اهل مدینه فاضله»

مطرح ساخت و جامعه‌ای آرمانی بر پایه اندیشه‌های فلسفی و در قالب مفاهیم شریعت اسلام پی افکند.^۱

«یوتوپیا یا اتوپیا» واژه‌ای است یونانی که اولین بار تامس مور آن را به کار برده است، این کلمه از ریشه یونانی - ou topos به معنای هیچ‌ستان است که حکیم متأله شهاب الدین سهروردی آن را به نام ناکجا آباد تعبیر کرده است.^۲ تامس مور کتاب خود «یوتوپیا» را در سال ۱۵۱۶ منتشر کرد. با تأثیرپذیری از حوادث روزگار خود جهت تأسیس آرمان‌شهر پیشنهاد کرد مالکیت خصوصی و انحصارطلبی و قوانین ستمگر و قدرت نظامی باید لغو شود.^۳

همه طراحان یوتوپیا یا آرمان‌شهر درصدد ارائه دنیای عاری از ظلم و نابرابری و برقراری عدالت و برابری است منتها هر متفکری با تأثیر از حوادث روزگار خود و اندیشه‌ای که دارد از يك بعد نگاه کرده و پیشنهاداتی را داده است. مثلاً افلاطون که بیشتر بر مفهوم عدالت تأکید دارد مردم مدینه فاضله را به سه طبقه: سرپرستان، سربازان و عوامل تقسیم می‌کند و سیاست را فقط حق سرپرستان و موروثی می‌داند و می‌گوید: حکام باید از حکیمان باشد و حکومت اشرافی باید بلامعارض باشد. در اندیشه او عدالت به معنی مساوات

۱. اصیل، حجت‌الله، آرمان‌شهر در اندیشه ایرانی، ص ۱۸۰.

۲. تامس مور، آرمان‌شهر «یوتوپیا»، ترجمه: داریوش آشوری، تهران، خوارزمی، چاپ اول، ص ۶۱.

۳. همان، ص ۲۸.

نیست، بلکه هر کس سرش در کار خودش باشد و فضولی نکند.^۱

با مطالعه اتوپیا یا آرمان شهر شاخصه های آرمان شهر خیالی این طراحان را شاید بتوان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱. ایستایی: یعنی اتوپیا یا آرمان شهر نقطه ای و پایان پویش تاریخ است، چون بشر به کمال جامعه انسانی از لحاظ فردی و اجتماعی و نیز رستگاری می رسد؛ زیرا آرمان شهر تصویری از کمال مطلق يك جامعه است.^۲

۲. برابری: در بیشتر آرمان شهرها برابری اصلی عمده است، افلاطون برابری را تضمینی برای پایان دولت آرمانی خویش می داند.^۳ در یوتوپیا تامس مور و دیگر ناکجا آبادهای غربی نیز برابری اصل است.^۴

۳. هماهنگی: در آرمان شهر تأکید بر هماهنگی، حتی بر اندیشه برابری پیشی می گیرد.^۵

حال که مختصراً با اندیشمندان و شاخصه های اصلی اتوپیا یا آرمان شهر یا مدینه فاضله آشنا شدیم بهتر است ببینیم مدینه فاضله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟

۱. رادمنش، عزت الله، قرآن، جامعه شناسی، اتوپیا، ص ۴۰۳.

۲. اصیل حجت الله، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، ص ۳۲.

۳. همان، ص ۳۲.

۴. همان، ص ۳۳.

۵. همان.

مدینه فاضله موعود اسلام که در قرآن و روایات وعده تحقق آن داده شده، غیر از این مدینه‌های فاضله است؛ زیرا ویژگی‌های مدینه فاضله اسلامی که در عصر حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق پیدا خواهد کرد، به گونه‌ای است که آن را از سایر مدینه‌های فاضله ممتاز می‌سازد.

ویژگی‌های مدینه فاضله اسلامی

۱. در عصر ظهور، حاکم مدینه فاضله اسلامی رهبری است معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص از قبیل احساسات حیوانی، خشم، غضب، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی.^۱

۲. در عصر ظهور نوع حکومتش الهی و بر مبنای ایمان به خدا و هدفش متحد کردن جماعت‌ها و ملت‌ها و برداشتن دیوارهای امتیازات (بر خلاف نظر افلاطون) و اعتبارات بیهوده و ایجاد همکاری است، این همان حکومت واحد جهانی است که در آن کره زمین را یک حاکم، با یک نوع حکومت اداره خواهد کرد.^۲

۳. عدل این گوهر کمیاب که آرزوی دیرینه بشر است در جوامع بشری در تمام زمینه‌ها حاکم می‌گردد. «یملأ الله الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً».^۳

۱. معجم الأحادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۹۲، برگرفته از فصل‌نامه انتظار، ص ۱۵۵.

۲. همان.

۳. همان.

۴. در آن دوران اسلام دین غالب خواهد بود. از پیامبر ﷺ نقل شده که فرمود: «لا یبقی علی ظهر الأرض بیت مدر ولا وبر الا ادخله الله کلمة الإسلام»^۱.

و امام صادق (ع) فرموده است: وقتی قائم قیام کند، زمینی باقی نمی ماند مگر این که صدای شهادت به وحدانیت الهی و رسالت محمدی در آن طنین انداز شود.^۲

۵. در آن زمان جهل و نادانی (این دردسرها همیشگی بشر) جای خود را به علم و دانایی می دهد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می شود و سطح عقل و فکر و علم بشر به حدی می رسد که در زمان هیچ يك از انبیاء و اوصیا نرسیده بود.

امام باقر (ع) فرموده است: هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند دست محبتش را بر سر بندگان می گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده و تکمیل می کند.

و نیز امام صادق (ع) می فرماید: علم و دانش ۲۷ حرف است و آنچه پیامبران آورده اند دو حرف است و مردم تا امروز بیش از آن دو حرف را نمی دانند، اما چون قائم قیام کند ۲۵ حرف دیگر را آشکار خواهد کرد و در میان مردم منتشر می سازد.^۳

۱. مجمع البیان، ج ۵، ص ۳۸. به نقل از فصل نامه انتظار، سال اول، ش ۲، ص ۱۵۹.۱۵۶.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴. به نقل از فصل نامه انتظار، سال اول، ش ۲، ص ۱۵۹.۱۵۶.

۳. همان، ص ۱۵۳.

۶. مدینه فاضله اسلامی در حقیقت آرمان شهر آسایش و رفاه همگانی است. چون توزیع عادلانه ثروت و منابع جایی برای فقر باقی نمی‌گذارد. فلذا امام صادق علیه السلام فرموده است: حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و زمین گنج‌های خود را بر او ظاهر می‌سازد و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند، مگر این که آن را آباد کند.^۱

و نیز فرموده است: وقتی قائم ما قیام کند حکومت را بر اساس عدالت قرار می‌دهد و ظلم در دوران او برچیده می‌شود و جاده‌ها در پرتو وجودش امن و امان می‌گردد و زمین برکاتش را خارج می‌سازد و هر حقی به صاحبش می‌رسد و در میان مردم همانند داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله حکم می‌کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه بی‌نیاز خواهند بود.^۲

۷. در مدینه فاضله اسلامی امنیت عمومی محقق خواهد شد؛ چنان که در حدیث است: در آن زمان امنیت را بر روی زمین می‌افکنم و هیچ چیز به هیچ چیز ضرر نمی‌رساند و هیچ چیز از هیچ چیز نمی‌ترسد، تا آن جا که حشرات و حیوانات در میان مردم حرکت می‌کنند و هیچ کدام به دیگری آسیب نمی‌رساند.^۳

۱. به نقل از فصل نامه انتظار، سال اول، ش ۲، ص ۱۵۹.

۲. همان.

۳. ابراهیمی، ابراهیم، عصر ظهور، ص ۶۲-۶۳.

نتیجه:

از توضیحات و مستندات گذشته به دست می‌آید مدینه فاضله موعود اسلام گرچه در بعضی عناصر مثل عدالت، رفع ظلم، برابری و... با یوتوپای مورد نظر اندیشمندان و فلاسفه مشترك است، ولی با آنها تفاوت ماهوی دارد؛ چون عدالت مطرح شده در مدینه فاضله اسلامی هم گسترده‌تر است و هم هدفمند و الهی است و نیز مدینه فاضله اسلامی در تمام زمینه‌ها که مورد غفلت اندیشمندان بوده است دارای برنامه است مثل علم، رفاه و آسایش و امنیت عمومی و غیره.

از طرفی نیز باید گفت مدینه فاضله اندیشمندان يك طرح خیالی و ایده‌آلیستی است در حالی که مدینه فاضله اسلامی يك طرح واقعی و عینی و رئالیستی است و بر این مطلب گر چه دلیل عقلی و فطری نیز می‌شود اقامه کرد؛ چون انسان فطرتاً طالب عدالت و برابری است و عقل نیز حکم می‌کند که این نابسامانی‌ها و نابرابری‌ها و ظلم‌ها باید يك روزی بیاید که برچیده شود. دلایل نقلی متقنی از قرآن و سنت دلالت دارند: خداوند در آیه ۵۵ نور می‌فرماید: «خداوند به مؤمنان صالح از میان شما وعده داده که آنان را قطعاً خلیفه روی زمین خواهد کرد. همان گونه که پیشینیان را خلافت بخشید و دین و آئینی را که برای آنها پسندیده، پا بر جا و ریشه‌دار خواهد ساخت و خوف و ترس آنها را به امنیت و آرامش

مبدل می‌کند، آن چنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را بر من شریک نخواهند ساخت و کسانی که بعد از آن کافر شوند فاسق اند.»

در تفسیر المیزان ذیل آیه مذکور چنین می‌خوانیم:

این جامعه طیب و طاهر، با صفاتی که از فضیلت و قداست دارد، هرگز تا کنون در جهان منعقد نشده و دنیا از روزی که پیامبر ﷺ مبعوث به رسالت گشته تا کنون چنین جامعه‌ای به خود ندیده است، لاجرم اگر مصداقی پیدا کند، در روزگار مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى خواهد بود، چون اخبار متواتری که از پیامبر ﷺ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام در خصوص آن جناب وارد شده از انعقاد چنین جامعه‌ای خبر می‌دهند.^۱

بنابر این که زبان آیات و روایات زبان اسطوره‌ای و سمبلیک نیست، بلکه زبان واقعیت است چنین مدینه فاضله‌ای به دست حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى تشکیل خواهد شد. ان شاء الله.

۱ . طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۱۹، ص ۲۲۴.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. ابراهیمی، ابراهیم، عصر ظهور
۲. کورانی، علی، ترجمه: عباس جلالی، عصر ظهور.
۳. فصل نامه انتظار، بنیاد فرهنگی امام مهدی عجّل الله تعالی فرجه الشریف، سال سوم، ش ۲، ۱۳۸۰
۴. مورتامس، آرمان شهر (یوتوپیا) ترجمه: داریوش عاشوری
۵. رادمنش، عزت الله، قرآن، جامعه شناسی، اتوپیا
۶. اصیل، حجت الله، آرمان شهر در اندیشه ایرانی
۷. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی

هنگامی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند آیه همه ادیان با او همراه می شوند؟

از آیات و روایات استفاده می شود که در عصر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حکومت و قدرت زمین، از کفار غیر کتابی و مادیین گرفته و به دست مسلمانان شایسته جهان سپرده می شود. برای نمونه به ترجمه چند آیه از قرآن کریم اشاره می گردد: «ما در زبور نوشتیم، بعد از آن که در تورات نوشته بودیم؛ که بندگان شایسته ما وارث زمین خواهند شد.»^۱ و «او خدایی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا بر تمام ادیان غالب گردد؛ گرچه مشرکان، کراهت داشته باشند.»^۲ و «خدا به کسانی از شما که ایمان آوردند و عمل شایسته انجام دادند، وعده داد آنان را وارث زمین گرداند، چنان که پیشینیان آنان را به خلافت رسانید و نوید داد دینی را که برای شان پسندیده است، با قدرت و نیرومند گرداند و ترس شان را به ایمنی تبدیل نماید، تا مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند.»^۳ و «ما اراده کردیم بر کسانی که در زمین، زبون شمرده شدند، مَنّت نهاده، پیشوا و وارث زمین شان گردانیم و قدرت را به آنان عطا کنیم.»^۴

این آیات، بشارت می دهند روزی خواهد آمد که قدرت و

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. سوره صف، آیه ۹.

۳. سوره نور، آیه ۵۴.

۴. سوره قصص، آیه ۴.

فرمانروایی جهان به دست مؤمنان و مسلمانان شایسته، سپرده می‌شود، نور اسلام، تمام ادیان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و بر آنها غالب می‌گردد.

از احادیث نیز چنین بر می‌آید که در عصر دولت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستگاه کفر و شرک، از زمین برچیده می‌شود و جز یکتاپرست و گوینده کلمه توحید، کسی در زمین باقی نمی‌ماند.

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «اگر از عمر دنیا بیش از یک روز هم باقی نمانده باشد، خدا مردی را که نامش هم نام من است و اخلاقش اخلاق من و... مبعوث می‌کند و به وسیله او دین را به عظمت نخستین خود باز می‌گرداند و فتوحاتی را نصیبش می‌کند و به جز گوینده کلمه توحید، کسی روی زمین باقی نخواهد ماند. (به آن حضرت عرض شد: آن مرد از نسل کدام فرزندانست به وجود می‌آید؟ پیغمبر دستش را به پشت امام حسین علیه السلام زده و فرمود) از این»^۱.

و از امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «قائم و اصحابش آن قدر می‌جنگند تا دیگر مشرکی باقی نماند»^۲.

و اما یهود و نصارا (مسیحیت) که دین‌شان آسمانی است؛ اگر چه دچار تحریف و دگرگونی شده است، بنابر

۱. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۲۹۲ به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵ و اثبات الهداة، ج ۷، ص ۲۱۵-۲۴۷.

۲. همان.

مفهوم برخی آیات، یهود و نصارا تا قیامت باقی خواهند بود، خداوند متعال می‌فرماید: «ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند، پیمان گرفتیم، پس قسمتی از پندهای ما را فراموش کردند، ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بین‌شان انداختیم.»^۱ و خداوند به عیسی علیه السلام فرمود: «من تو را بر گرفته و به سوی خویش می‌برم و از کفار، دورت سازم و پیروانت را تا قیامت، بالادست و مسلط بر کافران گردانم.»^۲

خدای متعال در آیه اول می‌فرماید: «دشمنی و کینه‌توزی را تا قیامت در بین نصارا خواهم انداخت» و در آیه دوم وعده داده که «نصارا تا قیامت، برتر از کفار باشند»، مقتضای ظاهر آیات این است که کیش و آیین مسیحیت تا قیامت و در عصر دولت مهدوی نیز پا بر جا خواهد ماند. در جای دیگر می‌فرماید: «یهودان گفتند: دست خدا بسته است، دست خودشان بسته باد و به سزای این تهمت ناروا که به خدا نسبت دادند، ملعون شوند بلکه دست رحمت او گشوده است و هر چه بخواهد انفاق می‌کند. قرآن که بر تو نازل گشته، سرکشی و کفر بسیاری از آنها را افزون می‌کند و تا قیامت در میان‌شان دشمنی و کینه انداختیم.»^۳

چنان که ملاحظه می‌شود ظواهر این آیات دلالت می‌کنند

۱. سوره مائده، آیه ۱۴.

۲. سوره آل عمران، آیه ۵۵.

۳. سوره مائده، آیه ۶۴.

که آیین و کیش یهود و نصارا، تا قیامت باقی خواهد ماند. از برخی احادیث نیز همین موضوع، استفاده می‌شود:

ابو بصیر می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: صاحب الأمر با اهل ذمه - یهود و نصارا - چه می‌کند؟ فرمود: «مانند پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنان مصالحه می‌کند، آنها نیز با کمال ذلت جزیه می‌دهند».^۱

و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «صاحب الأمر، مهدی نامیده شده برای این که تورات و سایر کتاب‌های آسمانی را از غاری که در انطاکیه واقع شده استخراج می‌کند، بین اهل تورات با تورات و بین اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن داوری خواهد کرد».^۲

در مقابل این آیات و روایات، احادیث مخالفی نیز وجود دارد، که دلالت می‌کنند در عصر دولت مهدوی کسی جز مسلمانان روی زمین باقی نمی‌ماند. آن حضرت دین اسلام را بر یهود و نصارا عرضه می‌دارد، هر کس پذیرفت از کشته شدن نجات می‌یابد و هر کس امتناع ورزید کشته می‌شود. برای نمونه: ابن بکیر در تفسیر آیه شریفه: «وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعاً وَكَرْهاً وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ»^۳ از امام کاظم علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «این آیه در شأن قائم نازل

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۱.

۲. الغیبه، نعمانی، ص ۲۳۷.

۳. سوره آل عمران، آیه ۸۳.

شده است، وقتی آن جناب ظاهر شد دین اسلام را بر یهود و نصارا و صابئین و کفار شرق و غرب عرضه می‌دارد. پس هر کس با میل و اختیار، اسلام بیاورد، به نماز و زکات و سایر واجبات امرش می‌کند و هر کس از قبول اسلام خودداری ورزد، گردنش را می‌زند تا این که در شرق و غرب زمین کسی جز خداپرست باقی نماند. (ابن بکیر می‌گوید: به حضرت عرض کردم: فدایت شوم، مردم جهان زیادتر از آن است که کشته شوند؟ فرمود: هرگاه خداکاری را اراده کند، زیاد را کم و کم را زیاد می‌گرداند).^۱

و نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: «خدا شرق و غرب جهان را برای صاحب الامر، مفتوح می‌سازد، آن قدر می‌جنگد تا غیر از دین محمد صلی الله علیه و آله دینی باقی نماند». ^۲

چنان که ملاحظه گردید، احادیث دو دسته‌اند: یک دسته موافق قرآن و مفاد ظاهری آن و دسته دیگر مخالف آن است. اما بر دانشمندان و اهل تحقیق و فن پوشیده نیست که احادیث موافق قرآن، بر احادیث مخالف، مقدم‌اند و روایات مخالف را از اعتبار ساقط می‌سازند. بنابر این یهود و نصارا در عصر دولت مهدوی باقی خواهند ماند، ولی از عقیده تثلیث و شرک دست برداشته و خداپرست می‌شوند و در حمایت حکومت اسلامی به زندگی خویش ادامه می‌دهند. در عین

۱. تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳ و بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۰.

حال دولت‌های باطل سقوط می‌کنند، قدرت جهان در دست مسلمانان شایسته قرار می‌گیرد، دین اسلام جهانی گشته بر تمام ادیان غلبه می‌کند و بانگ توحید از همه جا بلند می‌شود.^۱ یعنی حاکمیت و سلطنت و سیطره تاّم از آن مسلمانان خواهد بود؛ اگر چه ادیان دیگری وجود داشته باشد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. دادگستر جهان، آیت الله امینی

۲. سیمای آفتاب، حبیب الله طاهری

۳. موعود امم، شیخ عباس الرئیس کرمانی

۱. امینی، ابراهیم، دادگستر جهان، ص ۲۹۵.

راه‌های حاصل شدن بداء برای ظهور زودتر حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف چیست؟

بداء به معنای معروف و مصطلح عبارت است از ظهور و تبدل و تغییر رأی و نظر بر خلاف رأی و نظر سابق و ندامت از آن، نسبت به خدای متعال غیر قابل تصور و محال است؛ چون مستلزم جهل و نقص است. به عبارت دیگر بداء به معنای تغییر و تبدل در ناحیه علم ذاتی خداوند محال است.

اما بداء به معنای دیگر عبارت است از ظهور امری از ناحیه خداوند متعال برای غیر «ظهور الشی منه تعالی للغير»^۱ بر خلاف مقتضای مقتضیات غیر تامه و معدات، هیچ گونه استحاله ندارد.

به بیان دیگر بداء به معنای تبدل و تغییر در ناحیه فعل خداوند، چه در امور تکوینی و چه در امور تشریعی مانعی ندارد؛ زیرا نه مستلزم جهل در ذات خداوند می‌گردد و نه ادله نافیه عقلی و نقلی شامل آن می‌گردد. بلکه نشان قدرت الهی در مقام فعل است چه آن که تغییر و تبدل آنچه که مقتضای مقتضیات عادی و معدات است حکایت از کمال و تمامیت قدرت پروردگار متعال دارد و بیان‌گر استقلال او در فاعلیت است. به طوری که هر گاه بخواهد و هر چه را اراده فرماید تغییر دهد و بدیهی است که اعتقاد و ایمان به بداء به این معنا موجب توکل و اعتماد تام به پروردگار گردیده و

۱. بدایه المعارف الإلهیه، ج ۱، ص ۲۰۲، ناشر: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

باعث امیدواری در میان بندگان می‌شود، به گونه‌ای که هیچ گاه یأس و ناامیدی بر آنها مستولی نگردیده و در ادامه حیات و اصلاح امور دچار رکود و بی‌تفاوتی نگردد. و آن گاه که خود خسته و ناتوان از ادامه راه و اصلاح مفاسد می‌گردد دست ناتوانی و نیاز به درگاه توانای علی الإطلاق و بی‌نیاز مطلق؛ یعنی خداوند قادر منان، به نیایش و دعا بر می‌دارد و از او خواستار کمک و اصلاح امور و تغییر و تحول در سرنوشت‌ها می‌گردد. و سفارشات اکید و مکرر که در آیات قرآنی و روایات و احادیث معتبر به دعا کردن به طور عموم و دعا برای تعجیل در ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ به خصوص گردیده، حکایت روشن از حسن بداء در مقام فعل خداوند می‌کند.

راه‌هایی که ممکن است در تحصیل بداء نسبت به ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ نقش و اثری داشته باشد، در آیات و روایات:

الف: تحولات بزرگ و سازنده به منزله نورافکن‌های قوی است که محیط پیرامون خود را در جوامع بشری روشن می‌کند تا در اجتماعات انسانی استعداد و آمادگی ظهور و تابش آن به وجود نیاید، تجلی این نور محقق نخواهد شد و روشن است که ظهور امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ که یکی از تحولات بی‌نظیر و بزرگ تاریخ بشری است و حکومت جهانی آن حضرت مظهر حکومت نورانی خداوند در زمین خواهد بود و از نعمت‌های بزرگ خداوند محسوب می‌گردد، باید زمینه طلوع و تجلی این نور عظیم به وجود بیاید، یعنی جوامع

بشری، همان گونه که خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾^۱، باید مستعد و آماده پذیرایی از چنین نعمت بزرگ الهی بشود و توجه به خداوند و دوری از گناه و معاصی و به وجود آمدن حالت بیزاری از ظلم و ستم و بی‌عدالتی‌ها و اعمال و افعال حکام و حکومت‌ها و دولت‌ها در سطح عمومی و همگانی و احساس اضطرار و نیاز شدید از سوی جوامع انسانی به وجود یک مصلح و سلطان عادل و حکومت دادگستر، یکی از راه‌های تحصیل بداء محسوب می‌شود.

به این معنا که وقتی انسان‌ها با تمام وجودشان و حقیقت باطن‌شان و با تمام تدابیر، خود را گرفتار و اسیر و از رسیدن به سعادت و خوشبختی، عاجز می‌یابند، فطرت خفته آنها بیدار شده و دچار حالت رجعت و بازگشت به خویشتن خویش می‌گردد و این جاست که زمینه یک تحول در آنها به وجود می‌آید و ممکن است که خداوند رحیم و مهربان دست آنها را بگیرد و از ظلمت و تاریکی‌های دوران غیبت نجات داده و به وادی نورانی زمان حضور رهنمون گردد چه آن که: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾^۲.

ب: همان گونه که انسان بر اساس تعلیمات دینی

۱. سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲. سوره رعد، آیه ۱۱.

می تواند حوایج و نیازهای شخصی خود را از خداوند بخواهد و خواستار دگرگونی و تحول در احوالات شخصی گردد و بگوید: «یا محول الحول و الأحوال، حول حالنا إلی احسن الحال» و در ادعیه معتبره در هر روز ماه رمضان و بعد از هر فریضه واجب بخواند: «اللهم غیر سوء حالنا بحسن حالک»^۱ بدیهی است که در حوایج و مشکلات اجتماعی که گاهی به مراتب مهم تر از مسائل و مشکلات شخصی است به طریق اولی می تواند از درگاه خداوند کریم خواستار تغییر و تحول بشود و این نیست مگر به خاطر حسن بداء در مقام فعل خداوند؛ و شاید یکی از راه های مهم و عمده در تحصیل بداء در مقام فعل خداوند، دعاء بندگان بیچاره و مضطرب و خصوصاً مؤمن باشد؛ زیرا رسول خدا ﷺ فرمود: «لو عرفتم الله حق معرفته لزالتم لدعائکم الجبال»^۲؛ اگر حق خدا را بشناسی و مؤمن به او باشی و آن گاه دعا کنی در اثر دعای شما کوه ها فرو می ریزند. این نکته را نباید از نظر دور داشت که حالت دعا و تضرع و اضطرار همان گونه که قبلاً اشاره کردیم باید عمومیت پیدا کند به خصوص در رابطه با ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف؛ زیرا ظهور آن بزرگوار و قیام و انقلاب او مانند طوفان حضرت نوح علیه السلام است، یعنی حالت اضطرار و تضرع به گونه ای باشد که انفاص

۱ . مفاتیح الجنان، اعمال هر روز ماه رمضان، شیخ عباس قمی، ص ۳۱۷، ناشر: مرکز نشر فرهنگی رجاء.

۲ . رساله فی بیان استجابہ الدعاء، سید ابوالحسن طباطبائی (جلوه)، ناشر: موسسه الإمام الهادی علیه السلام.

قدسیه مؤمنین و به خصوص اولیای الهی که در هر عصری وجود دارند مثل زمان حضرت نوح علیه السلام دست به دعا بردارند و از خدا بخواهند ظهور که خود به سان طوفانی سهمگین برای تطهیر زمین از ظلم و ستم می باشد را محقق فرماید و آنچه را که ممکن است در اثر گناه و معاصی ما و ظلم و جور ما در حق خود و دیگران از ما گرفته است به ما ارزانی دارد و آنچه را که ما در اثر عدم لیاقت از او دور شده ایم به ما نزدیک فرماید؛ زیرا:

﴿إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾^۱

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. رساله فی بیان استجابہ الدعاء، نوشته عارف بزرگوار
سید ابوالحسن طباطبائی (جلوه)
۲. تفسیر المیزان، علامه طباطبائی، ذیل آیه ۱۶۸ سوره مبارکه بقره
۳. بدایه المعارف، تألیف سید محسن خرازی
۴. اصول کافی، ج ۱، و بحار الأنوار، ج ۴ مراجعه فرمایید

جامعه مهدوی چه ویژگی‌ها و خصوصیات دارد؟

جامعه مهدوی را در یک نگاه کلی می‌توان به: ۱. جامعه مهدوی، قبل از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ۲. جامعه مهدوی بعد از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به تصویر کشید.

جامعه مهدوی، قبل از ظهور

بارزترین خصوصیت جامعه قبل از ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انتظار می‌باشد. و بیشترین اثرگذاری انتظار در بعد تعهدات و مسؤولیت‌های اجتماعی و احساس دیگرخواهی و انسان‌دوستی، عینیت می‌یابد. امام موعود، غم‌گسار راستین غم‌زدگان و یار و یاور واقعی مظلومان و حامی حقیقی مستضعفان است. پس جامعه منتظر و انسان‌های دارای خصلت انتظار باید در زمینه خواست‌ها و هدف‌های امام‌شان عمل کنند و اگر چنین شد، در قلمرو جامعه منتظر، محروم تهی دست و بیمار بی‌درمان و دلتنگ و افسرده و اندوهگین و گرفتاری باقی نخواهند ماند.^۱

از دیگر ویژگی‌های جامعه مهدویت قبل از ظهور، صبر و استقامت و پایداری می‌باشد. سیدالشهداء عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «... آگاه باشید که صبرکننده در غیبت او بر اذیت و تکذیب (دشمنان) به منزله جهاد با شمشیر در پیش روی پیغمبر صلی الله علیه و آله است.»^۲ صبر و ثابت قدم بودن، خصوصیتی مهم

۱. حکیمی، محمد رضا، عصر زندگی، ص ۹-۲۷۸ (با تلخیص و تصرف).

۲. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر، ص ۴۵۳.

برای جامعه مهدوی می‌باشد؛ چرا که به سبب طولانی شدن غیبت امام، بسیاری ریزش کرده و دست از اعتقاد و دین خویش می‌شویند.

از دیگر خصوصیت‌های جامعه مهدوی، زمینه‌سازی برای ظهور، دعا برای حفظ ایمان و دعا برای تعجیل فرج می‌باشد. از آن‌جا که روز به روز هجمه دشمنان و شبهه‌افکنی‌ها علیه مذهب تشیع رو به افزایش است، چه بسیار از سست ایمان‌ها از اعتقاد خود برگشته و منحرف می‌شوند. لذا در روایات، دعاهایی برای حفظ خود از بلاهای زمانه وارد شده، هم‌چنین جامعه مهدوی، بی‌صبرانه مشتاق حضور امام عَلَيْهِ السَّلَامُ در جامعه می‌باشد؛ چرا که با ظهور آن حضرت، تمام خوبی‌ها و برکات از آسمان و زمین به سوی مردم سرازیر می‌شود.^۱

جامعه مهدوی، بعد از ظهور

۱. رشد تربیت انسانی: روشن است که جزء اصلی در تشکیل اجتماع صالح انسانی، خود انسان است. اصلاحات و تحولات و انقلاب‌ها، نخست باید از درون انسان آغاز گردد و سپس به برون جامعه سرایت کند. اقتصاد، سیاست، جنگ، صلح، اخلاق و... همه و همه به انسان برمی‌گردد. از این رو، ساختن انسان و پرورش و رشد انسانیت انسان و تربیت

۱. مهدی منتظر، ص ۳-۴۶۲، (باتلخیص و تصرف).

اصولی افراد مقدمه اصلی تشکیل هر نظام صالح و انسانی است. بنابر این یکی از مهم‌ترین اهداف امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تربیت انسان‌های صالح خواهد بود. بر این اساس در جامعه مهدوی بعد از ظهور، سینه‌ها ملامال از صفا و صمیمیت شده و کینه‌ها از دل‌ها بیرون می‌رود.^۱

۲. مساوات: از خصوصياتی که جامعه مهدوی، بعد از ظهور برخوردار می‌شود مساوات می‌باشد. مساوات و برابری در نظام تکوین و آفرینش در هر رنگ، نژاد، زبان، شکل و... برابری در برابر قانون، برابری در بهره‌برداری از مواهب طبیعی (معادن، طبیعت، جنگل‌ها و...) برابری در تقسیم بیت المال،^۲ به نحوی که در همه زمینه‌ها، جامعه از تبعیض و بی‌عدالتی خالی شده و مساوات برقرار می‌گردد.

۳. عدالت اجتماعی: انسان‌ها، تشنه عدالت‌اند و خواهان آرمان و ایدئولوژی و مکتبی که این تشنگی را فرو بنشانند و آتش بیدادگری را خاموش کند و عدالت را در عینیت و عمل. در جامعه حاکم سازد و گم‌شده بشریت را برای انسان‌ها به ارمغان آورد. بر اصل عدل، آسمان‌ها و زمین بر پا شده است. عدالت، زمینه حیات اجتماعی تنها در بخش ویژه‌ای از جامعه نیست، بلکه در همه ابعاد حیات فردی و اجتماعی،

۱. عصر زندگی، ص ۶-۲۰۵، (با تلخیص و تصرف).

۲. همان، ص ۱۴۲-۱۳۳، (با تصرف).

عامل اصلی حیات و زندگی انسانی اصل عدالت و عدل است^۱ و جامعه مهدوی از چنین اصل مهمی برخوردار می‌گردد.

۴. رفاه اقتصادی و معیشتی: جامعه مهدوی بعد از ظهور، از رفاه کامل اقتصادی برخوردار است. جامعه بشری واحدی تشکیل می‌گردد که مانند خانواده‌ای زندگی می‌کنند و مسئله ناهنجار دسته‌بندی جوامع به جامعه پیشرفته و ابرقدرت و جامعه در حال رشد و جامعه عقب مانده و محروم از میان می‌رود و بشریت به طور کلی به رفاه اقتصادی و بی‌نیازی دست می‌یابد و همین یگانگی زمینه رشد و تعالی معنوی و فکری انسان را می‌سازد.^۲

۵. امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی، زمینه همه فعالیت‌های درست و مفید اجتماعی و شرط لازم رشد و تکامل فرد و جامعه است. با امنیت اجتماعی، منافع همه تأمین می‌شود و حق هر حق داری تأمین می‌گردد. تضاد و درگیری به حداقل می‌رسد و در صورت بروز تضاد و درگیری، هر کس در محدوده حقوق خویش محدود می‌گردد و قانون مانع تجاوز و دست‌درازی اوست. جامعه مهدوی در اثر مدیریت بی‌بدیل امام معصوم - ارواحنا فداه - پیاده شدن اصول انسانی و برطرف شدن عوامل دلهره، نگرانی و ترس از امنیت اجتماعی در همه عرصه‌ها بهره‌مند می‌گردد.^۳

۱. همان، ص ۳۳-۲۳ (باتصرف).

۲. همان، ص ۱۰۷.

۳. همان، ص ۱۹۹-۱۹۷ (باتخلیص و تصرف).

۶. سامان‌یابی زندگی: اجتماعات انسانی پیش از ظهور، دارای چنین ویژگی‌هایی است: ۱. انحراف در معیارها برای شناخت حق؛ ۲. گسیختن روابط انسانی؛ ۳. گسستن روابط خانوادگی؛ ۴. انگیزه‌های غیرانسانی در روابط اجتماعی؛ ۵. روابط سودجویانه و استثمار؛ ۶. حاکمیت معیارهای سرمایه‌داری؛ ۷. تضییع عبادات؛ ۸. جدایی و تفرقه؛ ۹. کنار گذاشتن اصول و چنگ زدن به فروغ. در چنین دوره و زمانه ناهنجار و آشفته، زندگی سراسر درد و رنج است که به دست امام منجی، همه این علل و عوامل و راه و روش‌های مرگ‌آور و ویران‌گر نابود می‌گردد و جامعه از اصول و آرمان‌های حیات بخش بهره‌مند می‌گردد.^۱

۷. رشد عقلی و تکامل علم: در روزگار رستاخیز امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نقطه‌های ابهام و تردید و سرگردانی محو می‌شود و انسان، دوران تکرار اشتباه‌ها و تجربه‌های پیاپی را پشت سر می‌گذارد. هر روز به شناخت‌های تازه و اصیل دست پیدا می‌کند و بدین‌سان هر روز او و هر گام او در همه مسائل حیات و ابعاد زندگی، گامی به پیش است و واپس‌گرایی و تکرار در آن راه ندارد و در آن زمان است که بشر به مرز نهایی و آرمانی تکامل شناخت و خردورزی، دست می‌یابد.^۲

۱. همان، ص ۲۵۹-۲۳۸، (باتصرف و تلخیص).

۲. همان، ص ۱۹۰-۱۸۸، (باتصرف و تلخیص).

۸. وحدت عقیدتی و مرامی: جهان‌بینی‌های گوناگون و متضاد، به طور قطع تفرقه و دوگانگی و ناسازگاری اجتماعی پدید می‌آورد و از وحدت و یگانگی مردمان مانع می‌گردد. اما در دوران ظهور امام عَلَيْهِ السَّلَام، جهان‌بینی واحدی بر جهان حاکم می‌گردد، و یک‌پارچگی و یگانگی واقعی در عقیده و مرام مردم پدید می‌آید و مردمان همه یک‌دل و یک‌زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می‌کنند.^۱

۹. حکومت مستضعفان: برای اجرای عدالت راستین، حاکمیت فرودستان محروم، ضرورت دارد؛ زیرا که در تمامی دوران گذشته تاریخ، مورد اصلی ظلم و بی‌عدالتی، طبقات محروم بوده‌اند و سرانجام باید پدیده ناهنجار و ضدبشری «استضعاف» از میان برود. روشن است که زورمندان و زر به دستان، دو عامل اصلی استضعاف بخش‌های عظیم انسانی در گذشته و اکنون بوده‌اند و هستند. دفاع از حقوق پایمال شده فرودستان و مستضعفان آن‌گاه امکان دارد که حاکمیت به دست آنان سپرده شود. از این رو، حاکمیت مستضعفان از شاخه‌های اصلی اجرای عدالت مطلق است و از ویژگی‌های جامعه مهدوی، حاکمیت مستضعفان می‌باشد.^۲

۱. همان، ص ۱۰۱-۹۹ (باتصرف و تلخیص).

۲. همان، ۱۷۴-۱۷۳، (باتلخیص و تصرف).

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. عصر زندگی، محمد رضا حکیمی
۲. مکیال المکارم، سید محمد تقی موسوی اصفهانی،
ترجمه سید مهدی حائری قزوینی
۳. مهدی منتظر، جواد خراسانی
۴. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، رسول جعفریان
۵. ظهور نور، علی سعادت پرور، ترجمه: سید محمد جواد
وزیری فرد
۶. پیدای پنهان، مسعود پورسید آقایی

چرا در روایات از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان کسی یاد می‌شود که دین پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ را به مردم عرضه می‌دارد در حالی که بسیار متفاوت از آن چیزی است که ما از اسلام برداشت کرده‌ایم؟

ادیان آسمانی در حقیقت مانند آب زلال و شفاف هستند که از آسمان نازل می‌گردند که در آغاز، به صفا و پاکی باران و روشنایی آفتاب هستند، ولی با تماس افکار منحط جاهلان و دست‌های آلوده مغرضان و آمیختگی با عادات و خرافات، گاهی چنان تحریف می‌شوند که جاذبه خود را از دست می‌دهند. یکی از رسالت‌های امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام پیراستن اسلام از این آلودگی‌ها و خرافات و پیرایه‌ها و به تعبیر دیگر، نوسازی بنای شکوهمند اسلام است. به همین دلیل، در پاره‌ای از روایات از این نوسازی، تعبیر به امر جدید شده است.

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «اِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ يَقُومُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَسُنَّةٍ جَدِيدَةٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ»؛^۱ هنگامی که قائم خروج کند، امر جدید، کتاب جدید، روش و سنت جدید و داوری جدیدی با خود می‌آورد؛ یعنی در آن زمان، اسلام را آن چنان از لابلای انبوه خرافات و تحریف‌ها و تفاسیر نادرست بیرون می‌کشد که گویی بنایی کاملاً نو و جدید ساخته است. البته تذکر این نکته ضرورت دارد که علی‌رغم تصویری که

۱. اثبات الهداة، شیخ حرّ عاملی، ۷، ص ۸۳.

در میان مردم وجود دارد در روایات امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف آورنده «دین جدید» معرفی نشده است و واژه «دین جدید» در هیچ يك از روایات مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف ذکر نشده است. با این وجود در مورد دستورات و آیین حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف دو دسته روایت وارد شده است. يك دسته منشأ پیدایش این فکر شده است که حضرت دارای آیین جدیدی است و نخست به این دسته از روایات اشاره می‌کنیم.

دسته اول: روایاتی که منشأ توهم دین جدید شده است و آنها عبارت‌اند از:

۱. از امام صادق عليه السلام از سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف سؤال شد حضرت چنین فرمودند: «يُصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ، يَهْدِمُ مَا كَانَ قَبْلَهُ كَمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ أَمْرَ الْجَاهِلِيَّةِ وَ يَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِيداً»؛ همان کاری را که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داد مهدی انجام می‌دهد، بدعت‌های موجود را خراب می‌کند، چنان‌که رسول خدا صلی الله علیه و آله اساس جاهلیت را منهدم نمود سپس اسلام را از نو بنا می‌کند.

۲. شخصی به نام ابو خدیجه از حضرت صادق عليه السلام نقل می‌کند که حضرت فرمود: «إِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ جَاءَ بِأَمْرٍ جَدِيدٍ كَمَا

دَعَا رَسُولُ اللَّهِ فِي بَدْءِ الْإِسْلَامِ إِلَى أَمْرِ جَدِيدٍ؛^۱ هنگامی که قائم ظهور کرد با امر جدید خواهد آمد چنان که رسول خدا ﷺ در آغاز اسلام مردم را به امر جدید دعوت می کرد.

دسته دوم روایات که مبین روایات فوق هستند و از آنها استفاده می شود که حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ مروج دین جدش پیامبر اسلام است:

۱. ابو سعید خدری از رسول خدا ﷺ روایت می کند که حضرت فرمود: «يُخْرِجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَيَعْمَلُ بِسُنَّتِي»؛^۲ یکی از اهل بیت من قیام می کند و به سنت و روش من عمل می کند.

۲. «وَ أَنَّ الثَّانِي عَشَرَ مِنْ وَلَدِي يَغِيبُ حَتَّى لَا يَرَى وَ يَأْتِي عَلَى أُمَّتِي بِزَمَنٍ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ»؛^۳ دوازدهمی از فرزندانم به طوری غایب می شود که اصلاً دیده نمی شود، زمانی خواهد آمد که از اسلام، جز اسمی و از قرآن، جز رسم و اثری باقی نمی ماند، در آن هنگام خدا به وی اجازه نهضت می دهد و به وسیله او اسلام را تقویت کرده و تجدیدش می کند. و چندین روایت دیگر نیز به همین مضمون وجود دارد.

۱. همان، ص ۸۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۲.

۳. آیت الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۹۸، قم، انتشارات حضرت معصومه....

چنان که ملاحظه فرمودید این احادیث با صراحت دلالت بر این دارند که برنامه امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَرَجُهُ الشَّيْبَعُ و رفتارش ترویج و بسط اسلام و تجدید قرآن است و به منظور اجرای سنت‌های پیامبر مقاتله می‌کند. بنابر این، اگر اجمالی در دسته اول وجود داشت با توضیحاتی که در این احادیث آمده است برطرف می‌شود. در مجموع باید احادیث را به گونه‌ای تفسیر کرد که رفع شبهه شود، بدین معنا و بیان که در زمان غیبت، بدعت‌هایی در دین گذاشته می‌شود و احکامی از اسلام و قرآن بر طبق میل مردم تأویل و تفسیر می‌شود و بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می‌شوند که گویا اصلاً از اسلام نبودند.

وقتی که امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفَرَجُهُ الشَّيْبَعُ ظهور کند بدعت‌ها را باطل می‌کند و احکام خدا و قرآن را صادر می‌نماید، حدود را بدون سهل‌انگاری اجرا می‌کند و معلوم است که برای مردم چنین برنامه‌ای تازگی دارد. مردمی که ارکان و اصول مسلمة اسلام را رها کرده و تنها به برخی ظواهر آن اکتفا نموده، از اسلام فقط نماز و روزه و اجتناب از نجاسات چیزی نمی‌دانند، بعضی‌ها دین را در مسجد محصور کرده و حقیقت آن در عمل و حرکت‌شان نفوذ ندارد. در کوچه و بازار، دانشگاه‌ها و... اثری از اسلام نیست. محرمات الهی را با حیل‌های گوناگون و تأویلات صوری جایز می‌شمارند. از ادای حقوق واجب خودداری می‌نمایند به دلخواه خود احکام و آیات را تفسیر

می‌کنند. از قرآن فقط به قرائت، تجوید و احترام صوری اکتفا می‌کنند. اگر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام ظاهر شود و بگوید: شما از حقیقت و گوهر دین دور افتادید و آیات و احادیث را بر خلاف واقع تفسیر کرده‌اید. چرا حقیقت نورانی قرآن و اسلام را رها کرده‌اید و به ظواهر قناعت کرده‌اید؟

دستورات اخلاقی و اجتماعی را باید از ارکان اسلام بدانید و جزء برنامه عملی خویش قرار دهید و اسلام را در مساجد محصور نکنید و با حيله‌ها از زیر بار احکام خدا شانه خالی نکنید، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر را به طور واقعی آن انجام دهید و فلان عمل، بدعت است آن را ترك کنید و از اسلام و دین خدا ندانید. قطعاً چنین دین و برنامه‌ای برای مردم تازگی دارد؛ زیرا تا کنون اسلام را به شکل دیگر تصور کرده بودند، آنان می‌پنداشتند ترقی و عظمت اسلام در تزئین مساجد و مناره‌های بلند است موقعی که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بفرماید عظمت اسلام، عمل صالح و راستی و درستی و امانت و وفای به عهد و اجتناب از حرام و... است. برای مردم تازگی دارد. این است معنای آیین جدید نه آن که حضرت دین و آئین جدید به همراه می‌آورد که غیر از دین و آئین پیامبر است. بلکه دین پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ را از خرافات و بدعت‌ها و آلودگی‌ها بیرون می‌آورد آن طور که تا به امروز نبود.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. در انتظار ققنوس، ترجمه مهدی علیزاده

۲. دادگستر جهان، آیت الله امینی

۳. عصر زندگی، محمد رضا حکیمی

در زمان ظهور که حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام در کنار امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام هستند، مسیحیان از چه کسی پیروی خواهند کرد؟

حضرت مسیح عَلَيْهِ السَّلَام وقتی به زمین فرود می‌آیند بر شریعت کامل خاتم؛ یعنی اسلام هستند و بر همین اساس بعد از ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام پشت سر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نماز می‌گذارند.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرمایند: «عیسی پیش از قیامت از آسمان به دنیا فرود می‌آید، پس هیچ یهودی و غیر یهودی باقی نمی‌ماند مگر این که پیش از مرگش به او ایمان می‌آورد و عیسی پشت سر مهدی عَلَيْهِ السَّلَام نماز می‌گذارد.»^۱ و در روایتی دیگر تصریح دارد که «طبق شریعت اسلام نماز می‌گذارد.»^۲ و خود حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام اعلام می‌دارد که «من به عنوان وزیر فرستاده شده‌ام نه امیر و فرمانروا»^۳ بنابر این او کارگزار حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام خواهد بود.

اقتدا کردن حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام به امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام و نماز خواندن او پشت سر امام عَلَيْهِ السَّلَام و نیز وزیر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام بودن نشانه و نِماد این مطلب است که حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام را پیشوا و رهبر خود می‌داند. بنابر این

۱ . صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر، ص ۶۰۰، قم، مؤسسة السیدة المعصومة...، چاپ دوم، ۱۴۲۱ق.

۲ . همان، ص ۳۹۲.

۳ . طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۱۷۱، دفتر تبلیغات (بوستان کتاب)، چاپ سوم، ۱۳۸۰ش.

حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام خود بر شریعت اسلام خواهد بود و اطاعت مسیحیان از آن حضرت در واقع پذیرش اسلام و اطاعت از امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام است، علاوه بر این که این رفتار حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام باعث می‌شود که بعد از ظهور، اکثر مسیحیان و دیگر ادیان به اسلام روی بیاورند. آیت الله مکارم شیرازی درباره سرنوشت مسیحیان در عصر ظهور می‌گوید: «با توجه به این که در دوران حکومت آن مصلح بزرگ همه وسایل پیشرفته ارتباط جمعی در اختیار او و پیروان رشید او است و با توجه به این که اسلام راستین با حذف پیرایه‌ها کشش و جاذبه‌ای فوق العاده دارد، به خوبی می‌توان پیش‌بینی کرد که اسلام با تبلیغ منطقی و پیگیر از طرف اکثریت قاطع مردم جهان پذیرفته خواهد شد و وحدت ادیان از طریق اسلام پیشرو عملی می‌گردد.»^۱ بر این اساس مسیحیان و یهودیانی که حضرت عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام را قبول دارند و واقعاً پیرو او هستند در عصر ظهور امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به همراه خود عیسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام مطیع و فرمانبردار امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام خواهند بود.

۱. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی، ص ۲۸۸، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۰ ش.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. حکومت جهانی مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ، ناصر مکارم شیرازی
۲. دادگستر جهان، آیت الله ابراهیم امینی
۳. فصل نامه انتظار، شماره های ۱۱ و ۱۲ و ۱۳
۴. چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ نجم الدین طبسی

آیا پس از ظهور و برقراری حکومت عدل، باز انسان فراموش کار به سوی ظلم و ستم برنمی‌گردد؟

رشد عقلانی و برابری و اخلاق در عصر ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به درجه شکوفایی می‌رسد و آن روزگار، روزگار تکامل یافتن استعدادهاست، آنچه تا دیروز رخ می‌داد در اثر کوته‌فکری بشر بود و در نظام الهی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بشریت به نهایت بلوغ خود می‌رسد.

روایات، جهان را در روزگار امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جهانی متمدن و در اوج قدرت و پیشرفت علمی معرفی می‌کنند و بشر در عین این که به بالاترین رشد علمی و صنعتی می‌رسد، به همان اندازه به تعالی اخلاق و کمال انسانی نزدیک می‌گردد. و این ارمغانی است که هیچ حکومتی در هیچ روزگار نتوانسته است که آن را به جامعه بشری هدیه کند.^۱ وقتی چنین جامعه‌ای نظیر ندارد، قطعاً هیچ دولت و ملتی هم قابل مقایسه با او نخواهد بود.

امام باقر علیه السلام در بعد رشد عقلانی مردم عصر ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما برخیزد، دستش را بر سر بندگان گزارده و عقل آنان را متمرکز نماید و قوای عقلانی را به کمال رساند.»^۲ مرحوم مجلسی در ذیل این

۱ . طبسی، نجم‌الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ویرایش دوم، ص ۱۷۷، (اقتباس).

۲ . موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، ناشر ایران نگین، ج ۱، ص ۱۴۴.

روایت می‌نویسد: «یعنی آن حضرت عقل‌های مردم عصر ظهور را، بر اقرار به حق جمع می‌کند که دیگر هیچ اختلافی نخواهند داشت.»^۱

در بعد اخلاق و برابری نیز در جامعه مهدوی شکوفایی متناسب با آن حکومت الهی را می‌یابد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، شخص شب را به صبح می‌رساند در حالی که نادان، ترسو و بخیل است و به هنگام صبح، داناترین و شجاع‌ترین و بخشنده‌ترین مردم است.»^۲

از طرفی دیگر ویژگی‌های حکومت حضرت به گونه‌ای است که مانع عقب‌گرد مردم می‌شود. کمتر روایتی یافت می‌شود که درباره امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وارد شده باشد و واژه قسط و عدل در آن نباشد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «مهدی عَلَيْهِ السَّلَام عدالت را وارد خانه‌ها می‌کند. همان طور که سرما و گرما وارد خانه‌ها می‌شوند.»^۳

ویژگی‌های حکومت آن روزگار طوری است که حرص و طمع از میان می‌رود و روح بی‌نیازی در انسان پدیدار می‌شود و به برکت ظهورش و حکومت اسلامی که تشکیل می‌دهد،

۱. همان، مرآة العقول، ج ۱، ص ۸۰.

۲. طبسی، نجم الدین، چشم‌اندازی به حکومت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، قم، بوستان کتاب، ویرایش دوم، ص ۱۸۴ و واف، ج ۲، ص ۱۱۳، به نقل از فتوحات مکیه.

۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ج ۵۲، ص ۳۶۲ و اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۴۴.

زمین بهترین چیزهایی مانند پاره‌های طلا و نقره را که در دل دارد بیرون می‌ریزد و کار به جایی می‌رسد که حضرت اعلام می‌کند که هر کس به مال و ثروت نیاز دارد بیاید، ولی کسی پیش قدم نمی‌شود.^۱

علاوه بر اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت که فسادهای اخلاقی را ریشه‌کن می‌کند و آموزش و تربیت صحیح اثر عمیقی در مبارزه با فساد و تجاوز و انحرافات اجتماعی و اخلاقی دارد. در حکومت امام عَلَيْهِ السَّلَام يك دستگاه قضایی آگاه و بیدار وجود دارد که با مراقبت‌های دقیقی که از خود نشان می‌دهد راه فرار را بر مجرمان و ستمگران می‌بندد و محاکمه‌های دقیق و بدون تبعیض و... دستگاه قضایی زمینه پیدایش هر گونه فساد را از بین می‌برد.^۲ بنابر این وقتی مردم عصر ظهور نسبت به مردم قرن‌های گذشته از دانش بی‌نظیری بهره‌مند خواهند شد.^۳ و عقل‌هایشان به کمال می‌رسد و از نظر اقتصادی و فرهنگی و امنیت و... سرآمد خواهند بود. مقایسه کردن آنها با انسان‌های زمان حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَام مقایسه درستی نیست

۱. رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس، الملاحم والفتن، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ص ۷۱.

۲. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم، چاپ‌خانه نمونه، ص ۲۷۶.

۳. امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «در روزگار حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام به اندازه‌ای به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که يك زن در خانه‌اش بر طبق کتاب و سنت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قضاوت می‌کند.» بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

و وقتی مردم فهیم صاحب دولتی می‌شوند که کارها و برنامه‌ریزی‌هایش از هر حیث با فطرت آنها سازگاری دارد و رهبری معصوم زمام امور را در دست داشته باشد و از ظلم و ستم و... خبری نباشد و امنیت و آسایش در حد اعلا موجود باشد و معنویت و محبت در جامعه مهدوی همه را معطر کرده باشد، هرگز جایی برای برگشت فرعون‌ها و معاندان با حق باقی نمی‌ماند.

با برنامه‌ریزی که دولت عدالت‌گستر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوم دارد و با توجه قوه قضائیه‌ای هوشیار و بیدار و قاطع که در اختیار دارد هرگز ظالمان جایی برای فعالیت‌های مسموم خود نخواهند دید، نه تنها ظلم نمی‌کنند به یقین با ظهور حضرت، ظالمان هلاک خواهند شد و انقراض ظالمان اعلام خواهد شد و از آن پس هر کس که در راه حق مانع تراشی کند محاکمه‌ای جدی خواهد داشت تا مایه عبرت دیگران شود. علاوه بر این از لطف الهی نسبت به انسان‌های آن زمان نمی‌توان چشم‌پوشی کرد؛ زیرا امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «... خداوند به شیعیان ما در زندگی رفاه و آسایش می‌دهد و آنان در بی‌نیازی به سر می‌برند و اگر لطف خداوند آنان را در بر نمی‌گرفت، با آن بی‌نیازی سرکشی می‌کردند.»^۱

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. خورشید مغرب، محمد رضا حکیمی

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرموده‌اند: بعد از قائم، یازده مهدی دیگر از ما اهل بیت هستند که از فرزندان امام حسین علیه السلام می‌باشند، آیا آنها امامان معصوم هستند؟

از عمیق‌ترین تحولات و دگرگونی‌هایی که جهان ما در زمان و مکان و اشیاء‌اش با آن روبروست، حرکت و سیر جهان ماده به سوی عالم غیب است که قرآن و معارف اسلامی از آن پرده برمی‌دارد و بر اهمیت و حساسیت آن تأکید می‌ورزد و این حرکت و تحوّل را بازگشت انسان به سوی خدا و رویارویی انسان با قدرت او و یارفتن به سوی ملأ اعلی و آخرت می‌نامند، و نسبت به ما آن را فرارسیدن قیامت و رستاخیز می‌خوانند؛ نقطه اوج این حرکت و تحوّل، نسبت به انسان مرگ است که از دیدگاه اسلام ورود به زندگی گسترده‌تر است و نقطه عطف آن نسبت به جهان هستی، قیامت و اتحاد دو جهان ماده و غیب است.

در قرآن کریم و سنت آمده است که رستاخیز و قیامت دارای مقدمات و نشانه‌هایی پی در پی است که در زمین و آسمان و جامعه بشری پدید می‌آید و حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم آخرین و بزرگ‌ترین مرحله حرکت جهان مادی پیش از برپایی رستاخیز و قیامت است.

به نظر می‌رسد که دست‌یابی به جهان بالایی که روایات از آن سخن می‌گویند و در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم تحقق

خواهد یافت،^۱ مقدمه‌ای بر راهیابی به سوی جهان آخرت است. بنابر این روایاتی که درباره رجعت و بازگشت عده‌ای از پیامبران و امامان علیهم‌السلام به زمین و حکمرانی آنها بعد از امام مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف سخن گفته و نیز در آیات متعدد، تفسیر به «رجعت» شده، مراد همین مرحله است و اعتقاد به رجعت هر چند از ضروریات اسلام نیست اما روایات مربوط به آن به حدی زیاد و مورد وثوق است که اعتقاد به آن را یک امر روشن و غیر قابل انکار می‌سازد. طبق برخی روایات، رجعت، پس از حکومت حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و پس از حکومت یازده مهدی دیگر، آغاز می‌گردد، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «همانا بعد از قائم، یازده مهدی از فرزندان حسین علیه‌السلام از ما اهل بیت اند».^۲

با توجه به اجمال و برخی ابهاماتی که در کیفیت رجعت و حکومت امامان معصوم علیهم‌السلام و یا برخی دیگر از ولات و اولیاء آنان پس از ظهور و حاکمیت مهدوی وجود دارد، نمی‌توان درباره حوادث و پیش‌آمدهای آن به تفصیل و به طور قطع اظهار نظر کرد. حکومت یازده مهدی از اولاد امام حسین علیه‌السلام پس از امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف، نیز از امور و حوادث پس از حکومت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه‌الشریف و در آستانه و بلکه هم‌زمان با رجعت می‌باشد که در برخی روایات به آن اشاره شده است و هیچ‌گونه توضیح

۱. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه مهدی حقّی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵ش، ص ۳۵۵.

۲. شیخ طوسی، غیبت، قم، موسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۹.

و تفصیلی درباره آن بزرگواران و بیان ویژگی‌های آنان در روایات و منابع روایی وجود ندارد. تنها چیزی که می‌توان گفت این است که آنان افراد وارسته و شایسته هستند که دارای چنین لیاقتی می‌باشند، اما این که آنان دارای مقام عصمت هم هستند یا نه، دلیلی بر نفی و یا اثبات آن در منابع روایی وجود ندارد. بر اساس دلائل مسلم عقلی و نقلی عصمت که لازمه قطعی امامت و پیشوائی در اسلام است در دوازده امام معصوم بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که اوصیاء آن بزرگوارند و به وجود مقدس خاتم اوصیاء امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خاتمه می‌یابند، اختصاص دارد.

همان گونه که امامت و وصایت مختص این دوازده نفر است.

بنابر این حکومت یازده مهدی پس از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را نمی‌توان به حکومت یازده امام رجعت کننده از ائمه دوازده گانه تفسیر کرد؛ چون در روایت، یازده مهدی از اولاد امام حسین علیه السلام آمده است. اما می‌توان به عنوان یک احتمال گفت که این یازده نفر از ولات عهد ائمه علیهم السلام و والیان آن بزرگواران در زمان رجعت و پس از حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند و از علماء و صلحاء و اولیاء بزرگوار الهی‌اند. اما حقیقت حال در روایات بیان نشده و راهی غیر از روایات به این گونه امور وجود ندارد. پس بهتر است علم به این گونه مسایل را به خدا و اهل ذکر از امامان معصوم علیهم السلام واگذار نماییم.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. عصر ظهور، علی کورانی

۲. سیمای آفتاب، دکتر حبیب الله طاهری

چرا شیطان زمانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند خود را تسلیم امام می کند تا سر او را از بدنش جدا کند؟

موضوع پایان کار شیطان در قرآن به صورت اشاره مطرح شده است و روایاتی نیز در ذیل آیات مربوط به این بحث نقل گردیده است در قرآن کریم جریان مهلت خواستن شیطان از خداوند در دو آیه (آیه ۳۶ سوره حجر و آیه ۷۹ سوره ص) به يك شکل آمده است.

در این آیات، شیطان بعد از طرد شدن از درگاه الهی، از خداوند تقاضای می کند ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يَبْعَثُونَ﴾؛ خدایا! مرا تا روز قیامت مهلت بده. خداوند در پاسخ می فرماید: ﴿فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ * إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ﴾؛ یعنی تو اجازه داری تا زمان مشخصی به کار خود ادامه دهی. از این آیات استفاده می شود که خداوند با اصل تقاضای شیطان موافقت فرموده، اما آن را محدود به وقت معلوم نموده است. در مورد این که مراد از «وقت معلوم» در آیه چیست، میان مفسرین اختلاف نظر وجود دارد که این اختلاف نظر نیز ناشی از اختلاف روایات مربوط به این مسأله می باشد.

ولی بسیاری از مفسرین، از جمله مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر المیزان معتقدند که: میان پاسخ خداوند و تقاضای شیطان تفاوت وجود دارد و در این پاسخ از جهتی موافقت شده است و از جهتی نیز مخالفت شده. اصل مهلت دادن به شیطان، پذیرفته شده، ولی مدت مورد نظر

شیطان رد شده است. چون سیاق آیه دلالت دارد بر این که «وقت معلوم» غیر از «یوم یعبثون» است و مراد از آن زمان قبل از قیامت است.

ایشان، نتیجه می‌گیرد که منظور از وقت معلومی که خداوند آن را پایان مهلت شیطان قرار داده است، روزی است که خداوند جامعه بشری را در آن روزگار کاملاً اصلاح می‌کند و ریشه همه فسادها را قطع می‌کند نه این که مراد روز برپایی قیامت و مرگ عموم خلایق باشد.^۱

روایاتی که در ذیل این آیه وارد شده متفاوت می‌باشد. بعضی روایات بیان می‌دارند که پایان کار شیطان در عصر ظهور است و او به دست امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کشته می‌شود، مانند روایت اسحاق بن عمار که از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که حضرت فرمود: «مراد از وقت معلوم در آیه، روز قیام قائم ما است، زمانی که خداوند او را ظاهر کند، در مسجد کوفه مستقر می‌شود. در آن هنگام شیطان در حالی که به زانو راه می‌رود به سوی حضرت آورده می‌شود و شیطان فریادش از شدت حزن آن روز بلند است، آن گاه حضرت پیشانی شیطان را می‌گیرد (کنایه از ذلت و خواری) و گردن او را می‌زند.»^۲

برخی روایات قتل شیطان را به رسول الله صلی الله علیه و آله نسبت

۱. المیزان، بیروت، چاپ مؤسسه علمی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۲، ص ۱۵۸. ۱۶۰.

۲. همان.

داده‌اند و پاره‌ای هم بقای شیطان را تا زمان نفخه صور و مرگ دسته جمعی ذکر نموده‌اند.^۱

هر چند سند همه این روایات مشکل دارند و سند معتبر و قابل استنادی برای آنها وجود ندارد، ولی وجه جمع بین آنها این است که بگوییم احتمال دارد که مراد از روایات مربوط به قتل شیطان، معنای کنایی آن باشد نه قتل واقعی؛ یعنی مراد محدود نمودن و بی نتیجه بودن تلاش‌های شیطان باشد که در عصر ظهور حضرت به خاطر رشد عقول مردم و تربیت آنان در پرتو حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کارهای شیطان بی اثر می‌شود و از تأثیرگذاری می‌افتد.

در هر حال چه منظور قتل و کشتن خود شیطان باشد و چه بلا تأثیر ماندن تلاش‌های شیطان باشد، نتیجه یکی خواهد بود و آن عبارت است از عدم نقش آفرینی و کارایی شیطان در گمراهی مردم در عصر حاکمیت مطلق دین خدا و دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه‌ای که در آن عصر، اطاعت و بندگی در سراسر جامعه توحیدی نمود دارد:

﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُ بِي شَيْئًا﴾^۲

نکته آخر این که کشته شدن شیطان و یا بی تأثیر بودن او، منافاتی با اختیار و تکلیف انسان ندارد؛ زیرا انگیزه‌ها و عوامل معصیت در وسوسه شیطان منحصر نمی‌باشد، بلکه علاوه

۱. ر.ک: المیزان، ج ۱۲، ص ۱۷۴.

۲. سوره نور، آیه ۵۵.

بر آن دو عامل مهم دیگر: یعنی وسوسه‌های نفسانی و عوامل درونی و نیز عوامل و انگیزه‌ها و وسوسه‌های بیرونی هم‌چنان باقی است، چون انسان‌های آن زمان تبدیل به فرشته نمی‌شوند تا طبیعت و نفسانیات‌شان تغییر نماید، بلکه از نظر تربیت فرشته‌خو می‌شوند. با این‌که زمینه و امکان معصیت و گناه برای آنان وجود دارد، ولی با توجه به این‌که آگاهی و ایمان و تربیت مردم در آن دوران، به درجه اعلا قرار دارد، این معرفت و تربیت بی‌نظیر در عصر دولت الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف صدور گناه و معصیت را به حداقل ممکن می‌رساند.

نتیجه این‌که در عصر تشکیل دولت کریمه مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهلت کار شیطان به پایان می‌رسد و فرقی ندارد چه این که شیطان توسط حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف به قتل برسد، چنان‌که ظاهر برخی روایات دلالت بر آن دارد و چه این‌که اصل وجود شیطان معدوم نگردد و این روایات حمل به معنای کنایی بشود در این صورت، نقش‌آفرینی شیطان در اغوا و ضلالت انسان‌ها که بیش‌ترین سهم را داشته است، در آن زمان به پایان می‌رسد و به همین خاطر بیش‌ترین نگرانی شیطان از ظهور حضرت و تعجیل آن می‌باشد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. وقت معلوم، محمد حسن گنجی فرد

۲. تفسیر المیزان، ج ۱۲، تفسیر سوره حجر

در کتاب «الفبای مهدویت» در مورد احکام جدید آمده است: حکم برخی احکام در عصر ظهور تغییر می‌کند، مثل اعدام زناکار و شراب‌خوار، در حالی که حد آنها در قرآن آمده است؟

احادیثی که در کتاب مذکور ذیل «احکام جدید» آمده است، بیشترشان از حیث سندی ضعیف هستند.^۱ پس نمیتوان از آنها به عنوان اثبات مدعا استفاده کرد و مؤلف کتاب نیز فقط در صدد جمعآوری اطلاعات در زمینه موضوعاتی که به نحوی با فرهنگ مهدویت ارتباط دارند، میباشد، اما در حیطه متن و مفهوم کلام ایشان باید بگوییم: اولاً: منظور مؤلف از «احکام جدید»، تغییر برخی از احکام نبوده است، بلکه متن کلام ایشان چنین است: «احکامی که در نظر اول با متون فقهی موجود و گاهی با ظواهر روایات و سنت سازگاری ندارد.»^۲ نه اینکه در درک عمیق و نظر ثانوی با فقه و روایات و سنت سازگاری ندارد، لذا این احکام صادر شده در احادیث، هیچ منافاتی با احکام قرآن و اسلام ندارند و قابلیت تأویل و تفسیر دارند.

ثانیاً: در حال حاضر نیز برخی از حدود زناکار و یا شراب‌خوار اعدام است و اگر کسی دو بار از یک نوع گناه، حد بخورد، در بار سوم کشته میشود. امام صادق علیه السلام میفرماید: کان رسول

۱ . لطفی، محمد مهدی، رساله - علمی سطح ۳ در مؤسسه - مهدویت با موضوع: نگرشی بر دین جدید در عصر غیبت، ۱۳۸۹، ص ۱۱۷.

۲ . تونه - ای، مجتبی، موعودنامه (فرهنگ الفبایی مهدویت)، میراث ماندگار، قم، ۱۳۸۴، ص ۷۳.

اللَّهِ ﷻ إِذَا اتَى بِشَارِبِ الْخَمْرِ ضَرْبَهُ، ثُمَّ إِنْ اتَى بِهِ ثَانِيَةً ضَرْبَهُ، ثُمَّ إِنْ اتَى بِهِ ثَالِثَةً ضَرْبَ عُنُقِهِ؛^۱ همواره چنین بود زمانی که شراب خواری را پیش رسول الله ﷺ می‌آوردند او را شلاق میزد و اگر دوباره او را می‌آوردند شلاق میزد، اگر برای بار سوم او را می‌آوردند، گردنش را میزد.

امام خمینی در «تحریر الوسیله» در ذیل «فصل چهارم در حدّ مسکرو در مسأله ۱۲» می‌فرماید: اگر [کسی شراب] بیاشامد، ولی در خلال آنها حدّ زده نشود، یک حدّ از همه آنها کفایت میکند. و اگر بیاشامد و حدّ بخورد، در مرتبه سوم به قتل میرسد و گفته شده که در مرتبه چهارم کشته میشود.^۲ و همه علما و مراجع در این مسأله اجماع نظر دارند. لازم به ذکر است که شلاق برای شراب‌خوار، هشتاد ضربه است و شلاق برای زنا‌ی غیر محصنه و غیر محارم صد ضربه می‌باشد و هفتاد ضربه نداریم.

هم‌چنین در زنا‌ی محصنه، یعنی کسی که زن دارد ولی با این حال زنا کند، و یا اگر کسی زنا با محارم کند، حکمش از همان ابتدا اعدام و سنگسار است و در این مورد نیز هیچ اختلافی بین فقها و علما وجود ندارد. بنابر این حدّ زناکار و شراب‌خوار فقط شلاق نیست، بلکه در برخی فروض، حکم‌شان اعدام است.

۱. بروجردی، حسین، جامع‌أحادیث الشیعة، انتشارات فرهنگ سبز، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ش. ج ۳، ص ۸۸۰.

۲. موسوی خمینی رحمته‌الله، روح‌الله، تحریر الوسیله، ترجمه: اسلامی، علی، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۲، ۱۳۸۳ش، ج ۴، ص ۲۱۷.

ثالثاً: آنچه از روایات موثق به دست می‌آید دلیل فرق بین احکام در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف با سایر زمانها به خصوص زمان ائمه دیگر این است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف طبق علم امامت و علم باطنی خویش عمل مینمایند بر خلاف سیره بیشتر انبیاء و یازده امام معصوم علیهم السلام پیش از وی و هم چنین علما و قضات اسلامی، که همه و همه مأمور به ظاهر بودند و هستند، یعنی احکام‌شان بر اساس دلیل و شاهد و بینه است و اگر اینها نباشد، بر اساس قسم و یا قرعه میباشد؛ چرا که اینها ملزم به حکم از روی ظواهر هستند.

به عبارتی دیگر اگرچه همه امامان از باطن افراد و کارهایشان باخبر بودند، ولی بدون ادله و شاهد کسی را مجازات نمینمودند، لذا در زمان امیرالمؤمنین علی علیه السلام مثلاً زناکار را زمانی مجازات مینمودند که زناکار، خود اقرار به گناه خودش بکند و یا با وجود چهار شاهد عادل علیه زناکار، حکم به سنگسارش میدادند و گرنه بدون ادله ظاهری، هرگز کسی را نه شلاق میزد و نه اعدام مینمود، اما این رویه در زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تغییر پیدا خواهد کرد؛ چنان که امام صادق علیه السلام در مورد روش و نوع صدور حکم از سوی حضرت ولیعصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین می‌فرمایند: «إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَكَمَ بَيْنَ النَّاسِ بِحُكْمِ دَاوُدَ لَا يَحْتَاجُ إِلَى بَيِّنَةٍ يُلْهِمُهُ اللَّهُ تَعَالَى فَيَحْكُمُ بِعِلْمِهِ»؛ هنگامی

که قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام قیام کند، در بین مردم به حکم داود عَلَيْهِ السَّلَام حکم خواهد کرد که نیازی به بیّنه و شاهد ندارد. خداوند به او الهام میکند، پس او با علم خود حکم میکند.

این نیز نباید چیز بعیدی شمرده شود؛ چرا که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام زمانی ظهور خواهد کرد که زمین پر از ظلم و جور شده است و اگر بخواهد زمین را پر از عدل و داد کند چارهای جز این نیست که با روش جدید، احکام اسلامی را جاری کند و گرنه اگر قرار باشد با همین روشهای ظاهری، ظلم و جور از بین برود، باید پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ در طول ۲۳ سال حکومتش ریشه ظلم و جور را حداقل در شهر مکه و مدینه از بین میبرد که هرگز چنین نشد و یا امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام نیز در طول نزدیک به پنج سال حکومتش حداقل در شهر کوفه ریشه ظلم را میخشکاند که باز چنین نشد. لذا روش امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در صدور حکم علیه ظالمان و گناهکاران با روش جدید است که گویا حکم جدید است، حال آن که همان حکم و قانون خداست که فقط در زمان امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام قابلیت اجرا پیدا خواهد کرد. رابعاً: بر اساس چنین روشی قبلاً نیز یک بار اتفاق افتاده است و آن جریان داستان حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت خضر عَلَيْهِ السَّلَام است که در سوره کهف به آن اشاره شده است. حضرت خضر عَلَيْهِ السَّلَام نوجوانی را کشت و کشتی فقرا را سوراخ کرد و در واقع خود حکم نمود و خود اجرا کرد که تا آن زمان

کسی چنین نکرده بود و دلیل عدم صبر و اعتراض حضرت موسی علیه السلام نسبت به خضر علیه السلام هم همین نوع احکام خضر نبی بود که با احکام ظاهری دین خدا در تضاد ظاهری بود که گویا حضرت خضر علیه السلام قصاص قبل از جنایت کرد و یا در حق فقرا ظلم نمود، حال آن که حکم حضرت خضر علیه السلام مطابق با حکم خدا در لوح محفوظ می باشد و خواست و مصلحت اولیّه خدا در این بود که نوجوان کشته شود؛ زیرا اگر زنده می ماند پدر و مادرش را به طغیان و کفر می کشاند: ﴿وَأَمَّا الْعَلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهَقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا﴾^۱؛ و اگر کشتی را سوراخ نمی کرد، کشتی توسط حاکم ظالم، غصب میشد: ﴿وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا﴾^۲. بنابر این حکم ولایی حضرت خضر علیه السلام مقدّم بر حکم ظاهری است و حکم ولایی امام زمان. ارواحنا فداه. نیز چنین خواهد بود که تا قبل از ایشان در هیچ یک از حکومت های اسلامی، چنین حکمی مشاهده نشده است و گویا دین و حکم جدید است، اما در واقع اجرای احکام واقعی خداست و با عمل صرف امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف به احکام ظاهری خداوند، نمیتواند ریشه ظلم و فساد را بخشکاند. لذا نیازمند روش جدید در صدور احکام است که از آن تعبیر به «احکام جدید» میشود.

آری، خضر علیه السلام مطابق حکم ولایی عمل می کرد که حق

۱. سوره کهف، آیه ۸۰.

۲. سوره کهف، آیه ۷۹.

محض است؛ ولی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مأمور نبود در داوری‌ها برابر با لوح محفوظ حکم کند، مگر وقتی که مشیت الهی اقتضای کرد^۱.

خامساً: بیشتر احادیث ذکر شده قابلیت تأویل دارند؛ مثلاً «کشتن فرد بینماز»؛ یعنی کسی که آشکارا منکر وجوب نماز است و یا «اعدام دروغ‌گو»؛ یعنی کسی که عمداً نسبت دروغ به خدا و یا رسول خدا یا به دین خدا می‌دهد که هر دوی اینها ارتداد افراد را در پی دارد و حکم ارتداد، اعدام است و یا «نابودی مناره‌های مسجد»؛ یعنی مناره مساجدی که برای غیر خدا ساخته شده‌اند، مثل تفاخر و خود برترینی ساخته شده‌اند، چنان‌که در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله مسجد ضرار ساخته بودند که پیامبر دستور به تخریب آن دادند، مناره که جای خود دارد.

سادساً: گاهی احکام اسلامی از بس تغییر داده شده‌اند که نه تنها به اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله عمل نمیشود، بلکه برخی از آنها کاملاً فراموش گردیده‌اند و زمانی که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌خواهد به آنها عمل کند، مردم خیال خواهند کرد که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف احکام جدید آورده است، حال آن‌که آن، چیزی نیست، مگر اسلام واقعی. چنان‌که در دعای ندبه می‌خوانیم: «أَيَّنَ الْمُدَّخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَ السُّنَنِ أَيْنَ

۱. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، اسراء، قم، چاپ دوم، ج ۹، ص ۴۰۰.

الْمُتَّخِيزُ (الْمُتَّخِذُ) لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ أَيْنَ الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ
الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ؛ کجاست آن که برای تجدید فرایض و سنن
ذخیره است. کجاست آن که برای برگردانیدن ملت و شریعت
مقدس اسلام اختیار شده است. کجاست آن که آرزومندیم
کتاب آسمانی قرآن و حدود آن را احیا سازد. یقیناً تجدید
کردن، اعاده کردن و یا احیا و زنده کردن دوباره یک چیز به
معنای احکام جدید آوردن نیست، لذا احادیثی را که به آوردن
احکام جدید و یا کتاب جدید توسط زمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
دلالت دارند باید تأویل شوند.

در کتاب «مهدی در قرآن» می‌نویسد: در زمان ظهور، گوسفند و گرگ با هم انس دارند، پس روزی گرگ چه می‌شود که به دست گوسفند است؟

قبل از این که جواب سؤال را مطرح کنیم باید به چند نکته توجه داشت:

اولاً طبق جستجویی که انجام شد این حدیث از ناحیه معصومین علیهم‌السلام صادر نشده است.

ثانیاً این حدیث در منابع حدیثی شیعه دیده نشده و تنها در منابع اهل سنت آمده است. بنابر این اصل صدور این روایت از پیشوایان معصوم ثابت نشده است.

ثالثاً به فرض اگر این حدیث درست باشد توضیح آن این است که در این احادیث آنچه که بیشتر مورد توجه است جنبه کنایه حدیث است، ما یک منطوق حدیث داریم که عبارت است از همان الفاظ ظاهری و معنای ظاهری آن و یک مفهوم حدیث داریم که عبارت است از آن معنایی که در کلام موجود نیست، بلکه در بطن آن کلام وجود دارد. برای روشن شدن مطلب و تنزیل مطلب مثالی می‌زنیم؛ مثلاً در این مثال که بیشتر شنیدیم که وقتی گفته می‌شود فلانی خاکستر خانه‌اش زیاد است، این به معنای این نیست که واقعاً خانه‌اش پر از خاکستر است، بلکه این کلام کنایه از این است که فلانی زیاد مهمان دارد. در این حدیث هم که می‌فرماید گرگ و گوسفند در کنار هم زندگی می‌کنند بیان‌گر

وجود یک امنیت پایدار و مطلق در حکومت آن حضرت می باشد و وجود یک عدالت مطلق که به معنای واقعی کلمه در حاکمیت اجرا می شود و در سایه این عدالت و امنیت است که دیگر تعدی و تجاوز و ظلم به هم دیگر وجود ندارد.

این حدیث از ابن عباس نقل شده و اصل حدیث به این شرح است: «عن ابن عباس: حتى يأمن الشاة و الذئب و البقره و الأسد و الإنسان و الحيه و حتى لا تقرض فأرة جراباً»^۱.

شبیه همین حدیث باز از پیامبر ﷺ نقل شده که ایشان می فرماید: «... حتى تسير المراتان لا تخشيان جوراً»^۲؛ در حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است که دو زن شبانه حرکت کرده، مسافرت می کنند و از بی عدالتی و ستم هراسی ندارند.

یا حدیث دیگر شبیه اینها از امام باقر عليه السلام وارد شده که ایشان می فرماید: «قال أبو جعفر عليه السلام: يقاتلون و الله؛ حتى يوحد الله، و لا يشرك به شيء و حتى تخرج العجوز الضعيفة من المشرق تريد المغرب و لا ينهاها أحد»^۳؛ به خدا سوگند، یاران مهدی آن اندازه می جنگند تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرّ نوزند و تا آن جا که پیرزنی سال خورده و

۱ . طیبی، نجم الدین، چشم انداز بر حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۴۰ به نقل از بحار الأنوار و سنن بیهقی.

۲ . همان به نقل از معجم الكبير.

۳ . همان به نقل از تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۶۲ و الغیبه نعمانی، ص ۲۸۳ و تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۶۹.

ناتوان از این سوی جهان به آن سوی رهسپار شود و کسی متعرض او نشود.

پس با دقت و تأمل در این گونه احادیث متوجه می‌شویم که آنچه مهم است مفهوم احادیث است و آن وجود امنیت پایدار در آن حکومت است، در حالی که پیش از ظهور حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى شرایط ناامنی بر جهان چیره شده بود، و یکی از بنیادی‌ترین کارهای آن حضرت، بازگرداندن امنیت به جامعه است.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. نشانه‌هایی از دولت موعود یا چشم‌انداز بر حکومت حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، نجم الدین طوسی، قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، ۱۳۸۶ش.

۲. عصر ظهور، علی کورانی، ترجمه عباس کورانی، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۹ش.

۳. حکومت جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى، آیت الله مکارم شیرازی، نسل جوان.

۴. سیمای آفتاب (سیری در زندگانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى)، حبیب الله طاهری، انتشارات زائر آستان مقدسه، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۲ش.

با توجه به این که روایت داریم قبل از ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هر حکومتی بر پا شود باطل و طاغوت است، برپایی حکومت جمهوری اسلامی چطور توجیه می شود؟

آنچه در منابع روایی به دست آمد، این حدیث است: عَنْ ابی عبدالله السلام: «كُلَّ رَايَةٍ تَرْفَعُ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ يَعْبُدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»؛^۱ امام صادق ع فرمود: هر پرچمی قبل از قیام قائم (بلند شود) صاحب آن طاغوت است (با این کار) غیر خدا را پرستیده و بندگی نموده است.

این روایت (و یا مشابه آن) به هیچ وجه دلالت ندارد که قیام‌های به حق و تشکیل حکومت عادلانه، طاغوت و عبادت غیر خداوند (و یا گمراهی) است، بلکه در خود روایت قرینه داریم که مراد قیام طاغوتی و قیام‌هایی است که در مسیر خدا و اهل بیت نباشد، بلکه در عرض و مقابل آنها باشد، آن قرینه ذکر کلمه «طاغوت» و جمله «يعبدُ من دون الله» است.

مؤید این مطلب روایت دیگری است که می‌گوید: «و مَنْ رَفَعَ رَايَةَ ضَلَالَةٍ فَصَاحِبُهَا طَاغُوتٌ»؛^۲ هر کسی پرچم ضلالت برافرازد، صاحبش طاغوت است. در نتیجه روایت مذکور به قرائن خارجی قید برمی‌دارد، که هر پرچمی که در مسیر ضلالت برافراشته شود طاغوت است نه پرچم حق، و هرگز

۱. حُرّ عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ج ۱۱، ص ۳۷، ح ۶.

۲. یعقوب کلینی، روضه کافی، دار الکتب الإسلامیه، ج ۸، ص ۲۹۶، ح ۴۵۶.

به اطلاق روایت که هر قیامی قبل از ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف طاغوتی است نمی‌توان تمسک نمود؛ چرا که اطلاق آن حتی قیام امام حسین علیه السلام را هم شامل می‌شود، چون قبل از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، و هرگز هیچ مسلمانی حتی انسان فهمیده‌ای در حقانیت قیام امام حسین علیه السلام شک ندارد، از این گذشته ما قیام‌های فراوانی را داشته‌ایم در تاریخ توسط غیر ائمه علیهم السلام و انسان‌های غیر معصوم که مورد تأیید ائمه قرار گرفته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود و این روایات با روایت فوق معارض است:

۱. قیام زید بن علی: که امام رضا علیه السلام فرمود: زید از علما آل محمد بود و برای خداوند خشم نمود و برای خداوند با دشمنانش جنگید تا به شهادت رسید.^۱ و امام کاظم علیه السلام هم فرمود: عمویم زید در راه رضایت آل محمد علیهم السلام قیام کرد.^۲ حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قیام او را پیش‌گویی و تأیید نموده و روایات دیگری هم از ائمه اطهار علیهم السلام قیام زید را کاملاً تأیید فرموده‌اند.^۳

۲. قیام مختار بن ابی عبیدی ثقفی، که امام زین‌العابدین علیه السلام در تأیید قیام او فرمود: اگر برده‌ای از زنگار برای یاری ما قیام کند بر همگان واجب است او را یاری

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹، ح ۱۱.

۲. همان.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۶، ص ۱۹۹.

رسانند.^۱ از این روایت استفاده می‌شود که نه تنها قیام در حمایت، و مسیر اهل بیت علیهم‌السلام ممنوع نیست، بلکه هر کس قیام کند بر دیگران واجب است او را یاری نمایند. هم‌چنین امام باقر علیه‌السلام فرمود: مختار قاتلان ما را کشت و از ما اهل بیت خون‌خواهی و دختران ما را ازدواج داد و در زمان مشکلات، بین ما به تقسیم مال پرداخت^۲ و نیز فرمود: خدا رحمت کند مختار را که تمام حق ما را ستاند.^۳

از گفتار امام باقر علیه‌السلام به خوبی تأیید و تمجید تشکیل حکومت در مسیر حمایت از اهل بیت استفاده می‌شود.

۳. قیام یمانی و... که در روایات بدان اشاره شده و تأیید شده است.^۴

استاد مطهری در این زمینه می‌فرماید: «از نظر روایات اسلامی در مقدمه قیام و ظهور امام يك سلسله قیام‌های دیگر از طرف اهل حق صورت می‌گیرد، آنچه به نام قیام یمانی قبل از ظهور بیان شده است نمونه‌ای از این سلسله قیام‌ها است، این جریان نیز ابتدا به ساکن و بدون زمینه قبلی رخ نمی‌دهد. در برخی روایات اسلامی سخن از دولتی است از اهل حق که تا قیام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌القریب ادامه پیدا می‌کند.^۵

۱. همان، ج ۴۵، ص ۳۶۵.

۲. همان، ج ۴۵، ص ۳۴۳.

۳. کشی، رجال کشی، ص ۱۲۵، ج ۱۹۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۵۳.

۵. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، قم،

و هم چنین درباره انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی رحمته الله علیه بشارت‌هایی داده شده که یکی از بزرگان معاصر می‌گوید: «از نظر شیعیان، انقلاب ایران به عنوان زمینه‌ساز ظهور مطرح است. آنان کم و بیش می‌دانند که این علائم ظهور است، در روایت‌های موجود عبارت «رجل من قم»؛ مردی از قم قیام می‌کند «و قوم من الشرق» و گروهی از مشرق دست به قیام می‌زنند آمده است.^۱

نظر امام خمینی رحمته الله علیه:

امام رحمته الله علیه توضیحاتی درباره این حدیث مطرح نموده که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

۱. مراد رأیتی است که در مقابل رأیت حضرت باشد نه رأیتی که دعوت به ایشان و ولایت‌شان می‌کند.^۲ دلیل این توجیه ذیل روایت مذکور و روایتی است که قید «رأية ضلالة» پرچم گمراهی دارد.

۲. مراد این است که علم مهدی به عنوان مهدویت بلند کند.^۳ چنان‌که در طول تاریخ پرچم‌های زیادی به نام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کردند، ولی گذشت زمان آنها را رسوا نمود. در جای دیگر می‌فرماید: اینهایی که می‌گویند که هر

انتشارات صدرا، ص ۶۸۶۷.

۱ . مجله انتظار، شماره ۲، سال اول، مصاحبه با استاد علی کورانی، ص ۶۱ و ر.ک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳ و ج ۵۷، ص ۲۱۶، ح ۳۷.

۲ . مجله انتظار، سال اول، شماره ۲، ص ۸۱.

۳ . همان، شماره ۱، ص ۱۴ و صحیفه نور، ج ۲، ص ۱۹۶، ۱۹۷.

عَلَمی بلند بشود و هر حکومتی، خیال کردند که هر حکومتی باشد، این بر خلاف فرج است، اینها نمی فهمند چی دارند می گویند...، حکومت نبودن یعنی این که همه مردم به جان هم بریزند، بکشند...، اگر فرض می کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می زدیم، برای این که خلاف قرآن است.^۱

۳. (ممکن است روایت) راجع به خبرهای ظهور ولی عصر باشد و مربوط به علامات ظهور باشد و بخواهد بگوید عَلَم هایی که به عنوان امامت قبل از قیام قائم بر پا می شود باطل است.^۲ یعنی روایت مورد خاص را می گوید، لذا اطلاق ندارد.^۳

۴. احتمال دیگر آن که از قبیل پیش گویی باشد از این حکومت هایی که در جهان تشکیل می شود تا زمان ظهور که هیچ کدام به وظیفه خود عمل نمی کنند، همین طور هم تاکنون بوده شما چه حکومتی در جهان بعد از حکومت علی بن ابی طالب علیه السلام سراغ دارید که حکومت عادلانه باشد و سلطنت اش طاغی و برخلاف حق نباشد.^۴

جواب دیگر این است که بر فرض روایت طبق ظاهری که

۱. همان، ص ۱۵ و صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۸.

۲. همان، ص ۱۸.

۳. ولایة الفقیه، دار الکتب الإسلامیه، ج ۱، ص ۲۳۸.

۴. مجله انتظار، شماره ۱، ص ۱۸.

دارد معنی شود، باز قابل اعتنا نمی باشد، چون در مقابل این روایات آیات زیادی داریم که دستور به قیام برای خدا، جهاد در راه خدا، امر به معروف و نهی از منکر و مقابله با طاغوت داده است و هم چنین روایات فراوانی داریم که دستور به امر به معروف و نهی از منکر^۱ قیام در راه خدا نموده است و دستورات و قوانین فراوان حکومتی که در قرآن و روایات وجود دارد، نمی توانند مخصوص زمان خاصی باشد. امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه می فرماید: «ممکن است صدها هزار سال دیگر (بگذرد) و مصلحت اقتضا نکند که حضرت تشریف بیاورد و در طول این مدت مدید (آیا) احکام اسلام باید زمین بماند و اجرا نشود و هر که هر کاری خواست بکند؟ (آیا) قوانینی که پیامبر اسلام، در راه بیان و تبلیغ و نشر و اجرای آن ۲۳ سال زحمت طاقت فرسا کشید، فقط برای مدت محدودی بود؟ آیا خداوند اجرای احکامش را محدود کرد به دویست سال؟ و (آیا) پس از غیبت صغری، اسلام دیگر همه چیزش را رها کرده است؟

۱. سورة سبأ، آیه ۴۶.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۳۹۵.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. مجله انتظار، شماره ۱، سال اول، ص ۱۲۶-۱۴۳.

۲. حکومت اسلامی، احمد واعظی، ص ۱۴۷-۱۴۲.

**در قرآن خداوند خطاب به حضرت محمد ﷺ می‌فرماید:
وظیفه تو فقط دعوت کردن و ارشاد مردم است و مابقی به
عهده ماست؟ ولی در روایات آمده که حضرت قائم به زور
شمشیر مردم را وادار به مسلمان شدن می‌کند؟**

مطالعه تاریخ بشری. از روزی که تاریخ بر جای مانده است
. به خوبی این واقعیت را آشکار می‌سازد که موانع راه رشد
و تکامل انسان، جز با قدرت و خون‌ریزی از سر راه برداشته
نمی‌شود و تعالیم اخلاقی و اصول تربیتی هر چند تأثیرهای
ژرف و گسترده داشته است لیکن این تأثیرها، در برخی افراد
نجیب انسانی بوده است و در طبقه سلطه طلب و دنیادار و
استثمارگر که منابع اقتصادی، سیاسی و نظامی جامعه‌ها
را در دست داشته و دارند، یا هیچ تأثیر نداشته و یا تأثیر آن
تحول آفرین و دگرگون‌ساز نبوده است.

برای تربیت و هدایت آنان، باید عامل دیگری به کار می‌رفته
است تا سد راه انسان‌ها نگردند و راه رشد را بر توده‌های
مردم نبندند، تا همگان بتوانند بدون هیچ مانعی به راه رشد
خویش ادامه دهند. از این رو مسأله جنگ و کاربرد نیرو به
عنوان يك ضرورت برای دستیابی به هدف‌های انسانی
مطرح می‌گردد. اسلام، با توجه به همین واقعیت‌ها، جنگ
را نه به عنوان هدف و آرمان، بلکه به عنوان راه و وسیله برای
تحقق توحید و عدل پذیرفته است.

در مورد این که در قرآن خطاب به حضرت محمد ﷺ آمده

وظیفه تو فقط دعوت کردن و ارشاد مردم است و مابقی به عهده ماست، باید گفت که در جای دیگری از قرآن آمده که «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...»^۱ با آنان نبرد کنید تا دیگر فتنه‌ای نباشد و دین برای خدا گردد. پس ملاحظه می‌شود که پیامبر ﷺ تنها مأمور به ارشاد و موعظه نبودند، بلکه مأمور به جهاد و مبارزه نیز بودند، به اندازه‌ای که شخص پیامبر در مدت حدود ۱۳ سال که در مدینه تشکیل حکومت اسلامی دادند بیش از ۷۰ جنگ بر علیه مشرکین و دشمنان اسلام داشته‌اند و پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند: «الخیر کله فی السیف و تحت ظل السیف و لا یقیم الناس إلا السیف، و السیوف مقالید الجنة و النار»؛^۲ تمام نیکی و خیر در شمشیر و در زیر سایه شمشیر است، و مردمان را جز شمشیر راست نمی‌کند و شمشیرها کلیدهای بهشت و دوزخ‌اند.

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که دستور خداوند متعال و روش برخورد پیامبر اکرم ﷺ فقط دعوت و ارشاد نبود بلکه در برخی موارد، برای رعایت مصالح دین و جامعه به شمشیر متوسل می‌شدند. اما راجع به نحوه برخورد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم تشیع، این مطلب در ذهن عموم مردم جا افتاده است که

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵، کتاب جهاد باب وجوبه علی الکفایه...، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام ظهور و قیام، دست به کشتار وسیع مردم می‌زند و به کوچک‌ترین بهانه‌ای گردن مردم را می‌زند و حال آن‌که واقعیت بر خلاف آن است و این‌گونه نیست که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کسی را مجبور به اسلام آوردن کند؛ زیرا با توجه به آیات و روایات پی می‌بریم که یهود و نصارا تا روز قیامت باقی خواهند ماند هر چند ممکن است در اقلیت باشند و بدون آن‌که صاحب اختیار و اقتدار گردند، در پناه دولت اسلامی، جان و مال و آبرو و ناموس آنها محفوظ است. پس این طور نیست که همه به زور شمشیر مسلمان شوند. خداوند متعال می‌فرماید: «و ما از کسانی که ادعای نصرانیت داشتند پیمان گرفتیم، پس قسمتی از پندهای ما را فراموش نمودند، ما هم دشمنی و کینه را تا قیامت در بین آنها انداختیم.»^۱

از این آیه استفاده می‌شود که یهود و مسیحیان تا روز قیامت وجود دارند، بنابر این آنها به اسلام آوردن مجبور نمی‌شوند. ابوبصیر می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم صاحب الأمر با اهل ذمه، یهود و نصارا چه خواهد کرد؟ فرمودند: مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با آنان مصالحه می‌کند، آنها هم با کمال تواضع و خواری جزیه می‌دهند.»^۲

۱. سوره مائده، آیه ۱۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶ و ۳۸۱، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.

از سوی دیگر چون هدف از خلقت انسان، رشد و تکامل و معرفت و شناخت اوست، پس باید روزی این هدف تحقق یابد، از این رو در دوران ظهور، که روزگار تحقق همه آرمان‌های انسانی و الهی است، شناخت انسان به تکامل نهایی می‌رسد و در ابعاد گوناگون دانایی، از جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و خداشناسی عروج لازم را می‌یابد. البته این موضوع از مهم‌ترین برنامه‌ها و اقدام‌های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم است و از این رهگذر دو محور اساسی تحقق می‌پذیرد:

۱. با گسترش شناخت و کشف اسرار کائنات، پایه‌های خداشناسی استوار می‌گردد.

۲. گسترش شناخت و دانایی، تشکیل جامعه انسانی سامان یافته و مرفه را ممکن می‌سازد.

در نتیجه قبل از به کار بردن شمشیر، توده‌های مردم و عده زیادی به حقانیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم پی می‌برند و دین اسلام را قبول می‌کنند و جنگ و خون‌ریزی فقط با عده کمی از گردن‌کشان و مستکبران عالم، که مانع رشد و تکامل انسان‌ها می‌گردند، می‌باشد و جنگ‌های امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم برای مجبور کردن دیگران به پذیرش اسلام نیست، بلکه برای ریشه‌کن کردن ظلم و بیدادگری و گسترش عدالت جهانی می‌باشد.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، مؤلف: علی اصغر

رضوانی

۲. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

۳. مهدی منتظر، محمد جواد خراسانی

اگر در زمان ظهور، زمین پر از عدل و داد می‌شود، دیگر چه نیازی به قیامت است؟ آیا ارزش قیامت زیر سؤال نمی‌رود؟

قرآن کریم در مورد عالم قیامت تعبیرات مختلفی دارد و هر تعبیری بابی از معرفت و شناخت است، یکی از آن تعبیرها «الیوم الآخر» است. قرآن کریم با این تعبیر خود دو نکته را برای ما یادآوری می‌کند:

الف: این که زندگی انسان در مجموع به دو دوره تقسیم می‌شود و هر دوره را به عنوان یک «روز» باید شناخت: یکی روز و دوره‌ای که اول و ابتدا است و پایان می‌پذیرد (دوره دنیا) و دیگری روز و دوره‌ای که آخر است و پایان‌ناپذیر (دوره آخرت)؛ هم‌چنان که در برخی تعبیرات دیگر قرآن از حیات دنیوی به «اولی» و از زندگی اخروی به «آخری» یاد شده است مثل: ﴿وَإِن لَّنَا لَآخِرَةٌ وَآلُؤُیْۤیَۡلٌۭ ۚ وَآلُؤُیْۤیَۡلٌۭ خَیْرٌ لَّكَ مِنَ الْآوُیْۤیَۡلِ﴾.^۱

ب: هم‌اکنون که دوره اول و نخستین حیات را طی می‌کنیم و به دوره دوم و روز دوم نرسیده‌ایم و از ما پنهان است، سعادت ما در این است که به دوره دوم و روز دوم «ایمان» پیدا کنیم و این بدان جهت است که ما را متوجه عکس العمل اعمال ما می‌کند و می‌فهمیم که اعمال و رفتار ما از کوچک‌ترین اندیشه‌ها و گفتارها و کردارها و خلق و خوی‌ها

۱. سوره لیل، آیه ۱۳.

۲. سوره ضحی، آیه ۴.

گرفته تا بزرگ‌ترین آنها مانند خود ما روز اول و روز آخر دارند. چنین نیست که در روز اول پایان یابند و نابود گردند، بلکه باقی می‌ماند و در روز دیگر به حساب آنها رسیدگی می‌شود.

تردیدی نیست که هر کدام از دو دوران یاد شده بخشی از زندگانی و حیات بشر محسوب می‌شود با این تفاوت که پایان یکی آغاز دیگری است و دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم همان نقطه پایان دوره و مرحله آغازین زندگانی بشر می‌باشد. همان گونه که قیامت و تحول عظیم آن نقطه آغاز و شروع دوره زندگانی بی‌پایان خواهد بود.

به عبارت دیگر دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم ظرف تحقق وعده‌های الهی مبنی بر پیروزی نهایی صالحان و دین‌داران و حاکمیت بی‌چون و چرای آنان بر زمین دوران شکوفایی دین و حاکمیت آن توسط بندگان صالح خدا است چنان‌چه خداوند متعال در قرآن فرموده است:

«و ما در زبور. پس از تورات. نوشته‌ایم: بندگان شایسته‌ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»^۱ و قیامت که آغاز دوره جدیدی از حیات است ظرف تحقق وعده‌های الهی مبنی بر ظهور حاکمیت مطلق خداوند و پادشاهی تام او می‌باشد و به تعبیری روز ظهور اسلام و پیاده کردن کامل آن توسط ذات احدیت است. همان گونه که زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم

۱. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

دوران ظهور عدالت اسلامی و پیاده کردن آن توسط صالحان می باشد. چنان چه خداوند در قرآن می فرماید: «در آن روز که این زمین به زمین دیگر و آسمان ها (به آسمان های دیگر) مبدل می شود، و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می گردند.»^۱ و به همین جهت از هر دو پدیده می توان تعبیر به قیامت کرد، «از پدیده ظهور به قیامت صغری و وقعه صغری و از پدیده دوم به قیامت کبری،^۲ و هر کدام دارای جایگاه خاص خودش در مسیر تدریجی تکامل حیات بشر است به گونه ای که تحقق یکی از اهمیت و ارزش دیگری نمی کاهد، بلکه هم چنان که «در قرآن و سنت آمده است رستخیر و قیامت دارای مقدمات و نشانه هایی پی در پی است که در زمین و آسمان و جامعه بشری پدید می آید.

حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آخرین و بزرگ ترین مرحله حرکت جهان مادی قبل از برپایی رستخیر الهی است...، به نظر می رسد که دست یابی به جهان بالایی که (در زمان ظهور) روایات از آن سخن می گوید و در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عملی می گردد، مقدمه بر راه یابی به سوی جهان آخرت، (قیامت) و بهشت است. بنابر این روایاتی که درباره رجعت و بازگشت عده ای از پیامبران و امامان علیهم السلام به زمین و حکمرانی آنها بعد از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته و نیز آنچه در آیات

۱. سوره انبیاء، آیه ۴۸.

۲. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۱۴ و معجم احادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، علی کورانی، ج ۱، ص ۴۱۴.

متعدد تفسیر به «رجعت» شده، مراد همین مرحله است.»^۱

به بیان دیگر، قیامت و دوران ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم با این که دو پدیده هماهنگ و دارای ارتباط نزدیک و تنگاتنگ می باشند و هر کدام نقطه اوجی در مسیر حرکت انسان به سوی ابدی شدن است و دارای امتیازاتی و تمایزاتی است که نقطه افتراق و جدایی هر کدام از دیگر محسوب می شود:

۱. در زمان ظهور اگر چه عدالت و قسط در زمین به وجود می آید و به کمال می رسند، اما همگانی نیست، بلکه فقط در زمین و برای افرادی که در آن روزگار وجود دارند و نهایتاً برای عده ای که رجعت خواهند کرد، در حالی که تحول بزرگ قیامت که یک حرکت همگانی و بازگشت انسان به سوی خدا و رویارویی با قدرت او و قرار گرفتن در برابر محکمه عدل الهی است و به گونه ای عمومیت دارد که بر اساس بعضی از آیات قرآن شامل همه موجودات از انسان و حیوانات می گردد آن هم همه بشریت از ابتدای خلقت تا پایان آن.

بنابر این چگونه ممکن است ظهور و حوادثی که در آن به وجود می آیند و با تمام عظمتی که دارد نسبت به تحول بزرگ قیامت یک پدیده و یک تحول محدود محسوب می شود، جایگزین قیامت بشود به طوری که دیگر نیاز به تحقق قیامت نباشد؟! گذشته از این، این نکته را هم نباید از نظر

۱. عصر ظهور، علی کورانی، ص ۳۵۵.

دور داشت که دنیا ظرفیت پاداش‌ها و عقوبت‌های الهی را به طور کامل ندارد.

۲. اگر هم فرض کنیم که دوران ظهور و تحکیم عدالت و قسط در آن فراگیر و عمومی باشد باز هم با وجود وجوه مشترک آن با قیامت یک فرق عمده ماهیتی با هم دارند؛ زیرا ظهور پدیده‌ای است که خداوند متعال در آن حاکمیت دین و گسترش عدالت را به عنوان یک برنامه موقت برای دوره موقت در نشئه موقت و پایان‌پذیر قرار داده که ابدیت در آن قابل تصور نیست، بر خلاف قیامت و احکام و قوانین حاکم در آن که گذشته از فراگیر بودنش، جاودانگی از ویژگی‌های آن می‌باشد و در واقع تفاوت قیامت با دوران ظهور، تفاوت دو مرحله از حیات با یک‌دیگر و یا به عبارت دیگر تفاوت دنیا و آخرت است که همانند تفاوت حیات و زندگی در رحم مادر و دنیای بیرون از آن بلکه به مراتب بالاتر خواهد بود و همان گونه که کودک برای پیمودن مسیر رشد و تکامل‌اش نمی‌تواند برای همیشه در رحم مادر بماند و خود را بی‌نیاز از عالم بیرون بداند، انسان و انسانیت نیز نمی‌تواند در مسیر تکامل خودش زندگی دنیا و خصوصاً دوران ظهور را که اوج شکوفایی انسانیت و حاکمیت قوانین انسانی و الهی در دنیا می‌باشد، برای همیشه برگزیند و خود را بی‌نیاز از رسیدن به غایتی که در انتظار اوست بیندارد.

بنابر این دوران ظهور با تمام مزایایی که دارد هرگز

نمی‌تواند جایگزین قیامت بشود، آن هم تنها در یک بخش که تحکیم عدالت و قسط باشد تا چه رسد به دیگر ویژگی‌های قیامت که اصلاً قابل مقایسه با دوران ظهور نیست.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. قیام و انقلاب مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، علامه مرتضی مطهری

۲. مقدمه بر جهان بینی اسلامی، علامه مرتضی مطهری

۳. عصر ظهور، شیخ علی کورانی، بحث رجعت

منابعی برای مطالعه در مورد امام زمان (منبع‌شناسی مهدویت) معرفی بفرمایید؟

در مورد مسئله مهدویت و شناخت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ کتاب‌های بی‌شماری منتشر شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. دادگستر جهان، امینی، ابراهیم، ناشر: شفق، قم، ۱۳۸۰ش.

۲. امامت و مهدویت، صافی گلپایگانی، لطف الله، مؤسسه انتشارات حضرت معصومه...، قم، ۱۳۷۷ش.

۳. او خواهد آمد، مهدی‌پور، علی اکبر، رسالت، قم، ۱۳۸۴ش.

۴. عصر زندگی، حکیمی، محمد رضا، حوزه علمیه قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، قم، ۱۳۷۴ش.

۵. در انتظار ققنوس، سید ثامر هاشم العمیدی، مترجم: علی‌زاده، مهدی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.

۶. عصر ظهور، علی کورانی، مترجم: جلالی، عباس، انتشارات امیرکبیر، شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، تهران، ۱۳۸۲ش.

۷. موعودی که جهان در انتظار اوست، دوانی، علی، سازمان تبلیغات اسلامی، دبیرخانه دائمی اجلاس حضرت مهدی (عج)، قم، ۱۳۸۵ش.

۸. يوم الخلاص (روزگار رهایی)، کامل سلیمان، مترجم: مهدی پور، علی اکبر، نشر آفاق، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۹. موعودشناسی و پاسخ به شبهات، رضوانی، علی اصغر، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. نشانه‌های ظهور او، خادمی شیرازی، محمد، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، بشوی، محمد یعقوب، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۴ ش.
۱۲. نوید امن و امان، صافی گلپایگانی، لطف الله، دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
۱۳. نینوا و انتظار تأملی نو، جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۴. هزار و يك نکته پیرامون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، رحمتی شهرضا، محمد، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. هنگامه ظهور، رضوانی، علی اصغر، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از منظر قرآن و حدیث، رضوانی، علی اصغر، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ ش.

۱۷. وجود امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در پرتو عقل، رضوانی، علی اصغر، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۸. وظایف ما در عصر غیبت، رضوانی، علی اصغر، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.
۱۹. یکصد پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، رجالی تهرانی، علی رضا، بلوغ، قم، ۱۳۸۷ش.
۲۰. غیبت نعمانی (متن و ترجمه)، نعمانی، محمد بن ابراهیم، نشر صدوق، تهران، ۱۳۷۶ش.
۲۱. کمال الدین و تمام النعمة، ابن بابویه، محمد بن علی، مترجم: پهلوان، موسسه علمی فرهنگی دار الحديث، سازمان چاپ و نشر، قم، ۱۳۸۰ش.
۲۲. شوق مهدی، فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، مصحح: دوانی، علی، انصاریان، قم، ۱۳۷۹ش.
۲۳. جلاء العیون، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، سرور، قم، ۱۳۸۲ش.
۲۴. نجم الثاقب در احوال امام غایب عَلَيْهِ السَّلَام، نوری، حسین بن محمد تقی، محقق: برزگر، صادق، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۴ش.
۲۵. مکیال المکارم در فوائد دعا برای حضرت قائم عَلَيْهِ السَّلَام، اصفهانی، محمد تقی، مترجم: حائری قزوینی، مهدی، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۷ش.

۲۶. مجموعه آثار، مطهری، مرتضی، صدر، قم، ۱۳۸۷ش.
۲۷. رهبری بر فراز قرون، صدر، محمد باقر، محقق: شراره، عبدالجبار، مترجم: شفیعی، مصطفی، موعود عصر عَلَيْهِ السَّلَام، تهران، ۱۳۷۹ش.
۲۸. امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام در احادیث شیعه و سنی، جمعی از محققان مرکز تخصصی مهدویت، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام، تهران، ۱۳۸۸ش.
۲۹. پیچک انحراف، اسحاقیان، جواد، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام، قم، ۱۳۸۸ش.
۳۰. تولد حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، رضوانی، علی اصغر، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.
۳۱. قرآن و ظهور حضرت مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، رضوانی، علی اصغر، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۶ش.
۳۲. مصلح جهانی از دیدگاه شیعه و اهل سنت، خسروشاهی، هادی، بی تا، بی جا.
۳۳. معرفت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و تکلیف منتظران، شفیعی سروستانی، ابراهیم، موعود عصر عَلَيْهِ السَّلَام، تهران، ۱۳۸۷ش.
۳۴. مهدویت، پرسش ها و پاسخ ها، مؤسسه آینده روشن، پژوهش کده مهدویت، قم، ۱۳۸۸ش.
۳۵. میر مهر جلوه های محبت امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، پور سید آقایی، مسعود، حضور، قم، ۱۳۸۲ش.

۳۶. نشانه‌های ظهور او، خادمی شیرازی، محمد، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۸ش.

۳۷. نشانه‌های یار و چکامه‌های انتظار، علی‌زاده، مهدی، مسجد مقدس جمکران، قم، ۱۳۸۸ش.

۳۸. نشانه‌هایی از دولت موعود، طبسی، نجم‌الدین، بوستان کتاب قم، قم، ۱۳۸۶ش.

۳۹. نقد احادیث مهدویت از دیدگاه اهل سنت، بشوی، محمد یعقوب، مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۴ش.

۴۰. معرفت امام زمان عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى و تکلیف منتظران، شفیعی سروسرانی، ابراهیم، موعود عصر عَجَلُ اللَّهِ تَعَالَى، تهران، ۱۳۸۷ش.



آسیب شناسی مهدویت

متمه‌دیان و مدعیان مهدویت پیش از غیبت و بعد از غیبت چه کسانی بوده‌اند؟

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سلاله پاک رسول گرامی صلی الله علیه و آله و آخرین یادگار اهل بیت علیهم السلام است که روزی از پس پرده غیبت آشکار شده و جهان را از عدل و داد لبریز خواهد کرد. از این اندیشه که از آموزه‌های مسلم دین اسلام است متأسفانه در طول تاریخ سوءاستفاده‌هایی نیز شده است.

برخی از پیروان مذاهب و فرق اسلامی از ساده‌اندیشی مسلمین سوء استفاده کرده‌اند و به دروغ کسانی را به عنوان «مهدی موعود» معرفی نموده‌اند؛ گرچه ممکن است کسانی که ادعای مهدویت در مورد آنها شده است این مطلب را انکار می‌کردند و چنین ادعایی نداشتند. و برخی از افراد فرصت طلب نیز به جهت اغراض سیاسی و جاه طلبی به دروغ خود را «مهدی موعود» خوانده‌اند که از دسته

اول به نام «متمه‌دیان» و از گروه دوم به عنوان «مدعیان دروغین مهدویت» یاد می‌شود که ما در دو بخش مستقل نمونه‌هایی از هر دو گروه را بیان می‌کنیم:

۱. متمه‌دیان

الف: سبائیه. پیدایش این فرقه، بعد از شهادت امیر مؤمنان علی علیه السلام در سال ۴۰ هجری قمری می‌باشد. اینها اولین دسته‌ای هستند که در اسلام معتقد به غیبت امیر مؤمنان علی علیه السلام و بازگشت او شده و ادعا کردند که ایشان نمرده و تا آخر الزمان زنده و باقی است و خروج خواهد کرد و زمین را از عدل پر خواهد کرد.

ب: کیسانیه. این فرقه می‌پنداشتند که محمد بن حنفیه بعد از حسین بن علی علیه السلام امام و مهدی موعود است و در کوه رضوا (رضوی) به سر می‌برد و از آن جا ظهور و قیام خواهد کرد. اما خود محمد حنفیه در این باره هیچ گونه ادعایی نداشته است.^۱

ج: یزیدیه. این گروه بر این عقیده بودند که یزید به آسمان صعود نموده و بعداً برمی‌گردد و دنیا را از عدل و داد می‌کند.

د: هاشمیه. این گروه پیروان ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه هستند، اینها اعتقاد داشتند که محمد مرده

۱. جعفری، سید حسن محمد، تشیع در مسیر تاریخ، محمد تقی آیت الهی، نشر فرهنگ اسلامی، ص ۳۰۵.

است، اما پسرش امام است و بعد از او ابو هاشم مهدی است.

ه: باقریه. این فرقه معتقد بودند که امام باقر علیه السلام (شهادت ۱۱۴ هجری) زنده است و مهدی موعود واقعی ایشان می باشند. و ظهور خواهد کرد.

و: زیدیه. زمانی که زید بن علی بن حسین علیه السلام قیام خود را علیه امویان آغاز کرد، این گروه گفتند: چون او از نسل حسین علیه السلام است و قیام به شمشیر علیه ظالمان کرده، پس او مهدی موعود می باشد.^۱ اما خود زید اعتقاد راسخ و صحیح به امامت داشت.

ز: ناووسیه. این فرقه معتقد به مهدویت امام صادق علیه السلام (شهادت ۱۴۸ هجری) شدند. یعنی معتقدند که او زنده و غایب است.^۲

س: اسماعیلیه. این فرقه عقیده دارند که اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام فوت نکرده، بلکه از باب تقیه نسبت مرگ به وی داده شده است. او رجعت خواهد کرد و جهان را پراز عدل و داد خواهد ساخت و او مهدی منتظر است.

۱ . سید محمد کاظم، قزوینی، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه سید محمد حسینی، قم، ص ۵۶۸.

۲ . شیخ طوسی، غیبت، ص ۱۹۲.

۲. مدعیان دروغین مهدویت

از آن جا که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شخصیتی فوق العاده است که همه چشم انتظار اویند. از زمان رسول گرامی صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام درباره شخصیت بی نظیر مهدی قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و عظمت رسالتی که بر عهده دارد بسیار سخن گفته اند. برخی به هوای ریاست و طمع ورزی، از طریق سوء استفاده از احادیث مربوط به امامت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و تحریف آنها و فریب افراد ساده لوح، مدعی مهدویت و مقام امامت آن حضرت شدند.

برخی از این مدعیان که غالباً بعد از غیبت صغرا بوده اند عبارت اند از:

۱. عبیدیان. «عبیدالله بن محمد فاطمی» (۲۵۹ . ۳۲۲ قمری) ملقب به «مهدی» اولین کسی بود که در زمان غیبت صغری، ادعای مهدویت نموده است. او نخست در شام زندگی می کرد و از آن جا عده ای را به «مغرب» فرستاد تا از او تبلیغ نمایند و به مهدی موعود بشارت بدهند.^۱

۲. حاکم بامر الله. او از خلفای عبیدیان مصر، در سال (۳۸۶ قمری) به خلافت رسید. «حاکم» در آغاز ادعای «مهدویت» نموده و سپس ادعای «الوهیت» کرد. پیروانش ادعا کردند که او نمرده، بلکه به آسمان عروج کرده است.^۲

۱ . حسن ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، دار الکتب الإسلامیه، ج ۳، ص ۱۴۹.

۲ . مبلغی، تاریخ ادیان و مذاهب، قم، انتشارات اسماعیلیان، ج ۳، ص ۱۱۱۴.

۳. محمد بن قومرت. محمد (۴۸۵ - ۵۲۴ قمری) در آغاز مردم را به ظهور «مهدی» بشارت می داد. لکن در سال (۵۲۲ هجری) ادعا کرد که «مهدی موعود» خود او است.^۱

۴. تهامی. او کسی است که در سال (۱۱۵۹ میلادی) در منطقه «تهامیه یمن» ادعای «مهدویت» نمود و گروهی به او گرویدند. سرانجام «توران شاه» حاکم و «صلاح الدین ایوبی» کارگزار او را شکست داد.^۲

۵. بابا اسحاق. «بابا اسحاق، محمد قرمانی» از پادشاهان عثمانی، در سال (۶۳۷ قمری، ۱۲۳۹ میلادی) در «اناطولی» ادعای «مهدویت» نمود و گروه زیادی از مردم را قتل عام کرد.^۳

۶. عبا الریفی. «ریف» از بلاد مغرب است و عبا در بین سال های (۶۹۰ - ۷۰۰ قمری) در آن منطقه ادعای «مهدویت» نمود و فتنه عظیمی برپا کرد.^۴

۷. ملا عرشی کاشانی. «ملا عرشی کاشانی» (۸۵۰ قمری) در «اصفهان» ادعای «مهدویت» نمود و بعد ادعای «نبوت» کرد و در سال (۸۸۰ قمری) کشته شد. جسد او را پس از کشته شدن سوزاندند.^۵

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، چاپ دانشگاه تهران، ص ۱۹۳۷.

۲. شریف القرشی، حیات امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، مکتب الأعلام الإسلامی، ص ۱۴۴.

۳. تاریخ ادیان و مذاهب، ج ۳، ص ۱۱۱۸.

۴. همان، ص ۱۱۱۵.

۵. همان، ص ۱۱۲۱.

۸. شیخ عبدالقدیر بخارایی. در سال (۹۰۰ قمری، ۱۴۹۴ میلادی) در «بخارا» ادعای «مهدویت» نمود و امیر «بخارا» او را به قتل رساند.^۱

۹. میرزای بلخی. یکی از علمای «بلخ» معروف به «میرزای بلخی» در سال (۸۹۰ قمری) ادعای «مهدویت» کرد و بعد کشته شد.^۲

۱۰. محمد جونپور هندی. او در سال (۸۴۷ قمری) متولد شد، در سال (۹۱۰ قمری) ادعای «مهدویت» نمود و در سال (۹۱۰ قمری) یعنی در همان سال ادعا مرد.^۳

آنچه اشاره گردید، نمونه‌ای بود از «متهم‌دیان و مدعیان مهدویت» در طول تاریخ قبل از غیبت صغری و بعد از آن، هم‌چنین در غیبت کبری بود که یا خود ادعای «مهدویت» کرده بودند و یا این‌که گروهی و یا فرقه در اثر جهل و نادانی و عدم شناخت امام و حجت الهی، او را به عنوان «مهدی» معرفی کرده و از آن پیروی می‌کردند. بسیاری از کسانی که نسبت مهدویت به آنان داده شده بود، از این گونه اتهامات پاک بوده و هیچ گونه اعتقادی به آن نداشتند، اما تعدادی از این افراد این ادعا در مورد خود را پذیرفتند و به مهدویت خود معتقد شدند.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۱۶.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. درس نامه عصر غیبت، سید مسعود پور آقائی

۲. مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، علامه مجلسی، ترجمه علی دوانی

بعضی افراد ادعا می کنند که با امام معصوم در ارتباط اند و حرف های شان گفته های امام زمان است. تا چه حد می توان حرف های آنها را باور کرد؟

امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام در توقیع^۱ شریف خود به آخرین نایب خاص؛ یعنی علی بن محمد سمري . رحمة الله عليه . فرموده اند: «و لا توص الى احد يقوم مقامك بعد وفاتك فقد وقعت الغيبة التامة»؛^۲ به کسی وصیت نکن که بعد از رحلت تو جانشین تو گردد؛ زیرا غیبت دوم یا کامل (کبری) واقع شد.

شیخ مفید در مورد این توقیع می فرماید: وقتی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام منصب امامت را بر عهده گرفت تبلیغ دین را شخصاً عهده دار شد و توسط نواب خاص سؤالات شیعیان به حضرت می رسید و امام با توقیع جواب آنها را می دادند تا غیبت صغری تمام شد و غیبت کبری آغاز گردید در این دوران امر تبلیغ به صورت عام... بر عهده فقها، و محدثان گذارده شد.^۳

چنان که ملاحظه می شود امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام صراحتاً و به روشنی نیابت خاص را در دوران کبری نفی نموده اند. و چنان که از سخن شیخ مفید نیز استفاده می شود نقش نایب خاص، گرفتن سؤالات از مردم و برگرداندن جواب بود؛ یعنی نایب خاص واسطه مردم در رساندن مطلب مردم به امام و

۱. «توقیع» به نامه صادر شده از طرف امام عَلَيْهِ السَّلَام گویند.

۲. کمال الدین، ص ۵۱۶.

۳. الفصوص العشرة، ص ۱۰.

پیام امام به مردم بود. و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از شروع غیبت کبری این منصب خاص را تعطیل اعلام نمودند.

لذا امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تنها چهار نایب خاص داشته است که چنین نقشی داشته و پیغام رسان امام بوده اند.

با توجه به مطالب بالا معلوم می شود اینک که ما در غیبت کبری هستیم کسی چنین منصبی - نیابت خاص - ندارد، لذا هر کس ادعای ارتباط با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را نماید با این عنوان که سخن شما را به امام می رسانم یا پیام امام را به شما می رسانم باید تکذیب شود و چنین ادعایی در دوران غیبت کبری به تصریح توقیع امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از هیچ کس پذیرفته شده نیست.

بنابر این با آن که ما ملاقات در عصر غیبت را می پذیریم و امکان این که کسی در این زمان به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد انکار نمی کنیم اما این را نیز می دانیم که رسیدن به محضر مبارك امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فیضی است که تنها نصیب خواص و کسانی که از نظر مقامات معنوی رتبه های بالا دارند می شود و عموماً این افراد برای پرهیز از شهرت راز خود را برای کسی آشکار نمی کنند. پس کسانی که ادعای ارتباط با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را دارند و پیوسته از تشرّف خود به محضر حضرت سخن می گویند به دنبال سوء استفاده از احساسات پاك انسان های ساده لوح اند.

برای حسن ختام سخن صریح مرجع عالیقدر شیعه حضرت
آیت الله العظمی وحید خراسانی که معاصر ما هستند را
می آوریم:

«شبهه ای نیست که هر کس ادعای رابطه کند، باید نفی
شود، این باب مسدود است. اصل ارتباط به نحو موجب
جزئی (برای تعداد معدودی) امکان دارد و واقع هم شده
است، اما نفس ادعا، دلیل اجنبی بودن است، خود دعوا
مبطل ادعا است...، بزرگ ترین خیانت را کسی کرده است که
از این ادعاها می کند.»^۱

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. مهدی منتظر، محمد جواد خراسانی

۲. میر مهر، مسعود پور سید آقایی

اگر کسی ادعا کند که من امام زمانم، چگونه بفهمیم که راست می گوید یا دروغ؟

برای این که مدعیان دروغین مهدویت و مهدی نماها را تشخیص بدهیم، لازم است که شناخت کامل از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف داشته باشیم و شناخت آن حضرت ممکن نیست مگر از طریق روایات رسیده از رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام زیرا هیچ راه عقلی برای شناخت وی وجود ندارد و از راه عقل و دلیل عقلی نمی شود آن حضرت را شناسایی کرد. پس باید ویژگی ها و خصوصیات شخصی آن حضرت و نیز شرایط و نشانه های ظهور وی را، از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام بشنویم و از این طریق شناخت لازم را نسبت به شخص آن حضرت و قیام وی حاصل نموده و بدین ترتیب، امام به حق را از مدعیان دروغین امامت تشخیص دهیم.

زراره از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: چگونه در زمان غیبت، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را از مدعیان دروغین امامت تشخیص دهیم؟ حضرت فرمود: «این دعا را بسیار بخوان: خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر خودت را به من نشناسانی، رسالت را نخواهم شناخت، خدایا! پیامبرت را به من بشناسان، اگر پیامبرت را به من نشناسانی حجت تو را نخواهم شناخت، خدایا! حجت و امام زمانت را به من بشناسان، اگر امام زمانت را نشناسم در دینم گمراه خواهم شد». بنابراین بر ما لازم است که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را هم

شناسنامه‌ای و هم از نظر اوصاف و ویژگی‌ها و هم از نظر اعتقادی و قلبی و هم از حیث علائم و نشانه‌های ظهور بشناسیم.

۱. اسم و نسب امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

او هم نام و هم کنیه رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و فرزند امام حسن عسکری عَلَيْهِ السَّلَام است، از نظر قد و قامت متوسط و چهارشانه و دارای چهره گندم‌گون که مثل ستاره می‌درخشد، و چشمانی در چهره فرو رفته، و ابروهای برجسته، و پیشانی پهن و بزرگ، و دماغ کشیده، و بر گونه راستش خال سیاه، و دندان‌های پیشین‌اش فاصله دارد، و میان دو شانه‌اش پهن است.^۱

۲. ویژگی‌های امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام

دارای مولد پاکیزه، از عیوب و نواقص روحی و جسمی پاک و عالم‌ترین فرد زمان است، از نظر شجاعت، شجاع‌ترین و از نظر تقوا، متقی‌ترین و از نظر سخاوت، سخی‌ترین و از نظر فصاحت، فصیح‌ترین و از نظر بلاغت، بلیغ‌ترین مردم است، با هر زبان به بهترین وجه سخن می‌گوید، با هر خط و نوشته آشنایی کامل دارد، در صورتی که خواندن و نوشتن را از انسان دیگر نیاموخته است، همان طور که از پیش‌رو می‌بینید از پشت سر هم می‌بیند، همان طور که در بیداری می‌بیند و می‌داند در خواب هم می‌بیند و می‌داند، مختون

۱. امینی، سید محسن، آشنایی با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام، نشر طور، ص ۲۸.

به دنیا آمده است، سایه ندارد، مدفوعش را زمین می بلعد و کسی نمی بیند و اگر کسی ببیند کور و نابینا می شود، وقتی دعا کند مستجاب می شود، مرده را زنده می کند، هر آن چه می گوید عمل می کند.^۱

علاوه بر خصوصیات و ویژگی های شخص آن حضرت، ظهور و قیام وی نیز علائم و نشانه های حتمی و قطعی ای دارد که موجب سهولت تشخیص قیام آن حضرت از مهدی نماها می شود.

امام صادق علیه السلام فرمود: «پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف (امام زمان) پنج نشانه حتمی است: ۱. خروج سفیانی؛ ۲. خروج یمانی؛ ۳. صیحه آسمانی؛ ۴. قتل نفس ذکیه؛ ۵. فرو رفتن در بیابان».^۲ با وجود آنچه ذکر شد، هنگامی که حضرت ظهور می کند بر سرش پاره ابری است که بر آن ملکی فریاد می زند، این مهدی خلیفه خدا است دست از فرمانش برندارید.^۳

بنابر این اگر کسی پیش از وقوع علائم و نشانه های حتمی ظهور، ادعای امامت نماید و لو آن خصوصیات و علامات بدنی را هم داشته باشد، یقیناً در ادعای خود کاذب است و باید بفهمیم و بشناسیم که امام نیست و به دروغ ادعای امامت می کند.

۱. جعفری، جلال الدین، حجة البالغة فی اثبات الحجة، اصفهان، چاپ خانه ربانی، ۱۳۵۸ش، ص ۸۲.

۲. شیخ صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ص ۶۵۰.

۳. امینی، سید محسن، آشنایی با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، نشر طور، ص ۲۶.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. آشنایی با امام زمان، سید محسن امینی

۲. حجة البالغة فی اثبات الحجة، جلال الدین جعفری

چه انحرافات شیعه منتظر را تهدید می کند؟

برای هر فرهنگ و مجموعه معرفتی ممکن است آفت هایی روی دهد که مانع رشد و بالندگی آن فرهنگ باشد، فرهنگ دینی نیز گاهی به آفت هایی گرفتار می شود که حرکت رو به کمال آن را کند می کند در این طرح، سخن از آسیب هایی است که پیش از ظهور و در دوران غیبت رخ می نماید تا با تبیین آن راه مبارزه و درمان روشن گردد.

به جهت اهمیت مسأله امامت^۱ و نقش محوری آن در ساختار فکری و عملی شیعیان، دشمنان همواره سعی کرده اند که درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم شبهاتی را مطرح کنند و معتقدان به آن حضرت را دچار تردید نمایند؛ چون از جمله مباحثی است که در زندگی بشر، نقش کلیدی دارد که کمترین آن امید به آینده و سر فرود نیاوردن در مقابل حوادث، ستم ها و سختی ها است.

به همین علت در معرض خطرات و آسیب هایی است که گاهی از طرف دوستان نا آگاه و بی اطلاع نیز انجام می گیرد. این آسیب ها عبارت اند از:

۱. شتاب زدگی و تعجیل در ظهور.

۲. ملاقات گرایی.

۱ . قال رسول الله ﷺ: «من مات و لم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة»، کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد به مرگ جاهلیت مرده است. (گویی از اسلام بهره ای نبرده است). بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۶۰، ح ۷.

۳. برداشت‌های انحرافی از مقوله انتظار فرج.

که با روایات منتظران حقیقی منطبق نیستند، ضرورت بررسی صحیح و منطقی موضوع مهدویت را ایجاب می‌کند.

۱. شتاب‌زدگی و تعجیل در ظهور

استعجال به معنی عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و تحقق زمینه‌های لازم برای آن است، انسان‌های عجول به خاطر ضعف نفس و کم ظرفیت بودن، متانت و سکون و آرامش خود را از دست داده و بدون در نظر گرفتن شرایط، خواهان تحقق پدیده‌ها هستند.

در فرهنگ ناب مهدویت و در برخورد با مسأله انتظار امام غایب، انسان منتظر، پیوسته در طلب ظهور است و با تمام وجود و اشتیاق خواستار ظهور است و برای تعجیل امر فرج دعا می‌کند، ولی هرگز عجله نمی‌کند و هر چه غیبت به درازا کشد و انتظار طولانی شود، باز هم صبر و شکیبایی را از کف نمی‌دهد، بلکه علی‌رغم شوق فراوان به ظهور، در برابر اراده پروردگار و خواست او کمال تسلیم را از خود نشان می‌دهد و برای تحقق همه زمینه‌های لازم برای ظهور می‌کوشد و بردباری می‌کند.

عبدالرحمن بن کثیر گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهرم داخل شد و عرض کرد: قربانت گردم؛ به من خبر دهید این امری که در انتظارش هستیم

کی واقع می شود؟ امام فرمود: «ای مهرم! وقت گزاران و شتاب کنندگان دروغ گفتند و هلاک شدند و تسلیم شدگان نجات یافتند.»^۱

امام صادق علیه السلام فرمودند: «انما هلك الناس من استعجالهم لهذا الامر، ان الله لا يعجل لعجلة العباد، ان لهذا الامر غايه ينتهي اليها فلو قد بلغوها لم يستقدموا ساعة و لم يستأخروا»^۲؛ شتاب مردم برای این کار، آنها را هلاک ساخت. خداوند به جهت شتاب مردم، شتاب نمی کند برای این امر مدتی است که باید پایان پذیرد. اگر پایشان فرا رسد، آن را ساعتی پیش و پس نیفکنند.»

نهی از عجله و شتاب زدگی در امر ظهور به آن جهت است که به دنبال این پدیده، روحیه یأس و ناامیدی در انسان منتظر، در اثر عدم تحقق ظهور پیدا می شود؛ آرامش و صبوری خود را از دست داده و حالت تسلیم او به گله مندی، شکایت و عدم رضایت به مصلحت الهی تبدیل می گردد و از تأخیر ظهور بی قرار گشته و این بیماری را به دیگران سرایت می دهد و گاهی استعجال ظهور، منجر به حالت انکار وجود امام و رویکرد به منحرفان و مدعیان دروغین مهدویت شده و در نهایت به استهزا و تمسخر آیات، روایات و معتقدان به غیبت و ظهور گرفتار می شود.

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۹۱.

۲. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۶۹.

مرحوم صدوق در کمال الدین نقل کرده که امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «یهلک فیها المستعجلون»؛^۱ در دوران غیبت، شتاب‌زدگان در امر ظهور هلاک می‌شوند.

۲. ملاقات‌گرایی

از آسیب‌هایی که در عصر غیبت برای منتظران اتفاق می‌افتد، مدعیانی هستند که بی‌دلیل یا به ساده‌ترین اتفاق، ادعای ملاقات می‌کنند، یا کسانی که تمام وظیفه خویش را رسیدن به دیدار حضرت می‌پندارند و از باقی وظایف غافل شده و افراد را تنها به این عمل، به عنوان برترین وظیفه فرا می‌خوانند.

دوری شیعیان از مولای خود و محروم ماندن از دیدار جمال آن یوسف بی‌همتا از سختی و تلخی‌های دوره غیبت به شمار می‌رود. با شروع روزگار غیبت، منتظران ظهور، پیوسته در حسرت تماشای آن سرو بلند فضیلت سوخته‌اند و آه فراق از دل کشیده‌اند! البته در دوران غیبت صغری، شیعیان به وسیله نائبان خاص با امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام ارتباط داشتند و بعضی از آنها به فیض حضور آن بزرگوار رسیده‌اند؛ چنان که در این باره روایات فراوانی وجود دارد ولی در دوره غیبت کبری که روزگار غیبت کامل امام است، رابطه یاد شده قطع و امکان شرفیابی به محضر آن حضرت به شکل معمول و از طریق

۱. صدوق، کمال الدین، ج ۲، باب ۳۶، ص ۳۷۸.

افرادی خاص منتفی گردیده است. با این حال امکان تشریف به لقای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در غیبت کبری امکان دارد.

در عصر غیبت مصلحت بر آن است که هر از چند مدتی حضرت خودش را به برخی از مردم و بزرگانی که سخن‌شان مورد قبول است، نشان دهد تا مردم به وجود او اطمینان پیدا کرده و طولانی شدن غیبت، سبب انکار وجود حضرت نگردد؛ زیرا تنها دلیل و برها به خصوص برای عوام موجب اطمینان و یقین به وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست و به همین علت بزرگان دستور می‌دهند که قصه تشریف‌های بزرگان به خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای مردم بازگو کنید که این به نوبه خود مردم را دل‌گرم کرده و به آنها روحیه و امید می‌دهد، و بر اعتقادشان نسبت به وجود آن حضرت می‌افزاید؛ زیرا قوی‌ترین دلیل بر امکان شیء وقوع آن است.

عموم علمای شیعه از قدما و متأخرین قائل به امکان رویت و تشریف به لقای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر غیبت کبری بوده‌اند که می‌توان افرادی را نام برد: سید مرتضی رحمته الله علیه،^۱ شیخ طوسی رحمته الله علیه،^۲ سید بن طاووس رحمته الله علیه،^۳ آخوند خراسانی رحمته الله علیه،^۴ محقق نائینی رحمته الله علیه.^۵

۱. تنزیه الأنبياء، ص ۱۸۲-۱۸۴.

۲. کلمات المحققین، ص ۵۳۳.

۳. کشف المحجّة، ص ۱۴۳ والطرائف، ص ۱۸۵.

۴. کفایه الأصول، ج ۲، ص ۲۹۱.

۵. فرائد الأصول، ج ۲، مبحث اجماع.

۳. برداشت‌های انحرافی از مقوله انتظار فرج

برداشت غلط و انحرافی از مفهوم انتظار سبب شده است که بعضی گمان کنند که چون اصلاح جهان از فساد به دست امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود ما در برابر قیام‌ها و ناهنجاری‌ها هیچ وظیفه‌ای نداریم و بلکه ممکن است گفته شود که برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید برای ترویج بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه اقدام کنیم! این اندیشه نادرست در مقابل دیدگاه قرآن و اهل بیت علیهم السلام است که امر به معروف و نهی از منکر را از وظایف حتمی هر مسلمان می‌داند.

بنیان‌گذار جمهوری اسلامی امام خمینی (قدس سره) در نقد این دیدگاه فرموده‌اند: «ما اگر دستمان می‌رسید، قدرت داشتیم باید برویم تمام ظلم‌ها و جورها را از عالم برداریم، تکلیف شرعی ماست، منتهی ما نمی‌توانیم این که هست این است که حضرت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عالم را پر می‌کند از عدالت، نه شما دست بردارید از این تکلیف‌تان، نه این که شما دیگر تکلیف ندارید.»^۱

ایشان هم‌چنین در ادامه بیانات خود فرموده‌اند: «[آیا] ما بر خلاف آیات شریفه قرآن دست از نهی از منکر برداریم و توسعه بدهیم گناهان را برای این که حضرت بیایند؟!»^۲

برخی انتظار فرج را در دعا برای فرج، امر به معروف و نهی از

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۹۶.

۲. همان.

منکرهای جزئی منحصر دانسته و بیشتر از آن وظیفه‌ای برای خود نمی‌دانند. و گروهی دیگر، حتی امر به معروف و نهی از منکرهای جزئی را نیز بر نمی‌تابند. چون معتقدند در دوران غیبت، کاری از آنها بر نمی‌آید و تکلیفی به عهده ندارند، و امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ خود، هنگام ظهور کارها را اصلاح می‌کند.

پندار گروه دیگر چنین است که جامعه بایستی به حال خود رها شود و کاری به فساد آن نباید داشت تا زمینه ظهور که دنیایی پر از ظلم و فساد است فراهم آید.

گروه بعد، انتظار را چنین تفسیر می‌کنند: نه تنها نباید جلوی مفسد و گناهان را گرفت، بلکه بایستی به آنها دامن زد تا زمینه ظهور حضرت حجت هر چه بیشتر فراهم گردد.

دیدگاه دیگر، هر حکومتی را به هر شکل، باطل و بر خلاف اسلام می‌داند و می‌گویند: «هر اقدامی برای تشکیل حکومت در زمان غیبت، خلاف شرع و مخالف نصوص و روایات معتبر است.» به این استدلال که در روایات آمده است: «هر عَلم و پرچمی قبل از ظهور قائم عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ الرَّحِيمِ باطل است.»^۱

این در حالی است که از مطالعه متن احکام و قوانین اسلام، به خوبی استفاده می‌شود که: دین اسلام فقط دین عقیدتی و عبادی نیست، بلکه نوعی نظام کامل عقیدتی، عبادی، اخلاقی، سیاسی و اجتماعی است.

۱. برگرفته از صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۱۳ و ۱۴، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۸ ش.

احکام و قوانین اسلام را به طور کامل می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

دسته اول: احکام فردی؛ مانند روزه، نماز، طهارت، نجاست و... انسان در عمل به این وظایف، نیازی به حکومت و تعاون اجتماعی ندارد، بلکه خود به تنهایی می‌تواند انجام وظیفه کند.

دسته دوم: احکام اجتماعی هم‌چون، جهاد، دفاع، امر به معروف و نهی از منکر، قضا و حل اختلاف‌ها، قصاص و....

این قبیل احکام به زندگی اجتماعی و سیاسی انسان‌ها مربوط می‌شود. آنها در زندگی اجتماعی با برخوردهایی مواجه خواهند شد. و به همین جهت، نیاز به قوانین دارند که جلو تجاوزها را بگیرد و حقوق افراد را تضمین کند. شارع مقدس اسلام، به همین منظور قوانین حقوقی، جزایی و مدنی را تدوین و برای حل اختلاف‌ها و اجرای کامل آنها، احکام و دستورهای قضایی را پیش‌بینی کرده است. از تدوین این قوانین، به خوبی استفاده می‌شود که دستگاه قضا و داوری، در متن دین اسلام قرار دارد و شارع مقدس به چنین تشکیلاتی توجه داشته است. چون اسلام چنین قوانین و برنامه‌هایی را تشریع کرده، به ناچار درباره مجری آنها نیز تصمیم گرفته و همین معنای حکومت اسلامی است. حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله در زمان حیاتش عملاً در رأس

حکومت اسلام قرار گرفت. آن حضرت امور مسلمانان را اداره می کرد و از جانب خدا، برای انجام این مسئولیت بزرگ اختیارات وسیعی داشت. «الَّتِي أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ»؛ پیامبر برای تصرف در امور مسلمانان، از خودشان شایسته تر است.

بعد از وفات رسول خدا ﷺ، نبوت و تشریع و وحی خاتمه یافت، اما احکام و قوانین دین، از جمله برنامه های سیاسی و اجتماعی اسلام در بین مسلمانان باقی ماند. مسلمانان بدون حکومت نمی توانند زندگی کنند و حکومت در صورتی می تواند اسلامی باشد که مسئولیت اداره آن بر عهده شخصی عالم، اسلام شناس، پرهیزکار، امین و عادل نهاده شده باشد تا با اجرای قوانین دین، حکومت اسلامی را تداوم دهد. به همین دلیل از آغاز دعوت و به دستور خداوند حکیم در فرصت های مناسب، امیر مؤمنان علی علیه السلام را به عنوان امام مسلمانان و جانشین خود معرفی می کرد.^۲

امیر مؤمنان علی علیه السلام بعد از خود امام حسن علیه السلام و ایشان امام حسین علیه السلام را معرفی کردند و همین طور سایر ائمه علیهم السلام بنابر این امامت آنان و حاکمیت معصوم، در متن اسلام قرار دارد و جدا شدنی نیست. ولی در زمانی که امام معصوم علیهم السلام در دسترس نیست (عصر غیبت) مسلمانان موظفاند

۱. سوره احزاب، آیه ۶.

۲. ینابیع الموده، ص ۲۹۷.

برای تأسیس حکومت اسلامی و اجرای قوانین و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام تلاش کنند. چون اسلام، حتی در چنین زمانی نیز از احکام خویش دست بردار نیست و عمل به آنها را از مسلمانان خواستار است. و در بسیاری از احکام و قوانین دین، به تمام مسلمانان خطاب شده است. قرآن کریم در سوره بقره می‌فرماید: ﴿وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا﴾^۱! در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند کارزار کنید و از حد در نگذرید.

با اندکی تأمل روشن می‌شود که انجام این قبیل کارهای مهم اجتماعی، بدون وجود دولت و تشکیلات وسیع اجرایی، امکان‌پذیر نیست و چون چنین امری از مسلمانان خواسته شده، بنابر این موظفانند در تهیه مقدمات آن، یعنی تأسیس و تحکیم حکومت صالح اسلامی بکوشند. در حالی که اقامه دین در تمام ابعاد، بدون وجود حکومت اسلامی، امکان‌پذیر نیست و اقامه دین از وظایف مسلمانان است.^۲

نتیجه این که در زمان غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الکریم مهم‌ترین امری که بر مسلمانان لازم است، تلاش برای تأسیس و تحکیم حکومت اسلامی است تا با اجرای احکام و برنامه‌های سیاسی و اجتماعی اسلام، محیط امن و سالمی را به وجود آورند که برای عبادت و اطاعت خدای بزرگ و پرورش نفس و سیر صعود الی الله آماده باشند.

۱. سوره بقره، آیه ۱۹۰.

۲. سوره شوری، آیه ۱۳.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. قرآن کریم

۲. نگین آفرینش، محمد مهدی حائری و همکاران

۳. دادگستر جهان، ابراهیم امینی

۴. موعود شناسی، علی اصغر رضوانی

۵. بحار الأنوار، ج ۵۲ و ۵۳

۶. فصل نامه انتظار، (فصل نامه تخصصی مهدویت)،

شماره های ۵ و ۷ و ۱۵

از پیامبر ﷺ نقل شده که در حجاز کسی که اسمش اسم حیوان است می‌میرد و جانشین او به نام عبدالله به پادشاهی می‌رسد و وقتی عبدالله مرد فرج آقا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام نزدیک است. و نیز امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: هر کس مرگ عبدالله را تضمین کند من فرج آقا امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام را تضمین می‌کنم. آیا می‌توان ادعا کرد که ملک عبدالله عربستان همان فرد است؟

هیچ کدام از نشانه‌های قطعی ظهور که در روایات به آن تصریح شده است^۱ هنوز محقق نگردیده است، اما روایتی را که در سؤال به آن اشاره شده و در آن مرگ ملک عبدالله از نشانه‌های نزدیک بودن ظهور شمرده شده، در کتاب شریف «غیبت» مرحوم شیخ طوسی آمده و مرحوم علامه مجلسی نیز در «بحار الأنوار» نقل نموده است:

غیبة الشيخ الطوسي: الفضل، عن عثمان بن عيسى، عن درست، عن عمار بن مروان عن أبي بصير، قال: سمعت أبا عبد الله عَلَيْهِ السَّلَام يقول: «من يضمن لي موت عبد الله أضمن له القائم»، ثم قال: «إذا مات عبد الله لم يجتمع الناس بعده على أحد و لم يتناه هذا الامر دون صاحبكم إن شاء الله و يذهب ملك سنين و يصير ملك الشهور و الأيام» فقلت:

۱. حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجُمَيْرِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَهْزَبَارٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ مَيْمُونِ الثَّانِي عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَام: الْيَمَانِيُّ وَالشُّفْيَانِيُّ وَالْمُنَادِيُّ يَنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخُسْفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الرَّكِيَّةِ». شيخ صدوق، كمال الدين، انتشارات اسلاميه، ج ۲، ۱۳۹۵ق، ص ۶۴۹.

یطول ذلك قال: «كلا»؛ از امام صادق عليه السلام روایت شده است که فرمود: هر کس مرگ عبدالله را برای من تضمین کند، قیام قائم را تضمین می‌کنم، سپس فرمود: هنگامی که عبدالله بمیرد، مردم بعد از او بر احدی جمع نمی‌شوند و این امر ختم نمی‌شود مگر به صاحب‌تان ان شاء الله و فرمانروایی، ماه‌ها و ایام، جایگزین سال‌ها می‌شود، پس گفتم: تحقق این امر طولانی است، فرمود: هرگز.

سند این روایت مشکل ندارد، اما آنچه لازم است مورد دقت قرار داد تعیین مصداق و تطبیق آن بر اشخاص می‌باشد؛ زیرا روایات مربوط به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک و نشانه‌های ظهور دو پهلوسه تا مورد سوء استفاده قرار نگیرد و لذا تطبیق آن کاری دشوار و بلکه نادرست خواهد بود.

اگر منظور از عبدالله در روایت، اسم باشد، در این برهه از زمان این اسم بین دو نفر از حاکمان مشترک است: یک عبدالله اردنی و دیگری عبدالله سعودی. بنابر این محل اعتنا نیست. اگر منظور اسم جنس باشد، معلوم نیست که منظور چه شخصی است؛ چرا که همه بندگان خدا «عبدالله» هستند، حال مؤمن یا غیر مؤمن باشند. اما با توجه به این که این روایت امام صادق عليه السلام در منطقه حجاز بیان شده است، می‌توان این احتمال را داد که منظور از عبدالله همان

۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ج ۵۲، ص ۲۱۰.

عبداللّٰه منطقه حجاز باشد؛ چرا که در آن زمان حجاز پایتخت اسلامی نبوده است و شهرهایی مانند بغداد، دمشق و مرو پایتخت اسلام بودند.

به هر حال چون هیچ یک از علامت‌های قطعی ظهور اتفاق نیفتاده است، نمی‌توان با فرض فوت پادشاه عربستان، به طور قطع گفت که ظهور نزدیک است.

اما این که در سؤال آمده «پیامبر ﷺ فرموده بودند در حجاز کسی که اسمش اسم حیوان است می‌میرد و جانشین او به نام ملک عبداللّٰه به پادشاهی می‌رسد.» مطلبی است که در برخی کتب نقل شده، اما از نظر سندی قابل استناد نمی‌باشد.

عوامل غفلت از حضور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و آثار فردی و اجتماعی این غفلت چیست؟

نخستین و مهم ترین وظیفه انسان، شناخت پروردگار و آفریننده خویش است و از دیدگاه روایات، راه معرفت خدا و اوصاف او شناخت اولیای خدا و امامان معصوم علیهم السلام است؛ چون آنها مظهر اسماء و صفات الهی و آینه جمال و جلال پروردگارند. معصومین علیهم السلام انسان های کاملی اند که خداوند آنان را خلیفه و نماینده خود در زمین قرار داده و اراده کرده است که با آنان شناخته شود و از مسیر اطاعت آنها، اطاعت شود و ثواب و عقاب را نیز بر مدار اعتقاد و اطاعت آنان قرار داده است. وقتی از امام حسین علیه السلام درباره معرفت خدا و چگونگی آن سؤال شد، حضرت فرمود: «معرفة اهل كل زمان امامهم الذی یجب علیهم طاعته»^۱؛ مراد از شناخت خدا، شناخت اهل هر زمانی نسبت به امام خویشستن است، آن امامی که اطاعت او بر آنان واجب است.

بنابر این معرفت و آگاهی به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف لازم است و غفلت از آن حضرت نیز موجب خروج از جاده صحیح زندگی و نرسیدن به سعادت که خداوند برای انسان رقم زده و گمراهی و شقاوت می شود و این غفلت در اثر برخی عوامل ایجاد می شود که به قسمتی از آن عوامل می پردازیم:

۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۱، ص ۹، ح ۱، چاپ اسلامیة.

۱. هواپرستی

شیطان دشمن انسان است و کارش اغوا و گمراه‌سازی است. اگر شیطان هم‌نشین و رفیق انسان گردد یا بر او مسلط شود او را بر گناه و نافرمانی خدا و دوری از اولیا خدا تحریک می‌کند و سرانجام او را از راه حق و طریق انبیاء الهی و از صراط مستقیم که امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «منظور راه و شناخت امام است.»^۱ منحرف ساخته و انسان را دچار غفلت از خداوند و دوری از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام می‌کند.

۲. گناه و معصیت

نفس انسان به حسب طبیعت اصلی‌اش دارای صفا و جلاء است که حقیقت را درک می‌کند، حق و باطل، تقوا و فجور را متمایز از هم می‌بیند چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «قَالَ هَمْهَا فُجُورُهَا وَ تَقْوَاهَا!»^۲ خدا خوبی‌ها و بدی‌های نفس را به آن الهام نموده است. اما گناه به تدریج این طبیعت اولی را از بین می‌برد و نفس به گونه‌ای می‌شود که باطل و پلیدی را زیبا می‌بیند و اولیاء و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام را حقیر و کم‌بهای انگارد، سرمایه‌داران و ثروت‌مندان و زورمداران را بزرگ می‌شمرد و در یک کلمه فسق و فجور را بر تقوا و فضیلت برتری می‌دهد. چنین کسی دارای انحراف دل است و این انحراف حاصل اعمال بد و گناه و معصیت است.

۱ . تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۲۰ و تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۵۱، چاپ‌خانه

مدرسه امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام، قم، ۱۳۶۷ ش.

۲ . سوره شمس، آیه ۸.

۳. دنیا طلبی

دنیا پدیده‌ای است آفریده خداوند، که برای استفاده و بهره‌وری انسان‌ها خلق شده است تا انسان در سایه مواهب طبیعی آن مسیر تکامل را طی نماید، اما کوشش برای توسعه زندگی و افزایش ثروت تا جایی مطلوب است که عناوینی دیگر مثل راحت طلبی و تجمل پرستی، برتری طلبی و فزون خواهی صدق نکند. اگر یکی از عناوین یاد شده بر آن منطبق شد یا انسان را از وصول به زندگی معنوی محروم ساخت قطعاً ناپسند است و باعث غفلت انسان از خداوند و ولیّ خدا امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام خواهد شد.

۴. رواج مفاسد اخلاقی

گریزه جنسی نیرویی سرکش و آتشی سوزان است که به طور نامرئی در درون همه به خصوص جوانان شعله می‌زند، این نیروی شگرف اگر در کانال صحیح و کادر قانون مورد بهره‌برداری قرار گیرد، نتیجه‌اش بقاء نسل، گرمی کانون خانواده، زندگی پر از صفا و محبت و خلاصه سعادت و نیک‌بختی است و اگر به طور مهار گسیخته و هوس‌های شیطانی درآید زندگی معنوی خود را از دست می‌دهد و دچار غفلت از خدا و اولیای خدا می‌گردد همان طور که امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: ابتدای شهوت شادی است و پایان آن هلاکت و نابودی است.^۱

۱. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۳ و غرر الحکم، ج ۶، ۶۹۴۶.

۵. هم‌نشینی با گناهکاران

دوستی و رفاقت با افراد شایسته یکی از عوامل بزرگ خوشبختی و سعادت و... و هم‌نشینی و رفاقت با اشخاص آلوده و ناپاک، یکی از علل سقوط و تیره‌روزی افراد به شمار می‌رود. امام صادق علیه السلام فرمود: «پدرم در ضمن مواظ خود به من فرمود: پسر! هر کس با بدان بنشیند، از گزند آنان محفوظ نمی‌ماند و هر کس در اماکن نامناسب قدم بگذارد، بدنام می‌شود.»^۱

۶. نداشتن الگو و رهبر الهی

به تعبیر جامعه‌شناسان، انسان‌ها به دلایل مختلف عموماً خود را در زمینه‌هایی با عده‌ای مقایسه و ارزیابی می‌کنند. در این فرایند، انسان ارزش و استانداردهای افراد یا گروه‌های دیگر را به عنوان یک قالب مقایسه‌ای مرجع می‌گیرد. برای یک نظام اجتماعی پایدار، وضعیت ایده‌آل آن است که گروهی که انسان به آن تعلق دارد گروه مرجع مثبت باشد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز اهل بیت خود را به مثابه گروه مرجع به امت معرفی کرده است تا در زندگی فردی و اجتماعی دچار سردرگمی نشوند و به جای سعادت و کمال مسیر ضلالت و گمراهی را پیش نگیرند، اما صد افسوس که دشمنان تلاش می‌کنند تا آن‌جا که ممکن است امت

۱. خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۸۰، چاپ اسلامی، ۱۳۶۰ ش.

را از خاندان عصمت دور نگه دارند و دچار غفلت و گمراهی نمایند.

۷. عدم بصیرت و رشد فکری

بصیرت و رشد فکری یکی از ویژگی‌های یاران خوب امامان معصوم علیهم‌السلام بوده تا با شناخت عمیق از حجت الهی و حق و باطل به امام پیوندند و به سمت جبهه باطل نروند و سر در گم و گمراه و غافل نشوند. البته عوامل دیگری نیز باعث غفلت از حضور امام زمان عجل‌الله تعالی فرجه‌الکرم هست که از حوصله مقاله ما خارج است.

آثار فردی و اجتماعی غفلت

الف: آثار فردی

۱. ناامیدی و یأس. نومیدی و یأس انسان را به تدریج به سوی فساد و هم‌رنگی با محیط می‌کشاند و نمی‌تواند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کند و هم‌رنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی می‌داند. این یکی از آثار غفلت از اصلاح جامعه و مصلح الهی و قیام نجات‌بخش او می‌باشد. پس تنها چیزی که می‌تواند به انسان روح امید بدمد و نگذارد در محیط فاسد حل شود امید به مصلح جهانی است. هنگامی که روزنه امید برای او گشوده شود امید به تغییر وضع موجود، نقطه عطفی در زندگی او ایجاد می‌کند و چه بسا او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت

به سوی پاکی و اصلاح دعوت می‌نماید.

۲. احساس بیهودگی و پوچی. انسان منتظر باور قطعی دارد که تنها نظام اجتماعی عادلانه‌ای که به تمام خواسته‌های مشروع بشری پاسخ داده و منصفانه‌ترین قوانین را برای انسان‌ها آماده کرده است نظام حکومتی اسلام و قانون الهی قرآن است و زیباترین آن در عصر ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الکریم تحقق خواهد یافت و این باعث نشاط زندگی می‌شود و زندگی را ارزشی کرده و انسان را از بیهودگی نجات می‌بخشد. بر خلاف افراد و گروه‌های که از چنین آینده درخشانی غافل‌اند و نتیجه آن جز احساس بیهودگی و پوچی در زندگی چیزی دیگری نخواهد بود.

۳. عدم اصلاح خویش. کسی که منتظر مصلح است، در اصلاح خود می‌کوشد تا برای جامعه ایمانی عنصری مفید، موثر و کارآمد باشد. البته نکته مهم این جا است که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد، باید حتماً در صف اصلاح‌طلبان قرار گیرد. در قبال افراد و مجموعه‌هایی که غافل از این امر مهم حیاتی هستند و بر اثر پندار باطل و توهم واهی گرفتار منجلاب وضعیت موجود گردیده و از اصلاح و خودسازی فردی و اجتماعی دور می‌گردند^۱ و آثار متعدد دیگر مانند: حل

۱. حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم، ناصر مکارم شیرازی، ۱۰۵، چاپ علمی، قم، ۱۳۷۵ ش.

شدن در فساد محیط، کوری دل، مردن قلب، قساوت قلب، ناآرامی روحی و زیان کاری و غیره... که از حوصله بحث ما خارج است.

ب: آثار اجتماعی غفلت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. فساد جامعه. هنگامی که فساد فراگیر می شود و اکثریت یا جمع کثیری را به آلودگی می کشاند گاهی افراد پاک در بن بست سخت روانی قرار می گیرند، بن بست که از یأس در اصلاحات سرچشمه می گیرد و منجر به گسترش فساد و تباهی بیشتر می گردد. تنها چیزی که می تواند در آنها روح امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند امید به اصلاح نهایی و مصلح جهانی است.

۲. همکاری با ستمگران و ظالمان. یکی از آثار سوء غفلت از امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و برنامه های نجات بخش آن بزرگوار گرفتار شدن در دام طاغوت و ستمگران زمان می باشد. همان گونه که شناخت و اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مانع از همکاری شخص معتقد با ستمگران و ظالمان می شود و در برابر حکومت های فاسد تا حد توان پایداری می کند چون او منتظر امامی است که هرگز با ظلم و ستم سازش نکرده، بلکه برای عدالت گستری قیام خواهد کرد.

۳. دوری از مدینه فاضله. یکی از تبعات آشکار غفلت

و بیگانگی از امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام و آرمان‌های جهان‌شمول و عدالت‌گستر آن حضرت، محرومیت جهانیان از برکات مدینه فاضله مهدوی و گرفتار شدن مردم به شعارهای دو مکتب لیبرال دموکراسی غرب و کمونیسم شرق می‌باشند که سالیان متمادی بر افکار و اندیشه سیاسی جوامع بشری تأثیر گذاشته بودند، ولی به مرور زمان یکی پس از دیگری ناکارآمدی خود را نشان دادند و نه تنها بشر را نجات نداده بلکه او را در گردابی از بحران‌های معرفتی، اخلاقی، روانی و تکنولوژی و غیره گرفتار کرده است. بشر امروزه با تجربه گذشته عطش یک طرح و نگاه جدید به جهان هستی دارد و چیزی نمی‌تواند او را سیراب کند مگر طرح (مدینه فاضله مهدوی). نظریه مهدویت یک نظریه جهانی است و این اندیشه نوین برای جهان و اداره آن برنامه و طرح بنیادین و کارساز دارد.

و سخن پایانی این‌که غفلت از وجود مقدس ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام و حاکم الهی نتیجه و اثری ندارد جز:

۱. مردن روح جهاد و شهادت در جامعه؛

۲. افول غیرت دینی؛

۳. حاکمیت مستکبرین؛

۴. عدم امنیت و صلح جهانی؛

۵. سرکوب انقلاب‌ها؛

۶. قبول اسلام آمریکایی؛

۷. سرنگونی حکومت صالحان در جهان؛

۸. ظلم به مستضعفین.

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. حکومت جهانی حضرت مهدی عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ ، ناصر مکارم

شیرازی

۲. فصل نامه انتظار

۳. کتاب انتظار ۱، روح الله شاکری

۴. مصلح جهانی و مهدی موعود از دیدگاه اهل سنت،

سید هادی خسروشاهی

۵. استراتژی انتظار، اسماعیل شفیعی

با توجه به این که بین نبی و رسول تفاوت وجود دارد، بنابراین استدلال بهائیت سلسله رسالت با پیغمبر اسلام خاتمه نمی پذیرد. از این رو از نقطه نظر کیش بهائی، سید علی محمد باب، همان مهدی موعود است که شیعیان ظهورش را انتظار می کشیدند و نیز بهاء الله، از نگاه آنان فرستاده ای است از جانب خدا که سید باب به نام «من یظهر الله» آمدنش را به پیروانش بشارت داده بود.

استدلال بهائیان بر نفی ختم رسالت و تأیید ختم نبوت بر اساس آیه قرآن کریم بسیار ناشیانه و مبتنی بر ناآگاهی از معنای نبوت و رسالت است؛ زیرا نسبت بین نبوت و رسالت از حیث مصداق عموم و خصوص مطلق است. یعنی هر رسولی نبی است، اما هر نبی رسول نیست. بنابراین هیچ رسولی بدون نبوت مبعوث نمی شود. پس ختم نبوت با بعثت پیامبر ﷺ مستلزم ختم رسالت است؛ یعنی کسی که نبی نباشد نمی تواند رسول باشد.

با توجه به آیات متعدد در قرآن کریم مانند **﴿وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ﴾**^۱ که پیامبر اسلام را هم رسول و هم نبی خوانده؛ و هم چنین آیه ای که می فرماید: **﴿فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ﴾** که باز همه مبعوثین را انبیاء خوانده، و نیز آیاتی دیگر، ظهور در این دارد که هر مبعوثی که رسول

۱. سوره احزاب، آیه ۴۰.

به سوی مردم است نبی نیز هست.^۱ بنابراین با ختم نبوت رسالت نیز خاتمه یافته است.

خاتمیت نبوت و رسالت در پیامبر گرامی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله از نگاه قرآن کریم و روایات و اجماع مسلمین یکی از ضروریات دین است و آیه ۴۰ سوره احزاب دلیلی روشن بر این مطلب است؛ چنان که علامه طباطبایی می نویسد: کلمه خاتم به فتح «تا» به معنی چیزی است که با آن، چیزی را مهر کنند و تمام شده اعلام کنند و مراد از «خاتم النبیین» در این آیه، این است که نبوت و رسالت با آمدن پیامبر صلی الله علیه و آله تمام و ختم شد و هیچ پیامبر و دین جدیدی بعد از او نخواهد آمد.^۲

افزون بر آن، آیات دیگری هم ختم نبوت را در پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ثابت می کند، پس دین بهائیت هیچ ربطی با دین ابراهیمی که دین اسلام باشد ندارد و از جانب خدای متعال نیامده است؛ زیرا خداوند می فرماید: «هر کس غیر از دین اسلام، دینی دیگر انتخاب کند از او قبول نمی شود.»^۳ و نیز خداوند متعال فرمود: «تنها دین نزد خداوند، دین اسلام است.»^۴

۱ . سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۱۰، مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ش.

۲ . ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۴۹۰.

۳ . ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۸۵، تهران، دار الکتاب الإسلامیه، ۱۳۶۶ ش.

۴ . سوره آل عمران، آیه ۱۹.

عقیده بهائیان به مهدویت از دین اسلام عاریه گرفته شده است؛ یعنی مهدویت در صورتی قابل پذیرش است که احادیث نبوی مبنی بر بشارت ظهور مهدی در آخر الزمان مورد پذیرش قرار بگیرد. اگر بهائیان ادعا می‌کنند که علی محمد باب همان مهدی موعود است، باید تمام مطالبی که درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در احادیث نبوی بیان شده است را بپذیرند. با پذیرش سایر مطالب مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کذب بهائیان ثابت می‌گردد. یعنی اگر فرض را بر این بگیریم که علی محمد باب به مهدی و ظهور آن حضرت اعتقاد داشته است، این عقیده او باید مبتنی بر همین متون دین اسلام باشد و بدون استناد به آموزه‌های اسلامی هیچ اظهار نظری در حقیقت مهدی و ظهور آن حضرت قابل پذیرش نیست.

در احادیث نبوی و متون اسلامی از علائم قطعی ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته شده که هیچ کدام در زمان علی محمد باب محقق نشده است و بدون محقق شدن این علائم ادعای مهدویت از سوی هر کسی قابل پذیرش نیست، اما رهبران و مبلغان بهائی از لابلای ده‌ها آیه و صدها نشانه ظهور مذکور در روایات، و روایاتی دیگر که در کتب روایی درباره مهدی موعود شیعه رسیده، با تحریف الفاظ و مضامین برخی آیات و روایات که شباهتی جزئی به مقصود آنها داشته و با حذف مطالبی که ضد مقصود آنان بوده است

به خصوص کتاب‌های «ایقان»^۱ و «فرائد»^۲، گاه سید علی محمد باب و گاهی میرزا حسین علی نوری را مصداق مهدی موعود قرار داده‌اند.

بررسی نکاتی از همین متن ارائه شده به عنوان مدعی بهائیان کافی است تا روشن شود آنچه بهائیان در توضیح احادیث قائمیت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف آورده‌اند تنها تلاشی برای اثبات مدعی دروغین آنان است.

بهائیت مدعی است که طبق وعده‌های قرآن و احادیث قائم موعود حضرت باب در شب پنجم جمادی الأولى سال ۱۲۶۰ ق قیام و دعوت خود را که آن را قیام قیامت می‌داند. آغاز نمود، اما ادعای باب به هیچ وجه با وعده‌های قرآن و احادیث قائم موعود مطابقت ندارد؛ زیرا در احادیث به مشخصات موعود منتظر مسلمین کاملاً تصریح شده است که هیچ کدام بر علی محمد باب انطباق ندارد.^۳

آن حضرت در سال ۲۵۵ قمری در شهر سامره متولد شده، پدرش امام حسن عسکری علیه السلام و مادرش نرجس خاتون است، غیبت طولانی خواهد داشت که مردم بسیاری دچار حیرت و سرگردانی شده و از اعتقاد به او برمی‌گردند و بقیه بر عقیده خود ثابت مانده، روز و ماه و سال ظهور او را هیچ کس

۱. اثر میرزا حسین علی بهاء الله.

۲. اثر میرزا ابوالفضل گلپایگانی.

۳. ر.ک: محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۸۴.

جز خدا نمی‌داند. آن گاه در روزی که تمام کره زمین را ظلم و ستم فرا گرفته و بشریت دادرسی نداشته باشد که به داد آنها برسد، خداوند متعال او را در شهر مکه آشکار می‌نماید و نخست سیصد و سیزده نفر از اطراف شتافته و در آنجا حضور یافته و صبح آن روز با وی به منظور ریشه‌کن ساختن اساس ظلم و فساد و اصلاح جهان و تشکیل حکومت واحد جهانی و عدالت اجتماعی بیعت می‌کنند.

سپس جبرئیل با صدایی که تمام اهل عالم هر کس به لغت و زبان خود آن را می‌شنوند، ظهور او را اعلام نموده و نام او و پدرش را می‌برد، آن گاه آن حضرت از مکه حرکت نموده و به کوفه و نجف می‌آید و در آن جا با لشکری که حداقل ده هزار نفر مردان فداکار و باایمان خواهند بود، قیام می‌کند، هر جا گردن‌کشی و رئیس دولتی و قوم ظالم و بیدادگری باشد همه را نابود ساخته و شهرهایی را فتح نموده سپس به نجف برگشته و سلطنت می‌کند. حضرت عیسی روح الله از آسمان فرود آمده و با وی نماز می‌گزارد، و آن حضرت دجال و سفیانی را به قتل می‌رساند دینش همان دین اسلام و احکامش احکام پیغمبر و کتابش قرآن مجید است...، در نتیجه قیام وی، همه در صلح و صفا و امن و آرامش با آسایش زندگی می‌کنند.^۱

۱. مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار، مقدمه، ص ۱۶۸.

افزون بر این مطالب علی محمد باب ظهور خود را به عنوان ظهور مهدی، بر قیامتی تطبیق نموده که در دین اسلام و سایر ادیان ابراهیمی از آن سخن گفته شده است. با این که قیامت معنای واضحی دارد علی محمد باب خود را در برابر این آموزه انکارناپذیر ادیان توحیدی به تمسخر گرفته و مطالبی باطل را که هیچ ریشه‌ای عقلی و نقلی ندارد به خورد پیروانش داده و می‌گوید: مراد از یوم قیامت ظهور، شجره حقیقت است و مشاهده نمی‌شود که احدی از شیعه یوم قیامت را فهمیده باشد، بلکه همه موهوماً امری را توهم نموده که عندالله حقیقت ندارد و آنچه عندالله و عند عرف اهل حقیقت مقصود از یوم قیامت است این است که از وقت ظهور شجره حقیقت در هر زمان به هر اسم الی حین غروب آن یوم قیامت است؛ مثلاً از یوم بعثت عیسی تا یوم عروج آن قیامت موسی بود...، و از حین ظهور شجره بیان الی ما یغرب قیامت رسول الله است که در قرآن خداوند وعده فرموده که اول آن بعد از دو ساعت و یازده دقیقه از شب پنجم جمادی الأول سنه هزار و دویست و شصت که سنه هزار و دویست و هفتاد بعثت می‌شود اول یوم قیامت قرآن بوده و الی غروب شجره حقیقت قیامت قرآن است...^۱

از همه اینها که بگذریم علی محمد باب بعد از ادعای

۱ . بیان فارسی باب اول از واحد الثانی، شیرازی باب علی محمد، نسخه مخطوط انحصاری.

مهدویت، ادعای نبوت کرده است و دین اسلام را با این ادعا انکار نموده است. مثلاً: باب در نامه‌ای که به مفتی بغداد (سید محمد آلوسی) می‌نویسد، در آن جا آشکارا نبوت خود را اظهار می‌کند: «به تحقیق مبعوث کرد مرا خداوند آن طوری که محمد. صلی الله علیه و آله. را مبعوث کرد.»^۱ و همین ادعا را بهاء الله بارها در کتاب‌های خود اظهار کرده است؛ چنان‌چه در کتاب «اقتدار» صفحه ۲۱۲ به پیامبری خود اشاره کرده است: «ای خدای من! آنان را دعوت نکرده‌ام جز به چیزی که تو مبعوثم کرده‌ای و اگر گفتم بیااید به سوی من، نظری نداشتم جز چیزی که تو به او اظهار ساخته‌ای و مبعوث کرده‌ای.^۲ این عقیده علی محمد باب، مهدی بودن او را نفی می‌کند.

سران بهائیت به این مقام نیز قانع نشده و سر از ادعای الوهیت در آوردند. علی محمد باب در نامه‌ای که به صبح ازل می‌نویسد در آن جا خود را خدا معرفی می‌کند و یا در کتاب «بیان فارسی» در باب اول واحد اول می‌گوید: «من خدا هستم، جزء من خدایی نیست و من پروردگار همه پدیده‌ها می‌باشم.^۳

۱ . یوسف فضایی، بابی‌گری و بهائی‌گری، ص ۹۲، ناشر مؤسسه مطبوعاتی غربی، چاپ تهران.

۲ . همان، ص ۱۵۹.

۳ . محمد محمدی اشتهاردی، ارمغان استعمار، ص ۱۶۷، ناشر نسل جوان، چاپ اول، ۱۳۹۷ق، قم.

همین ادعا را بهاء الله (حسین علی بهاء) در کتاب «بدیع» صفحه ۱۵۴ و در کتاب «مبین» صفحه ۲۸۶ اظهار کرده است: «به درستی که من الله هستم و نیست الهی غیر از من؛ چنان چه نقطه اولی (باب) قبل از من گفته است.^۱ پس علی محمد باب اگر مهدی است، نبی و خدا نیست و اگر نبی است، مهدی و خدا نیست و اگر خدا است، مهدی و نبی نیست. بنابر این او فقط علی محمد باب شیرازی است که تمام ادعاهای او کذب محض است.

از توجه به مطالب فوق و ادعاهای بی پایه و غیرمعقول علی محمد باب، وضعیت «من یظهره اللهی» بودن حسین علی بهاء نیز روشن می شود. کسی که اصل ادعای او کذب و باطل باشد بشارت های او نیز باطل و غیرمعقول خواهد بود. افزون بر این، از بیانات خود علی محمد باب این مطلب ثابت می شود که حسین علی بهاء نمی تواند مصداق «من یظهره الله» باب باشد؛ زیرا علی محمد باب در مورد ظهور «من یظهره الله» سه گونه سخن می گوید:

۱. موعودی که هیچ کس از ظهورش آگاه نیست وقت ظهور من یظهره الله را جز خداوند کسی عالم نیست.^۲
۲. موعودی که در آینده ای بسیار دور خواهد آمد، به تعیین

۱. حسن مصطفوی تهرانی، محاکمه و بررسی باب و بهاء، ص ۷۲، بی نا، ۱۳۴۴ ش.

۲. بیان، باب ۵ از واحد هشتم.

وقت ظهور من یظهره پرداخته و آشکارا می نویسد: «اگر در عدد غیاث» ظاهر گردد و کل داخل شوند احدی در نار نمی ماند و اگر الی مستغاث رسد و کل داخل شوند احدی در نار نمی ماند.

بنابر این «من یظهره الله» باید پس از ۱۵۱۱ (به عدد کلمه غیاث) و یا ۲۰۰۱ سال (به عدد کلمه مستغاث) که از ظهور باب بگذرد، ظاهر خواهد شد.^۱ باب در کتاب «بیان» می گوید که عمر عالم، از زمان آدم تا ظهور او ۱۲۱۲۰ سال می باشد! و از آن جا که باب هر هزار سال از عمر جهان را يك سال می داند، لذا خود را جوان دوازده ساله ای دانسته و من یظهره الله جوان ۱۴ ساله و این مبین این است که «باب در پیش خود عصر من یظهره الله را قریب دو هزار سال بعد از عصر خود فرض می کرده است.^۲ با توجه به این مطالب «من یظهره الله» باب باید هزار و هشت صد سال بعد ظهور کند.

۱. بهائیان، سید محمد باقر نجفی، نشر مشعر، قم، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۸۴.

۲. کتاب بیان، باب ۱۳، از واحد سوم.

شماره های پیشین دفع و رفع:

- ۱- شبهات انتخابات
- ۲- شبهات مجلس خبرگان
- ۳- شبهات شورای نگهبان
- ۴- شبهات علوم و معارف قرآن
- ۵- شبهات مقاومت و فلسطین
- ۶- انتخابات ریاست جمهوری
- ۷- شبهات غدیر
- ۸- شبهات اربعین
- ۹- شبهات فاطمیه
۱۰. شبهات انقلاب اسلامی
۱۱. شبهات قرآن و علوم
۱۲. شبهات پیامبر اعظم ﷺ